اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَيْهِ

الحمد للّٰه این مجموعهٔ خیر و برکات و وسیلهٔ نجات

صحیفهٔ منیفهٔ ہدیہ و تحفهٔ خیر البریات ؛ اعنی نسخهٔ

دلائل الخیرات

بکمال شوق و ذوق باہتمام جناب قاضی عبد الکریم و جناب

قاضی رحمت اللّٰه صاحب ادام اللّٰه برکاتہما سنه ۱۳۰۵

در مطبع فیض منبع فتح الکریم واقع بمبئی طبع شد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله والسلام علی عباده الذین اصطفی اما بعد ...

سبب تالیف

بسم الله الرحمن الرحیم

ابو عبدالله بن سلیمان جزولی سملالی شاذلی قدس سره با جماعه تلامذه
روزی وقت ظهر بدیهی رسید کسیکه ازو آب وضو طلب ندید متردد انه گرد
چاهی دور زدن آغاز فرمود از نبودن دلو و رسن حیرت بر ویش افزود
دختری هشت یا نه ساله از غرفهٔ خانهٔ خودش بدید مضطربانه باعث بیقرار
گردیدنش پرسید نام و نشان و فضل شان خود بیان نمود و نیافتن آب وضوء و
قلت هنگام ظهر سبب ازدیاد تحیر فرمود دختر گفت اظهار این عظمت و بزرگی قابل
حاجت برآری توفیت صبر کن که آب چاه بی دلو و رسن برآمدن اختیار توفیت
از غرفه لب چاه رسید و بدهن چاه دم بدمید تا حالت جوشیدگی آب در چاه سار شد
و مانند رود بزرگ بگردش جاری دختر طرف غرفه خانه باز رفت و بفور الفراغ وضو نماز
بعده بدر خانهٔ دختر رسید و تختهٔ درش کوبید از اندرون خانه آوازی آمد که کیست گفت

سبب تالیف

بواسطهٔ خدای برتر و شافع محشر اگر بدر خانه رسی پرسید فی پرسم تا بدانی که چیست دختر از خانه بر در آمد و او در سخن بد ختر که قسمت بخدای جلّ و علا و رسول اکرم و رسالت و شفاعت وی صلی اللہ علیہ وسلم و آل مکرّم و ازواج مطهرات و اصحاب محتشم این مرتبه بچه چیز یافتهٔ زود بگو که زورق دلم در گرداب حیرت انداختهٔ دختر کرد آه و گفت واللہ واللہ اگر ای فضول سوگند خدا و رسول ندادی هرگز باظهار این راز مخفی با تو نمیشدم هادی یافته ام اینمرتبه بحاصل کردن تاثیر یک درود بهمین باعث و قدس سره بر تالیف دلائل الخیرات توجه تمام فرمود کذا فی شرح شیخ زروق قدس سره و از بزرگی شنیدم که رفت مؤلف از آن دیهه بجانب وطن مالوف و گشت یکسال بفراهم آوردن درودها مصروف و باز آمد بدر خانه دختر و خواند درودها و مجتمع خود پیش آن نیک اختر تا معلوم کند که درودیکه به برکتش آب از چاه بر آمد درین درودهای مؤلفه یکساله در آمد دختر شنیده گفت نی مؤلف مجوبانه بر رو آوردی تا هر سال درودها جمع نمودی و بر دختر رسیده برخواندی و بپاسخ همون آتش در کاسه یافتی و بمسکن بشتافتی سال هشتم که حزب آخر این نسخه متبرکه جمع شد و دختر خوش سیرت را بسمع گفت تمام الفاظ آن درود متفرق در جمله حاصل شد کتاب آمد و

این مؤلف را جمعیت باطن باصغاء این جواب

من سعادت علی عفا اللہ عنه

ستوطن کنتره کمتیسر ضلع

میرٹھه ۱۲

طریق خواندن دلائل الخیرات موافق اجازت شیخ الدّلائل سیّد محمّد رضوان المدنی

که برای سهولت خواندن قاری قسمت کرده شد این را بر هشت حزب و چهار ربع و سه ثلث و دو نصف پس باید که بخواند در هفت یوم برای حاصل مطلبها و برآمدن حاجتها در هر روزی یک حزب و آنچه در او است از ربع و ثلث و نصف و ختم کند در روز هشتم بهر طور که میشود و هر جا که باشد اگرچه در بازار باشد و مقدار ثواب آن مقدار ثواب ختم قرآن است پس چون فارغ شود از خواندن هشت حزب بموجب قسمت باید که بلا فاصله بطریق ختم قرآن سورهٔ الحمد و اوّل سورهٔ بقر تا آخر آیهٔ مفلحون بخواند بعد آن دستهای خود را بدعا بسوی خدا بلند کند و ببخشد ثواب آن بروح پاک پیغمبر صلّی الله علیه و آله و سلّم و به آل رض و اصحاب رض او و بهمهٔ انبیاء و اولیاء رض و مشایخ رض و بروح شیخ

جزولی رض و طلب نماید حاجتهای خود را
از الله تعالی که روا
گردد انشاء
الله
تعالی

وقت مرگ بکلمهٔ شهادت جاری گردد و زبان او را … جان فانی …
و خمی موت و … آن …
که درود او … بحضرت آدم و حضرت موسی و حضرت ابراهیم و حضرت …
و حضرت نوح و دیگر انبیاء و ملائکه مقربین تعلق دارد و در …
خواندن آن ارواح انبیا و ملائکه علیهم …
و علیهم الصلوة والسلام متفرح و محفوظ …
الصلوة والسلام … شوند و در دنیا و آخرت …
این کتاب … چه بهتر خواهد بود و دعا …
دولت … کتاب مندرج است و در خواندن …
و درین کتاب … اجابت و استجابت حاصل …

طرق وظائف دلائل الخیرات از روی اسناد بترتیب مدارج هر طریقه مرقوم است خواننده را هرکدام ازین میسّر آید مواظبت نماید

اگر کسی در هفت روز یک ختم کند اسمش داخل ذاکرین گردد

حزب اوّل بروز دوشنبه	حزب دوم بروز سه‌شنبه	حزب سیّوم بروز چهارشنبه
حزب چهارم بروز پنجشنبه	حزب پنجم بروز جمعه	حزب ششم بروز شنبه
حزب هفتم بروز یکشنبه و بروز دوشنبه حزب هشتم را تمام نمود متصل آن نود و نه نام مبارک آنحضرت بعده حزب اوّل در همان روز بخواند	نوع دیگر اگر کسی در چهار روز یک ختم کند اسمش داخل صباحین گردد	فصل فی کیفیة الصّلوة تا والحمد للّه ربّ العالمین که قبل الحمد للّه علی حلمه است
روز دوم از الحمد للّه علی حلمه تا حسن اولئک رفیقا الحمد للّه ربّ العالمین	روز سیّوم از اللّهم صلّ علی محمّد نور الهدی و تا آخر دعوانا ان الحمد للّه ربّ العالمین	روز چهارم از فاسئلک یا اللّه یا اللّه یا اللّه یا اللّه تا آخر کتاب
نوع دیگر اگر کسی در سه روز یک ختم کند اسمش داخل اصحاب یمین گردد	فصل فی کیفیة الصّلوة تا والوالدین و لجمیع المسلمین الحمد للّه ربّ العالمین	روز دوم از اللّهم صلّ وسلّم و بارک علی سیّدنا محمّد تا الهم باحسان الی یوم الدّین الحمد للّه ربّ العالمین
در سیّوم از اللّهم ربّ الارواح والاجساد البالیة تا آخر کتاب	نوع دیگر اگر کسی در دو روز یک ختم کند اسمش داخل ابرار گردد	روز اول از فصل کیفیة الصّلوة تا حسن اولئک رفیقا والحمد ربّ العالمین
روز دوم از اللّهم صلّ علی محمّد نور الهدی تا آخر کتاب	نوع دیگر اگر کسی هر روز یک ختم کند اسمش داخل مقربین گردد	نوع دیگر اگر کسی هر روز جمعه یک ختم تمام کند اسمش داخل مقبولین گردد

و بهر دعا … استجابت … گردد و بنده و فضلو …
کرده اند و درین کتاب … استطاب مسطور …
دروی که از بزرگان … آنرا برگزیده …
هر یک بزرگی … عالیه و مقامات متعالیه …
وار و بدرجات … رسیده خواص آنرا مفصل …
و در دنیا و آخرت … فضائل البرکات علی دلائل …
و در شرح … بزرگان … تفصیل …
الخیرات … در اینجا … اختصار …
باشد … هر کس که خواننده …
… دلائل الخیرات باشد در ثواب این
رغبت نماید و از ادراک منافع آن
محروم نماند هر طالبی که شب جمعه بعد
از نماز عشاء در گوشهٔ پاک بر بساط
پاک در لباس پاک خود را معطر
نموده بحضور قلب با وضو بسمت
قبله نشسته هزار بار
اللّهمّ صلّ علی سیّدنا محمّد عبدک و نبیک و حبیبک و
رسولک النبی الامی و علی آله
و بارک وسلّم هزار بار
صلّی اللّه علی النبی الامی خوانده درود
گویان در خواب رود بر زمین پاک نشست
پوشد البته اول یا دوم یا سیوم یا هفتم
شب بجمال با کمال سید المرسلین صلی اللّه
تعالی علیه و آله و اصحابه وسلّم مشرف
گردد چنانچه بسیاری از بزرگان این را
تجربه کرده اند و طریقهٔ رویت جناب
آنحضرت صلی اللّه علیه وسلّم زیاده
از هفتاد عدد در فضائل البرکات
شرح دلائل الخیرات جمع نموده از
انجا باید گرفت خواص این
درود
اللّهمّ صلّ وسلّم علی سیّدنا

محروم نمانند هر که این درود را در وقت
خفتن هزار بار بخواند اگر در دل صمیم دارد
که بدولت رؤیت النبی عزتر آنه در خواب بدولت رؤیت
حضرت رسالت پناهی صلعم بهره ور
شود البته در اربعین باین دولت و
بهمین نعمت متین سرفراز شود
و دیگر استعداد و صافی و شوق وافی داشته
باشد چه عجب که در هفته باین سعادت
مستسعد گردد و اگر بر کشتی و جهاز این
درود تعیینا سه صد بار هر روز

از فضائل و فوائد آن من کل الوجوه
منافع این درود بنهایت نشود تا قاری
کله ولا یترک کله قدری از خواص و
عاجز است و لیکن بحکم ما لا یدرک
شارح ایجاز آن نوشته شد که قلم از تحریر آن
صفاء و تحفه اداء خواص این درود را
اللهم صل علی سیدنا محمد صلوة تکون لک
الخیرات فی الحیات و بعد الممات
الدرجات و تبلغنا بها اقصی الغایات من جمیع
من جمیع السیئات و ترفعنا بها عندک اعلی
و تقضی لنا بها جمیع الحاجات و تطهرنا بها
تنجینا بها من جمیع الاهوال و الآفات
و علی آل سیدنا محمد صلوة

اَسماءُ	اَللهُ جل	اَلرَّحمٰنُ جل	اَلحُسنیٰ
اَلرَّحِیمُ جل	اَلمَلِکُ جل	اَلقُدُّوسُ جل	اَلسَّلَامُ جل
اَلمُؤمِنُ جل	اَلمُهَیمِنُ جل	اَلعَزِیزُ جل	اَلجَبَّارُ جل
اَلمُتَکَبِّرُ جل	اَلخَالِقُ جل	اَلبَارِئُ جل	اَلمُصَوِّرُ جل
اَلغَفَّارُ جل	اَلقَهَّارُ جل	اَلوَهَّابُ جل	اَلرَّزَّاقُ جل
اَلفَتَّاحُ جل	اَلعَلِیمُ جل	اَلقَابِضُ جل	اَلبَاسِطُ جل
اَلخَافِضُ جل	اَلرَّافِعُ جل	اَلمُعِزُّ جل	اَلمُذِلُّ جل
اَلسَّمِیعُ جل	اَلبَصِیرُ جل	اَلحَکَمُ جل	اَلعَدلُ جل
اَللَّطِیفُ جل	اَلخَبِیرُ جل	اَلحَلِیمُ جل	اَلعَظِیمُ جل

اسماء الحسنی

بخواند از جمله مخوفات جهاز و دریا امان
از آفت خلل ایشان محفوظ باشد و اکثر
طوفان نوح قائم گردد کشتی ایشان اصل
مراد برسد و جهاز از غرق و حرق و عیب
و نهیب حق سبحانه و تعالی در حفظ و
وارد و بجوار رحمت ایزدی بکنار مقصود واصل
گرداند مجرب است و نیز منقول است
از جناب حضرت غوث الصمدانی شاه محی الدین
محبوب سبحانی حضرت عبد القادر جیلانی
سید ابو محمد شیخ عبد القادر جیلانی
فرمان است که هر که در وقت مبارکه درود
هر روز سه صد بار بلاناغه خواص و درخواندن
این درود سبحی و چهل بسم بحصول
انجام مراد از جمله بعشر گردد و بجمله مهمات
تجاری حاصل و مرادات بکونین بلا تعب
و اینها اما وضو
استقبال قبله شرط است
و کلام درمیان نکند
والله ذو الفضل العظیم

الغفور

زبده
شرح دلائل الخیرات

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و ثنای گوناگون و سپاس و ستایش
از حد افزون سزاوار حضرت منعمی است که
از جملهٔ عالم بوقلمون مثال نوع
بشر را از فضال خلعت ولقد کرّمنا بنی
آدم مشرف ساخته و برای اجتبا را افتخار
ادم مشرف ساخته و علی اله الابرار
آدم صلی الله علیه و آله و سلم و علی لوای لولاک
تمام رسل این نوع عالی بنا را لوای لولاک
و جمیع اخیار این نوع
لما خلقت الافلاک برافراخته و ارسال
تحفهٔ درود و تحیت در بود لایق بدرگاه ملایک
بارگاه شاهنشاهی است که در بزم انبیاء
عظام و اولوالعزم کرام کوس ناموس
ولد آدم بنواخته و ابلاغ هدیهٔ تسلیم و تکریم
بجناب واجب التعظیم آل و اصحابش نیز
که جن و انس طوق محبت شان قمری اسا در
گلو انداخته اما بعد بر ضمائر اهل نظایر
ظاهر و پیداست و بر خواطر گل چینان گلشن
سرائر واضح و هویدا که بهترین او قاتی که
نقد عمر گران مایه در آن مصروف شود
واشرف جهانی که عنان همت اهل
بصیرت بدان معطوف بود استغراق
بذکر الهی است و اشتغال به درود
حضرت رسالت پناهی و اگرچه درود
سافتن بر درود سبب
حصول سعادت دو جهانی است
و واسطهٔ کشف انوار ربانی
و منشاء انکشاف اسرار عجیبه است
و وسیلهٔ ظهور آثار غریبه اما صلوة
مسمی بدلائل الخیرات بغایت
مقبول است بجناب سرور کائنات
و علامت قبول آن کثرت قرائت
وی است

الغفور جل	الشكور جل	العلي جل	الكبير جل
الحفيظ جل	المقيت جل	الحسيب جل	الجليل جل
الكريم جل	الرقيب جل	المجيب جل	الواسع جل
الحكيم جل	الودود جل	المجيد جل	الباعث
الشهيد جل	الحق جل	الوكيل جل	القوي جل
المتين جل	الولي جل	الحميد جل	المحصي جل
المبدئ جل	المعيد جل	المحيي جل	المميت جل
الحي جل	القيوم جل	الواجد جل	الماجد جل
الواحد جل	الصمد جل	القادر جل	المقتدر جل

اسماء الحسنى

اکثر اوقات در اماکن با برکات خصوصا در حرمین شریفین و بجوار روضهٔ منوره سید الکونین و خواندن مجرد الفاظش اگرچه سبب اجر عظیم است
و واسطهٔ تقرب رسول کریم علیه افضل الصلوة والتسلیم اما اگر فهم معانی بود بغایت لذت آمیز است و نهایت شوق انگیز و تمام حضور دل مقصد عالیست در تمام طاعات حاصل غنیمت در خواندن صلوة مذکور چنین یعنی کاتب این حروف برین کمترین خدام

الْمُقَدِّمُ	الْمُؤَخِّرُ	الْأَوَّلُ	الْآخِرُ
الظَّاهِرُ	الْبَاطِنُ	الْوَالِي	الْمُتَعَالِي
الْبَرُّ	التَّوَّابُ	الْمُنْتَقِمُ	الْعَفُوُّ
الرَّؤُوفُ	مَالِكُ الْمُلْكِ	ذُو الْجَلَالِ	وَالْإِكْرَامِ
الْمُقْسِطُ	الْجَامِعُ	الْغَنِيُّ	الْمُغْنِي
الْمُعْطِي	الْمَانِعُ	الضَّارُّ	النَّافِعُ
النُّورُ	الْهَادِي	الْبَدِيعُ	الْبَاقِي
الْوَارِثُ	الرَّشِيدُ	الصَّبُورُ	الصَّادِقُ
	السَّتَّارُ		

مشتاقان
درود نبوی محمد فاضل بن
محمد عارف سیف
الدین دهلوی
پس
از آن مدتی بتوفیق
خداوند غنی صلوة مذکوره را
شرح
نوشته بعبارت
عربی

یا منعم
جل

اسماء الحسنی

یا رب
جل

مشتمل
برفواید جلیه وبیان
معانی خفیه لکن منتفع نبود
از و مگر عالم بقواعد عربیه و اهل
عقول زکیه پس بنابر آن
بحسب درخواست
بعضی از
دوستان جانی و
برادران ایمانی که طالبان
فهم معانی و راغبان سلک
آسانی بودند و برای ترقیم
شرح فارسی این
پر بضاعت را

که بایست می نمودند درست
حکم خداوند تعالی برای طلب توفیق بعد
چند روز مترجم گردید ضعیف ایمانی
انجام این امر شریف
کرده شد
ترجمه الفاظش بعبارت بی تکلف
بزبان فارسی شده و بیشتر فواید و دقائق و تنبیهات
الهامی و تحقیقات بغایت که مناسب حال بود هم
بجهت اختصار و اکثر بسیر و شمایل سید
الانام علیه الصلوة والسلام از کتب
معتبره بر آورده ۱۳۰۹ ۲۶

دعا

دعاء يقرأ قبل الشروع في دلائل الخيرات

این دعاست که خوانده میشود قبل از شروع نمودن دلایل خیرات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدائیکه مهربان و بخشاینده است

الهي بجاه نبيك سيدنا محمد صلى الله

بار خدایا ببرکت پیغمبر تو که رئیس مایان است محمد درود فرستد خدای

عليه وسلم عندك ومكانته

بر وی و سلام که نزد تست و بمنزلت او

لديك ومحبتك له ومحبته لك

که نزد تست و دوست داشتن تو برای او و دوست داشتن او برای تو

وبالسر الذي بينك وبينه

و برازی که آن میان تو و میان اوست

اسئلك ان تصلي وتسلم عليه

سؤال میکنم ترا آنکه درود فرستی تو و سلام بر او

وعلى آله وصحبه وضاعف اللهم

و بر آل او و یاران او و دوچندان گردانی بارخدایا

محبتي فيه وعرفني بحقه ورتبه

دوستی من در حق او و شناسا کنی مرا بحق آن و بمرتبه او

وشروع کرده مؤلف قدس سره تالیف خود را که امریست عظیم بقول خود
صلی الله علیه وآله وسلم وعلی آله الازکیاء
از برکت کثرت درود او برسر و ابنی
ممکن برسید بمشام مردم صلی
وثابت شده که از قبر مبارک آنحضرت بوی
تم تعلق فیض ظاهر و باطن هم یابند
برای زیارت او ازدحام نمایند و از قبر
دفن کرده بودند مردم در مراکش
از قبر بیرون نموده یافتند او را بمحاله
در ریاض العروس وجعل برای نقل
نموده او در الجماز مراکش دفن کردند
وبادیه بعد از بیست و هفت سال نقل
در شهر سوس بعد حسرت و افسوس
هجرت و دفن کردند و در

بسم الله الرحمن الرحیم

یعنی بنام خدای که مهربان و بخشاینده است شروع میکنم این کتاب را بنام دیگری یا بنام او میخوانم این کتاب را یا تالیف میکنم

بیت

ای نام تو بهترین سرآغاز
بی نام تو نامه کی کنم باز

آرایش نامهاست نامت

الشروع

آرایش صحیفه‌ها کلامت
الله علم است مر ذات واجب الوجود را که موصوف است بجمیع صفات کمال و منزه است از سمات نقصان و زوال و ... این اسم مبارک اخص و اعظم است از سایر اسماء و ... این اسم ذات است و رحمن و رحیم از اسماء صفات است و لفظ رحمن مشتق اند از رحمت و صفت کرده و بلاغت است خاص است که حق سبحانه و تعالی بمؤمنان و کافران رحمت کننده است بعطا نعمت و صحت بدن و وجود ... در دنیا و آخرت ...

وَوَفِّقْنِي لِاتِّبَاعِهِ وَالْقِيَامِ بِأَدَبِهِ
و توفیق ده مرا برای پیروی کردن او و بپا نمودن ادب او
وَسُنَّتِهِ وَاجْمَعْنِي عَلَيْهِ وَمَتِّعْنِي
و طریقه او و جمع کنی بهمت مرا بر او و برخوردار گردانی مرا
بِرُؤْيَتِهِ وَأَسْعِدْنِي بِمُكَالَمَتِهِ
بدیدن او و نیکبخت کنی مرا با همکلامی او
وَارْفَعْ عَنِّي الْعَوَائِقَ وَالْعَلَائِقَ
و بردار از من چیزهارا که بازدارند و علائق
وَالْوَسَائِطَ وَالْحِجَابَ وَشَنِّفْ
و واسطهارا و پرده هارا و زیوردار کنی
سَمْعِي مَعَهُ بِلَذِيذِ الْخِطَابِ وَهَيِّئْنِي
گوش مرا همراه او بالذیذترین خطاب و مهیا کنی مرا
لِلتَّلَقِّي مِنْهُ وَأَهِّلْنِي لِخِدْمَتِهِ
برای ملاقی شدن از او و سزاوار کن مرا برای خدمت او
وَاجْعَلْ صَلَاتِي عَلَيْهِ نُورًا نَيِّرًا كَامِلًا
و گردان درود خواندن من بر او نوری روشن کامل
مُكَمِّلًا طَاهِرًا مُطَهِّرًا مَاحِيًا كُلَّ ظُلْمٍ
کامل کننده پاک پاک کننده درحالیکه محو کننده هر ظلم

... و در دنیا از جهت روزی و صحت و نعمت ... و در آخرت ... صلی الله علیه وآله وسلم ... بالمؤمنین رؤف رحیم ... و مخصوص است بمؤمنان در رحمت و رقت ... حق تعالی مراد او ... تفصیل ... مؤلف ابتدا نمود ... باسلوب قرآن عظیم ... متابعت

وظلمة

وَظُلْمَةٍ وَشَكٍّ وَشِرْكٍ وَكُفْرٍ وَزُورٍ وَ

و تاریکی را و گمان و شرک و کفر و دروغ و

وِزْرٍ وَاجْعَلْهَا سَبَبًا لِلتَّمْحِيصِ وَمَرْقًا

و گناه را و گردان آنرا سبب برای خالص شدن و پایهٔ نردبان

لِأَنَالَ بِهَا أَعْلَا مَقَامِ الْإِخْلَاصِ وَ

تاکه برسم بآن بلندترین مقام اخلاص و

التَّخْصِيصِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي رَبَّانِيَّةٍ لِغَيْرِكَ

خصوصیت را تا آنکه باقی نماند در مقام بزرگی که برای غیر تست

وَحَتَّى أَصْلُحَ لِحَضْرَتِكَ وَأَكُونَ مِنْ أَهْلِ

و تا آنکه قابل و سزاوار شوم برای جناب تو و میشوم از اهل

خُصُوصِيَّتِكَ مُسْتَمْسِكًا بِآدَابِهِ صَلَّى

خصوصیت تو درحالتیکه چنگ زننده ام بآداب آنحضرت درود فرستد

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُسْتَمِدًّا مِنْ حَضْرَتِهِ

خدا براو و سلام درحالتیکه مدد خواهنده ام از جناب او

الْعَالِيَةِ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَحِينٍ يَا اللهُ

که بلند است در هر وقت و هر زمان ای پروردگار من

يَا نُورُ يَا حَقُّ يَا مُبِينُ ثلثا

ای روشن کننده ای درست کننده ای ظاهر کننده

دانسته شمال نفرموده رسول کریم صلی الله علیه واله وسلم که در حدیث شریف آمده
هر کاری که ابتدا بنام او درست ان او باشد و
از برای شرف و منزلتی در میان مردمان
نبود و ابتدا کرده نشود در آن بنام خدا
بیعیا آن کار ناتمام و ابتر بود
فایده
در در النظم حدیثی نقل کرده که هر که یکبار
بصدق دل تسمیه بگوید حق سبحانه و تعالی
هر حرفی چهار هزار نیکی در دفتر عمل او
ثبت فرماید و چهار هزار بدی از دفتر
وی محو نماید فایده
در در النظم میگوید که بعضی از اهل معرفت
گفته اند که در تسمیه نوزده حرف است چون
زبانیهٔ دوزخ نیز نوزده اند پس چون
بنده مومن تلفظ به تسمیه نماید حق تعالی
دفع کند به هر حرفی یک زبانیه را و نیز ارباب
گناه هر چهار نوع است در دو زبان و کلمات
و هر یک پنهان باشد یا آشکار او کرده
تسمیه نیز چهار است پس هر کس
لفظ به تسمیه کند از روی اخلاص حق
تعالی بیامرزد هر چهار نوع گناه او

و از بعضی اکابر منقول است
هر که دوازده هزار بار تسمیه بخواند
و بعد از هر هزار بار دو رکعت نماز
بگذارد و بعد از تمام کردن از خدای
تعالی حاجت خواهد حاجت وی برآید
ان شاء الله تعالی دقیقه
در تفسیر بحر المواج آورده که خدای
تعالی را سه هزار نام است هزار نام
فرشتگان دانند و هزار دیگر را
بجز انبیا نخوانند و هزار دیگر را
بجز خدای تعالی ... سیصد در تورات و سیصد در انجیل
و سیصد در زبور و نود و نه نام در قرآن مجید
علم مومنان مشتمل بر یکی کم نوشت
که بسم خدای تعالی مقرون است
و دعوت خدای تعالی با این سه اسم
در تسمیه مذکور است بعد از دعوت آن اسم کو
هزار سطور است و بعضی از مشایخ بعد از
نماز دیگر تا غروب آفتاب یا الله یا رحمن
یا رحیم گویند و دریافت فضیلت که بعوث
اسماء مذکور است جز که ... و سلم
تتمه از عادت علماء اهل مغرب است
که این تسمیه و حمد درود می آید

وصت وستة

تا به بر وجه دوام و اتصال ثابت است مر ضاء بر عز و جل را جهت بوف تخصیص السبهات اقدس وی که بخشنده جمیع نعم است بواسطه یا بلا واسطه بجمیع مخلوقات و خلق بمر کائنات و متصف بجمیع کمالات و بعض کما جاست و خالق انعام بندگان و توفیق ایشان و اقتدار بخشنده بملکات است قوله للایمان والاسلام فایده ایمان در شرع عبارت است از گردیدن و اعتقاد کردن به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از نزد خدای تعالی آورده و به بندگان خدا رسیده و آوردن وحی از یقین و گردیدن خواه بروجه اجمال

طریق

خواندن اسماء مطهره ولفظ سیدنا الحمد لله وحده والصلوة والسلام علی من لا نبی بعده اما بعد بر خاطر عاشقان درود مصطفوی وذاکران صلوه محبوبی مخفی و محتجب نماند که کتاب دلائل الخیرات وردیست که خواندنش مرده دلان غفلت را زنده میسازد ولیکن کتابتش در اکثر جا قبل اسم محمد لفظ سیدنا متروک است اما قاری را بر انسب است که وقت قراءتش لفظ سیدنا بر محمد زیاده ساخته میخوانده باشد وچون که نودونه نام آنحضرت در کتاب مسبوق الذکر مستقبل است برا و لفظ سیدنا و صلی الله علیه و سلم و هر دو بخوانند چنانچه سیدنا محمد صلعم و سیدنا احمد صلی الله علیه و سلم وقس علی هذا الخ و باقی در تمام کتاب بر نام مبارک آنحضرت لفظ سیدنا مزید کرده وطریق خواندن عوام از شیخ الدلائل نیز بدین طریق رسیده چنانچه تفهیما للعوام اینجا بهر سه مرقوم میشود که اگر دال اسم مبارک مفتوح باشد دال سیدنا مفتوح واگر دال محمد مکسور دال و یاء سیدنا مکسور

واگر دال محمد صلی الله علیه و سلم مضموم باشد دال سیدنا نیز مضموم باید خواند وهمچنین بر اسم مبارک هر نبی لفظ سیدنا زیاده سازد چنانچه سیدنا آدم و نیز بر ملائکه عظام لفظ سیدنا زیاده سازد چنانچه سیدنا جبرئیل تا از تعظیم اسماء مبارکه بی بهره نماند و دیگر طریق خواندنش چون بحسب قسمت خود از زیارت رسول ثقلین صلی الله علیه و آله و سلم بهره اندوز گردد از شیخ الدلائل اجازت خواهد و تا تعطیل زیارت از کسیکه مجوز شیخ است تحقیق نموده می خوانده باشد تا اجر عظیم حاصل آید والله الموفق الی سبیل الرشاد قوله الحمد لله حمد در لغت ستایش نمودن است و در اصطلاح وصف کردن است بزبان بر خوبی اختیاری بر وجه تعظیم پس معنی چنین بود که تمامه افراد حمد از هر حامدی بر هر محمودی که باشد در هر بر هر نعمت و بر هر صفت کمال بهر معنی و بهر وجه در هر زمان و هر مکان از ازل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
آغاز میکنم بنام خدائیکه مهربان و بخشاینده است
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى
و درود فرستد خدا بر مهتر و بهتر ما یان که نام پاک و محمد است و بر
اٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ وَسَلَّمَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ
آل او و یاران او و سلام فرستد بر اینها سپاس مر خدای راست خدائیکه
هَدٰنَا لِلْاِيْمَانِ وَالْاِسْلَامِ وَالصَّلٰوةُ
راه نمود ما را برای ایمان و اسلام و رحمت خدایتعالی نازل باد

معلوم شده و گردیدن خواه بروجه اجمال بود چنانکه گویند هر چه محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از نزد خدای آورده حق است یا بطریق تفصیل چنانکه جدا جدا هر حکمی که کرده و هر چیز که آورده ایمان آرند و ایمان اجمالی در جه ایمان تفصیلی تمام و افضل است و باید برای اصل اتصاف بایمان کافی است لیکن دانست که مجرد دانستن صدق پیغمبر و شناختن حق در حصول ایمان کافی نبود تا بمرتبه تصدیق که مراد از آن تسلیم و اذعان است که بفارسی از آن گردیدن گویند نرسد و باطن بر آن آرام و قرار نگیرد تا از حال اهل کفر و عناد که با وجود معرفت حق و دانستن صدق پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از کفر بیرون نرفتند و چنانکه یعرفونه کما یعرفون ابناءهم

و در حقیقت اسم ثمره ایمان و فرع آنست ... آنکه عارف محقق ...

اسلام ... فرق در میان ایمان و اسلام ... عبارت است از انقیاد و اطاعت ظاهری ... ایمان ... و اعمال ... چنانچه ظاهر هویدا است ۱۲

وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ نَّبِيِّهِ الَّذِي

و سلام بر محمد که پیغمبر اوست آن پیغمبری

اسْتَنْقَذَنَا بِهِ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ

که خلاص گردانید خدا تعالی ما را بسبب وی از پرستش بتان

وَالْأَصْنَامِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ النُّجَبَاءِ

و معبودان باطل و بر آل او و یاران او که بزرگان

الْبَرَرَةِ الْكِرَامِ وَبَعْدُ هٰذَا فَالْغَرَضُ

و نیکوکاران و صاحبان کرامت و بزرگی اند و پس از حمد و صلوة پس مقصود و خواست من

فِي هٰذَا الْكِتَابِ ذِكْرُ الصَّلٰوةِ عَلَى النَّبِيِّ

در این کتاب یاد کردن من است درود را بر پیغمبر

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفَضَائِلُهَا

درود فرستد خدا بر او و سلام و فضیلتهای او را

نَذْكُرُهَا مَحْذُوفَةَ الْأَسَانِيدِ

یاد خواهیم کرد درود را در حالتیکه انداخته شده است اسناد او

لِيَسْهُلَ حِفْظُهَا عَلَى الْقَارِئِ وَهِيَ

تا که آسان شود یاد گرفتن آن بر خواننده آن و آن درود

مِنْ أَهَمِّ الْمُهِمَّاتِ لِمَنْ يُرِيدُ الْقُرْبَ

از جمله مقصود ترین کارهای ضروری است مر کسی را که میخواهد قرب و نزدیکی

۱۵ اول مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی ... عنه اصحابه و در بعضی نسخ ساقط شده و اصح جمیع صحب است و صحب جمع صاحب که بمعنی یار است

مِنْ رَبِّ الْاَرْبَابِ وَسَمَّيْتُهُ بِكِتَابِ

از درگاه پروردگار مالک بر مالکان می زیرا و نام نهادم آن را به

دَلَائِلِ الْخَيْرٰتِ وَشَوَارِقِ الْاَنْوَارِ فِيْ

دلائل الخیرات و شوارق الانوار در حالیکه ثابت است در آن

ذِكْرِ الصَّلٰوةِ عَلَى النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ اِبْتِغَاءً

ذکر درود بر پیغمبر برگزیده بجهت طلب کردن

لِمَرْضَاتِ اللّٰهِ تَعَالٰى وَمَحَبَّةً فِيْ رَسُوْلِهِ

مرضی خوشنودی خدای را در حالتیکه برتر است مرتبه وی و بجهت دوستی در پیغمبر خدای

الْكَرِيْمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيْمًا

که بزرگست که نام پاک وی محمد است درود فرستد خدا براو و سلام فرستادنی

وَاللّٰهُ الْمَسْئُوْلُ اَنْ يَّجْعَلَنَا لِسُنَّتِهٖ مِنَ

و خدایتعالی سئوال کرده شده است تا که بگرداند مایان را برای طریق آن پیغمبر از جمله

التَّابِعِيْنَ وَلِذَاتِهِ الْكَامِلَةِ مِنَ الْمُحِبِّيْنَ

پیروان و برای ذات پاک وی که موصوف است بصفات کمال از جمله دوستداران

فَاِنَّهٗ عَلٰى ذٰلِكَ قَدِيْرٌ لَّا اِلٰهَ غَيْرُهٗ وَلَا خَيْرَ

پس تحقیق الله تعالی بر اجابت این دعا توانا است نیست مستحق عبادت سوای خدایتعالی و نیست بهتری موجود

اِلَّا خَيْرُهٗ وَهُوَ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيْرُ

مگر بهتری او وآن نیکو یار است و نیکو یاری دهی

راه نماست بسوی منافع دنیویه و مقاصد اخرویه و اعظم آن حصول مغفرتست و وصول برضوان و دخول بجنان و سرور بلقاء رحمن ۱۲

وَلَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّابِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ

ونیست دور بودن از معصیت ونه توانائی بر عبادت مگر بخدائیکه برتر وبزرگ است

فَصْلٌ فِيْ فَضْلِ الصَّلٰوةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى

فصل دربیان بزرگی وشرف درود بر پیغمبر درود فرستد

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ اِنَّ اللّٰهَ

خدای بروی وسلام گفت خدا که غالب وبزرگست بدرستیکه خدای

وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى النَّبِيِّ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ

وفرشتگان او درود میفرستد بر پیغمبر ای کسانیکه بخدا ورسول

اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا وَيُرْوٰى اَنَّ

گرویده اید صلوات گوئید براو وسلام گوئید بروی سلام گفتنی وروایت کرده شده بدرستیکه

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَآءَ ذَاتَ

پیغمبر خدا درود فرستد خدا بروی وسلام آمده

يَوْمٍ وَالْبُشْرٰى تُرٰى فِيْ وَجْهِهٖ فَقَالَ اِنَّهٗ جَآءَنِيْ

روزے حالانکه اثر خوشحالی دیده میشد در روی مبارک وی پس گفت بدرستیکه آمد مرا

جِبْرَئِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِيْ اَمَا تَرْضٰى

جبرئیل بروی باد سلام پس گفت مرا آیا راضی نمیشوی

يَا مُحَمَّدُ اَنْ لَّا يُصَلِّيْ عَلَيْكَ اَحَدٌ مِّنْ اُمَّتِكَ

ای محمد باینکه صلوات نفرستد بر تو هیچ یکی از امت تو یکبار

قوله ولا يسلم. تتميم رضا و ... ونشأ نماى آنحضرت صلعم ازين بشارت بجهت
شكرانه قدر و بزرگى اوست نزد خدا صلعم بجهت
حصول ثواب مراتب را كه غايت غرض و خواهش
آنحضرت صلعم است براى ايشان فايده
جزاى يك حسنه بده مثل آن در همه اعمال حسنه
مقرراست پس وجه اختصاص اينجا استبعاد آن
بجانب الله تعالى است و در اعمال ديگر بجانب
ملائكه و خلق هم هست فضل و شرف مركب خدايتعالى
خود متولى آن باشد پس فضل صلوة اعظم است
از ساير حسنات و حصول اين فضل عظيم نيست
مگر بطفيل جاه حبيب خدا صلعم و الا كجا است گرچه عمل
از درود فرستد خدايتعالى بر بنده گرچه عمل
بلند بهمه عمر بجميع طاعات پس بايد كه غنيمت
شمرد طالب حق كثار در درود را بهر قدر كه ممكن باشد

دقيقه اگر گوئى كه چگونه روا باشد كه بر آنحضرت
درود يكبار بود و بر بعضى ده بار چون تعلق گيرد يكبار
صفت فعل معصى است و جزاء آن ده درود از
حق سبحانه و تعالى بروى ميرسد كه من جاء
بالحسنة فله عشر امثالها و از يكبار درود
امتى كه بر آنحضرت از جانب حق سبحانه و تعالى
يك درود ميرسد و اگر فرضا يكى باشد شايد كه آن
يكى در شرف و نفاست برابر صد هزار درود باشد
چنانچه يكى جوهر در قيمت صد هزار فلوس
باشد ١٢ قوله ان اولى الناس

فصل في **تتميمه** در بعضى روايت
ان اولى الناس بي يوم القيمة است يعنى نزديكترين مردم ...
الطيفه ... و دليل خدمت محبت است من
اكثرت درود ... شدت محبت علامت
احب شيئا اكثر ذكره و شدت محبت صفت
قوت شايسته است و كسى كه باشد بايد اين صفت
سزاوار است كه قابل و لايق بود بقرب آنجناب
عالى ... اللهم اجعلني منهم فانك على كل
نتيجه قلبيه ... بفتح لام و تشديد ياء
است ... و احسن كلمه و درياء ...
مثل ... بيشتر ... احاديث ديگر نيز مى آيد
قرآن ... از كثرت ... اين جا و همين گفته اند

<table>
<tr><td>

الا صليت عليه عشرا ولا يسلم عليك

مگر آنكه صلوة فرستم بروے ده بار. وسلام نفرستد بر تو

احد من امتك الا سلمت عليه عشرا

هيچ يكى از امت تو يكبار مگر آنكه سلام فرستم بروى ده بار

وقال صلى الله عليه وسلم ان اولى الناس

وگفت درود فرستد خدا بروے وسلام بدرستيكه نزديكترين مردم

بي اكثرهم علي صلوة وقال صلى الله عليه

بمن بيشتر ايشانست برمن از روى درود وگفت درود فرستد خدا بروے

وسلم من صلى علي صلت عليه الملئكة

وسلام كسيكه درود فرستد برمن درود فرستند براو فرشتگان

ما دام يصلي علي فليقلل عند ذلك او

تا هنگاميكه درود ميفرستد برمن پس كم كند آنكس درود را از شنيدن اين خبر يا

ليكثر وقال صلى الله عليه وسلم بحسب

زياد كند وگفت درود فرستد خدا بروے وسلام بس است

المرء من البخل ان ذكر عنده ولا يصلي علي و

مرد را از بخل آنكه ذكر كرده شوم من نزد او و درود نفرستد برمن و

قال صلى الله عليه وسلم اكثروا من الصلوة

گفت درود فرستد خدا بروے وسلام زياده كنيد از درود

</td></tr>
</table>

فايده ... امر بطريق ... و همين است كتيرا
فايده ... كرده كه ... بتشبيه خفاجى در شرح شفا نقل
يعنى ... والذاكرين الله كثيرا ... سعيد و ... چنانچه
دقيقه ... اگرچه در ... كثرت ... بيست ... عدد پيغمبر
تفاوت ... عدد ... اينجا پيدا كرد ... ده است
كرد ... اينجا پيدا ... ده بود از جمله يك
صلاح ... سيصد و سيزده بود ... عدد ... پيغمبران ... عدد ... است
... سيصد و سيزده ... بود ... فتح ... بدر
... بيست و چهار ... بود كه فتح ... طالوت ...
غزوه بدر ... از قران ... طالوت ... چنانچه
جماعت ... طالوت ... در آخر سپاره دوم
... بر جالوت ... قرآن ... است ١٢
... مذكور است

عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

برمن وروز جمعه وگفت درود فرستد خدا بروی وسلام کسیکه

صَلَّى عَلَيَّ صَلٰوةً مِّنْ اُمَّتِيْ كُتِبَتْ لَهٗ عَشْرُ حَسَنَاتٍ

درود فرستد برمن درود فرستادنی از امت من نوشته میشود برای او ده نیکوئی

وَمُحِيَتْ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ

و دور گردده میشود ازو ده بدے وگفت درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ حِيْنَ يَسْمَعُ الْاَذَانَ

بروے وسلام کسیکه گفت هنگامیکه بشنود بانگ

وَالْاِقَامَةَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ

و قامت را ای پروردگار صاحب این دعوتیکه کامل وافضل است

وَالصَّلٰوةِ الْقَائِمَةِ اٰتِ مُحَمَّدَنِ الْوَسِيْلَةَ

و نمازیکه باقیست بده محمد را وسیله

وَالْفَضِيْلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ وَابْعَثْهُ

و بزرگے و درجه بلند و برانگیز اورا

مَقَامًا مَّحْمُوْدَنِ الَّذِيْ وَعَدْتَّهٗ حَلَّتْ لَهٗ

در مقامیکه ستوده شود آن مقامیکه وعده کردهٔ تو اورا فرود آید بروی

شَفَاعَتِيْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

شفاعت من روز قیامت وگفت رسول خدا درود فرستد خدا

گفته اند که وسیله منزلی عالیست از منازل بهشت که مختص باشد بآنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم ۱۲

وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي كِتٰبٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلٰٓئِكَةُ

وسلام کسیکه درود گوید برمن در کتاب همیشه باشند فرشتگان

تُصَلِّي عَلَيْهِ مَادَامَ اسْمِي فِي ذٰلِكَ الْكِتٰبِ

که درود گویند بروی تا مدتیکه باشد نام من در آن کتاب

وَقَالَ اَبُوْ سُلَيْمٰنَ الدَّارَانِيُّ مَنْ اَرَادَ اَنْ

وگفت ابو سلیمان دارانی کسیکه بخواهد اینکه

يَّسْاَلَ اللّٰهَ حَاجَتَهٗ فَلْيُكْثِرْ بِالصَّلٰوةِ

سئوال کند خدارا حاجت خود پس زیاده کند درود را

عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ

بر پیغمبر درود فرستد خدا بروے و سلام پس

يَسْئَلَ اللّٰهَ حَاجَتَهٗ وَلْيَخْتِمْ بِالصَّلٰوةِ عَلَى

سئوال بکند از خدای تعه حاجت خود را و تمام نماید بگفتن درود بر

النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاِنَّ اللّٰهَ يَقْبَلُ

پیغمبر درود فرستد خدا بروے و سلام پس بدرستیکه خدا قبول میکند

الصَّلٰوتَيْنِ وَهُوَ اَكْرَمُ مِنْ اَنْ يَّدَعَ مَا بَيْنَهُمَا

هردو درود را و حالانکه او اکرم است از آنکه ترک کند چیزیرا که میان این دو است

وَرُوِيَ عَنْهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهٗ قَالَ

و روایت کرده شده است از او درود فرستد خدا بروی و سلام بدرستیکه وی گفت

قوله وهو اکرم
تنبیه گفته اند که اکرم اینجا بمعنی اکره است
بطریق تعظیم ای پاکیزه است از آنکه ترک
کند فایده بدانکه هر عملی نیکو که از بنده
بوجود آید احتمال است که حق تعالی بلطف
خود قبول فرماید یا بمقتضای کبریا و جلال
خود رد نماید زیرا که ادای عمل حسب همه آداب
و شرایط محالست و بسبب نه بسمعه
دریا در محل اختلاف بیت این علمها
نه بر هیچ صواب ❊ نیست جز شرمندگی
روز حساب ❊

فصل فی

واما
درود بر پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم
مقبولست بهمه حال زیرا که این دعا
طلب رحمتست برای محبوب
خداوند ذو الجلال
پس بهیچ
وجه
آن را رون زد و
بحال خواننده آن که
صالح است یا طالح
بهیچ نپردازد
١٢

قوله خطیئة ثمانین سنة ...

فایده ... [illegible]

... اللهم صل علی محمد عبدك و رسولك النبي الامي وعلی آله وسلم تسليما ... وعن ابي هريرة ... فايده ... [illegible]

مَنْ صَلّٰى عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةَ مَرَّةٍ غُفِرَتْ

کسیکه درود فرستد برمن بروز جمعه صد بار بخشیده شود

لَهُ خَطِيْئَةُ ثَمَانِيْنَ سَنَةً وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

مر او را گناه هشتاد سال وروایت کرده شده است از ابی هریرة

رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

راضی باد خدای تعالی از او بدرستیکه پیغمبر خدا درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِلْمُصَلِّيْ عَلَيَّ نُوْرٌ عَلَى

بروی وسلام گفت مرگوینده درود را برمن نوری باشد بر

الصِّرَاطِ وَمَنْ كَانَ عَلَى الصِّرَاطِ مِنْ

صراط وکسیکه باشد بر صراط از

اَهْلِ النُّوْرِ لَمْ يَكُنْ مِنْ اَهْلِ النَّارِ وَ

اهل نور نمیباشد آن کس از اهل دوزخ و

قَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ نَسِيَ

گفت درود فرستد خدا بروی وسلام کسیکه فراموش کند

الصَّلٰوةَ عَلَيَّ فَقَدْ اَخْطَأَ طَرِيْقَ الْجَنَّةِ

درود را برمن پس تحقیق گم کند راه بهشت را

وَاِنَّمَا اَرَادَ بِالنِّسْيَانِ التَّرْكَ وَاِذَا كَانَ

ونکرده است اراده از فراموشی مگر ترک کردن ووقتیکه باشد

... قوله من اهل النار ... [illegible]

... قوله وانما اراد بالنسيان الترك ... [illegible]

التَّارِكُ يُخْطِئُ طَرِيقَ الْجَنَّةِ كَانَ الْمُصَلِّي

ترک کننده که خطا افتد راه بهشت را میباشد گوینده درود

عَلَيْهِ سَالِكًا اِلَى الْجَنَّةِ وَفِي رِوَايَةِ

براو راه رونده بجانب بهشت ودر روایت

عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَوْفٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ

عبد الرحمن پسر عوف راضی باد خدا ازو

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود پیغمبر خدا درود فرستد خدا بروی وسلام

جَاءَنِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ

آمد مرا جبرئیل براو باد سلام وگفت

يَا مُحَمَّدُ لَا يُصَلِّي عَلَيْكَ اَحَدٌ مِّنْ اُمَّتِكَ

ای محمد درود نمیفرستد برتو هیچ یکی از امت تو

اِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ اَلْفَ مَلَكٍ وَ

مگر آنکه درود فرستند بروی هفتاد هزار فرشتگان و

مَنْ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلٰئِكَةُ كَانَ مِنْ اَهْلِ

کسیکه درود فرستند بروی فرشتگان باشد از اهل

الْجَنَّةِ وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَكْثَرُكُمْ

بهشت وگفت درود فرستد خدا بروی وسلام بیشترین شما

قوله ۱ يخطئ بضم اول وکسره سوم ودر آخر همزه ۱۲

قوله ۲ جبرئیل که فرشته وحی است ۱۲

فضل نبی

قوله ۳ كان من اهل الجنة زیرا که درود از فرشتگان طلب مغفرتست از خدای تعالی برای وی وآن دعا از فرشتگان البته در حق وی قبول باشد ۱۲

عَلَيَّ صَلوٰةً أَكْثَرُكُمْ أَزْوَاجًا فِي الْجَنَّةِ

برمن ازروی درود گفتن بیشترین شماست ازروی زنان در بهشت

وَرُوِيَ عَنْهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ

وروایت کرده شده است ازاو درود فرستد خدا بروی وسلام بدرستیکه

قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلوٰةً تَعْظِيمًا لِحَقِّي

وی فرمود کسیکه درود گوید برمن درود گفتنی ازبرای بزرگ داشتن حق من

خَلَقَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ذٰلِكَ الْقَوْلِ

پیدا میکند خدا که غالب وبزرگ است از این قول

مَلَكًا لَهُ جَنَاحٌ بِالْمَشْرِقِ وَالْآخَرُ

فرشته را که آنرا یکی بازو باشد بجای برآمدن آفتاب و بازوی دیگر

بِالْمَغْرِبِ وَرِجْلَاهُ مَقْرُورَتَانِ فِي الْأَرْضِ

بمکان غروب آفتاب ودوپای او ثابت باشند ودر زمین

السَّابِعَةِ السُّفْلٰى وَعُنُقُهُ مُلْتَوِيَةٌ تَحْتَ

هفتم که زیرترین است وگردن آن پیچیده شده است زیر

الْعَرْشِ يَقُولُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ صَلِّ عَلٰى

عرش میگوید خدای غالب وبزرگ آنرا درود گو بر

عَبْدِي كَمَا صَلّٰى عَلٰى نَبِيِّي فَهُوَ يُصَلِّي

بنده من چنانچه درود گفته است بر پیغمبر من پس آن فرشته درود میگوید

قوله فی الجنة
تنبیه
در جمع الازواج میگوید که از زنان بهشت
حوریان از ایشان در شب
زنان دنیا در دنیا نیز بود
از زنان دنیا بهتر دارد ۱۲

قوله تحت العرش
تنبیه
عرش بالای همه
اجسام است
و از کلان‌ترین همه مخلوقات
است و آفرینش
آن از یاقوت
احمر

قوله بنور
از زمرد
سبز ۱۲

قوله کما صلی علی نبیی
تنبیه
تشبیه در مطلق حصول
درود است نه در همه
وجوه و نبی بیاء
ساکن
است
بعد یاء مشدده
۱۲

قوله لَيَرِدَنَّ تنبیه لام مفتوحه در اول و نون مشدده در آخر برای تاکید است و علیّ بفتح لام است و تشدید یاء والحوض بفتح ضاد

قوله ما اعرفهم الا بکثرة الصلوٰة یعنی در دار دنیا ایشان را با آنحضرت ملاقات نشده و آنحضرت ایشان را در حالت حیات نشناخته و اما در آخرت به برکت درود بر چهره ایشان نوری ظاهر شود و بوی خوش از ایشان برآید پس بسبب آن پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را بشناسد که ایشان محبان و عاشقان من اند ۱۲

عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَرُوِيَ عَنْهُ صَلَّى
بر او تا روز قیامت و روایت کرده شده است از او درود فرستد

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ لَيَرِدَنَّ عَلَيَّ
خدا بر وی و سلام بدرستیکه آنحضرت فرموده البته وتحقیق که حاضر میشوند بر من

الْحَوْضَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَقْوَامٌ مَّا أَعْرِفُهُمْ إِلَّا
حوض مرا در روز قیامت گروه ها نمیشناسم من آنگروه را مگر

بِكَثْرَةِ الصَّلٰوةِ عَلَيَّ وَرُوِيَ عَنْهُ صَلَّى اللّٰهُ
بسبب بسیار فرستادن درود بر من و روایت کرده شده است از او درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً وَاحِدَةً
بر وی و سلام بدرستیکه وی فرمود کسیکه درود فرستد بر من یک بار

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَمَنْ صَلَّى
درود میفرستد خدایتعالی بر وے ده بار و کسیکه درود فرستد

عَلَيَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ مِائَةَ مَرَّةٍ
بر من ده بار درود فرستد خدایتعالی بر وی صد بار

وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ مِائَةَ مَرَّةٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و کسیکه درود فرستد بر من صد بار درود فرستد خدایتعالی بر وی

أَلْفَ مَرَّةٍ وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ أَلْفَ مَرَّةٍ حَرَّمَ اللّٰهُ
هزار بار و کسیکه درود فرستد بر من هزار بار حرام گرداند خدایتعالی

فصل فی

فائده

در شرح شفا گفته که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم را دو حوض باشند یکی در موقف حساب پیش از صراط و پیش از میزان و دوم در بهشت و هر دو را کوثر نامند بود و در حدیث آمده که آب آن سفیدتر باشد از شیر و شیرین تر از شهد و بوی آن خوشتر از مشک و آبخوره های آن مانند ستارگان کذا فی المشکوة ۱۲

جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ وَثَبَّتَهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي
تن اورا بر آتش دوزخ وثابت دارد آنرا برقولیکه ثابت ودائمست در
الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْاٰخِرَةِ عِنْدَ الْمَسْئَلَةِ
زندگانی دنیا و در آخرت وقت سؤال نکیر ومنکر
وَاَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَجَاءَتْ صَلٰوتُهُ عَلَيَّ وَلَهَا
ودرمی آرد اورا به بهشت و آید درود آن کس برمن درحالیکه آن
نُوْرٌ لَّهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَلَى الصِّرَاطِ مَسِيْرَةَ خَمْسِ
نوری باشد برای آن روز قیامت بر صراط مسافت پنج
مِائَةِ عَامٍ وَّاَعْطَاهُ اللّٰهُ بِكُلِّ صَلٰوةٍ صَلَّاهَا
صد ساله راه ومیدهد اورا خدایتعالی بمقابله هر درودی که خوانده است آنرا
عَلَيَّ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ قَلَّ ذٰلِكَ اَوْ كَثُرَ وَقَالَ
برمن منزلی در بهشت اندک باشد آن درود یا بسیار وگفت
النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ عَبْدٍ
پیغمبر درود فرستد خدا بروی وسلام نیست هیچ بنده که
صَلّٰى عَلَيَّ اِلَّا خَرَجَتِ الصَّلٰوةُ مُسْرِعَةً
درود فرستد برمن مگر آنکه بیرون می آید درود درحالتیکه شتابی کننده است از
مِنْ فِيْهِ فَلَا يَبْقٰى بَرٌّ وَّلَا بَحْرٌ وَّلَا شَرْقٌ
از دهن وی پس باقی نمیماند هیچ دشتی ونه دریائی ونه جانب برآمدن آفتاب

فضل الصلوة

قوله جسده على النار زین کلام بیان کمال نجات اوست ومراد از آن وظاهر در حدیث بجز آن صغیره وکبیره است وبعضی خاص کرده اند بصغائر ۱۲

قوله وثبته بتشدید باء موحده ۱۲

قوله بالقول الثابت وزوال آن ثابت ومراد از آن کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله است وببرکت درود از دل وی زوال نشود ۱۲

قوله على الصراط یعنی برپل که پشت دوزخ است ومؤمنان از آن بگذرند وکافران فرو افتند ۱۲

قوله مسيرة خمس مائة عام نور در الکرمانی بالنصب ... الفاظ واختلاف نسخ در شرح عربی بسط نوشته شده ۱۲

قوله قل ذلك او كثر یعنی عطا واحدی ... بهشت ...

قوله فلان بن فلان یعنی نام آن گوینده و نام پدر او بگوید ۱۲

قوله الا وصلّی علیه یعنی درود میفرستند بر پیغمبر پایان بر آن گوینده درود یعنی طلب آمرزش میکند برای او از خدا ۱۲

وَلَا غَرْبٍ اِلَّا وَتَمُرُّ بِهٖ وَتَقُوْلُ اَنَا صَلٰوةُ

و نه جانب فرو رفتن آفتاب مگر آنکه میگذرد بآن و میگوید که من درود

فُلَانِ ابْنِ فُلَانٍ صَلّٰى عَلٰى مُحَمَّدِ الْمُخْتَارِ خَيْرِ

فلان بن فلان ام درود فرستاده است بر محمد که برگزیده و بهترین

خَلْقِ اللّٰهِ فَلَا يَبْقٰى شَيْءٌ اِلَّا وَصَلّٰى عَلَيْهِ وَ

آفرینش خداست پس باقی نماند هیچ چیزی مگر آنکه درود میفرستد بر آن و

يُخْلَقُ مِنْ تِلْكَ الصَّلٰوةِ طَائِرٌ لَهٗ سَبْعُوْنَ

پیدا کرده میشود از آن درود جانوری که مر آنجانور را هفتاد

اَلْفَ جَنَاحٍ فِيْ كُلِّ جَنَاحٍ سَبْعُوْنَ اَلْفَ

هزار بازو باشد در هر بازو هفتاد هزار

رِيْشَةٍ فِيْ كُلِّ رِيْشَةٍ سَبْعُوْنَ اَلْفَ وَجْهٍ فِيْ

پر بود در هر پرے هفتاد هزار روی بود در

كُلِّ وَجْهٍ سَبْعُوْنَ اَلْفَ فَمٍ فِيْ كُلِّ فَمٍ سَبْعُوْنَ

هر روئی هفتاد هزار دهن بود در هر دهنی هفتاد

اَلْفَ لِسَانٍ كُلُّ لِسَانٍ يُسَبِّحُ اللّٰهَ تَعَالٰى

هزار زبان هر زبان تسبیح میگوید خدای بزرگ را

بِسَبْعِيْنَ اَلْفَ لُغَاتٍ وَيَكْتُبُ اللّٰهُ لَهٗ ثَوَابَ

بهفتاد هزار لغت و مینویسد خدایتعالی برای آن ثواب

قوله ویخلق بضم یاء و فتح لام یعنی پیدا کرده میشود از آن درود که از دهن وی بر آمده جانوری پرنده تنبیه و در بعضی نسخه آمده یخلق الله بفتح یاء و ضم لام و نصب طائر یعنی پیدا میکند خدای تعالی از آن درود جانوری را ۱۲

فصل

قوله جناح بفتح جیم ۱۲

قوله ریشه بکسر را ۱۲

قوله بسبعین الف لغات یعنی الف لغات آمده لغة از آن جمع لغه و لغه بضم اول و فتح نیز معنی لغت یعنی بزبان است ۱۲

قوله لهٗ یعنی برای آن گوینده درود ۱۲

ذٰلِكَ كُلِّهٖ وَعَنْ عَلِيِّ ابْنِ اَبِيْ طَالِبٍ رَضِيَ اللّٰهُ

آن همه تسبیح را وروایت کرده شده است از علی بن ابیطالب راضی باد الله تعالی

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ

ازو گفت فرمود پیغمبر خدا درود فرستد خدا بروی و

سَلَّمَ مَنْ صَلّٰى عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةَ مَرَّةٍ جَاءَ

سلام کسیکه درود فرستد بر من روز جمعه صد بار می آید

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَعَهٗ نُوْرٌ لَوْ قُسِمَ ذٰلِكَ النُّوْرُ

روز قیامت وحالانکه باوی نوری بود که اگر قسمت کرده شود آن نور

بَيْنَ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ لَوَسِعَهُمْ ذُكِرَ فِيْ بَعْضِ الْاَخْبَارِ

درمیان همه آفرینش هرآئینه گنجایش کند همه انهارا یاد کرده شده است در بعضی خبرها

مَكْتُوْبٌ عَلٰى سَاقِ الْعَرْشِ مَنِ اشْتَاقَ اِلَيَّ

نوشته شده است بر ستون عرش کسیکه مشتاق باشد بسوی من

رَحِمْتُهٗ وَمَنْ سَاَلَنِيْ اَعْطَيْتُهٗ وَمَنْ تَقَرَّبَ

رحمت میکنم اورا وکسیکه سوال میکند مرا عطا میکنم اورا وکسیکه نزدیکی جوید

اِلَيَّ بِالصَّلٰوةِ عَلٰى حَبِيْبِيْ مُحَمَّدٍ غَفَرْتُ لَهٗ

بسوی من بدرود فرستادن بر دوست من محمد بیامرزم مراورا

ذُنُوْبَهٗ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ وَرُوِيَ عَنْ

گناهان اورا اگرچه باشند مانند کف دریا ونقل کرده شده است از

قوله ذکر فی بعض الاخبار
یاد کرده شده است در بعضی خبرها

فصل الصلوة

کوشامل میباشد خبر پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم وغیر آن را که مذکور میشود در تواریخ و تفاسیر ١٢

قوله عنان بفتح عین ۱۲
قوله یصلی بضم یاء و فتح لام مشدده است ۱۲
قوله انه بفتح همزه ۱۲
قوله الصحابة بفتح صاد ۱۲

بَعْضِ الصَّحَابَةِ رِضْوَانُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ
بعضی یاران خشنودی خداباد برهمهٔ ایشان

اَنَّهٗ قَالَ مَا مِنْ مَجْلِسٍ يُصَلّٰى فِيْهِ عَلٰى مُحَمَّدٍ
تحقیق که وی گفت نیست هیچ مجلسی که درود فرستاده میشود در آن بر محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِلَّا قَامَتْ مِنْهُ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ
درود فرستد خدا بروے و سلام مگر آنکه برمیخیزد از آن مجلس بوئی خوش

حَتّٰى تَبْلُغَ عَنَانَ السَّمَآءِ فَتَقُوْلُ الْمَلٰئِكَةُ هٰذَا
تا که برسد آن بوی نواحی آسمانرا پس میگویند فرشتگان این

مَجْلِسٌ صُلِّيَ فِيْهِ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ
مجلسیست که درود فرستاده شده است در آن بر محمد درود فرستد خدا بروی و

سَلَّمَ ذُكِرَ فِيْ بَعْضِ الْاَخْبَارِ اَنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ
سلام یاد کرده شده است در بعضی خبرها تحقیق که بندهٔ مؤمن

اَوِ الْاَمَةَ الْمُؤْمِنَةَ اِذَا ابْتَدَاَ بِالصَّلٰوةِ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى
یا کنیزی مؤمنه وقتیکه شروع میکند گفتن درود را بر محمد درود فرستد

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فُتِحَتْ لَهٗ اَبْوَابُ السَّمَآءِ وَالسُّرَادِقَاتُ
خدا بروے و سلام گشاده میشود برای او درهای آسمان و سراپردهها

حَتّٰى تَبْلُغَ اِلَى الْعَرْشِ فَلَا يَبْقٰى مَلَكٌ فِي السَّمٰوٰتِ
تا آنکه میرسد بعرش پس باقی نمی ماند هیچ فرشته در آسمانها

قوله هذا مجلس در بعضی نسخ آمده و چنین است مجلس یعنی این بوی مجلسی است ۱۲
قوله وصلی بضم صاد و کسر لام

قوله ۱ عسرت بضم سین و کسر آن ۱۲

قوله ۲ فلیکثر بضم یای تحتانیه و سکون کاف و کسر ثاء ۱۲

اِلَّا صَلّٰى عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ

گرآنکه درود میگوید بر محمد درود فرستد خدایتعالی بروی و

سَلَّمَ وَيَسْتَغْفِرُوْنَ لِذٰلِكَ الْعَبْدِ اَوِ

سلام و طلب آمرزش میکنند برای آن بنده یا

الْاَمَةِ مَاشَآءَ اللّٰهُ وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

کنیز تا مدتیکه خواسته است خدایتعالی و گفت درود فرستد خدایتعالی بروی

وَسَلَّمَ مَنْ عَسُرَتْ عَلَيْهِ حَاجَةٌ فَلْيُكْثِرْ

و سلام کسیکه دشوار شود براو حاجتی پس زیاده کند

بِالصَّلٰوةِ عَلَيَّ فَاِنَّهَا تَكْشِفُ الْهُمُوْمَ

درود را برمن پس تحقیق آن درود دور میکند اندوه ها را

وَالْغُمُوْمَ وَالْكُرُوْبَ وَتُكَثِّرُ الْاَرْزَاقَ وَ

و غم ها را و رنجهای سخت را و زیاد میکند رزق ها را و

تَقْضِي الْحَوَآئِجَ وَعَنْ بَعْضِ الصّٰلِحِيْنَ اَنَّهُ

روا میکند حاجتها را و حکایت کرده اند از بعضی صالحین تحقیق که وی

قَالَ كَانَ لِيْ جَارٌ نَسَّاخٌ فَمَاتَ فَرَاَيْتُهُ فِي

گفت بود برای من همسایه نویسنده پس مرد آن پس دیدم من اورا در

الْمَنَامِ فَقُلْتُ لَهُ مَافَعَلَ اللّٰهُ بِكَ فَقَالَ

خواب پس گفتم من اورا چه کرد خدایتعالی با تو پس گفت

قوله ۳ بالصلوة در بعضی نسخه من الصلوة آمده ۱۲

قوله ۴ تکشف الهموم بفتح تاء و کسر شین ۱۲

قوله ۵ تکثر الارزاق بضم تاء و فتح کاف و کسر ثاء مثلثه تشدید ها ۱۲

قوله ۶ نساخ بفتح نون و تشدید سین نویسندهٔ کتابها

فوائد صلیت علیه واین بنوشتن بود باید گفتن و ظاهر آنست که هردو وجه بود فوائد وعن انس وی خادم پیغمبر است صلی الله علیه وآله وسلم و خدمت کرد آن حضرت را ده سال در آن وقت که خدمت میساخت وی هشت ساله بود یا نه ساله و وی آخر صحابی است که در بصره در سنه نود و یک یا دو از هجرت وفات یافت فوائد ووالده تقدیم ... سبب ... ولد بتحقیق و اطلاق آن بر واحد و جمع ... هردو آید و در بعضی نسخه ووالدیه بلفظ تثنیه آمده پس شامل بود پدر و مادر را و او بر هم تقدیر مفرد مراد جنس بود پس شامل بود هر دو را فایده نشان ایمان کامل آنست که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم محبوب تر در نزدیک مؤمن از همه کس یا همه چیز باشد نزد مؤمن چه از ذات خود چه از پدر و فرزند که بحکم طبیعت محبوب و مرغوب اند و چه از سائر مردم که با ایشان علاقهای محبت میان دارند چه بطبیعت و چه باختیار پس ترجیح دهد جانب آنحضرت را صلی الله علیه ...

غُفِرَ لِي فَقُلْتُ لَهُ فِيمَ ذٰلِكَ فَقَالَ كُنْتُ
آمرزید مرا پس گفتم مراورا پس بسبب چه بود این پس گفت بودم من
إِذَا كَتَبْتُ اسْمَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وقتیکه مینوشتم نام محمد را درود فرستد خدایتعالی بروی و سلام
فِي كِتَابٍ صَلَّيْتُ عَلَيْهِ فَأَعْطَانِي رَبِّي
در کتابی درود میفرستادم براو پس داد مرا پروردگار من
مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا
چیزی که هیچ چشمی ندید آنرا و نه هیچ گوشی شنید آنرا و نگذشت
خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ وَعَنْ أَنَسٍ أَنَّهُ قَالَ
آن چیز بر دل آدمی و روایت کرده شده است از انس تحقیق که وی گفت
قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
که فرمود پیغمبر خدا درود فرستد خدایتعالی بروی و سلام
لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ
ایمان نمی آرد یکی از شما تا اینکه باشم من دوست تر بسوی وی از
نَفْسِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ وَوَالِدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ
ذات او و مال او و فرزند او و پدر او و همه مردمان
وَفِي حَدِيثِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنْتَ أَحَبُّ
و در حدیث عمر راضی باد خدایتعالی ازو تو دوست تر هستی

فصل فی ...

قوله التي بين جنبي

بیت

از دل وجان شریف خود محبت جانانه چیز دل و
عزیز است ... بهتر است ۱۲
جان این همه بیست

قوله الآن به جزه وفتح نون ۱۲

قوله یا عمر

فایده

إِلَيَّ يَا رَسُولَ اللهِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا نَفْسِي الَّتِي
بسوی من ای پیغمبر خدا از هر چیزے مگر جان من که
بَيْنَ جَنْبَيَّ فَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ الصَّلٰوةُ وَ
درمیان دو پهلوی منست پس گفت اورا بروی باد درود و
السَّلَامُ لَا تَكُونُ مُؤْمِنًا حَتّٰى أَكُونَ أَحَبَّ
سلام نمی باشی مسلمان تاکه باشم من دوست تر
إِلَيْكَ مِنْ نَفْسِكَ فَقَالَ عُمَرُ وَالَّذِيْ
بسوی تو از جان تو پس گفت عمر رض سوگند بکسیکه
أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ لَأَنْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ
فرو فرستاده است برتو کتاب را هرآئینه تو دوست ترهستی بسوی من از
نَفْسِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيَّ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ
جان من که میان دو پهلوی من است پس گفت پیغمبر خدا
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْآنَ يَا عُمَرُ قَدْ تَمَّ
درود فرستد خدا بروی وسلام این زمان ای عمر رض تحقیق تمام شد
إِيمَانُكَ وَقِيلَ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
ایمان تو وگفته شد مر پیغمبر خدای تعالی را درود فرستد خدا بروی
وَسَلَّمَ مَتٰى أَكُونُ مُؤْمِنًا وَفِي لَفْظٍ آخَرَ
وسلام کجا باشم من مسلمان ودر لفظ دیگر

خدا ورسول را ترجیح دارد در محبت
جان ومال

رباعی

عمرم همه صرف در رقابت بادا
جان ودل ودین من فدایت بادا
محبوب من از جان ودل وعمر تو نی
هرچیز من ... بادا

مُؤْمِنًا صَادِقًا قَالَ اِذَا اَحْبَبْتَ اللّٰهَ فَقِيْلَ

مسلمان راست کار گفت وقتیکه دوست داری تو خدای را پس گفته شد

وَمَتٰى اُحِبُّ اللّٰهَ قَالَ اِذَا اَحْبَبْتَ رَسُوْلَهٗ

کی دوست دارم من خدایرا فرمود وقتی که دوست داری تو پیغمبر اورا

فَقِيْلَ وَمَتٰى اُحِبُّ رَسُوْلَهٗ قَالَ اِذَا اتَّبَعْتَ

پس گفته شد که کی دوست دارم من پیغمبر اورا فرمود وقتیکه پیروی کنی تو

طَرِيْقَتَهٗ وَاسْتَعْمَلْتَ بِسُنَّتِهٖ وَاَحْبَبْتَ

راه او را و عمل کنی بسنت وی و دوست داری

بِحُبِّهٖ وَاَبْغَضْتَ بِبُغْضِهٖ وَوَالَيْتَ بِوِلَايَتِهٖ

بسبب دوستی وی و دشمن داری بسبب دشمنی وی و یاری کنی بسبب یاری وے

وَعَادَيْتَ بِعَدَاوَتِهٖ وَيَتَفَاوَتُ النَّاسُ

و بدخواهی کنی بسبب بدخواهی وی و تفاوت دارند مردمان

فِي الْاِيْمَانِ عَلٰى قَدْرِ تَفَاوُتِهِمْ فِيْ

در ایمان بر اندازهٔ تفاوت ایشان در

مَحَبَّتِيْ وَيَتَفَاوَتُوْنَ فِي الْكُفْرِ عَلٰى

دوستی من و تفاوت دارند در کفر بر

قَدْرِ تَفَاوُتِهِمْ فِيْ بُغْضِيْ اَلَا لَا اِيْمَانَ

اندازهٔ تفاوت ایشان در دشمنی من آگاه باشش نیست ایمان

فصل فی

لِمَنْ لَا مَحَبَّةَ لَهٗ اَلَا لَا اِيمَانَ لِمَنْ لَا مَحَبَّةَ

هرکسی رانیست دوستی مراورا آگاه باش نیست ایمان هرکسی راکه نیست دوستی

لَهٗ اَلَا لَا اِيمَانَ لِمَنْ لَا مَحَبَّةَ لَهٗ وَقِيلَ

مراورا آگاه باش نیست ایمان هرکسی راکه نیست دوستی مراورا وگفته شد

لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَرٰى

مرپیغمبر خدای را درود فرستد خدای بروی وسلام می بینیم ما

مُؤْمِنًا يَخْشَعُ وَمُؤْمِنًا لَا يَخْشَعُ مَا السَّبَبُ

مسلمانی را که فروتنی میکند ومسلمانی را که فروتنی نمیکند چیست سبب

فِي ذٰلِكَ فَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

دران پس فرمود درود فرستد خدای بروی وسلام کسیکه

وَجَدَ لِاِيمَانِهٖ حَلَاوَةً خَشَعَ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهَا

یافت مرایمان خود را شیرینی فروتنی کرد وکسیکه نیافت آن

لَمْ يَخْشَعْ فَقِيلَ بِمَ تُوجَدُ اَوْ بِمَ تُنَالُ وَ

فروتنی نکرد پس گفته شد بچه یافت میشود یا بچه رسیده میشود و

تُكْتَسَبُ قَالَ بِصِدْقِ الْحُبِّ فِي اللّٰهِ

کسب کرده میشود فرمود براست کردن دوستی درذات خدایتعالی

فَقِيلَ وَبِمَ يُوجَدُ حُبُّ اللّٰهِ اَوْ بِمَ يُكْتَسَبُ

پس گفته شد وبچه یافته میشود دوستی ذات خدایتعالی یا بچه کسب کرده میشود

الا لا ایمان لمن لا محبة له الخ یعنی آگاه باش ایمان نیست کسی را که محبت نیست او را ۱۲

قوله وقیل یعنی یاران عرض نمودند ۱۲

قوله یخشع یخشع از خشوع بمعنی فروتنی است وخشوع ثمره حلاوت ایمان است وحلاوت عبارت است از فروتنی و بیچارگی

خشوع عبارت است از فروتنی و بیچارگی بطاعت حق وتذلل وانکسار بحضرت خداوند مطلق پیش از خشوع وبندگی واضطرار اندرین حضرت ندارد اعتبار

فضل الصلوة

قوله وتکتسب بضم تاء یا آنچه رسیده میشود وکسب کرده میشود آن حلاوت

تنبیه لفظ او برای شک راوی است که وی تردد دارد دراین که کدام کلمه ازین گفت ۱۲

قوله فقال در بعضی نسخه قال آمده ۱۲

قوله ورضاء رسوله بهمزه بعد الف

قوله در بعضی نسخه رضا بالف مقصوره آمده ۱۲

قوله البرور بضم با و را ۱۲

قوله اهل الصفاء ایشان صاحب صفا هستند که صاف نموده‌اند از کدورت کفر و نفاق برای شست دل را

قوله نور جمال محبوب علی الاطلاق ۱۲

فَقَالَ بِحُبِّ رَسُوْلِهٖ فَالْتَمِسُوْا رِضَاءَ اللّٰهِ

پس فرمود بدوستی پیغمبر او پس طلب نمائید خوشنودی خدای را

وَرِضَاءَ رَسُوْلِهٖ فِيْ حُبِّهِمَا وَقِيْلَ لِرَسُوْلِ

و خوشنودی پیغمبر او را در دوستی آن هر دو و گفته شد مر پیغمبر

اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اٰلُ مُحَمَّدٍ

خدای را درود بفرستد خدا بروی و سلام کیستند آل محمد

اَلَّذِيْنَ اُمِرْنَا بِحُبِّهِمْ وَاِكْرَامِهِمْ وَالْبُرُوْرِ

که حکم کرده شدیم ما بدوستی ایشان و بزرگی ایشان و به نیکوئی کردن

بِهِمْ فَقَالَ اَهْلُ الصَّفَاءِ وَالْوَفَاءِ مَنْ

بایشان پس فرمود صاحب صفا و وفا هستند کسیکه

اٰمَنَ بِيْ وَاَخْلَصَ فَقِيْلَ لَهٗ وَمَا عَلَامَاتُهُمْ

ایمان آورد بمن و خالص ساخت پس گفته شد مر او را و چیست نشانهای آنها

فَقَالَ اِيْثَارُ مَحَبَّتِيْ عَلٰى كُلِّ مَحْبُوْبٍ وَ

پس فرمود اختیار کردن آنها دوستی مرا بر هر دوست و

اِشْتِغَالُ الْبَاطِنِ بِذِكْرِيْ بَعْدَ ذِكْرِ اللّٰهِ

مشغول داشتن دل را بیاد آوری من بعد از یاد

تَعَالٰى وَفِيْ اُخْرٰى عَلَامَتُهُمْ اِدْمَانُ

خدای تعالی و در روایت دیگر آمده علامت ایشان همیشه کردن

قوله والوفاء وآن عبارتست بتمام عهد و پیمان و محافظت بر آن و مؤمنین چون تکلیف باحکام و شرایع دین بوقت پیغمبر قبول نموده گویا عهد با وی بسته ...

قوله وفا ...

فصل

قوله واخلص و خالص ...

ذِكْرِي وَالْإِكْثَارُ مِنَ الصَّلٰوةِ عَلَيَّ وَ

یاد من است و زیاد کردن از درود است بر من و

قِيلَ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفته شد مر پیغمبر خدای را درود فرستد خدایتعالی بروی و سلام

مَنِ الْقَوِيُّ فِي الْإِيمَانِ بِكَ فَقَالَ مَنْ

کیست صاحب قوت در گرویدن بتو پس فرمود کسیکه

آمَنَ بِي وَلَمْ يَرَنِي فَإِنَّهُ مُؤْمِنٌ بِي عَلٰى

گروید بمن و حال آنکه ندیده است مرا پس بتحقیق که آنکس گرویده است بمن بر

شَوْقٍ مِنْهُ وَصِدْقٍ فِي مَحَبَّتِي وَعَلَامَةُ

شوقیکه پیدا است ازو و براستی که ثابت است در دوستی من و نشان

ذٰلِكَ مِنْهُ أَنَّهُ يَوَدُّ رُؤْيَتِي بِجَمِيعِ مَا يَمْلِكُ

آن از و آنست که بدرستیکه آنکس دوست میدارد دیدن مرا بمقابله همه آن چیزکه مالک بود آنرا

وَفِي أُخْرٰى مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا ذٰلِكَ

و در روایت دیگر آمده پری زمین از روی زر آن

الْمُؤْمِنُ بِي حَقًّا وَالْمُخْلِصُ فِي مَحَبَّتِي

گرونده است بمن گرویدنی ثابت و خالص کننده است در دوستی من

صِدْقًا وَقِيلَ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

از جهت راستی و گفته شد مر پیغمبر خدای را درود فرستد خدا

قوله اهل محبتی یعنی آنانکه درود فرستند برمن از روی کمال محبت و غلبه شوق بملاحظه تعظیم و وقار و ظاهر این است که این درود گوید نزد قبر شریف وی صلی الله علیه وآله وسلم یا غائب از آن

بیت: در راه عشق مرحله قرب و بعد نیست — اگرچه ساکن باشد می بینمت عیان و دعا میفرستمت

پس از محبت اینجا کمال محبت مراد است واگرچه اصل محبت هر مسلمانرا حاصل است زیرا که اصل آن لازمست اصل ایمانرا ۱۲ قوله واعرفهم یعنی میشناسم اهل محبت را بسبب اتصال روحی و قرب معنوی ایشان بروح مقدس وی صلی الله علیه وآله وسلم از جهت غلبه محبت وکثرت درود بروی صلی الله علیه وآله وسلم مصرع: قرب حالی چه بود بعد مکانی سهل است ۱۲ قوله عرضا یعنی فرشتگان درود اینها برمن عرض میکنند ومن بواسطه اینها میشنوم واما عاشقان که مذکور شد [illegible] بخصوصیت محبان و فرشتگان درود است را بروی صلی الله علیه وآله وسلم رسانیدن در خبر دیگر آمده که میبرند نام او ونام پدر او ومیگویند یا رسول الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَرَاَيْتَ صَلوٰةَ الْمُصَلِّيْنَ
بروی وسلام آیا دانستی حال درود گویندگان
عَلَيْكَ مِمَّنْ غَابَ عَنْكَ وَمِمَّنْ يَّاْتِيْ
بر تو ازکسیکه غائب است از تو وازکسیکه می آید
بَعْدَكَ مَا حَالُهُمَا عِنْدَكَ فَقَالَ اَسْمَعُ
بعد از تو چیست حال آن هردو نزد تو پس فرمود میشنوم
صَلوٰةَ اَهْلِ مَحَبَّتِيْ وَاَعْرِفُهُمْ وَتُعْرَضُ
درود صاحبان دوستی خودرا ومیشناسم اوشانرا وعرض کرده میشود
عَلَيَّ صَلوٰةُ غَيْرِهِمْ عَرْضًا لَبَّيْكَ اَسْمَاءُ
برمن درود غیر آنها عرض کردنی نامهای
سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ
بهتر ومهتر مایان وپیغمبر مایان وصاحب مالک مایان که محمد است درود فرستد خدا
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِائَتَانِ وَوَاحِدٌ وَهِيَ
بروی وسلام دو صد ویک است وآن
هٰذِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلٰى
این است ای خدای درود بگو وسلام وبرکت کن بر
مَنِ اسْمُهٗ سَيِّدُنَا
کسیکه نام او بهتر و مهتر مایان

فلان ابن فلان ترا علیک السلام [illegible] پس شرف زیاده ازین که نام او مذکور بود ودر آن حضور [illegible]

قوله مائتان وواحد یعنی نامهای بهتر ومهتر مایان صلی الله علیه وآله وسلم دو صد ویک است [illegible]

مُحَمَّدٌ	اَحْمَدٌ
ستوده شده	ستوده تر
حَامِدٌ	مَحْمُودٌ
ستایش کننده	ستوده شده
اَحِیْدٌ	وَحِیْدٌ
یکسو کننده	یگانه
مَاحِیْ	حَاشِرٌ
محو کننده کفر	بردارنده مردگان را
عَاقِبٌ	طٰهٰ
پس آینده از همه انبیاء	طالب شفاعت هادی شریعت

یاء با فتح همزه وضم آن وگویند که بضم همزه وسکون حاء با فتح یاء وکسر آن گویند که بضم همزه وفتح حاء وسکون یاء این همه شش وزن پیشود ۱۲

قوله وحید یگانه در صفات وکمال خود ویکتا در شمایل وخصایل خود ... در مقامات عظمت واجلال خود ...

و کفر در بسیاری از بلاد موجود است ۱۲ تمه

يٰس	طَاهِر
اى سيد البشر	پاک
مُطَهَّر	طَيِّب
پاک کرده شده	پاکیزه
سَيِّد	رَسُول
بزرگتر	فرستاده شده
نَبِي	رَسُولُ الرَّحمَة
خبر دهنده	پیغمبر صاحب بخشایش
قَيِّم	جَامِع
بر پا کننده	جمع کننده

باهمه این یک تعین و اصل است

مُقْتَفِیْ	مُقَفِّیْ
آخر از همه پیغمبران	پس آینده
رَسُوْلُ الْمَلَاحِمِ	رَسُوْلُ الرَّاحَةِ
پیغمبر معرکه ها	پیغمبری که آرام یافت بسبب او امتش
کَامِلٌ	اِکْلِیْلٌ
متصف بکمال	تاج مرصع
مُدَّثِّرٌ	مُزَّمِّلٌ
جامه در بر پوشیده	گلیم در خود پیچیده
عَبْدُاللّٰهِ	حَبِیْبُ اللّٰهِ
بندهٔ خدا	محبوب خدا

عیسی علیه السلام مشهور است
ودر قرآن آمده وشک نیست که مرتبه حضرت
صلی الله علیه وآله وسلم از او بلندتر است
پس این معجزه از او عجب نبود چنانچه در حدیث
آمده که آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم
مادر و پدر خود را باذن خدای تعالی زنده ساخت
تا ایمان بوی آرند و ذکر کرده است این
حدیث را ابن شاهین وخطیب بغدادی
و دارقطنی وابن عساکر از عائشه رض **فایده**
در شواهد النبوة آورده که آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم در خانه جابر مهمان شده بود

صَفِيُّ اللهِ	نَجِيُّ اللهِ
برگزیده خدای	همراز خدای
كَلِيمُ اللهِ	خَاتَمُ الأَنْبِيَاءِ
هم سخن خدا	مهر پیغمبران
خَاتَمُ الرُّسُلِ	مُحْيِي
مهر مرسلان	زنده کننده
مُنْجٍ	مُذَكِّرٌ
خلاص کننده	پند دهنده
نَاصِرٌ	مَنْصُورٌ
یاری دهنده	یاری داده شده

در مقام محمود بدادن بر مقصود **بیت** چو مقصود کون ومکان بود تست ٭ خدا ایدد آنچه مقصود تست

کنند بر سابقین ... احکام ... شهید ... گواه بر افعال و اقوال امت خود ... [illegible]

[illegible]

... خود و گفت بار خدایا بحق محمد صلی الله علیه وآله وسلم که مرا ببخشای حق تعالی گفت محمد را چگونه شناختی گفت خدایا چون مرا پیدا کردی سر خود در آوردم بسوی عرش و دیدم که در آن نوشته بود لا اله الا الله محمد رسول الله پس دانستم که نزد تو بزرگتر نیست از کسیکه نام او را قرین نام خود کرده پس حقتعالی دعا را قبول فرمود و این اول توبه بود که قبول شد ببرکت آنحضرت پس فتح باب توبه از آنحضرت شد صلی الله علیه وآله وسلم و یعنی توبه در آخرت بپاید انشاء الله تعالی ۱۲ قوله حریص علیکم این صفت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم که در قرآن مذکور است فایده معنی حرص سخت خواهش کردن ... معلوم و دانسته شده ... فرشتگان در آسمانها و نزد ...

نَبِيُّ الرَّحْمَةِ	نَبِيُّ التَّوْبَةِ
پیغمبر صاحب بخشایش	پیغمبر که توبه کردند خلق بر دست او
حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ	مَعْلُومٌ
حرص کننده بر اسلام شما	دانسته شده
شَهِيرٌ	شَاهِدٌ
مشهور	گواهی دهنده
شَهِيدٌ	مَشْهُودٌ
گواه	گواهی داده شده
بَشِيرٌ	مُبَشِّرٌ
مژده دهنده	مژده دهنده

[illegible]

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ

ولازم گرفتند این گواهی را در تشهد نماز و آذان و اقامه و گواهی داد بر نبوت وی خدای تعالی چنانچه در آخر سوره فتح فرمود وَكَفَىٰ بِاللّٰهِ شَهِيدًا

یعنی بس است خدای تعالی گواه بر نبوت تو قوله بَشِيرٌ وَمُبَشِّرٌ بضم میم و فتح باء و کسر شین مشدده ای بهر و هم

۱۲ ... و رضوان و ... بمعنی مژده دهنده

بیک بمعنی آمده فقوله هدی بضم ها و فتح دال بمعنی راه نمائی و اینجا بمعنی راه نماینده است و تحقیق که راه نمود آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم خلق را از کفر و ضلالت بسوی توحید خداوند ذو الجلال ۱۲ قوله مهدی در این اسم مبارک چند وجه آمده بفتح میم و کسر دال و تشدید یاء بمعنی راه نموده شده یعنی راه نمود او را حقتعالی بسوی احکام دین بفرستادن کتاب مبین

مُنْذِرٌ	نَذِیرٌ
ترساننده	بیم کننده
سِرَاجٌ	نُورٌ
چراغ	روشنائی
هُدًی	مِصْبَاحٌ
راه نما	چراغ روشن
مُنِیرٌ	مَهْدِیٌّ
روشن	راه نموده شده
مَدْعُوٌّ	دَاعٍ
خوانده شده	خواننده

مُجِیبٌ	مُجَابٌ
قبول کننده	قبول کرده شده
حَفِیٌّ	عَفُوٌّ
مهربان	بخشنده
وَلِیٌّ	حَقٌّ
دوست خدا	پیغمبر درست
قَوِیٌّ	أَمِینٌ
توانا	با امانت
مَأمُونٌ	کَرِیمٌ
ایمن کرده شده	بزرگوار

قوله حفی بفتح حا و کسر فا ... مهربان بر حال امت
قوله عفو بفتح عین و ضم فا و تشدید واو بخشنده گناه را از کسی که صادر شود از او و در حق آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم از خلق عظیم آنحضرت صلعم بود که اگر از خادمی در خدمت قصوری میشد و یا در بعضی خدمات بسبب بشریت مخالف امر و غیر مرضی میشد بر گرانیک نداشتی و اگر کافری یا منافقی از راه دشمنی بیخ رسیدی درگذشتی و قصد انتقام نکردی بیت
چون گل شگفته بود برخ دل ستان او
بر بخشنده در ره او خارها همه

لطیفه در اصطلاح صوفیه ولی کسی بود که از عصیان ... دوست دارد او را
قوله ولی دوست خدا و مقرب درگاه مولا

بود و در کارزار قوی ترین روزگار خود بود
آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم با وی
کشتی پهلوان گرفت و وی را بر زمین زد
و فی الحال او را با اسلام خوانده بود فقوله
امین پیغمبر با امانت بر چیزیکه وحی کرد
خدایتعالی بسوی او از احکام دینیه و اسرار
غیبیه پس ظاهر کرد هر چه که حکم کرده باشد
باظهار و پوشیده داشت هر چیزیکه امر کرد
باخفاء آن و نیز می نامیدند آنحضرت را

فقوله کریم بزرگوار در حسب و نسب و بزرگ
کرده حقتعالی و نیز بخشنده بی سوال
و بی وسیله ۱۲

قوله ذو مکانة بفتح میم یعنی صاحب مرتبه بلند ۱۲ قوله ذو عزة یعنی صاحب عزت و قدر و منزلت نزد خدای تعالی ۱۲

مُكَرَّمٌ	مَكِينٌ
بزرگ کرده شده	با جاه و منزلت
مَتِينٌ	مُبِينٌ
استوار	ظاهر
مُؤَمَّلٌ	وَصُولٌ
امید وار	پیوند کننده
ذُوقُوَّةٍ	ذُوحُرْمَةٍ
صاحب توانائی	صاحب بزرگی
ذُومَكَانَةٍ	ذُوعِزٍّ
صاحب مرتبه بلند	صاحب عزت
ذُوفَضْلٍ	مُطَاعٌ
صاحب کمال	فرمان برده شده

وَصُولٌ بفتح اول پیوند و پیوستگی کنند با ذو الارحام و اهل قرابت و با بیگانه کان از جهت دین و دیانت بجود و احسان و بوفای عهد و پیمان ۱۲

قوله ذو قوة یعنی صاحب توانائی و وجه این از معنی اسم قوی بالا معلوم شد ۱۲

قوله ذو فضل یعنی صاحب بزرگی و صاحب کمال که فوقیت دارد بسبب آن بر غیر خود ۱۲

قوله مُطَاعٌ بضم میم فرمان برده یعنی [illegible] فرمان او [illegible]

[illegible]

قوله نعمة الله یعنی نعمت خدای تعالی بر بندگان
فایده [illegible] چیزی بود نیکو که [illegible] مر اورا
دیگر آنکه [illegible] و ذات لذتهای روحانی معدن
سبب برکات دانسته [illegible] نعمتی است سپاس
از وجود [illegible] بر ثقلین [illegible] قرة العین
داری [illegible] نعمت است تبارک الله [illegible] خدای
قوله [illegible] برای اکرام بندگان [illegible] و فرستاده
دال [illegible] قبول [illegible] فرستنده
تعالی [illegible] و ساخت [illegible]
سپس [illegible] نشنود و [illegible] غضب آورد
قبول نکرد ۱۲

مُطِیعٌ		قَدَمُ صِدْقٍ
فرمان برنده		پیش رو نیک
رَحْمَةٌ		بُشْرَی
بخشایش		مژده دهنده
غَوْثٌ		غَیْثٌ
فریاد رسنده		باران
غِیَاثٌ		نِعْمَةُ اللهِ
فریاد رسی		نعمت خدای تعالی
هَدِیَّةُ اللهِ		عُرْوَةُ وُثْقَی
تحفه خدای تعالی		دست آویز استوار
صِرَاطُ اللهِ		صِرَاطٌ مُسْتَقِیمٌ
راه خدای تعالی		راه راست

رحمة [illegible] بخشایش و مهر [illegible] و فی تحقیقه [illegible] اخلاق بخشایش [illegible] آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم بخشایش کننده است اما بسبب کثرت بخشایش گویا ذات مبارکش عین بخشایش شده **بیت** در دو عالم بخشش [illegible] بخشایش است اصلی را [illegible] بخشش [illegible]

قوله بشری بضم باء آخرش الف مقصوره مژدگانی مر مومنان را یعنی مژده دهنده به بهشت بر بهار و لقای پروردگار ۱۲

قوله غوث بفتح غین فریاد رسنده مر عاجزان را و درماندگان را از شفاعت و فیکه [illegible] بیابخود بوی در رنجها و محنتها در دنیا و آخرت قوله غیث بفتح غین باران و وجه نامیدن باین نام شریف آنکه چون باران سبب زندگیست و زینت زمین همچنان خدای تعالی بسبب آنحضرت زنده ساخت دلهای مسلمانان را و زینت بخشید بایمان و هدایت بعد مردگی و افسردگی آن بسموم کفر و ضلالت

قوله غیاث [illegible] یعنی فریاد رسی و [illegible] آنحضرت صلی الله علیه و سلم [illegible] فریاد رسنده است [illegible] [illegible] بسبب [illegible] این فیض [illegible] یعنی فریاد [illegible]

قوله
عُرْوَةُ وُثْقَی
بضم عین دست آویز استوار
یعنی هر که چنگ زند نسبت
آن حضرت صلی الله
علیه و آله و سلم
خلاصی یابد
از فقر
ضلال

و
بال
برآید به بلندی
فضل و کمال چنانچه چنگ
زند کسی بر رسنی استوار پس
برآید از چاه مهالک و مضار

بیت

کور آنکسی که ترک کند
پیروی تو ❊ بینا کسی که بهمت
او چنگ در تو زد

قوله صراط الله یعنی براهی
که بدو بمعرفت ذات و صفات
حق تعالی توان رسید
و شک نیست که
هر که بمعرفت
حق [illegible] رسید
باید بمتابعت پیغمبر او رسید و
هر که مخالفت او کرد براه
حق تعالی نرسید الا بپیروی او گردید

قوله
صراط مستقیم
راه راست یعنی هم کر آن
حضرت صلعم را پیروی نمود
واصل شد بمنزل مقصود و
برسید بسعادت ابدی و
مطالب دینی و دنیوی
کر از متابعت وی محمی [illegible]
ورزید در بادیه
شقاوت و حرمان
گردید ۱۲

ای دانا که بعلم فزون
راند رقم بر ورق کاف و نون
بی قلم و کاغذ و آب سیاه
معجزه آورد ز وحی اله
بی خط و قرطاس ز علم ازل
مشکل لوح و قلمش گشت حل

بدون خرق عادت نیست بلیت
با تمام اخلاق حمیده آراسته گشت پس این
انواع علوم و معارف از وظاهر شد و
از فصاحت و بلاغت او حیران بودند
کلامی بر ایشان بیخواند که فصحای عرب
و با عالی مصاحبت نکرده با وجود این همه
عمر در قوم خود بوده و هرگز کسب علمی ننموده
معجزات اوست زیرا که آنحضرت صلعم همه
با آنکه کمال علم او با وجود امی بودن یکی از
لطیفه در این اسم شریف اشارتست
نمره ستاره آمور صد درس شد
امی که بمکتب نرفت و خط ننوشت

دقیقه
در بحر الحقایق آورده که عرب اصل هر چیز را
ام گویند چنانچه مکه را ام القری گویند
که اصل همه شهرها و دیهاست پس آن
حضرت صلی الله علیه و آله و سلم را

باصل
منسوب ساخته تا
دانند که اصل همه موجودات
اوست بلیت تو اصل وجود
آمدی از نخست ؛ دگر هر چه
موجود شد فرع تست

و گویند که این نسبت بجانب ام
القری است که مکه بود پس بمعنی
مکی بود ۱۳ قوله مختار
برگزیده خدا برای
اعلام مرتبه
رسالت و اختیار
کرده شده نزد حق تعالی برای قرب
و منزلت رباعی ایزد چو آسمان و

ذِکْرُ اللهِ	سَیْفُ اللهِ
یاد خدای تعالی	شمشیر خدای تعالی
حِزْبُ اللهِ	اَلنَّجْمُ الثَّاقِبُ
لشکر خدای تعالی	ستارهٔ درخشنده
مُصْطَفیٰ	مُجْتَبیٰ
برگزیده	چیده شده
مُنْتَقیٰ	اُمِّیٌّ
چیده شده	نانویسنده و ناخواننده
مُخْتَارٌ	اَجِیْرٌ
اختیار کرده شده	مزد داده شده

شمشیر خدای ...
و این اشارتست بجهاد و قتال آن سرور
بسیاری جهاد و قتال آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و فتح و ظفر وی
حضرت صلی الله علیه و آله و سلم و فتح و ظفر وی
با دشمنان دین اسلام و بدو دکاری با وی
بر کفار نابکار در جاهم و بد ظفر یافتند و
غازیان و پیش همیشه ظفر یافتند
دشمنان شریعت وی همیشه
و خراند بلیت لشکر عزم تو را فتح و
ظفر همراه است ؛ الا جرم بر نفس
اقلیم دگر میخواهد ؛ قوله حزب الله
لشکر خدای و لشکر عبارتست از
بسیاری مردمان جنگی پس کنایه
است لشکر بیکند در جنگ با دشمنان
آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
تنها آن کار کرده زیرا که برانگیخت
خدا که او را تنها بر خواندن مردم بر
دین اسلام پس باز داشت آنحضرت

بیاورد و بسوی
دین اسلام ... از کفر آورد و بسوی

قوله مشفع بضم میم وفتح شین وفتح فاء مشدده قبول کرده شده شفاعت وی در حق امت نزد خدای تعالی ۱۲

قوله شفیع درخواست کننده گناهان امت از حضرت پروردگار وعذر خواه جرائم ایشان بارگاه خداوند غفار ۱۲

قوله جبار بفتح جیم وتشدید باء نیکو کننده وبصلاح آورنده حال امت را بامور نیکو وشکننده دشمنان دین را ۱۲

فائده

ودر بعضی نسخ احمد واختیار بجای عیسی وجابر محمود آمده وبجای مصلح آینده ونبی ۱۲

جَبَّارٌ	اَبُو الْقَاسِمِ
نیکو کننده	پدر قاسم
اَبُو الطَّاهِرِ	اَبُو الطَّیِّبِ
پدر طاهر	پدر طیب
اَبُو اِبْرٰهِیْمَ	مُشَفَّعٌ
پدر ابراهیم	قبول کرده شدهٔ شفاعت
شَفِیْعٌ	صَالِحٌ
عذر خواه	نیکو کار
مُصْلِحٌ	مُهَیْمِنٌ
نیکو کننده	نگاه بان

قوله آبو القاسم یعنی پدر قاسم ۱۲

قوله ابو الطاهر یعنی پدر طاهر ۱۲

قوله ابو الطیب یعنی پدر طیب ۱۲

قوله ابو ابراهیم یعنی پدر ابراهیم

فائده

قول صحیح آنست که پیغمبر را صلی الله علیه وآله وسلم سه پسر بودند ابراهیم از ماریه قبطیه وقاسم وعبد الله

تولد وی بعد اسلام برای تعظیم از روی مرتضی گفتند طیب وطاهر تعالی عنها واین عبد الله خدیجه رضی الله ۱۲

قوله صالح نیکو کار در همه احوال واطوار ونگاه دارنده خوشنودی آفریدگار ۱۲

قوله مصلح بضم میم وکسر لام نیکو کنندهٔ احوال خلایق را برهنمائی ایشان چیزی که نیک باشد در حق ایشان در دنیا وآخرت ۱۲

قوله مهیمن بضم میم اول وفتح هاء وسکون یاء وکسر میم دوم نگهبان احوال امت از زلل وخلل ۱۲

بایں صفت بر وجه تشبیه در حدیث مذکور شده
دیگر شناخته شود پس وصف این است
اثر وضو و بدان این است از امتان
روشن و نورانی و تابان باشند از
بر روز قیامت روی و دست و پای
و امت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
اسپان که هر چهار پای آنها سفید باشد
بضم میم و فتح حاء و فتح جیم مشدده
آنها سفید باشد قوله محجلین
غر بضم غین و تشدید را اسپان که پیشانی
بود دست و پای ایشان و نور افزاینده
پیشانی ایشان و نور

[illegible]

مُصَدِّقٌ	صَادِقٌ
تصدیق کردہ شدہ	راست گو
سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ	صِدْقٌ
سردار پیغمبران	راستی
قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ	إِمَامُ الْمُتَّقِينَ
از پیش کشنده بسوی بهشت آنهارا که روشن	پیشوای پرهیزگاران
بَرٌّ	خَلِيلُ الرَّحْمٰنِ
نیکوئی کننده	دوست خدا
وَجِيهٌ	مَبَرٌّ
روشناس	نیکوئی کردن
نَاصِحٌ	نَصِيحٌ
نصیحت کننده	پند دهنده

[illegible]

قوله وجیه روشناس و نام قدر در دنیا و آخرت
مراد صاحب حسب و نیکوی نبوت و رسالت و علوم و شفاعت
قوله نصیح پند دهنده و نصیحت کننده مراد است ۱۲
قوله ناصح بمعنی اسم فاعل بکلامی که بکار آید در دنیا و آخرت ۱۲

قوله
خلیل الرحمن
دوست خدا یتعالی و فرق میان
خلیل و حبیب در شرح عربی
نوشته
شده
۱۲

قوله
بر
بفتح باء و تشدید راء
نیکوئی کننده و
احسان
نماینده
۱۲

اسماء سیدنا و مولانا

قوله
مبر
بفتح میم و باء و تشدید راء
نیکوئی کردن و چون آن حضرت را
صلی الله علیه و آله و سلم
نیکوئی کردن خوی و
عادت بود پس
بطریق مبالغه
بآن نامیده
شد
و بضم
میم
و کسر باء نیز آمده
یعنی گرداننده

وَكِيلٌ	مُتَوَكِّلٌ
کار گذار	اعتماد کننده
كَفِيلٌ	شَفِيقٌ
ضامن	مهربان
مُقِيمُ السُّنَّةِ	مُقَدَّسٌ
بر پا کنندهٔ طریقهٔ دین	پاک کرده شده
رُوحُ الْقُدُسِ	رُوحُ الْحَقِّ
جان پاکیزه	جان حق
رُوحُ الْقِسْطِ	كَافٍ
جان عدل	کفایت کننده
مُكْتَفٍ	بَالِغٌ
بس کننده	رسنده

قوله شفیق مهربان بر حال امت و ترسان بر حال ایشان از رسیدن امر مکروه بایشان در دنیا و آخرت قوله مقیم السنة بر پا کنندهٔ طریقهٔ دین برکه راه روان اهل یقین و رواج دهنده شعائر اسلام بعد از ایام فترت و گذشتن انبیاء کرام قوله مقدس

خصوصا در ریش و سلطان نظم آسمان و زمین بعدل بنا است سلطنت خیمه ایست بس موزون و عدل ستون خیمه بی ستون بر پای نماند پس کفایت کننده است

بودر آمدن در بهشت ۱۲ قوله سائق از پس راننده بیای تحیة دراصل یعنی از پس راننده ربان را تا تیز رود و نامیده شده است پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم کرانده است ابرار را بسوی دار القرار و عارفان را بسوی معارف واسرار و عاشقان را بسوی دیدار پروردگار ۱۲ قوله هادی یعنی رهنمائی مر خلق را بسوی معرفت خالق و شناخت احکام دین ۱۲ قوله مفید

مثل این بالا تر نیز گذشته و در اینجا بحسب لفظ و معنی بر سه وجه بیان شده پس اعتبار کرده شود اینجا غیر آنکه اعتبار کرده شود در اینجا تا تکرار لازم نیاید ۱۲ قوله مقدّم بضم میم و فتح دال مشدده ای اول و پیش از همه و وجه پیش بالا مذکور شده ۱۲

[illegible]

تعلقش [illegible] بلیغست [illegible] خوب ادا کنندهٔ سخن [illegible] نفس [illegible] واصل یعنی رسنده [illegible] وکمال و [illegible] لطیفه نزد صوفیه وصول الی الله فناست از مشاهده و ما سوا [illegible] از خود نیز جدا نباشی تا [illegible] باشی بلیغست [illegible] قوله موصول بفتح میم و ضم صاد پیوسته شده [illegible] منزلت و علو مرتبت [illegible] و در بعضی نسخه آمده و بضم میم و فتح صاد و تخیر و او و بعد آن [illegible] کمال و [illegible] شده و در بعضی نسخه بکسر صاد آمده یعنی رساننده و وجه تسمیه مبلغ بالا مذکور شده ۱۲ قوله سائق بیاء موحده یعنی اول [illegible]

مُبَلِّغٌ	رساننده	شَافٍ	دورکننده
وَاصِلٌ	رسنده	مَوْصُوْلٌ	پیوسته شده
سَابِقٌ	اول	سَائِقٌ	ازپس راننده
هَادٍ	رهنما	مُهْدٍ	راه نماینده
مُقَدَّمٌ	پیش	عَزِیْزٌ	غالب
فَاضِلٌ	بزرگ	مُفَضَّلٌ	بزرگی داده شده

قوله عزیز غالب وارجمند وبی همتا و نایاب و نادر ۱۲ قوله فاضل بزرگ نزد خدای تعالی ۱۲ قوله مفضّل بضم میم و فتح ضاد مشدده بزرگی داده شده بر همه موجودات در همه کمالات

فائده

اتفاقست بر آنکه آن حضرت صلعم بزرگترین همهٔ پیغمبران است بعد از وی ابراهیم علیه السلام پس موسی علیهم [illegible] الصلوة والسلام و بافضیلت از روی علماء بعد از موسی عیسی بعد از حضرت عیسی نوح علیهم [illegible] سائر انبیاء علیهم السلام نقل و عقلاً اگر چه و عیان است و وجود بزرگی او بر همه پیغمبران و بر همه ایشان [illegible] علیه افضل انبیاء و رسل [illegible] اولی علیهم و درباره [illegible] بعد فضیلت [illegible] و سلطان کمال [illegible]

بآنحضرت صلی الله علیه وآله و سلم وارد وآن عمل صحیح و معتبر بود و ثواب حاصل شود وآنچه غیر آن عمل بجا آید بود و ثواب حاصل نشود و قوله مقیل العثرات بضم میم و کسر قاف و بفتح عین و ثاء مثلثه تجاوز کننده و در گذرنده از لغزشها یعنی آنکه از زیادتی در حق آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم گناه صادر شد ی یا کسی او را از گناه او در گذشتی و ضرری بدین عوض و انتقام نبودی ۱۲ قوله صفوح عن الزلات بفتح صاد و ضم فاء در گذرنده و اعراض کننده از گناهان چنانچه بالا معلوم شد ۱۲

قوله ۱۲ صاحب الشفاعة معنی شفاعت و بیان انواع آن در فصل فضل صلوة مذکور شد در آنجا باید دید ۱۲

قوله ۱۲ صاحب المقام مراد از مقام محمود است که مقام شفاعت است و بیان آن نیز در فضل صلوة مذکور شد. لطیفه صاحب فتوحات آورده که مقام محمود مقامی است مرجع جمیع مقامات و منظر تمام اسماء الهیه و آن خاصهٔ

فَاتِحٌ	مِفْتَاحٌ
کشاینده	کلید
مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ	مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ
کلید در بخشایش	کلید در بهشت
عَلَمُ الْاِیْمَانِ	عَلَمُ الْیَقِیْنِ
علامت ایمان	علامت یقین
دَلِیْلُ الْخَیْرَاتِ	مُصَحِّحُ الْحَسَنَاتِ
رهنما بسوی نیکوئیها	صحیح کننده نیکوئیها
مُقِیْلُ الْعَثَرَاتِ	صَفُوْحٌ عَنِ الزَّلَّاتِ
تجاوز کننده از لغزشها	در گذرنده از گناهان
صَاحِبُ الشَّفَاعَةِ	صَاحِبُ الْمَقَامِ
صاحب شفاعت	صاحب مقام محمود

قوله مفتاح الجنة کلید در بهشت یعنی اول کسی که کشاده شود برای وی در بهشت آنحضرت بود صلی الله علیه وآله وسلم قوله علم الایمان بفتح عین و لام یعنی علامت و نشان ایمان یعنی شناخته شد ایمان بر هنمای آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم و نیز شناخته میشود ایمان بر یکی بمحبت و متابعت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم و هر که ازین خالی بود ایمان او معتبر نبود قوله علم الیقین یعنی علامت یقین ای هر که حاصل نمود یقین در احکام دین پس بارشاد و تلقین آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فائده یقین علی را گویند که حاصل شود بدلیل بدور کردن شبه از [illegible] قوله دلیل الخیرات رهنمائی بسوی نیکوئیها [illegible] قوله مصحح الحسنات بضم میم و فتح صاد و کسر حاء [illegible] کننده نیکوئیها [illegible]

محمد است صلی الله علیه وآله وسلم و باب شفاعت درین مقام کشاده میشود

بیت

ای ذات تو از دو کون مقصود
وجود نام تو محمد و مقامت محمود

بود تا بالای شتالنگ
رخصت است و هر چه پایان آن سنت
در آن ش دور رفتن است و حکم دامن قبا
و پیراهن همین است و سنت همت و در
در آستین ها تا بند دست و در
بعضی روایات تا سر انگشتان نیز
آمده و پنجه تجاوز ازین در بعضی
و بار حجاز و مصر واقع شده خلاف
سنت و اضاعت مال و اسراف است
قوله صاحب الحجة ۱۲
خداوند دلیل استوار و اینجا مراد
معجزهٔ آنحضرت است صلی الله علیه وآله وسلم

صَاحِبُ الْقَدَمِ	مَخْصُوْصٌ بِالْعِزِّ
صاحب قدم	خاص کرده شده به بزرگی
مَخْصُوْصٌ بِالْمَجْدِ	مَخْصُوْصٌ بِالشَّرَفِ
خاص کرده شده به بزرگی	خاص کرده شده به عزت
صَاحِبُ الْوَسِيْلَةِ	صَاحِبُ السَّيْفِ
خداوند وسیله	خداوند شمشیر
صَاحِبُ الْفَضِيْلَةِ	صَاحِبُ الْإِزَارِ
خداوند بزرگی	خداوند ازار
صَاحِبُ الْحُجَّةِ	صَاحِبُ السُّلْطَانِ
خداوند دلیل استوار	خداوند غلبه و قدرت

صَاحِبُ الرِّدَاءِ

خداوند چادر

معجزات وی بیشمارند و بعضی ازان درین کتاب درضمن درودها نیز مذکور خواهد شد ۱۲

قوله صاحب السلطان خداوند غلبه و قدرت ۱۲

قوله صاحب الرداء خداوند چادر و چون اکثر

صاحب الدرجة الرفیعة خداوند پایه بلند	صاحب التاج خداوند تاج
صاحب المغفر خداوند مغفر	صاحب اللواء خداوند نیزه
صاحب المعراج خداوند معراج	صاحب القضیب خداوند عصا
صاحب البراق خداوند براق	صاحب الخاتم خداوند مهر نبوت
صاحب العلامة خداوند نشانی	صاحب البرهان خداوند دلیل

درمشت ٭ که از تعظیم دارد و مهر بر پشت ٭ و احتمال دارد که مراد ازین انگشترین باشد که از نقره بود و نقش کرده بود در آن محمد رسول الله و چون سفید آمد او در انگشت خود

صاحب البیان	فصیح اللسان
خداوند بیان	خوش زبان
مطهر الجنان	رءوف
پاک کرده شده دل او	مهربان
رحیم	اذن خیر
بخشاینده	شنونده نیکوئی
صحیح الاسلام	سید الکونین
درست اسلام	سردار هر دو جهان
عین النعیم	عین الغر
ذات نعمت	چشم بزرگی

که بزرگ است از همه امتان و نیز در وصف ایشان آمده غر المحجلین چنانچه بالا مذکور شده یا مراد پیغمبران و فرشتگان مقرب اند

اسماء سیدنا و مولانا

که بزرگ از همه خلق اند و بهر وجه آن حضرت چشم ایشانست که خوبی و زینت ایشان بآنحضرت است و نیز آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم رئیس سردار ایشانست

بیت

وبزرگی آن بر جمیع بلاد و جا بجا اقامت
شرافت او گویا ست

نظم

زینجا زمین است که عرش برین
رشک برد با همه رفعت برین
نخلی سرزده زینجا ب و گل
شد بهشت از این هم جان و دل
شده زینجا گلی بس عجیب
شده جبریل امین عندلیب

در بعضی
نسخه بعد ازین زیاده
آمده رفیع
الدّرج
بفتحتین
جمع
درجه یعنی بلند است
پایهای قدر و منزلت او نزد
مولا و بالاتر است
عروج
از عرش معلی

سَعْدُ اللّٰه	
برکت خدای	
سَعْدُ الْخَلْقِ	**خَطِیبُ الْاُمَمِ**
نیک بختی آفریدگان	خطبه خواننده امتان
عَلَمُ الْهُدٰی	**کَاشِفُ الْکُرَبِ**
علامت رهنمائی	دور کننده غمهای سخت
رَافِعُ الرُّتَبِ	**عِزُّ الْعَرَبِ**
بلند کننده قدر و منزلت	سبب بزرگی عرب
صَاحِبُ الْفَرَجِ	
خداوند گشایش	

قوله کاشف الکرب بضم کاف و فتح را دور کننده غمهای سخت و بر دارنده رنج از کسیکه شفاعت جوید از وی و رنج بسیار آورد او را از نزد خدایتعالی و بسیار گوید بر او درود قوله رافع الرتب بضم راء و فتح تاء بلند کننده قدر و منزلت پیروان خود را در هر دو جهان ۱۲ قوله عز العرب یعنی سبب بزرگی و ارجمندی عرب از آنکه مبعوث شد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] و شرف و کرامت عرب در کتب احادیث بسیار مذکور است ۱۲ قوله صاحب الفرج بفتح فاء [illegible]

و شهباز وهم
هیچ پیغمبری بر اوج مقام
عظمت او نه
پریده
و دست تمنای
هیچ مرسلی بدامن کمال
او نرسیده

بیت

ای محرم سر لایزالی
مرات جمال ذو الجلالی
مهمان ابیت عند ربی
صاحبدل لا ینام قلبی

کیفیت ۱۲ [illegible] شود [illegible] آنحضرت در دو [illegible] و ذکر اسماء [illegible] بود از [illegible] و چون لا [illegible] بود [illegible] عبارت [illegible] در هر صورت و خود [illegible] و فوق که عبارتی [illegible] معنی آنست که [illegible] از قرب حضرت الهی

فقوله صلی آمده و در بعضی نسخه

وسلم هم آمده و شرف و کرم و مجد و عظم

این چهار کلمه بفتح حرف اول و تشدید حرف

دوم یعنی بزرگ گرداند

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلٰى آلِهٖ اَللّٰهُمَّ

درود فرستد خدا بر او و بر آل او خدایا

يَا رَبِّ بِجَاهِ نَبِيِّكَ الْمُصْطَفٰى وَ

ای پروردگار من بقدر و منزلت پیغمبر تو که برگزیده شده است و

رَسُوْلِكَ الْمُرْتَضٰى طَهِّرْ قُلُوْبَنَا

فرستادهٔ تو که پسندیده شده است پاک گردان دلهای ما یان را

مِنْ كُلِّ وَصْفٍ يُّبَاعِدُنَا عَنْ

از هر خصلتی که دور اندازد ما یان را از

مُشَاهَدَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ وَاَمِتْنَا عَلَى السُّنَّةِ

دیدن تو و از محبت تو و بمیران ما یان را بر طریق پیغمبر

وَالْجَمَاعَةِ وَالشَّوْقِ اِلٰى لِقَآئِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ

وگروه تابعین و شوق بسوی دیدار تو ای خداوند بزرگی تام

وَالْاِكْرَامِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا وَ

و فضل عام و درود فرستد خدا بر مهتر و بهتر ما یان و

مَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى آلِهٖ وَصَحْبِهٖ وَسَلَّمَ

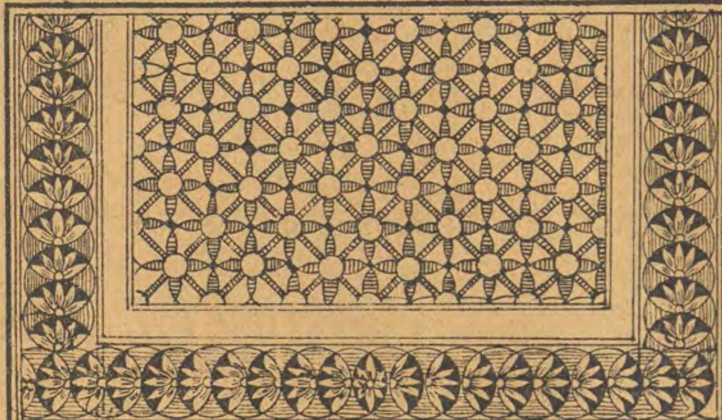
بزرگ و رئیس ما یان محمد و بر آل او و یاران او و سلام فرستد

تَسْلِيْمًا وَّالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ

سلام فرستادنی و جمیع حمد خدا راست که پروردگار عالمهاست

این اسم جامع باشد جمیع صفات الٰهی را ازین است که او را اسم اعظم گفته اند هر که وسیله جوید باین اسم در دعا البته مستجاب شود ۱۲

قوله صلی الله
چون شروع نموده بطلب
دیگر بار بکمرا آورده درود
برای تبرک ۱۲
قوله وهذه صفة
الروضة فایده روضه در
اصل بمعنی باغ و مرغزار است و اینجا
مراد مکان قبر شریف است که پر از گلهای
فیض و رحمت پروردگار است بیت
خاک یثرب که با نکهت آمیخت * هر کجای کزان
زمین روضه برانگیخت * آبروی
زمین جز و پایه نافه در جیب پایمین ریزند
قوله ابوبکر و عمر رضی الله عنهما
درین محل مؤلف صورت روضه منوره را بر
شکل تصویر نموده است و بر موافق روایتی
که بعد از ین ذکر میکند در شکل قبر شریف
ابوبکر الرحیم جانب پایین قبر شریف آنحضرت
است صلی الله علیه و آله و سلم اما سر مبارک
برابر دو پای ابوبکر است اما بالا سیدنا
صورت این سه قبور اختلاف دارند
بهئیت روایت نقل کرده اند اما آنچه



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
بنام خدائیکه بخشنده و مهربان است

صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ
درود فرستد خدا بر مهتر مایان و بزرگ مایان محمد

وَّعَلٰٓى اٰلِهٖ وَسَلَّمَ وَهٰذِهٖ صِفَةُ الرَّوْضَةِ
و بر آل او و سلام فرستد و این است صفت روضه

الْمُبٰرَكَةِ الَّتِيْ دُفِنَ فِيْهَا رَسُوْلُ اللّٰهِ
مبارکه که دفن کرده شده است دران پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصَاحِبَاهُ
درود فرستد خدا بروی و سلام و دو یار او

اَبُوْبَكْرٍ وَّعُمَرُ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُمَا
ابو بکر و عمر راضی باد خدایتعالی از ایشان

غزالی در احیاء العلوم نقل کرده و علماء
دیگر هم انرا ترجیح داده اند اینست
که قبر شریف آنحضرت صلی الله علیه
و آله و سلم پیشتر است بجانب دیوار
حجره منوره که بجانب قبله است و سر
ابوبکر رضی الله عنه مقابله بر دو دوش مبارک
آنحضرت است صلی الله علیه و آله و سلم
و سر عمر رضی الله عنه مقابله بر دو دوش ابوبکر است

فایده
شیخ عبد الحق در شرح مشکوة آورده که
بنای قبر شریف بر وضع کوهان شتر
نموده و این وضع مستحب است در چهار
مذهب
تنبیه
در ذکر شکل قبور شریف درینجا فایده آن
است که زیارت بکنند این مثال را کسیکه قدرت
نیافته است بزیارت عین روضه مقدسه
مشاهده بکنند این شکل مبارک را محبوبشتاق
بوسه زنند بران از غایت محبت و بیفزاید
شوق خود را و اکثر بزرگان برای این شکل خواص
و برکات بسیار ذکر کرده اند و تجربه آورده اند
نیز درین کتاب بعد از ین در ضمن درود ها ذکر فضائل
شریف خواهد آمد پس مقدم کرد ذکر او تا خواننده را
بیشتر علم بان حاصل شود ۱۲

هٰكَذَا ذَكَرَهُ عُرْوَةُ بْنُ الزُّبَيْرِ رَضِيَ اللهُ

همچنین ذکر کرده است آنرا عروة بن زبیر خوشنود باد خدای

تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ دُفِنَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى

تعالی ازو گفت دفن کرده شد پیغمبر خدای درود فرستد

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي السَّهْوَةِ وَدُفِنَ اَبُوْبَكْرٍ

خدای بروی وسلام در سهوه ودفن کرده شد ابوبکر

رَضِيَ اللهُ تَعَالٰى عَنْهُ خَلْفَ رَسُوْلِ اللهِ

راضی باد خدای تعالی ازو پس پشت پیغمبر خدای

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَدُفِنَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ

درود فرستد خدای بروے و سلام ودفن کرده شد عمر پسر خطاب

رَضِيَ اللهُ تَعَالٰى عَنْهُ عِنْدَ رِجْلَيْ اَبِيْ بَكْرٍ

راضی باد خدای تعالی ازو نزد دوپای ابی بکر رض

الصِّدِّيْقِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ وَبَقِيَتِ السَّهْوَةُ

صدیق راضی باد خدایتعالی ازو و باقی ماند صفه

الشَّرْقِيَّةُ فَارِغَةً فِيْهَا مَوْضِعُ قَبْرٍ يُقَالُ وَاللهُ

شرقیه خالے درآن جای یک قبر است گفته میشود و خدای

اَعْلَمُ اَنَّ عِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُدْفَنُ

داناتر است بدرستیکه عیسی بن مریم بروی باد سلام دفن کرده خواهد شد

فائده هكذا ذكره در بعضی نسخ آمده

فوائد عروة بن الزبير

فوائد في السهوة بفتح سین مهمله و سکون ها یعنی صفه ۱۲

فوائد خلف رسول الله صلی الله علیه وسلم

فایده

صفة هذه

فوائد عند رجلي ابي بكر

فوائد الشرقية

فوائد عیسی ابن مریم

والله اعلم

فِيهِ وَكَذَٰلِكَ جَاءَ فِي الْخَبَرِ عَنْ رَسُولِ

در آنجا و همچنانکه آمده است در حديث از پيغمبر

اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَتْ عَائِشَةُ

خدا درود فرستد خداى بروى وسلام و گفت عائشه

رَضِيَ اللهُ عَنْهَا رَأَيْتُ ثَلٰثَةَ أَقْمَارٍ سُقُوطًا

راضى باد خدا ازو ديدم من سه ماه را فرو افتادگان

فِي حُجْرَتِي فَقَصَصْتُ رُؤْيَايَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ

در خانه من پس قصه كرديم خواب خود را بر ابى بكر

فَقَالَ يَا عَائِشَةُ لَيُدْفَنَنَّ فِي بَيْتِكِ ثَلٰثَةٌ

پس گفت اى عائشه هر آئينه دفن كرده خواهند شد در خانه تو سه كس

هُمْ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ فَلَمَّا تُوُفِّيَ رَسُولُ اللهِ

آن بهترين اهل زمين اند پس هرگاه قبض كرده شد پيغمبر خداى

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَدُفِنَ فِي بَيْتِي فَقَالَ

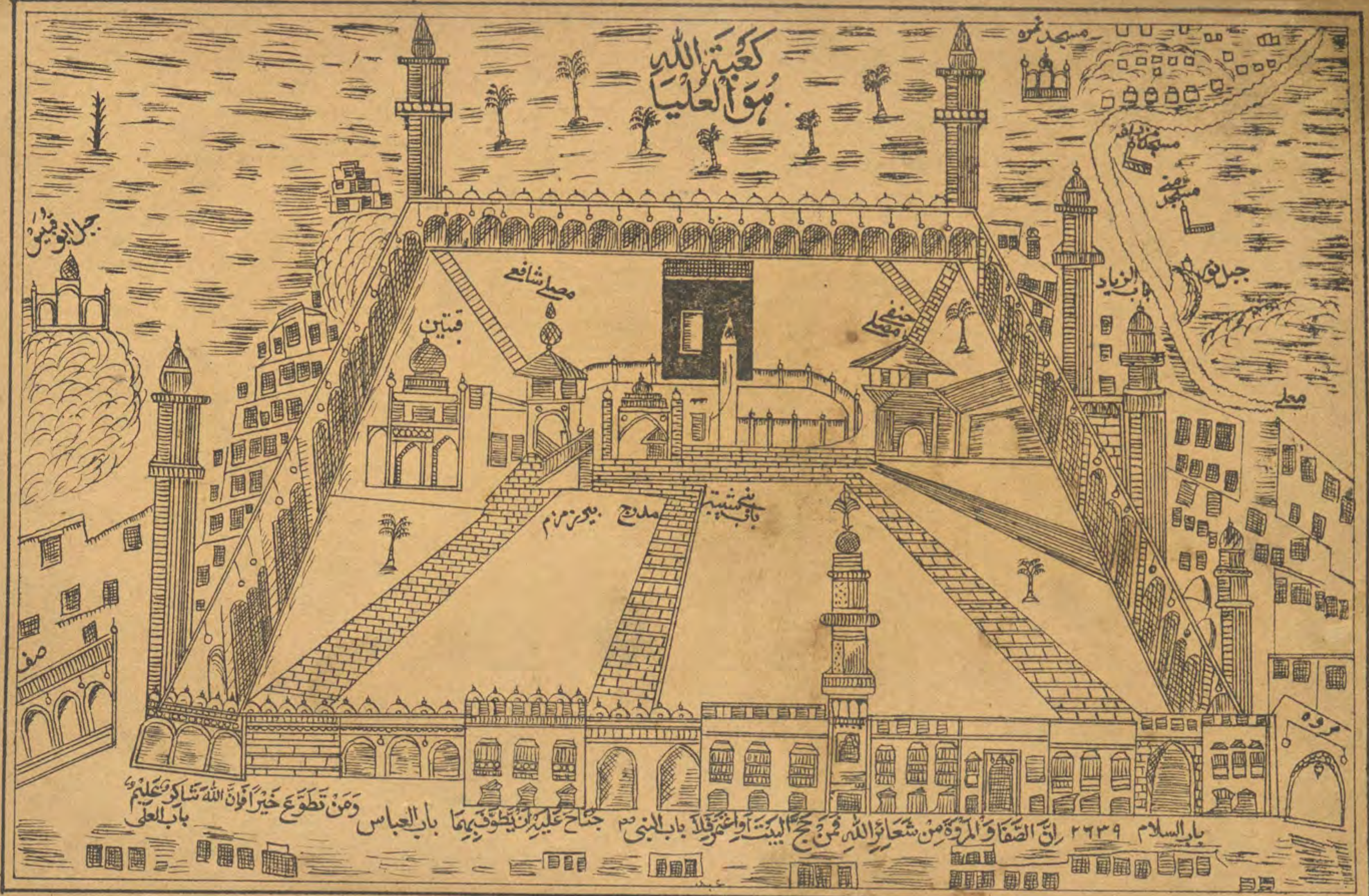
درود فرستد خداى بروى وسلام و دفن كرده شد در خانه من پس گفت

لِي أَبُو بَكْرٍ هٰذَا وَاحِدٌ مِنْ أَقْمَارِكِ وَهُوَ

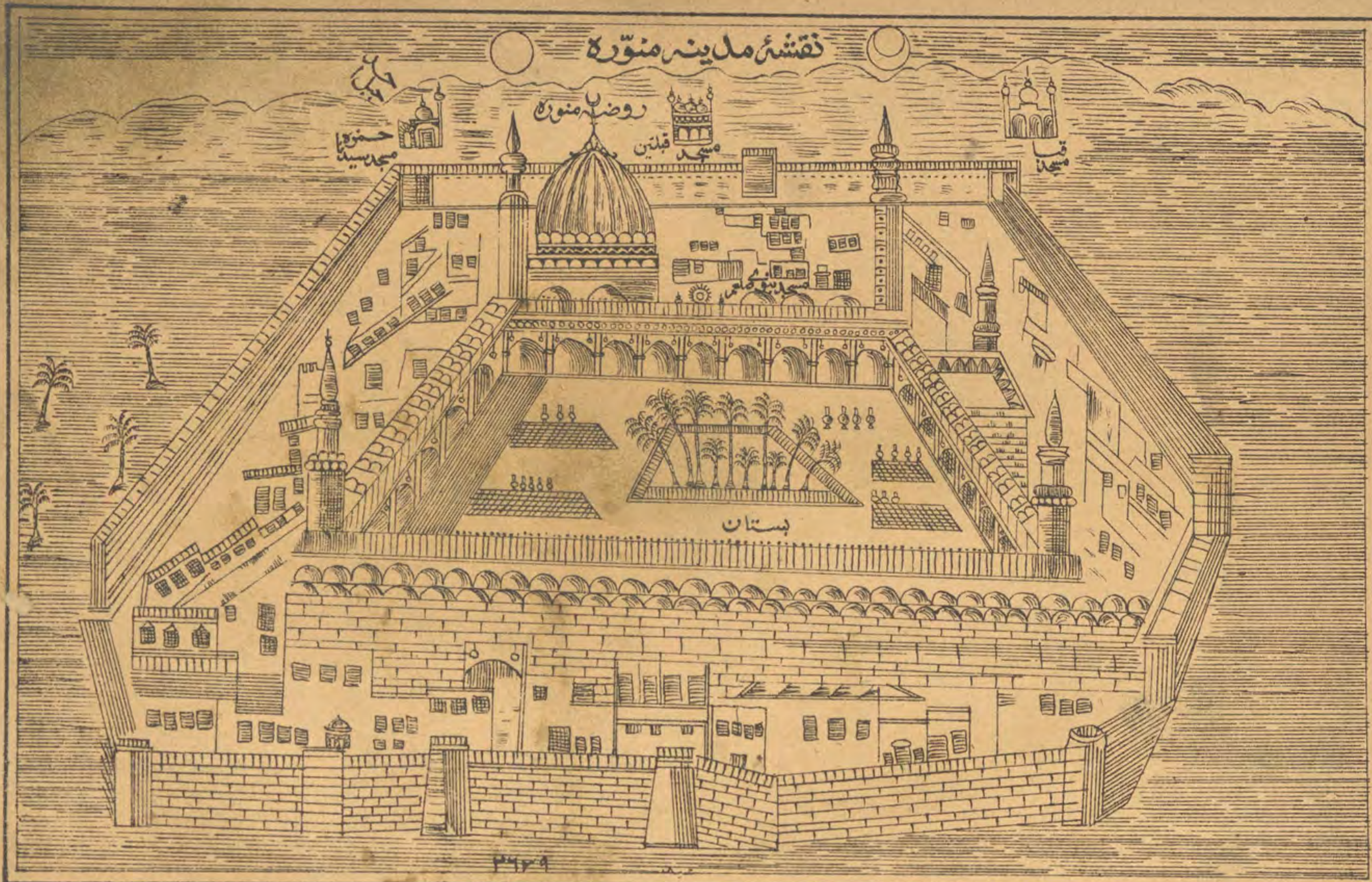
مرا ابو بكر اين يكى از ماههاى تست و آن

خَيْرُهُمْ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا

بهترين آنهاست درود فرستد خدا بروى و بر آل وى و سلام بسيار



كعبة الله
هو العليا
مسجد نمره
جبل ابو قبيس
قبتين
مصلى شافعي
مصلى حنفي
باب الزياد
جبل ثور
مدرج
بير زمزم
باب شيبه
صفا
مروه
باب السلام ٢٦٣٩ ان الصفا والمروة من شعائر الله فمن حج البيت او اعتمر فلا باب النبي جناح عليه ان يطوف بهما باب العباس ومن تطوع خيرا فان الله شاكر عليم باب العلى


نقشۂ مدینہ منوّرہ
روضۂ منورہ
مسجد قبلتین
مسجد قبا
مسجد سیدنا حمزہ
بستان

الحزب الاول من فصل الکیفیة

هو في الاسماء الشريفة في يوم الاثنين

فصل في كيفية الصلوة على النبي صلى الله عليه وعلى آله وسلم

بسم الله الرحمن الرحيم

آغاز میکنم بنام خدائیکه سزاوار پرستش است نهایت مهربان

صَلَّى اللهُ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى آ

درود فرستد خدا بر مهتر و رئیس مایان و صاحب و مالک مایان محمد ﷺ و بر

لِهٖ وَصَحْبِهٖ وَسَلَّمَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ

آل او و یاران او و سلام ای خدای درود فرست بر محمد ﷺ و

اَزْوَاجِهٖ وَذُرِّيَّتِهٖ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ

بر زنان او و ذریت او چنانچه درود فرستادهٔ تو بر ابراهیم ﷺ

وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاَزْوَاجِهٖ وَذُرِّيَّتِهٖ

و برکت ده بر محمد ﷺ و زنان او و ذریت او

كَمَا بَارَكْتَ عَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ

چنانچه برکت دادهٔ تو بر آل ابراهیم ﷺ بدرستیکه تو ستوده شدهٔ

الحزب الاول

مَجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِهٖ كَمَا

بزرگواری خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل او چنانچه

صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ

درود فرستادهٔ تو بر ابراهیم و برکت ده بر محمد

وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ

و بر آل محمد چنانچه برکت دادهٔ تو بر آل ابراهیم

فِي الْعَالَمِيْنَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

در عالمیان بدرستیکه ستوده شده بزرگواری خدایا درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ

بر محمد و آل محمد چنانچه درود فرستادهٔ تو بر ابراهیم

وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰى

و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانچه برکت دادهٔ تو بر

اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شدهٔ بزرگواری خدایا درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَعَلٰى اٰلِ

بر محمد که پیغمبر است نانویسنده وناخوانده و بر آل

مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

محمد خدایا درود بفرست بر محمد که بندهٔ تست

قوله ورسولك یعنی فرستاده تست بسوی خلق برای رهنمائی براه راست که دین اسلام است ۱۲

قوله وعلى آل ابراهيم انك حميد مجيد

وَرَسُوْلِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ
وفرستادهٔ تست خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَعَلٰى
محمد چنانچه درود فرستادهٔ تو بر ابراهیم و بر

اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ
آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده و بزرگواری خدایا

بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ
برکت ده بر محمد و بر آل محمد چنانچه برکت دادهٔ تو

عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ
بر ابراهیم و بر آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شدهٔ

مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ وَتَرَحَّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ
و بزرگواری خدایا و رحمت کن بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ كَمَا تَرَحَّمْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ
محمد چنانچه رحمت کردهٔ تو بر ابراهیم و بر آل

اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ وَتَحَنَّنْ
ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شدهٔ و بزرگواری خدایا و مهربانی کن

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تَحَنَّنْتَ
بر محمد و بر آل محمد چنانچه مهربانی کردهٔ تو

قوله وترحم بفتح تا و راو تشدید حاء مفتوحه یعنی خدایا رحمت کن و بخشایش فرما و واو برای عطف است بر بارک و باز آوردن اللهم برای تبرک است ۱۲

قوله انک حمید مجید فایده

الحزب الاول

اختلاف کرده اند در دعا برحمت برای پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و بعضی جائز دارند زیرا که در التحیات نماز آمده است السَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ و بعضی جائز ندارند و گویند که حق آنست که تنها نگوید النبی و رحمه الله اما با صلوة و سلام توان گفت ۱۲

قوله وتحنن بفتح تاء و حاء و تشدید نون مفتوح و سکون نون دوم یعنی خدایا مهربانی کن و لطف فرما ۱۲

عَلٰی اِبْرٰهِیْمَ وَعَلٰی اٰلِ اِبْرٰهِیْمَ اِنَّكَ
بر ابراهیم و بر آل ابراهیم بدرستیکه تو

حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ اَللّٰهُمَّ وَسَلِّمْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ
ستوده شده و بزرگواری خدایا وسلام بفرست بر محمد و

عَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلٰی اِبْرٰهِیْمَ
بر آل محمد چنانچه سلام فرستادهٔ تو بر ابراهیم

وَعَلٰی اٰلِ اِبْرٰهِیْمَ اِنَّكَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ
و بر آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده و بزرگواری

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ
خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد و

ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَّاٰلَ مُحَمَّدٍ وَّبَارِكْ عَلٰی
رحم کن محمد را و آل محمد را و برکت ده بر

مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّیْتَ وَرَحِمْتَ
محمد و بر آل محمد چنانچه درود فرستادهٔ تو و رحمت کردی تو

وَبَارَكْتَ عَلٰی اِبْرٰهِیْمَ وَعَلٰی اٰلِ اِبْرٰهِیْمَ
و برکت دادی تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم

فِی الْعٰلَمِیْنَ اِنَّكَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ
در عالمیان بدرستیکه تو ستوده شده و بزرگواری

قوله ۱ وسلم علی محمد
سلام از حق تعالی بر بنده نگاه داشتن ویست او را بخیر وسلامت از هر امر مکروه ولز هر آفت ۱۲

قوله ۲ وارحم محمدا وال محمد
فایده شیخ عبدالحق در شرح مشکوة آورده آنکه در بعض روایات لفظ ارحم محمد بکار رحمت وترحمت واقع شده است بصحت نرسیده ۱۲

فایده بدانکه اهل بیت آنحضرت
صلی الله علیه وسلم نزد بعضی کسانی اند که حرام
است بر ایشان زکوة گرفتن وایشان بنی هاشم اند
واین شامل است آل عباس و علی وجعفر و آل
عقیل و آل حارث را و امام راهی گفته که اولی
آنست که گفته شود که اهل بیت از ازواج و اولاد
حضرت اند و از امام ابومنصور ماتریدی همین
نقل کرده اند و شیخ عبدالحق در شرح مشکوة
آورده که گاهی اطلاق اهلبیت چنان آمده
مفهوم میگردد اختصاص بحضرت فاطمه
وحضرت علی و حضرت امام حسن و حضرت
امام حسین علیهم الصلوة والسلام وگفته
بالجمله اطلاق اهل بیت برین چهار تن پاک
شایع ومشهور است و در تفسیر حسینی از عایشه
وام سلمه و ابوسعید خدری و انس بن مالک
همین نقل کرده اند و ام سلمه روایت کرده که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم حضرت فاطمه
وحضرت علی و حضرت امام حسن و حضرت
امام حسین علیهم الصلوة والسلام را در
گلیمی که خود پوشیده بود در آورد و دعا کرد که
خدایا اینها اهل بیت من اند رجس از ایشان
ببر و پاکیزه گردان ۱۲ المسموکات فایده
اول حقتعالی زمین را پیدا کرده بعد از یک عرصه
کعبه شریف بعد از آن آسمانها را پیدا کرد پس
زمین را فراخ ساخت چنانچه فرشی

الحزب الاول

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدِ النَّبِیِّ وَاَزْوَاجِهٖ

خدایا درود بفرست بر محمد که پیغمبر است و بر زنان او

اُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَذُرِّیَّتِهٖ وَاَهْلِ بَیْتِهٖ

که مادران مسلمانانند و ذریت او و اهل بیت او

كَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی اٰلِ اِبْرٰهِیْمَ اِنَّكَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ

چنانچه درود فرستادهٔ تو بر ابراهیم بدرستیکه ستوده شده و بزرگواری

اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

خدایا برکت ده بر محمد و بر آل محمد چنانچه

بَارَكْتَ عَلٰی اٰلِ اِبْرٰهِیْمَ اِنَّكَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ

برکت دادهٔ تو بر ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده و بزرگواری

اَللّٰهُمَّ دَاحِیَ الْمَدْحُوَّاتِ وَبَارِئَ الْمَسْمُوْكَاتِ

خدایا گسترده شدهها همچو فرش زمینها و برداشته شدهها همچو سقف آسمانها

وَجَبَّارَ الْقُلُوْبِ عَلٰی فِطْرَتِهَا شَقِیِّهَا

و بغلبه کارفرمائی دلها بر آفرینش آن بدبخت اند آن دلها

وَسَعِیْدِهَا اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ

و نیکبخت اند آن دلها نازل گردان درودهای خود را که بزرگ و برترند

وَنَوَامِیَ بَرَكَاتِكَ وَرَأْفَةَ تَحَنُّنِكَ عَلٰی مُحَمَّدٍ

و برکت های خیر و نعمت خود را که افزون شوند و بخشایش مهربانی خود را بر محمد

[illegible] در افراخ سازند در عین جوهری سبز
المعالی آورده که خداتعالی جوهری [illegible]
آفرید و بنظر هیبت در آن نگریست بگداخت
و دوان شد و آتش را بر وی غالب کرد تا بجوش
آمد کفی و بخاری از آن پیدا شد از آن کف زمین
و از آن بخار آسمان آفریده گشت ٭ بیت
لغی [illegible] منبسط ساز که این فرشی است
لایق [illegible] افراز که این سقفی است
پس زیبا ٭ از آن سقف معلق حسن تصویرش
[illegible] ٭ زین فرش بطبع لطف تدبیرش

عارفانرا در ورطهٔ حیرت انداخته رباعی آن یکی را از ازل لوح سعادت درکنار ٭ وین یکی را تا ابد نقش شقاوت بر جبین ٭

عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ الْفَاتِحِ لِمَا اُغْلِقَ وَ

بندهٔ تست و فرستادهٔ تست کشاینده هر چیزیراکه بسته شده و

الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَالْمُعْلِنِ الْحَقَّ بِالْحَقِّ وَالدَّامِغِ

آخر کنندهٔ هر چیزیراکه پیش گذشته و ظاهر کنندهٔ دین اسلام را براستی و شکننده

لِجَيْشَاتِ الْاَبَاطِيْلِ كَمَا حُمِّلَ فَاضْطَلَعَ

مر لشکرهای باطلان را چنانچه برداشته شده پس برخاست چالاک

بِاَمْرِكَ بِطَاعَتِكَ مُسْتَوْفِزًا فِيْ مَرْضَاتِكَ

بسبب فرمان تو بفرمانبرداری تو درحالیکه شتاب کننده بود در طلب خشنودی تو

وَاعِيًا لِوَحْيِكَ حَافِظًا لِعَهْدِكَ مَاضِيًا

درحالیکه نگاهدارنده بود مر وحی ترا درحالیکه نگاهدارنده بود پیمان ترا درحالیکه جاری بود

عَلٰى نَفَاذِ اَمْرِكَ حَتّٰى اَوْرٰى قَبَسًا

بر روان کردن حکم تو تا آنکه روشن ساخت مشعلهٔ نور را

لِقَابِسٍ اٰلَاءُ اللّٰهِ تَصِلُ بِاَهْلِهٖ اَسْبَابُهٗ

برای گیرنده نعمتهای خدا پیوسته می نماید بکسی که سزاوار آنست سببهای آن

بِهٖ هُدِيَتِ الْقُلُوْبُ بَعْدَ خَوْضَاتِ الْفِتَنِ

بسبب او راه نموده شد دلها را پس از فرو رفتن در فتنه ها

وَالْاِثْمِ وَاَبْهَجَ مُوْضِحَاتِ الْاَعْلَامِ

و گناه و خوبی داد نشانهای دین را

موحده بعد از همزه یعنی حسن و خوبی داد آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم ود. بعضی نسخه بنون آمده یعنی ظاهر پیدا ساخت قوله الاعلام بفتح همزه

قوله وناثرات الاحکام و زیب و زینت بخشنده و یا ظاهر گردانند حکمهای شرع را که روشن و تابانند چو آفتاب و پاک از ظلمت شک و ارتیاب ۱۲ قوله ومنیرات الاسلام و ارکان مسلمانی را که روشن کننده اند باطن کسی را که قبول کند اسلام را و روشن و تابانند در ذات خود ۱۲ قوله افسح بفتح سین ۱۲ قوله عدنك بفتح عین و سکون دال و آن بلندترین درجهای بهشت است ۱۲ قوله واجزه بوصل واو بجیم یعنی و بده مزد و پاداش آنرا صلی الله علیه وآله وسلم بمقابله نیکیهای وی و مشقتها که در تبلیغ رسالت کشیده ۱۲ قوله غیر مکدرات بفتح دال مشدده یعنی صاف از تیرگی رنج و نفرت ۱۲ قوله المحلول یعنی چنین مزدی که فرود آمده شود در وی و بیکبار رسیده شود و در بهشت و آنکه نیست که چون درجهان نعمت و مطعم شود عیش و ناگوار بود ۱۲ بستان پر نعمت زندگانی همه وجود قوله المعلول فایده

وَنَاۤثِرَاتِ الْأَحْكَامِ وَمُنِيرَاتِ الْإِسْلَامِ
و حکمهای شرع را و ارکان مسلمانی را
فَهُوَ أَمِينُكَ الْمَأْمُونُ وَخَازِنُ عِلْمِكَ
پس آن امین تست امین کرده شده و نگهبان علم تست
الْمَخْزُونِ وَشَهِيدُكَ يَوْمَ الدِّينِ وَبَعِيثُكَ
که پوشیده شده است و گواه تست روز جزا و برانگیخته شده تست
نِعْمَةً وَرَسُولُكَ بِالْحَقِّ رَحْمَةً اَللّٰهُمَّ
درحالتیکه نعمت است و فرستاده تست براستی درحالتیکه رحمت است خدایا
افْسَحْ لَهُ فِي عَدْنِكَ وَاجْزِهِ مُضَاعَفَاتِ
فراخ گردان برای او در بهشت تو و مزد ده آنرا کزیاد کرده
الْخَيْرِ مِنْ فَضْلِكَ مُهَنَّآتٍ لَهُ غَيْرَ مُكَدَّرَاتٍ
خیر از روی فضل خود درحالتیکه باشند گوارنده برای او درحالتیکه باشند بی کدورت
مِنْ فَوْزِ ثَوَابِكَ الْمَحْلُولِ وَجَزِيلِ
از جهت فیروزی یافتن بمزد جزاء تو که فرود آمده شود درو و زیادتی
عَطَائِكَ الْمَعْلُولِ اَللّٰهُمَّ أَعْلِ عَلَى
بخشش تو که پی در پی آینده بود خدایا بلند گردان بر
بِنَاءِ النَّاسِ بِنَاءَهُ وَأَكْرِمْ مَثْوَاهُ لَدَيْكَ
منزل آدمیان منزل اورا و بزرگ گردان آرامگاه اورا نزد خود

الحزب الاول

در لغت علل بفتح عین مهمله و لام مکرر نوشیدن بعد نوشیدن است و در اینجا مراد تکرار عطا است یعنی پیوسته ۱۲ قوله بنآءه یعنی مرتبه بود نزد خدا ... ۱۲ قوله واکرم مثواه ... صلی الله علیه وآله وسلم ... ۱۲

وَنُزُلَهُ وَاَتْمِمْ لَهُ نُوْرَهُ وَاجْزِهِ مِنْ

وپیشکش اورا و تمام وکامل گردان برای او نور اورا و مزده اورا از بهر

ابْتِعَاثِكَ لَهُ مَقْبُوْلَ الشَّهَادَةِ وَمَرْضِيَّ

برانگیختن تو مراورا درحالتیکه باشد پذیرفته شده گواهی او وموافق خوشنودی تو

الْمَقَالَةِ ذَا مَنْطِقٍ عَدْلٍ وَخُطَّةٍ فَصْلٍ

گویائی او صاحب گویائی راست ودرست وامری که جدا کننده بود حق از باطل

وَبُرْهَانٍ عَظِيْمٍ اِنَّ اللهَ وَمَلٰئِكَتَهُ

و دلیل بزرگ بدرستیکه خدا و فرشتگان او

يُصَلُّوْنَ عَلَى النَّبِيِّ يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا

درود میگویند بر پیغمبر ای کسانیکه گرویده اید

صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا لَبَّيْكَ

درود گوئید بر او وسلام گوئید سلام گفتنی استاده ام برای خدمت تو

اَللّٰهُمَّ رَبِّيْ وَسَعْدَيْكَ صَلَوَاتُ اللهِ

ای بار خدایا ای پروردگار من ویاری میدهم دین ترا درودهای خدا

الْبَرِّ الرَّحِيْمِ وَالْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِيْنَ

که نیکوئی کننده ومهربان است وفرشتگان که نزدیکان بارگاه الهی اند

وَالنَّبِيِّيْنَ وَالصِّدِّيْقِيْنَ وَالشُّهَدَاءِ

وپیغمبران و راست گویان وکشتگان در راه خدا

فی یوم الاثنین

شرح عربی نوشته شده مگر آنکه برای توجه یعنی چنین گفته شود جزا ده اورا از بهر برخواستن او برسالت از جهت تو ۱۲

قوله وخطة بضم خاء معجمه وتشدید طاء مهمله بتنوین وبلا تنوین ۱۲

این سخن از وی دروغ وفضول است ۱۲

وَالصّٰلِحِيْنَ ۙ وَمَا سَبَّحَ لَكَ مِنْ شَيْءٍ يَّا رَبَّ

وستودگان در اعمال   و چیزیکه تسبیح میگوید ترا   از هر موجودی ای تربیت کننده

الْعٰلَمِيْنَ ۙ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ

عالمیان   بر   سردار ما یان   محمد   پسر   عبد الله

خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ ۙ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ وَاِمَامِ

آخر همه پیغمبران   و سردار همه پیغمبران   و پیشوای

الْمُتَّقِيْنَ وَرَسُوْلِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ الشَّاهِدِ

همه پرهیزگاران   و فرستاده شده پروردگار عالمیان   گواه

الْبَشِيْرِ الدَّاعِيْ اِلَيْكَ بِاِذْنِكَ السِّرَاجِ

مژده دهنده   خواننده   بپرستش تو   بفرمان   چراغ

الْمُنِيْرِ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ

روشن   و براو باد   سلام   خدایا   گردان   درودای خودرا

وَبَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ عَلٰى سَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ

و برکتهای خودرا   و بخشش خودرا   بر   سردار   پیغمبران

وَاِمَامِ الْمُتَّقِيْنَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ مُحَمَّدٍ

و پیشوای پرهیزگاران   و ختم کننده   پیغمبران   محمد

عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ اِمَامِ الْخَيْرِ وَقَائِدِ

که بنده تو   و فرستاده تست   پیشوای   نیکی   و کشنده

قوله مقاما محمودا یعنی مقامیکه صاحب آن ستوده شود
بستایش ایشان ستایش کنندگان
و آن مقام شفاعت است ۱۲

قوله یغبطه بکسر باء موحده و بضم و فتح آن ۱۲

قوله الاولون والآخرون یعنی چون حسن و خوبی آن مکان بیشی
انبیا را در نظر آید هر یکی آرزو کند
تا بایدا ازیشان چنانکه حضرت جلال آن در مرتبه
کمال بود تا چار بیار اختیار طبیعت
بوی مایل شود

فائده غبطه بکسر آرزوی نعمت دیگری بی
اراده زوال آن از وی و آرزوی زوال
نعمت دیگری برای خود خواه حسد بود که
خصلت ذمیمه است که در شرع جائز
نیست و اما غبطه در امر نیک جائز است ۱۲

قوله علی ابراهیم
و در بعضی نسخه علی آل ابراهیم زیادتی
لفظ آل آمده هم با صلوة و هم با برکت

فی یوم الاثنین

اَلخَيرِ وَرَسُولِ الرَّحمَةِ اَللّٰهُمَّ ابعَثهُ

خوبی و پیغمبر بخشش خدایا برانگیز او را

مَقَامًا مَحمُودًا يَغبِطُهُ فِيهِ الأَوَّلُونَ

مقامے پسندیده که رشک برند در آن پیشینیان

وَالآخِرُونَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آ

و پسینیان خدایا درود بفرست بر محمد و بر

لِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيتَ عَلَى اِبرَاهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ

آل محمد چنانچه درود فرستادۀ تو بر ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده

مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ بَارِك عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آ

بزرگواری خدایا برکت ده بر محمد و بر

لِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكتَ عَلَى اِبرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ

آل محمد چنانچه برکت دادۀ تو بر ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شدۀ

مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَ

بزرگواری خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل او و

اَصحَابِهِ وَاَولَادِهِ وَاَزوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ

یاران رضا او و اولاد رضا او و زنان رضا او و ذریت رضا او

وَاَهلِ بَيتِهِ وَاَصهَارِهِ وَاَنصَارِهِ

و اهل رضا بیت او و برخویشان رضا او و یاری دهندگان رضا او

و پس ازین درود که آورده ذکر کرده است
در شفا از حسن بصری و گفت وی
کسیکه خواهد که بنوشد بکاسه پر از
حوض مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم
پس بگوید این درود تا ارحم الراحمین ۱۲

قوله وانصاره
فائده انصار جمع ناصر است یعنی یاری
دهنده و اینجا مراد نصرت کنندگان
آنحضرت اند صلی الله علیه وآله وسلم
از اهل مدینه و انصار دو قبیله اند
اوس و خزرج بفتح خاء معجمه و
سکون زاء معجمه و فتح راء مهمله
و بعد جیم و آن دو برادر بودند و انصار
اولاد ایشان اند و آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم ایشانرا
انصار لقب نهاد که بدان مشهور
گشتند و ممتاز ۱۲

قوله وعلینا معهم دراین درود لفظ امت اگرچه شامل بود گوینده را نیز لیکن خاص کرد وی خود را وکسانیکه با وی خصوصیت دارند برای رسیدن برحمت ای به بیعت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه واله وسلم در فصل اول مذکور شده که درود بر غیر انبیا استقلالا جائز نیست وتنها روا نیست ﷺ قوله یا ارحم الراحمین زیراکه بخشش بهمه از تیغ وست قطع تو براهل سخا انعام کردی ﷺ که بر بیچارگان اکرام کردند ﷺ هر جا جوی از دولت روان ز دریاهای جودت دوام کردند ﷺ براو از آدمیان ﷺ قوله کم یصل کسانیکه درود نفرستادند بیت الله ربحال احمد مرسل چه کم شود ﷺ بوجهل گر بوجهل نگوید درود او ﷺ وپریان کفار بیت

وَاَشْيَاعِهٖ وَمُحِبِّيْهِ وَاُمَّتِهٖ وَعَلَيْنَا مَعَهُمْ
و پیروان او   و دوستداران او   و امت او   و بر ما یان   با آنها
اَجْمَعِيْنَ يَا اَرْحَمَ الرّٰحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
همه   ای بخشاینده ترین بخشایندگان   خدایا   درود بفرست   بر
مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ صَلّٰى عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلٰى
محمد   بشمار کسانیکه   درود فرستادند   براو   و درود بفرست   بر
مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلٰى
محمد   بشمار کسانیکه   درود نفرستادند   براو   و درود بفرست   بر
مُحَمَّدٍ كَمَا اَمَرْتَنَا بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِ وَصَلِّ
محمد   چنانچه فرموده تو ما یان را بفرستادن درود   بروی   و درود بفرست
عَلَيْهِ كَمَا يُحِبُّ اَنْ يُّصَلّٰى عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
براو   چنانچه دوست میدارد آنکه درود فرستاده شود براو   خدایا   درود بفرست
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا اَمَرْتَنَا اَنْ نُّصَلِّيَ
بر   محمد   و بر   آل محمد   چنانچه فرموده ما یان را آنکه   درود گوئیم
عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ
بروی   خدایا   درود بفرست   بر   محمد   و بر   آل محمد
كَمَا هُوَ اَهْلُهٗ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى
چنانچه وی سزاوار اوست   خدایا   درود بفرست   بر   محمد   و بر

فایده: اگر جائی که بیگوید خدایا درود بفرست بشمار چنان وچنین واین نوع در این کتاب بسیار آمده اختلاف کرده اند در آن بعضی گویند که ثواب یکبار خواندن میشود وذکر عدد محض برای مبالغه است وبعضی گویند که ثواب این زیاده میشود از ثواب کسیکه یکبار خواند ثواب این عدد بعینه وقول صحیح آنست که ثواب همون عدد میشود که ذکر میکند زیراکه رحمت خدای تعالی فراخ تر است وبعضی حدیث بر همین دلالت میکند در شرع عربی نوشته شده ۱۲ قوله امرتنا بالصلوٰة یعنی درود وکیه موافق فرموده تو بود وتو خواهی فرموده بفرستادن درود ومحبوب خود ملک کاملترین درودی وآن از طاقت ما یان بیرونست پس حواله میکنیم بتو که تو سزاوار آن شوی رباعی ایا افکنده بر کرسی بصلاة ز نیایت بر سر عرش معلا ﷺ درود ت گفتن من چون چه داند ﷺ که او قوله صلی الله ﷺ قوله بالصلوٰة علیه

الحزب الاول

فایده نقلست که امام شافعی را بعد از وفات کسی از صلحا در خواب دید پرسید که خدا با تو چه کرد گفت مرا بخشید گفت بچه عمل گفت به پنج کلمات درود که میخواندم گفت آن پنج کدام است گفت این اللهم صل علی محمد عدد من صلی علیه اللهم صل علی محمد عدد من لم یصل علیه اللهم صل علی محمد کما امرتنا بالصلوٰة علیه اللهم صل علی محمد کما ینبغی الصلوٰة علیه فایده در روایت آمده که هر که بعد از نماز صبح وعصر بخواند این درود وبعضی گفته اند ثواب بسیار است پس باید خواند وبعضی گفته اند که بعد وطاق الفاظ اللهم صل علی محمد فی الارواح اللهم صل علی محمد فی الاجساد اللهم صل علی محمد فی القبور وامثال این در کتاب

ال

سه بر چه ... وظاهر آنست که بسیار بخوانند آنکه کمتر مرتبه طاق اختیار کند چنانچه سه یا پنج باشد ۱۲

قوله وترضاه له یعنی خاص برای او که دوست نداری و راضی نشوی برای او مگر درود دیگر لائق بود بآنحضرت محبوبیت نزد تو فائده در روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] خود و ابو بکر [illegible] مردی را در میان خود و آله نشستند چون وی [illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تعجب [illegible] حضرت صلی الله علیه و آله [illegible] فرمود که این مرد بر من این درود میخواند اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد کما تحب وترضاه له پس این فضل برای دلبری بود ۱۲ قوله کما هو اهله صلی الله علیه و آله و سلم چیزیکه وی سزاوار اوست و مستحق است برای آنچه پیغمبر لائق اوست صلی الله علیه و آله و سلم فائده در حدیث آمده که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت کسیکه بگوید جزی الله عنا محمدا ما هو اهله در رنج می اندازد هفتاد فرشته را [illegible] نویسنده را تا هزار روز یعنی از برای نوشتن ثواب خواندن این درود ۱۲ قوله واهلبیته معنی آل واهلبیت بال مذکور شد فائده در روایت

فی یوم الاثنین

اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَاهُ لَهُ اَللّٰهُمَّ يَا رَبَّ
آل محمد چنانچه دوست داری تو و خوشنود شوی تو برای او خدایا ای پروردگار
مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ
محمد و آل محمد درود بفرست بر محمد و آل محمد و
اَعْطِ مُحَمَّدًا الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيْلَةَ فِي الْجَنَّةِ
بده محمد را مرتبه و وسیله در بهشت
اَللّٰهُمَّ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ اِجْزِ مُحَمَّدًا صَلَّى
خدایا ای پروردگار محمد و آل محمد مزده محمد را درود فرستد
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا هُوَ اَهْلُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
خدا بروی و سلام چیزیکه وی سزاوار اوست خدایا درود بفرست
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهٖ
بر محمد و بر آل محمد و بر اهل بیت او
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ حَتّٰى
خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد تا آنکه
لَا يَبْقٰى مِنَ الصَّلٰوةِ شَيْءٌ وَّارْحَمْ مُحَمَّدًا
باقی نماند از درود چیزے و رحمت کن محمد را
وَّاٰلَ مُحَمَّدٍ حَتّٰى لَا يَبْقٰى مِنَ الرَّحْمَةِ شَيْءٌ
و آل محمد را تا آنکه باقی نماند از رحمت چیزے

آمده کسی که بخواند این درود را هر روز صد بار روا کرده میشود او را صد حاجت او و سی از آن در دنیا بود ۱۲ قوله لا یبقی من الصلوة شیئ این کلام بطریق مبالغه است در بسیاری بخشایش چنانچه گویند پادشاه فلان شخص را همه چیز بخشید تا آنکه هیچ نعمتی باقی نماند یعنی آن شخص در نعمت تمامه است آنکه شوق او هیچ نعمتی نمانده و از برای بزرگی آن نعمت زیاده بر آن گمان کرده نمیشود و بر همین قیاس است یعنی کلامیکه بعد ازین می آید و اگر لازم می آید که رحمت الهی را نهایت باشد و حال آنکه رحمت او را نهایت نیست و افعال و صفات او را غایت نیست بیت

کل یوم هو فی شأن چه شناسد جز تو
یعنی اوصاف کمال تو ندارد پایان
جلوه حسن ترا غایت و پایانی نیست
هر زمان جلوه دیگر شود از پرده عیان ۱۲

قوله لا یبقی من السلام

فائده

نمود پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم گوینده این درود را که دیدم من فرشتگان که فرود آمدند بخواندن این درود تا آنکه پر کردند زمین را تا کرانه آسمان وبند شدند کوچه های مدینه ۱۲

قوله فی الآخرین

یعنی خاص گردان او را از میان ایشان بدرودی که امتیاز دهد او را از ایشان چنانکه گوئی فلان را دوست میدارم درین قبیله یا درین جماعت یعنی خصوصا وهمین قیاس است معنی آنچه بعد ازین می آید ف ۱۲

وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا يَبْقَى

وبرکت ده بر محمد و بر آل محمد تا آنکه باقی نماند

مِنَ الْبَرَكَةِ شَيْءٌ وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ

از برکت چیزے وسلام بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنَ السَّلَامِ شَيْءٌ اَللّٰهُمَّ

محمد تا آنکه باقی نماند از سلام چیزی خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

درود بفرست بر محمد در پیشینیان ودرود بفرست بر محمد

فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي النَّبِيِّينَ وَ

در پسینیان ودرود بفرست بر محمد در پیغمبران و

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ وَصَلِّ عَلَى

درود بفرست بر محمد در پیغمبران ودرود بفرست بر

مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَإِ الْأَعْلَى إِلَى يَوْمِ الدِّينِ اَللّٰهُمَّ

محمد در گروهے بلند تر تا روز جزا خدایا

أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَالشَّرَفَ

بده محمد را وسیله و بزرگے و بلندی

وَالدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ وَ

و پایه بزرگ خدایا بدرستیکه من ایمان آوردم

فائده

گفته اند کسیکه بخواند این درود را سه بار صباح و سه بار شام فضیلتی بسیار حاصل مینماید ۱۲

قوله فی المرسلین

تنبیه

لفظ اولین اگرچه شامل بود پیغمبران را لیکن ذکر ایشان جدا آورد برای اظهار بزرگی ایشان ۱۲

الحزب الاول

قوله فی الملا الاعلی

بفتح میم یعنی درود گو بر محمد در گروهی بلند تر یعنی فرشتگان که بلند است مرتبه آنها نزد تو یا بلند است مکان آنها در آسمانها میباشد ۱۲

قوله انی امنت

یعنی بدرستیکه من ایمان آوردم بمحمد صلی الله علیه وسلم و ندیدم او را وازنور او کام دین ولازم کردم درین دین او را ۱۲

بِمُحَمَّدٍ وَّلَمْ اَرَهُ فَلَا تَحْرِمْنِي فِي الْجِنَانِ رُؤْيَتَهُ

بمحمد وحالانکه ندیده ام من اورا پس محروم مگردان مرا در بهشتها دیدار او را

وَارْزُقْنِي صُحْبَتَهُ وَتَوَفَّنِي عَلٰى مِلَّتِهِ وَ

و روزی کن مرا صحبت او و بمیران مرا بر دین او و

اَسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَّوِيًّا سَائِغًا

بنوشان مرا از حوض او نوشیدنی سیراب کننده فرو رونده

هَنِيْئًا لَا اَظْمَاُ بَعْدَهُ اَبَدًا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

گوارنده که تشنه نشویم بعد او هرگز بدرستیکه تو بر هر چیزی

قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اَبْلِغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِّنِّي تَحِيَّةً

توانائی خدایا برسان جان محمد را از من دعاء خیر

وَّسَلَامًا اَللّٰهُمَّ وَكَمَا اٰمَنْتُ بِهٖ وَلَمْ اَرَهُ فَلَا

و سلام خدایا و چنانچه گرویده ام من باو وحالانکه ندیده ام من اورا پس

تَحْرِمْنِي فِي الْجِنَانِ رُؤْيَتَهُ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ

بی نصیب مکن مرا در بهشتها از دیدن او خدایا قبول فرما

شَفَاعَةَ مُحَمَّدِنِ الْكُبْرٰى وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ الْعُلْيَا

شفاعت محمد را که بزرگتر است و بلند کن مرتبه او را که بلندتر است

وَاٰتِهٖ سُؤْلَهُ فِي الْاٰخِرَةِ وَالْاُولٰى كَمَا اٰتَيْتَ

و بده اورا مطلوب اورا در آخرت و دنیا چنانچه دادهٔ تو

قوله العلیا بضم عین چنین مرتبه که بلندتر است از مراتب همه چیز تا آن بحدیکه نتواند رسید هیچکی نهایت آن بیت سیمرغ روح هیچکس از انبیا نرفت

راست ۱۲ براه ارشاد حق فرستادهٔ تست برای رسولان قوله ۱۲ معجزه آمده اطاعت الفاظ در است نیز آمده کرد او دون از برای تبرک قوله

سَيِّدَنَا اِبْرٰهِيمَ وَسَيِّدَنَا مُوسٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ
رئیس مایان ابراهیم و رئیس مایان موسی خدایا درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيمَ
بر محمد و بر آل محمد چنانچه درود فرستادهٔ تو بر ابراهیم

وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيمَ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ
و بر آل ابراهیم و برکت ده بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيمَ
محمد چنانچه برکت دادهٔ تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ
بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری خدایا درود بفرست و سلام گو و برکت ده

عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَّبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَ
بر سردار مایان محمد که پیغمبر تست و فرستادهٔ تست و

اِبْرٰهِيمَ خَلِيلِكَ وَصَفِيِّكَ وَمُوسٰى كَلِيمِكَ
ابراهیم دوست تست و برگزیدهٔ تست و موسی که هم سخن تست

وَنَجِيِّكَ وَعِيسٰى رُوحِكَ وَكَلِمَتِكَ وَعَلٰى جَمِيعِ
و همراز تست و عیسی که روح تست و کلمهٔ تست و بر همه

مَلٰٓئِكَتِكَ وَرُسُلِكَ وَاَنْبِيَآئِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ
فرشتگان خود و پیغمبران خود و انبیاء خود و برگزیدگان خود از

قوله ۳ وعیسی روحک یعنی صادر شده از تو بیواسطهٔ اسباب ۱۲

قوله ۴ وکلمتک واورا کلمه از آن گفت که بکلمهٔ کن حاصل شد بی پدر ۱۲

اول الحزب

قوله ۵ ورسلک بضم اول و دوم و بسکون دوم نیز و بر پیغمبران خود که صاحب کتاب و صاحب معجزه اند ۱۲

قوله ۶ ... برگزیدگان خود ... ۱۲

خلقك

قوله واولیائك معنی اولیاء در اسماء شریف به تفصیل گذشته ۱۲

قوله ورضاء نفسه یعنی چندان درود فرستد که خدای تعالی بدان راضی باشد و ظاهر است که خود بآن راضی باشد و راضی نخواهد شد مگر ... برای محبوب خود بر درود کامل تر ۱۲

قوله زنة عرشه یعنی برابر وزن عرش خود که بزرگترین ... مخلوقات است و گرانی وزن آن بر ... بجز خدای تعالی ... ظاهر آسمان و هفت زمین نسبت بکرسی ... در بیان ... است و نسبت کرسی با عرش همچنین است ۱۲

قوله ومداد کلماته یعنی بتعداد سخنان خود و یا برابر سیاهی که نوشته شود بآن سخنان او و آن سخنان او در قرآن مجید است چنانکه خدای تعالی در آخر سوره کهف فرموده است یعنی اگر باشد آب دریا سیاهی برای نوشتن سخنان پروردگار ... هر آینه فانی گردد و نماند آب دریا

خَلْقِكَ وَاَصْفِيَائِكَ وَخَاصَّتِكَ وَاَوْلِيَائِكَ

آفرینش تو و برچیدهاے خود و خاصگان خود و دوستان خود

مِنْ اَهْلِ اَرْضِكَ وَسَمَآئِكَ وَصَلَّى اللّٰهُ

از اہل زمین تو و آسمان تو و درود فرستد خدا

عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ خَلْقِهٖ وَرِضَآءَ

بر مہتر ما یان محمد بشمار خلق خود و خوشنودی

نَفْسِهٖ وَزِنَةَ عَرْشِهٖ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهٖ وَ

ذات خود و بوزن عرش خود و مقدار سخنان خود و

كَمَا هُوَ اَهْلُهٗ وَكُلَّمَا ذَكَرَهُ الذَّاكِرُوْنَ وَ

مثل آنچه کہ او سزاوار اوست و ہرگاہ یاد کند اورا یاد کنندگان و

غَفَلَ عَنْ ذِكْرِهِ الْغَافِلُوْنَ وَعَلٰى اَهْلِ

غفلت ورزند از یاد او غافلان و بر اہل

بَيْتِهٖ وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَسَلَّمَ

بیت او و اولاد وی کہ پاک اند و سلام فرستد

تَسْلِيْمًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰٓى

سلام فرستادنی خدایا درود بفرست بر محمد و بر

اَزْوَاجِهٖ وَذُرِّيَّتِهٖ وَعَلٰى جَمِيْعِ النَّبِيِّيْنَ

زنان او و اولاد او و بر ہمہ پیغمبران ۳

فی یوم الاثنین

پیش از آنکه آخر شود سخنان پروردگار و علوم او زیرا که نامتناهی اند ۱۲

قوله کما هو اهله یعنی درود دیگر آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم سزاوار و لایق آن درود است یعنی باندازه مرتبه و بزرگی او نزد خدای تعالی یا مثل درود دیگران خدای سبحانه جل شانه سزاوار است بفرستادن آن درود و شرف آن از عقل بشر بیرون است ۱۲

قوله وعترته بکسر عین مهمله و سکون تاء فوقانیه یعنی درود فرستد خدای بر نسل وی و بر گروه وی و خویشان و نزدیکان وی از آنها که گذشته اند و آنها که بیایند و آنها که اولاد وی باشند و بعضی گویند نزدیکان از اهلبیت او و بعضی اولاد وی صلی الله علیه وآله وسلم و بعضی گویند قریش همه عترت اند و همه اینمعنی شیخ عبدالحق در شرح مشکوة ذکر کرده است ۱۲

قوله والمقربين بواو عطف ودر بعضی نسخ بی واو آمده ۱۲

قوله عباد الله ودر بعضی نسخ عباد آمده بکاف یعنی مردم بندگان تو

قوله منذ بنیتها بضم میم وذال معجمه وسکون نون از ابتدای آن زمان که بناکردهٔ توآن قطعه اسم است از آن زمان

وَالْمُرْسَلِيْنَ وَالْمَلٰٓئِكَةِ وَالْمُقَرَّبِيْنَ وَ

و مرسلان و فرشتگان ونزدیکان درگاه تو و

جَمِيْعِ عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِيْنَ عَدَدَ مَآ اَمْطَرَتِ

همه بندگان خدا که نیکوکارانند بشمار چیزیکه بارانیده است آنرا

السَّمَآءُ مُنْذُ بَنَيْتَهَا وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا

آسمان ابتدای آنزمان که بناکردهٔ توآنرا ودرود بفرست بر محمد بشمار چیزیکه

اَنْبَتَتِ الْاَرْضُ مُنْذُ دَحَوْتَهَا وَصَلِّ عَلٰى

رویانیده است آنرا زمین ابتدای وقتیکه گستردهٔ توآنرا ودرود بفرست بر

مُحَمَّدٍ عَدَدَ النُّجُوْمِ فِي السَّمَآءِ فَاِنَّكَ اَحْصَيْتَهَا

محمد بشمار ستارگان که در آسمانند پس بدرستیکه توشمردهٔ آنهارا

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا تَنَفَّسَتِ الْاَرْوَاحُ

ودرود بفرست بر محمد بشمار دم زدن همه جانوران جانداران

مُنْذُ خَلَقْتَهَا وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا

از ابتدای وقتیکه پیدا کردهٔ توآنرا ودرود بفرست بر محمد بشمار چیزیکه

خَلَقْتَ وَمَا تَخْلُقُ وَمَآ اَحَاطَ بِهٖ عِلْمُكَ وَ

پیدا کردهٔ تو وپیدا میکنی تو وچیزیکه فرارسیده است بآن علم تو و

اَضْعَافَ ذٰلِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ عَدَدَ خَلْقِكَ

زیاده برزیادهٔ آن خدایا درود بفرست برایشان بشمار آفرینش خود

مراد بهشت

فائده از قرآن واحادیث معلوم شده که باران از آسمان می آید وحکماء ومعتزله میگویند که بخار از زمین برمیخیزد وبسوی آسمان می آید واز آن ابر پیدا می شود ومی بارد ۱۲

قوله

اول الحزب

قوله وما احاط به علمك یعنی وبشمار چیزیکه فرارسیده است بآن علم تو وهیچ چیز از دائره علم او بیرون نیست

بیت

هرچه دانستنی است در دو جهان
نیست از علم شامش پنهان ۱۲

قوله واضعاف ذلك یعنی درود بفرست برمحمد افزوده توبرتو یعنی بالا بربالا وزیاده برزیاده امثال

قوله مبلغ علمك یعنی باندازهٔ رسیدگی علم خود یعنی باعتبار تعلق علم بمعلومات موجوده بالفعل واگرنه علم الٰهی را نهایت نیست ومعلومات ویرا نیز نهایت نیست و این عبارت مبالغه است ۱۲

وَرِضَاءَ نَفْسِكَ وَزِنَةَ عَرْشِكَ وَمِدَادَ

وباندازهٔ خوشنودی ذات خود وبوزن عرش خود وبمقدار

كَلِمَاتِكَ وَمَبْلَغَ عِلْمِكَ وَاٰيَاتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

سخنان خود ورسیدگی علم خود وعلامات خود خدایا درود بفرست

عَلَيْهِمْ صَلٰوةً تَفُوقُ وَتَفْضُلُ صَلٰوةَ

برایشان درودی که بلند وبزرگ بود درود

الْمُصَلِّيْنَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْخَلْقِ اَجْمَعِيْنَ

درود گویندگان را برآنها از مخلوقات همه را

كَفَضْلِكَ عَلٰى جَمِيْعِ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

مانند بزرگی تو بر همهٔ آفریدگان خود خدایا درود بفرست

عَلَيْهِمْ صَلٰوةً دَائِمَةً مُسْتَمِرَّةَ الدَّوَامِ

برایشان درودیکه همیشه باشد جاری بود همیشگی او

عَلٰى مَرِّ اللَّيَالِيْ وَالْاَيَّامِ مُتَّصِلَةَ الدَّوَامِ

بر جاری بودن شبها وروزها پیوسته بود همیشگی او

لَا انْقِضَاءَ لَهَا وَلَا انْصِرَامَ عَلٰى مَرِّ اللَّيَالِيْ وَ

نیست پایان رسیدنی مرآنرا ونه شکستگی بر گذشتن شبها و

الْاَيَّامِ عَدَدَ كُلِّ وَابِلٍ وَّطَلٍّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

روزها بشمار قطرهای باران بزرگ وضعیف خدایا درود بفرست بر

قوله وآیاتك هر روزکه موجود هست علامت ونشان قدرت اوست ونیز جائز هست که مراد آیات قرآنی وسائر کتب منزله بود یا چیزیکه مشتمل اند آن آیات برآن از احکام وقصص واخبار و کلمات وحروف وحرکات وسکنات وظاهر آنست که بهردو معنی

فی یوم الاثنین

مراد هست زیراکه مقصود مبالغه است درکثرت درود ۱۲

قوله كفضلك على جميع خلقك یعنی بزرگ بود درودی که تو فرستی بر درود وآن درود گویندگان چنانکه بزرگ است ذات تو بر ذات آنها زیراکه بزرگی هر فعلی بر اندازهٔ بزرگی فاعل است

قوله على مر الليالي در بعضی نسخ این عبارت نامده ۱۲

قوله لا انقضاء یعنی چنان پیوسته ... که پایان نپذیرد

مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَاِبْرٰهِيْمَ خَلِيْلِكَ وَعَلٰى جَمِيْعِ

محمد که پیغمبر تست و ابراهیم که دوست تست و بر همه

اَنْبِيَآئِكَ وَاَصْفِيَآئِكَ مِنْ اَهْلِ اَرْضِكَ

پیغمبران خود و برگزیدگان خود از اهل زمین تو

وَسَمَآئِكَ عَدَدَ خَلْقِكَ وَرِضَآءَ نَفْسِكَ

و آسمان تو بشمار آفرینش خود و باندازهٔ خوشنودی ذات خود

وَزِنَةَ عَرْشِكَ وَمِدَادَ كَلِمٰتِكَ وَمُنْتَهٰى

و بوزن عرش خود و بمقدار سخنان خود و باندازهٔ نهایت

عِلْمِكَ وَزِنَةَ جَمِيْعِ مَخْلُوْقَاتِكَ صَلٰوةً

علم خود و بوزن همه آفرینش تو درودی که

مُكَرَّرَةً اَبَدًا عَدَدَ مَا اَحْصٰى عِلْمُكَ وَ

پی هم آمده باشد همیشه بشمار چیزیکه ضبط کرده است آنرا علم تو و

مِلْاَ مَا اَحْصٰى عِلْمُكَ وَاَضْعَافَ مَا اَحْصٰى

بمقدار پری چیزیکه ضبط کرده است آنرا علم تو و چند درچند چیزیکه شمرده است آنرا

عِلْمُكَ صَلٰوةً تَزِيْدُ وَتَفُوْقُ وَتَفْضُلُ صَلٰوةَ

علم تو درودی که زیاده و بلند و بزرگ بود درود

الْمُصَلِّيْنَ عَلَيْهِمْ مِّنَ الْخَلْقِ اَجْمَعِيْنَ

درودگویندگان را بر آنها از مخلوقات همه ها

قوله محمد نبيك در ذکر وصف اشارت است بآنکه او جامع است همهٔ کمالات پیغمبری را ۱۲

الحزب الاول

قوله بعد الصلوٰة

فائده در مشکوٰة از عمر روایت کرده اند که به درستیکه دعا ایستاده کرده میشود در میان آسمان و زمین بالا نمیرود از آن چیزی تا آنکه درود بفرستی بر پیغمبر خود [illegible] ۱۲

كَفَضْلِكَ عَلٰى جَمِيْعِ خَلْقِكَ ثُمَّ تَدْعُوْا بِهٰذَا

مانند بزرگی تو بر همهٔ آفریدگان تو بعد از آن دعا بکنی باین

الدُّعَآءِ فَاِنَّهٗ مَرْجُوُّ الْاِجَابَةِ اِنْ شَآءَ

دعا پس تحقیق آن دعا امید داشته شده هست به پذیرفتن او اگر خواسته است

اللّٰهُ تَعَالٰى بَعْدَ الصَّلٰوةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى

خدای بزرگ پس از درود بر پیغمبر درود فرستد

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِمَّنْ لَزِمَ

خدای بروی و سلام خدایا گردان مارا از کسانیکه لازم گرفته اند

مِلَّةَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ

دین پیغمبر ترا محمد درود فرستد خدای بروی و سلام و

عَظَّمَ حُرْمَتَهٗ وَاَعَزَّ كَلِمَتَهٗ وَحَفِظَ عَهْدَهٗ

بزرگ داشتند مرتبهٔ بزرگی اورا و بزرگی دادند کلمهٔ اورا و نگاه داشتند پیمان اورا

وَذِمَّتَهٗ وَنَصَرَ حِزْبَهٗ وَدَعْوَتَهٗ وَكَثَّرَ

و ذمهٔ اورا و یاری دادند لشکر اورا و خواندن اورا و زیاد گردانیدند

تَابِعِيْهِ وَفِرْقَتَهٗ وَوَافٰى زُمْرَتَهٗ وَلَمْ

پیروان اورا و گروه اورا و وافی آمدند گروه اورا و نکردند

يُخَالِفْ سَبِيْلَهٗ وَسُنَّتَهٗ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

مخالفت راه اورا و طریقهٔ اورا خدایا بدرستیکه من

قوله واعز كلمته یعنی دعوهٔ اسلام را بکلمهٔ شهادت اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله ۱۲

قوله حفظ عهده وذمته حفظ بکسر فاء وعهد و ذمه بمعنی پیمان ومراد از آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم نگاه داشت آن وصیت فرموده است یعنی توحید خدا تعالی وعبادت وطاعت وی ۱۲

في يوم الاثنين

سیّدنا

قوله حزبه یعنی پیروان اورا ۱۲

قوله دعوته یعنی خواندن اورا بسوی پرستش حق تعالی ۱۲

قوله كثر بتشدید ثاء ۱۲

قوله فرقته بکسر فاء گروه اورا ومراد از زیاد ساختن پیروان بودن وموافق شدن است بانها در دنیا و آخرت ۱۲

قوله بسنته یعنی بطریقهٔ وے ازتوفیق چنگ زدن بطریقهٔ وے صلی الله علیه وآله وسلم در اقوال و افعال وسائر احوال قطعه راه سنت رو اگر خواهی صراط مستقیم راه بود سوی رضای ذوالمنن برمژه درچشم وی همچون سنان تیز باد کز سنان زندگی خواهد زمانی بی سنن

قوله ورسولک صلی الله علیه وسلم ذکر کرده است ترمذی که این دعا در حدیث آمده فرمود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم این دعا جامع است دعاهای بسیار را ۱۲ قوله من شر الفتن بکسر فاء وفتح تاء فائده فتنه در محل بمعنی آزمایش است وبمعنی کفر وگمراهی وفساد ملک نیز آمده دقیقه بدانکه هرچیزیکه بنده را از یاد حق تعالی باز دارد فتنه است ودر ظاهر آن چیزی سبب محنت بود یا واسطهٔ راحت چنانکه خدای تعالی فرمود انما اموالکم واولادکم فتنة یعنی جز این نیست

الحزب الاول

أَسْأَلُكَ الْإِسْتِمْسَاكَ بِسُنَّتِهِ وَأَعُوذُ
سؤال میکنم ترا چنگ زدن بطریقهٔ وے وپناه میگیرم

بِكَ مِنَ الْإِنْحِرَافِ عَمَّا جَاءَ بِهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي
بتو از روگردانیدن ازچیزیکه آورده است آنرا خدایا بدرستیکه من

أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ
سؤال میکنم ترا از نیکوئی آنچیزیکه سؤال کرده است ترا ازآن چیز محمد

نَبِيُّكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
که پیغمبر تست وفرستادهٔ تست درود فرستد خدا بروے وسلام

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَكَ مِنْهُ
وپناه میگیرم بتو از بدی چیزیکه پناه گرفته است بتو ازآنچیز

مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
محمد که پیغمبر تست وفرستادهٔ تست درود فرستد خدای بروی

وَسَلَّمَ اَللّٰهُمَّ اعْصِمْنِي مِنْ شَرِّ الْفِتَنِ
وسلام خدایا نگاهدار مرا از شر فتنها

وَعَافِنِي مِنْ جَمِيعِ الْمِحَنِ وَأَصْلِحْ مِنِّي مَا
وسلامت دار مرا از همه محنتها وآراسته گردان ازمن چیزیکه

ظَهَرَ وَمَا بَطَنَ وَنَقِّ قَلْبِي مِنَ الْحِقْدِ
ظاهر است وچیزیکه پوشیده است وپاک گردان دل مرا از کینه

که مالهای شما وفرزندان شما آزمایش اند مر شما را حق را بر آنکه نگاه میکند وکدام دل از ایشان اختیار میکنید وکدام اعراض میکنید از محبت الهی [illegible] مال وفرزند بلا میگردد ۱۲

قوله منها ما ظهر چیزیکه ظاهر است وآن چشم وگوش وهمه اعضاء [illegible]

قوله وما بطن چیزیکه پوشیده است وآن دل است [illegible]

قوله والحسد

وَالْحَسَدِ وَلَا تَجْعَلْ عَلَيَّ تِبَاعَةً لِأَحَدٍ

وبد خواهی وبگردان برمن تاوان برای هیچ یکی

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ الْاَخْذَ بِاَحْسَنِ مَا تَعْلَمُ

خدایا بدرستیکه من سئوال میکنم ترا توفیق گرفتن نیکو ترین چیزیکه میدانی تو

وَالتَّرْكَ لِسَيِّءِ مَا تَعْلَمُ وَاَسْئَلُكَ التَّكَفُّلَ

وگذاشتن بد وناخوش چیزیکه میدانی وسئوال میکنم ترا ضامن بودن تو

بِالرِّزْقِ وَالزُّهْدَ فِي الْكَفَافِ وَالْمَخْرَجَ

بروزی و زهد در حالتیکه باشد آن باحصول روزی که بس باشد وبر آمدن

بِالْبَيَانِ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ وَالْفَلْجَ بِالصَّوَابِ

بسبب ظاهر بودن حق از هر شبهه وفتح براستی

فِي كُلِّ حُجَّةٍ وَالْعَدْلَ فِي الْغَضَبِ وَ

در هر دلیلی ومیانه روی در حالت خشمگین و

الرِّضٰى وَالتَّسْلِيْمَ لِمَا يَجْرِيْ بِهِ الْقَضَاءُ وَ

خوشنودی وقبول کردن هرچیزیراکه رفته است بآنچیز حکم تو

وَالْاِقْتِصَادَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنٰى وَالتَّوَاضُعَ

ومیانه روی در تنگدستی وتوانگری وفروتنی

فِي الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ وَالصِّدْقَ فِي الْجِدِّ

در گفتن سخن وکردن کار وراستی درسخنی که تحقیق گفته شود

وَالْهَزْلِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ لِي ذُنُوبًا فِيمَا بَيْنِي

وسخنی که بمسخرگی گفته شود خدایا بدرستیکه برای من گناهها است درمیان ما

وَبَيْنَكَ وَذُنُوبًا فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ خَلْقِكَ

و میان تو و گناهها است درمیان ما و میان آفریدگان تو

اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ لَكَ مِنْهَا فَاغْفِرْهُ وَمَا كَانَ

خدایا آنچه باشد مرترا ازگناهان پس بخش آنرا وانچه باشد

مِنْهَا لِخَلْقِكَ فَتَحَمَّلْهُ عَنِّي وَاَغْنِنِي بِفَضْلِكَ

ازآن گناهان برای آفریدگان تو پس بردار بازآنرا ازمن و بی نیازگردان مرا بفضل خود

اِنَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ بِالْعِلْمِ قَلْبِي

بدرستیکه تو صاحب آمرزش هستی خدایا روشن گردان بسبب علم دل مرا

وَاسْتَعْمِلْ بِطَاعَتِكَ بَدَنِي وَخَلِّصْ مِنَ

و درعمل آر بفرمان برداری خود تن مرا و رها کن از

الْفِتَنِ سِرِّي وَاشْغَلْ بِالْاِعْتِبَارِ فِكْرِي

فتنه های باطن مرا و درکار دار بعبرت گرفتن اندیشه مرا

وَقِنِي شَرَّ وَسَاوِسِ الشَّيْطَانِ وَاَجِرْنِي مِنْهُ

ونگاهدار مرا ازبدی وسوسه های شیطان وایمن گردان مرا ازاو

يَا رَحْمٰنُ حَتّٰى لَا يَكُونَ لَهُ عَلَيَّ سُلْطَانٌ

ای نیک بخشنده تاآنکه نباشد مراورا برمن غلبه

الحزب الاول

الحزب الثاني يقرأ في يوم الثلثاء

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعْلَمُ

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نیکی چیزیکه میدانی تو

وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ وَاَسْتَغْفِرُكَ

و پناه میگیرم بتو از بدی چیزیکه میدانی تو و طلب آمرزش میکنم از تو

مِنْ كُلِّ مَا تَعْلَمُ اِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ وَ

از هرچیزیکه میدانی تو بدرستیکه تو میدانی و ما یان نمیدانیم و

اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِي مِنْ

تو داننده پوشیدها هستی خدایا نگاهدار مرا از

زَمَانِي هٰذَا وَاِحْدَاقِ الْفِتَنِ وَتَطَاوُلِ

زمانه من این زمان و فرا گرفتن فتنه ها و درازدستی

اَهْلِ الْجُرْاَةِ عَلَيَّ وَاسْتِضْعَافِهِمْ اِيَّايَ اَللّٰهُمَّ

صاحبان دلیری برمن و ضعیف شمردن ایشان مرا خدایا

في يوم الثلثاء

ع ۵ جای ختم حزب روز دوشنبه ۱۲

اجْعَلْنِي مِنْكَ فِي عِيَاذٍ مَنِيعٍ وَحِرْزٍ حَصِينٍ

گردان مرا از جهت فضل خود در پناه استوار و مکان استوار

مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ حَتَّى تُبَلِّغَنِي أَجَلِي مُعَافًا

از همه آفرینش خود تا آنکه برسانی مرا بمرگ را در حالتیکه با هم عافیت داشته

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

کسانیکه درود فرستادند بر او و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بشمار کسانیکه درود نگفتند بر او و درود بفرست بر محمد

وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تَنْبَغِي الصَّلٰوةُ عَلَيْهِ وَصَلِّ

و بر آل محمد چنانچه سزاوار است درود فرستادن بر او و درود بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تَجِبُ الصَّلٰوةُ

بر محمد و بر آل محمد چنانچه واجبست درود

عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرْتَ

بر او و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد چنانچه فرمودهٔ تو

أَنْ يُصَلَّى عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى

که درود فرستاده شود بر او و درود بفرست بر محمد و بر

قوله حرز بکسر حاء ۱۲ قوله حصین یعنی مانند قلعه که بدان پناه گیرند از ترس دشمنان ۱۲

قوله من جمیع خلقک این باعتبار اکثر است زیراکه بسیار از خلق ضرر میرسد یا در ظاهر یا در باطن و نفع رسیدن اندک تر است ۱۲

قوله اجلی بفتح همزه و جیم ۱۲

الحزب الثاني

قوله لم یصل علیه تنبیه است برآنکه درود بازده بهم معلوم است که اینها را انبیا تسبیح میکنند خدا تعالی را و بر حضرت صلی الله علیه وآله و سلم درود میگویند موجودات و بر زبان حال اگرچه میگویند بزبان مقال چنانچه در غیر عقلاء اختلاف است که زبان حال است یا زبان مقال و انبیاء درود اول وانکه بزبان حال تسبیح و درود اند پس مراد از لم یصل کسانی ست که درود نگفتند اینجا درود ست اذکره در نشاره و همه موجودات طلب شده ۱۲

قوله الذی نوره من نور الانوار یعنی آن محمدیکه نور آن از پرتو نوری که اصل همه نورهاست و بغیر واسطه از نور ذات حق تعالی است یعنی آنکه ظاهر است بذات خود و ظاهر کننده همه اشیا را از عدم بوجود و این معنی اطلاق نور بر حق تعالی در قرآن و حدیث آمده است و آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم نور بود و اول ما خلق الله نوری یعنی اول چیزی که پیدا کرد خدایتعالی نور من بود و از نور من آفرید همه چیز را و درین جهت لقب آنحضرت نور است بعد ازو پیغمبر است صلی الله علیه وآله وسلم و شمع آن در اینجا باید دید ۱۲

قوله وسلم و شمع

قوله معدن اسرارك معدن بفتح میم و کسر دال و کان را نامی است که در آن زر و جواهر و در ازو ناپیدا باشد پوشیده اند ۱۲ مبارک روی

قوله وعروس مملكتك بفتح عین و عروس ملک تو یعنی زینت ملک خدای تعالی یعنی

فی یوم الثلثاء

چنانچه عروس زینت خانه میباشد و همه اهل خانه باو شاد و خوش میشوند و او را عزیز میدارند و برای خدمت او می ایستند همچنین شان آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم است بنسبت همه ملک خدای ۱۲

قوله وترضى بها بفتح تا و ضاد و خوشنود شوی تو بسبب آن درود از ما آن که خوشنودی تو سرمایه عارفان است و رضای تو در هر دو جهان مقصود عاشقان است

نظم

نمی خواهم از تو جنت و حور ☆ نمی خواهم که از دوزخ شوم دور ☆ ولیکن ما نخواهیم این و آن جست ☆ مراد ما همین خوشنودی تست ☆ ۱۲

اَلِ مُحَمَّدٍ الَّذِيْ نُوْرُهٗ مِنْ نُوْرِ الْاَنْوَارِ وَ

آل محمد که نور او از نور اصل همه نورهاست و

اَشْرَقَ بِشُعَاعِ سِرِّهِ الْاَسْرَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

روشن شد بدرخشندگی راز او همه رازها خدایا درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ

بر محمد و بر آل محمد و بر اهل بیت او

الْاَبْرَارِ اَجْمَعِيْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ

که نیکوکارانند همه آنها خدایا درود بفرست بر محمد و

عَلٰى اٰلِهٖ بَحْرِ اَنْوَارِكَ وَمَعْدِنِ اَسْرَارِكَ

بر آل او که دریای نورهای تست و کان رازهای تست

وَلِسَانِ حُجَّتِكَ وَعَرُوْسِ مَمْلَكَتِكَ وَاِمَامِ

و زبان دلیل وحدانیت تست و نوکد خدای ملک تست و پیشوای

حَضْرَتِكَ وَخَاتَمِ اَنْبِيَآئِكَ صَلٰوةً تَدُوْمُ

درگاه تست و آخر پیغمبران تو درود فرستادنی که همیشه باشد

بِدَوَامِكَ وَتَبْقٰى بِبَقَآئِكَ صَلٰوةً

به همیشگی تو و پاینده ماند بپایندگی تو درودیکه

تُرْضِيْكَ وَتُرْضِيْهِ وَتَرْضٰى بِهَا

خوشنود گرداند ترا و راضی گرداند اورا و خوشنود شوی تو بسبب آن

عَنَّا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۞ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْحِلِّ

از ما یان ای بخشاینده ترین بخشایندگان خدایا ای خداوند حلال

وَالْحَرَامِ وَرَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْبَيْتِ

و حرام و خداوند مشعر حرم و خداوند خانهٔ

الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ أَبْلِغْ لِسَيِّدِنَا

با حرمت و خداوند رکن و مقام برسان مر بهتر و مهتر ما یان را

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ مِنَّا السَّلَامَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

و صاحب مالک ما یان محمد از ما یان سلام خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ

سردار ما یان و یاری دهندهٔ ما یان محمد سرور پیشینیان

وَالْآخِرِينَ ۞ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَ

و پسینیان خدایا درود بفرست بر رئیس ما یان و

مَوْلَانَا مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَحِينٍ ۞ اَللّٰهُمَّ

مالک ما یان محمد در هر زمان و هنگام خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ فِي

درود بفرست بر سردار ما یان و مالک ما یان محمد در

الْمَلَإِ الْأَعْلٰى إِلٰى يَوْمِ الدِّينِ ۞ اَللّٰهُمَّ

گروه بلندتر تا روز جزا خدایا

بیت صد کار ما و صد چو ما تا مرتبه
پیشکش گر قبول افتد ترا از صد
سلام ما چه بیش

قوله فی الملا الاعلی
بفتح میم یعنی در گروه بلند تر از دو
مرتبه و بالا از روی مکان و آن
فرشتگان اند که مقربان درگاه
الٰهی اند و مشغول اند در عبادت
وی و پاک اند از همه آلایشها ۱۲

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ حَتّٰى تَرِثَ
درود بفرست بر رئیس مایان و صاحب مایان محمد تا آنکه وارث شوی تو

الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ
زمین را و هرکه را بر آنست و تو بهترین وارثانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلٰى
خدایا درود بفرست بر محمد که پیغمبر ناخوانده و نانویسنده است و بر

اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اٰلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ
آل محمد چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم بدرستیکه تو

حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ
ستوده شده بزرگواری و برکت ده بر محمد که پیغمبر

الْأُمِّيِّ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰى اٰلِ إِبْرٰهِيمَ إِنَّكَ
ناخوانده و نانویسنده است چنانچه برکت داده تو بر ابراهیم بدرستیکه تو

حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا
ستوده شده بزرگواری خدایا درود بفرست بر سیّد مایان

مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا
محمد و بر آل سیّد مایان محمد بشمار چیزیکه

أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَجَرٰى بِهِ قَلَمُكَ
فرا رسیده است بآن علم تو و رفته است بآن قلم تو

قوله
حَتّٰى تَرِثَ
یعنی بمیرانی و نیست گردانی
همه خلایق را و باقی
بمانی تو چه
میراث
چیزیرا گویند
که بعد از مردن یکی بدیگری
رسد ۱۲

قوله
وانت خیر الوارثین
یعنی
باقی
هستی تو بعد
از فنای همه
خلایق
۱۲

فی یوم الثلثاء

قوله
الامّی
و با اینهمه ابواب علوم
برکشوده و شرایع همه
پیشینیان را
منسوخ نموده

بیت
نا زده بر تختهٔ مکتب رقم
بر خط پیشینه کشیده قلم

وَسَبَقَتْ بِهٖ مَشِيْئَتُكَ وَصَلَّتْ عَلَيْهِ

و پیشی نموده است بر بودن آن اراده تو و درود فرستاده اند بر او

مَلٰٓئِكَتُكَ صَلٰوةً دَآئِمَةً بِدَوَامِكَ

فرشتگان تو درودیکه همیشه بود به همیشگی تو

بَاقِيَةً بِفَضْلِكَ وَاِحْسَانِكَ اِلٰى اَبَدِ

و پاینده بود به سبب فضل تو و بخشش تو تا زمانیکه نهایت

الْاَبَدِ اَبَدًا لَّا انْتِهَايَةَ لِاَبَدِيَّتِهٖ وَلَا فَنَاءَ

ندارد همیشگی چنان بود که پایان نبود همیشه بودن آنرا و نباشد نیستی

لِدَيْمُوْمِيَّتِهٖ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

مر همیشه بودن آنرا خدایا درود بفرست بر رئیس ما یان محمد ص

وَّعَلٰىٓ اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَآ اَحَاطَ

و بر آل سید ما یان محمد ص بشمار چیزیکه فرا رسیده است

بِهٖ عِلْمُكَ وَاَحْصَاهُ كِتَابُكَ وَشَهِدَتْ

بآن علم تو و شمرد و ضبط نمود آنرا کتاب تو و گواهی دادند

بِهٖ مَلٰٓئِكَتُكَ وَارْضَ عَنْ اَصْحَابِهٖ

بآن فرشتگان تو و خوشنود شو تو از یاران او

وَارْحَمْ اُمَّتَهٗ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ

و رحمت کن امت اورا بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری خدایا

قوله سبقت به مشیئتك
وهیچ چیزی نیست که از اراده تو بیرون
باشد بعینه گسلد با خشیش تاری ما
شد بعینه بار اراد تو نتش خاری م

قوله الی ابد الآباد
الی ابدالآبادین لفظ ابد
مکرر آوردن لفظ ابد است
برای مبالغه است
دیلمی ۱۲

قوله ما احاط به علمك الخ
ما احاط بر علمك از نظر
ذره نیست در زمین و مکان
که نه علمش بود محیط بآن
عدد ریگ صحرا و دریا
عدد برگها به بستان ها
عدد هر یک او بود ما هم
بنه نزد یک او بود حاضر
بنه در علم او بود حاضر

قوله وارض به صیل او و بیرا

قوله امته
یعنی گروه اهل دین او را
۱۲

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى جَمِيْعِ

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد و بر همه

اَصْحٰبِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ

یاران محمد خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ وَبَارِكْ اَللّٰهُمَّ

محمد چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم و برکت ده خدایا

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ

بر محمد و بر آل محمد چنانچه برکت داده تو بر ابراهیم

وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ فِى الْعَالَمِيْنَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ

و بر آل ابراهیم در عالمیان بدرستیکه تو ستوده شده

مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا

بزرگواری خدایا درود بفرست بر بهتر و مهتر مایان و صاحب مالک مایان

مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا اَحَاطَ بِهٖ عِلْمُكَ اَللّٰهُمَّ

محمد بشمار چیزیکه فرارسیده است بآن علم تو خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا

درود بفرست بر بهتر و مهتر مایان و صاحب مالک مایان محمد بشمار چیزیکه

اَحْصَاهُ كِتٰبُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

شمرده و ضبط نموده است آنرا کتاب تو خدایا درود بفرست بر سرور مایان

قوله
وعلى جميع اصحٰب محمد
فائده
سید محمد مهدی مغربی در مطالع
المسرات آورده که درود گفتن بر
اصحاب در حدیث از پیغمبر صلی الله
علیه وآله وسلم نیامده و درود بر آل است و در
حدیث آمده و ائمه بطریق استحباب اصحاب را نیز
تبعا در درود داخل نموده اند
پس بعد هذه الصلوة هذا الدعاء
بخوانند
عم

اَللّٰهُمَّ بِخُشُوْعِ الْقَلْبِ بِغَيْرِ
السُّجُوْدِ لَكَ يَا سَيِّدِيْ بِغَيْرِ
جُحُوْدٍ وَبِكَ يَا اَللّٰهُ يَا جَلِيْلُ
فَلَوْ شِئْتَ بِتَدَانِيْكَ فِيْ عَلْيَائِكَ
الْعُهُوْدِ وَبِكَ بِسَيِّئَاتِ
الْكُلِّ بِالشُّهُوْدِ
اِلٰى عَرْشِكَ
الْعَظِيْمِ الْمَجِيْدِ وَبِمَا كَانَ

في يوم الثلثاء

هَمَّتْ
عَرْشُكَ حَقًّا قَبْلَ اَنْ تُخْلَقَ
السَّمٰوٰتُ
وَصَوْتُ
الرُّعُوْدِ لَكَ
مِثْلُ اِذْ كُنْتَ
لَمْ تَزَلْ
قَطُّ

اِلٰهَنَا
عَرَفْتُ
بِالتَّوْحِيْدِ
فَاجْعَلْنِيْ
مِنَ
الْمُحِبِّيْنَ
الْمَحْبُوْبِيْنَ الْمُقَرَّبِيْنَ
الْعَاشِقِيْنَ
لَكَ
الْعَارِفِيْنَ
يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ
يَا اَللّٰهُ
يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ
يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ
يَا اَللّٰهُ

قوله ما نفذت وصفت
قدرت خدای تعالی راست که بآن تواناست
بر پیدا کردن هرچه میخواهد و برناپیدا
ساختن هرچه که اراده نماید و علم و قدرت
او بهمه چیز فرا رسیده است و هیچ چیز از
دایرهٔ این دو صفت وی سبحانه بیرون
نیست رباعی هر چیست زسر قدرتش
کن فیکون ۞ با دانش او کیست بیرون و
درون ۞ در غیب شهود ذره نتوان یافت ۞
از دایرهٔ قدرت علمش بیرون ۞ قوله
عدد ما خصصته به ارادتک قدرت الهی عامه
ممکنات را شامل است بهمه وجود و چون اراده
او بیکی از ممکنات تعلق میگیرد بیک جهة
او را خاص میگرداند مثل وجود او را یا عدم
او را دراز بودن او را یا کوتاه بودن او را
و سفیدی او را یا سیاهی او را و غیر این
بر همین قیاس است ۞ قوله توجه الیه
امرک ونهیک یعنی چیزی را گفتی بشو پس
شد و هر که را گفتی مبودی چنان و چنین
مشو پس همچنان نشد و هر که را باز داشتی از
چنان و چنین پس باز ماند از و مثنوی
هر عدمها کو ندارد چشم و گوش ۞ چون
فسون خواند همی آید بجوش ۞ باز بر موجود

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا نَفَذَتْ بِهٖ قُدْرَتُكَ
و مالک ما یان محمد بشمار چیزیکه روان شده هست بآن قدرت تو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ
خدایا درود بفرست بر رئیس ما یان و مالک ما یان محمد بشمار

مَا خَصَّصَتْهُ اِرَادَتُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
چیزیکه خاص ساخته است آنرا خواست تو خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا تَوَجَّهَ اِلَيْهِ
سردار ما یان و یاری دهندهٔ ما یان محمد بشمار چیزیکه روی آورده هست بسوی آن

اَمْرُكَ وَنَهْيُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا
فرمان تو و باز داشتن تو خدایا درود بفرست بر سردار ما یان

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا وَسِعَهُ سَمْعُكَ
و یاری دهندهٔ ما یان محمد بشمار چیزیکه فرا رسیده هست آنرا شنوایی تو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ
خدایا درود بفرست بر بهتر و مهتر ما یان و مالک ما یان محمد

عَدَدَ مَا اَحَاطَ بِهٖ بَصَرُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
بشمار چیزیکه فرا رسیده هست بآن بینایی تو خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا ذَكَرَهُ الذَّاكِرُوْنَ
سردار ما یان و یاری دهندهٔ ما یان محمد بشمار چیزیکه یاد کرده اند اورا یاد کنندگان

الحزب الثانی

افسونی چو خواند ۞ زود [illegible] در عدم رو
[illegible] ۞ گفت در گوش گل و خندانش کرد ۞
کرد ۞ گفت با سنگ و عقیق کانش کرد ۞ گفت
با جسم آیتی تا جان شد او ۞ گفت
با خورشید تا رخشان شد او ۞ باز در گوشش [illegible]
[illegible] ۞ در گوش ابر آید چون مشک از دیده
[illegible] ۞ تا بگوش [illegible] عق
[illegible] ۞ قوله عدد ما احاط به
[illegible] ۞ ۱۲ بهمه چیزوا [illegible]
[illegible] بصیرت و شنوا و بینا [illegible] ظاهر و باطن [illegible] ازلی
گفت حق [illegible] البصیر ۞ [illegible] مثنوی ازلی آن [illegible]
[illegible] بینایی لب تا گفتار [illegible] خود [illegible] علیم ۞
[illegible] ۞ بر آن گفت حق [illegible] ۞ [illegible] کار خود
[illegible] و [illegible] حق [illegible] ۞ [illegible] حق ۞ [illegible] مرده
[illegible] در غفلت [illegible] ۞ [illegible] گذشت
[illegible] ۞

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ

خدایا درود بفرست بر بزرگ ما یان و مالک ما یان محمد

عَدَدَ مَا غَفَلَ عَنْ ذِكْرِهِ الْغٰفِلُوْنَ اَللّٰهُمَّ

بشمار چیزیکه غفلت ورزند از یاد او غافلان خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ

درود بفرست بر بهتر ومهتر ما یان و مالک وصاحب مایان محمد بشمار

قَطْرِ الْاَمْطَارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

قطرهای باران خدایا درود بفرست بر رئیس مایان

وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ اَوْرَاقِ الْاَشْجَارِ

و مالک مایان محمد بشمار برگهای درختان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ

خدایا درود بفرست بر سردار مایان و صاحب مایان محمد بشمار

دَوَآبِّ الْقِفَارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

جانوران بیدانها خدایا درود بفرست بر سردار مایان

وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ دَوَآبِّ الْبِحَارِ اَللّٰهُمَّ

و مالک مایان محمد بشمار جانوران دریا خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ

درود بفرست بر بهتر ومهتر مایان و مالک وصاحب مایان محمد بشمار

قوله ۱
وغفل عن ذکره الغافلون
فائده
در احیاء العلوم آورده که ابی الحسن شافعی آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب دید و گفت یا رسول الله چه پاداش داده است شافعی را از جهة تو که وی در کتاب رسالت گفته وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ كُلَّمَا ذَكَرَهُ الذّٰاكِرُوْنَ وَ غَفَلَ عَنْ ذِكْرِهِ الْغٰفِلُوْنَ

فی یوم الثلثاء

پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم که پاداش داده شد او را از آنکه استاده کرده نخواهد شد او برای حساب

قوله ۲
دواب
بتشدید باء
۱۲

قوله ۳
القفار
بکسر قاف

مِيَاهِ الْبِحَارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَ
آبهای دریاها خدایا درود بفرست بر رئیس ما یان و

مَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَآ اَظْلَمَ عَلَيْهِ الَّيْلُ
مالک ما یان محمد بشمار آنچه که تاریک شده است بر آن شب

وَاَضَآءَ عَلَيْهِ النَّهَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
و روشن شده است بر آن روز خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ
رئیس ما یان و مالک ما یان محمد بوقت بامداد و بوقت شبانگاه

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ
خدایا درود بفرست بر سید ما یان و مالک ما یان محمد

عَدَدَ الرِّمَالِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَ
بشمار ریگها خدایا درود بفرست بر بهتر و مهتر ما یان و

مَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ النِّسَآءِ وَالرِّجَالِ اَللّٰهُمَّ
مالک و صاحب ما یان محمد بشمار زنان و مردان خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ رِّضَآءَ
درود بفرست بر رئیس ما یان و مالک ما یان محمد باندازهٔ خوشنودی

نَفْسِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا
ذات خود خدایا درود بفرست بر سردار ما یان و صاحب ما یان

قوله [1] میاه البحار یعنی آبهاء دریاها باعتبار اجزاء آب اگر خیال کرده شود مثل ذره ذره ١٢

قوله [2] واضاء علیه النهار یعنی بشمار هرچه که بروی زمین است ١٢

الحزب الثانی

قوله [3] بالغدو والاصال بضمتین وتشدید واو ومراد همیشگی درود است در همهٔ اوقات وذکر کرده است دو طرف شب و روز را برای بزرگی این دو وقت که فرشتگان شب و فرشتگان روز درین وقت جمع میشوند ١٢

قوله [4] عدد الرمال بکسر راء بشمار ریگها یعنی اجزاء آن ١٢

محمد مداد كلماتك اللهم صل على سيدنا

محمد بمقدار سخنان خود خدايا درود بفرست بر سرور مايان

ومولانا محمد ملء سمواتك وارضك

و مالک مايان محمد باندازهٔ پری آسمانهای خود و زمين خود

اللهم صل على سيدنا ومولانا محمد

خدايا درود بفرست بر سردار مايان و صاحب مايان محمد

زنة عرشك اللهم صل على سيدنا

بوزن عرش خود خدايا درود بفرست بر بهتر و مهتر مايان

ومولانا محمد عدد مخلوقاتك اللهم

و مالک وصاحب مايان محمد بشمار آفريدگان تو خدايا

صل على سيدنا ومولانا محمد افضل

درود بفرست بر سيد وسرور مايان و مالک مايان محمد بزرگترين

صلواتك اللهم صل على نبي الرحمة

درود های خود خدايا درود بفرست بر پيغمبر صاحب بخشايش

اللهم صل على شفيع الامة اللهم صل

خدايا درود بفرست بر شفاعت کنندهٔ امت خود خدايا درود بفرست

على كاشف الغمة اللهم صل على

بر دور کننده اندوه خدايا درود بفرست بر

قوله ۱
زنة عرشك
يعنی بوزن عرش خود که بزرگترين همه آفرينش است واين کلام بطريق تشبيه است يعنی اگر آن درود را جسم قرار داده شود باين مقدار باشد ۱۲

قوله ۲
نبی الرحمة
معنی اين در شرح اسماء شريف بايد ديد ۱۲

قوله ۳
كاشف الغمة
بضم غين وتشديد ميم دور کنندهٔ اندوه از کسی که او را وسيله گيرد در دنيا و آخرت ۱۲

قوله مجلی بضم میم و کسر لام دور کننده تاریکی کفر و ضلالت ۱۲ قوله مولی بضم میم و کسر لام [illegible] کننده ۱۲ قوله مؤتی الرحمة بضم میم و کسر تاء دهنده رحمت و بفتح تاء نیز آمده یعنی داده شده رحمت باو صلی الله علیه وآله وسلم ۱۲ قوله الحوض المورود یعنی پیغمبر و دوستان او بر آن فرود آیند و آب آن بنوشند و صفت حوض در فضایل صلوات مذکور شد ۱۲ قوله اللواء المعقود یعنی جامه بر نیزه می بندد و باو [illegible] و وقت جنگ پیش سردار میگذارند تا شناخته شود و دیگر او در [illegible] ۱۲ قوله المکان المشهود صاحب مکانیکه حاضر شده آن [illegible] تشریف بتفصیل گذشته ۱۲ [illegible] مراد آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم در شب معراج و هیچ کس غیر او بآنجا نرسیده و آن مقام قاب قوسین است و یا صاحب مکانی که حاضر شوند آنرا پیشینیان و پسینیان ستایش کنان برای او و آن مقام محمود است که مذکور شده یا مکانیکه در آن محشور شود بر براق با هفتاد هزار فرشتگان که در جلو وی میباشند و پوشانیده شود بهترین لباس بهشت و پیش وی همه پیغمبران میباشند و یا مراد مکان قبر شریف [illegible]

مُجَلِّي الظُّلْمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُوْلِي النِّعْمَةِ

دور کننده تاریکی کفر خدایا درود بفرست بر رساننده خیر و خوبی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُؤْتِي الرَّحْمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

خدایا درود بفرست بر دهنده رحمت خدایا درود بفرست

عَلٰى صَاحِبِ الْحَوْضِ الْمَوْرُوْدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

بر صاحب حوض که فرود آمده شود بر آن خدایا درود بفرست

عَلٰى صَاحِبِ الْمَقَامِ الْمَحْمُوْدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

بر صاحب مقام که ستوده شده است خدایا درود بفرست

عَلٰى صَاحِبِ اللِّوَاءِ الْمَعْقُوْدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

بر صاحب نیزه گره داده شده خدایا درود بفرست

عَلٰى صَاحِبِ الْمَكَانِ الْمَشْهُوْدِ اَللّٰهُمَّ

بر صاحب مکانیکه حاضر شده آنرا خدایا

صَلِّ عَلَى الْمَوْصُوْفِ بِالْكَرَمِ وَالْجُوْدِ اَللّٰهُمَّ

درود بفرست بر وصف کرده شده به بخشش و سخاوت خدایا

صَلِّ عَلٰى مَنْ هُوَ فِي السَّمَآءِ مَحْمُوْدٌ وَّفِي الْاَرْضِ

درود بفرست بر کسیکه او در آسمان ستوده شده است و در زمین

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ

بر سردار مایان محمد خدایا درود بفرست بر خداوند

[illegible] از کعب الاحبار در روایت [illegible] هفتاد هزار [illegible] فرشتگان [illegible] نازل میشوند [illegible] قبر شریف [illegible] درود میگویند [illegible] ۱۲

قوله الموصوف بالکرم والجود [illegible] بخشش و عطا آنحضرت صلی الله علیه وسلم [illegible] ۱۲

[illegible]

قوله الشامة بشین معجمه و تخفیف میم علامت و نشان یعنی مهر نبوت و بیان آن در اسماء شریف بتفصیل گذشت ۱۲ قوله علی المخصوص بالزعامة بفتح زاء معجمه خاص کرده شده بسرداری و ریاست و بضاعت بودن شفاعت شونده ۱۲ قوله تظلله الغمامة بفتح غین معجمه و ...

فی یوم الثلثاء

اَلشَّامَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْعَلَامَةِ اَللّٰهُمَّ
علامت خدایا درود بفرست بر خداوند مهر نبوت خدایا
صَلِّ عَلَى الْمَوْصُوْفِ بِالْكَرَامَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
درود بفرست بر وصف کرده شده به بزرگی خدایا درود بفرست
عَلَى الْمَخْصُوْصِ بِالزَّعَامَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ
بر خاص کرده شده بسرداری خدایا درود بفرست بر کسیکه
كَانَ تُظَلِّلُهُ الْغَمَامَةُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ كَانَ
بود که سایه میکرد اورا ابر خدایا درود بفرست بر کسیکه بود
يَرٰى مَنْ خَلْفَهٗ كَمَا يَرٰى مِنْ اَمَامِهٖ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
میدید از پس پشت خود چنانچه میدید از پیش خود خدایا درود بفرست
عَلَى الشَّفِيْعِ الْمُشَفَّعِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
بر شفاعت کننده که قبول کرده شد شفاعت روز قیامت خدایا درود بفرست
عَلٰى صَاحِبِ الضَّرَاعَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
بر صاحب فروتنی خدایا درود بفرست بر
صَاحِبِ الشَّفَاعَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ
خداوند شفاعت خدایا درود بفرست بر صاحب
الْوَسِيْلَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْفَضِيْلَةِ
منزل عالی خدایا درود بفرست بر خداوند بزرگی

عادات بغیر مقابله چشم یا بجیزی الگفته اند که بنور باطن بود و آنکه گفته اند که بجانب پس پشت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم دو چشم بود مانند سوراخ سوزن این قول ضعیف است ۱۲ قوله المشفع بضم میم و فتح فاء مشدده ۱۲

قوله علی صاحب الضراعة یعنی صاحب فروتنی و عجز و زاری در حضرت خداوند باری و چون آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم دانا ترین همه بود بصفات الهی پس خوف و ترس خداوند غالب تر بود و او از اهل دل آنش ...

بیت

گر کسی را نیست زان نعمت نصیب
هست بازار شب بر کلک نجیب

قوله صاحب النعلین

سید محمد مهدی در مطالع المسرات آورده که نامیده شده است آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم باین نام در انجیل و بیان صورت نعلین مبارک در کتب احادیث و سیر مذکور است و بعضی اکابر محدثین در تمثال آن رساله جدا جمع کرده اند وگفته اند که نگاه داشتن آن خواص و برکت بسیار دارد واین خاکسار ذرهٔ بیمقدار مشتاق بوسه نعلین سید الابرار صلی الله علیه وآله وسلم وآله الاخیار تمثال نعلین مبارک را با بعض خواص آن از روضة الاحباب تالیف امیر جمال الدین محدث بریک ورق جدا نقل گرفته درین مقام وصل نموده است تا مشتاقان خاکپای نبوی صلی الله علیه وآله وسلم بزیارت آن فیض یاب شوند

بیت

ای دل و دیده خاک نعلینت
رشتهٔ جان شراک نعلینت
شد ادیم زخم بخون جگری
تا چو نعلین زیر پا سپری

الحزب الثانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ
خدایا درود بفرست بر خداوند پایهٔ بلند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْهِرَاوَةِ اَللّٰهُمَّ
خدایا درود بفرست بر خداوند عصا خدایا

صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ النَّعْلَيْنِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
درود بفرست بر صاحب دو نعل خدایا درود بفرست

عَلٰى صَاحِبِ الْحُجَّةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
بر صاحب دلیل استوار خدایا درود بفرست بر

صَاحِبِ الْبُرْهَانِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ
خداوند دلیل روشن خدایا درود بفرست بر خداوند

السُّلْطَانِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ التَّاجِ
غلبه خدایا درود بفرست بر خداوند تاج

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْمِعْرَاجِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
خدایا درود بفرست بر خداوند معراج خدایا درود بفرست

عَلٰى صَاحِبِ الْقَضِيبِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى رَاكِبِ
بر خداوند عصا خدایا درود بفرست بر سوار

النَّجِيبِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى رَاكِبِ الْبُرَاقِ اَللّٰهُمَّ
ناقهٔ اصیل وبرگزیده خدایا درود بفرست بر سوار براق خدایا

قوله صاحب البرهان

دلیل روشن که دلالت کند بر صدق رسالت وی وآن قرآنست ودیگر معجزات وی ۱۲

قوله راکب النجیب

ناقهٔ نجیب آنحضرت [illegible] [illegible] علیه وآله وسلم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۱۲

صَلِّ عَلٰى مُخْتَرِقِ السَّبْعِ الطِّبَاقِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

درود بفرست بر درگذرنده از هفت آسمان که بالای همدیگراند خدایا درود بفرست

عَلَى الشَّفِيعِ فِي جَمِيعِ الْأَنَامِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

بر شفاعت کننده در همه آفریدگان خدایا درود بفرست

عَلٰى مَنْ سَبَّحَ فِي كَفِّهِ الطَّعَامُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

بر کسیکه تسبیح کرد در کف دست او طعام خدایا درود بفرست

عَلٰى مَنْ بَكٰى إِلَيْهِ الْجِذْعُ وَحَنَّ لِفِرَاقِهِ

بر کسیکه میگریست بسوی او شاخ خرما وناله غمناکان میکرد از برای جدائی او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ تَوَسَّلَ بِهِ طَيْرُ الْفَلَاةِ

خدایا درود بفرست بر کسیکه وسیله ساخت اورا پرندگان بیابان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ سَبَّحَتْ فِي كَفِّهِ الْحَصَاةُ

خدایا درود بفرست بر کسیکه تسبیح کرد در کف دست او سنگریزها

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ تَشَفَّعَ إِلَيْهِ الظَّبْيُ بِأَفْصَحِ

خدایا درود بفرست بر کسیکه روی آورد بسوی او آهو بکلام فصیح تر

كَلَامٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ كَلَّمَهُ الضَّبُّ فِي

خدایا درود بفرست بر کسیکه سخن کرد باوی سوسمار در

مَجْلِسِهِ مَعَ أَصْحَابِهِ الْأَعْلَامِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

مجلس او با یاران او که بزرگانند خدایا درود بفرست بر

في يوم الثلثاء

فكلمن شكى اليه البعير

فائده در مشکوة حدیث روایت کرده که شکایت کرد شتر از مالک خودش پیش آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم که بار بر من بسیار میکند وکاه اندک میدهد پس آن حضرت صلعم مالک آنرا فرمود که باین ناقه نیکی کنید و در روضة الاحباب آورده که عقیل بن ابیطالب علیه السلام روایت کرده که من در سفری با آنحضرت صلعم بوضعی شتری در آنموضع زانو زده بود السلام که شتری دید برجست و نزد وی آمده

الْبَشِيرِ النَّذِيرِ ط اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى السِّرَاجِ الْمُنِيرِ ط

مژده دهنده ترساننده خدایا درود بفرست بر چراغ روشن

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ شَكٰى اِلَيْهِ الْبَعِيرُ ط اَللّٰهُمَّ

خدایا درود بفرست بر کسیکه شکایت کرد بسوی او شتر خدایا

صَلِّ عَلٰى مَنْ تَفَجَّرَ مِنْ بَيْنِ اَصَابِعِهِ الْمَاءُ

درود بفرست بر کسیکه جاری گشت از میان انگشتان او آب

النَّمِيرُ ط اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ ط اَللّٰهُمَّ

صاف روان خدایا درود بفرست بر آنکه پاکست پاک کرده شده است خدایا

صَلِّ عَلٰى نُوْرِ الْاَنْوَارِ ط اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنِ انْشَقَّ

درود بفرست برکسیکه روشنی همه روشنیهاست خدایا درود بفرست برکسیکه شکافته شده

لَهُ الْقَمَرُ ط اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الطَّيِّبِ الْمُطَيَّبِ ط اَللّٰهُمَّ

برای او ماه خدایا درود بفرست بر پاک وپاک کرده شده خدایا

صَلِّ عَلَى الرَّسُوْلِ الْمُقَرَّبِ ط اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْفَجْرِ

درود بفرست بر پیغمبر که نزدیک کرده شده درگاه تست خدایا درود بفرست بر صبح

السَّاطِعِ ط اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّجْمِ الثَّاقِبِ ط اَللّٰهُمَّ

برآینده بروشنی خدایا درود بفرست بر ستاره درخشان خدایا

صَلِّ عَلَى الْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى ط اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى نَذِيرٍ

درود بفرست بر دست آویزه استوار خدایا درود بفرست بر بیم کننده

الحزب الثاني

أَهْلِ الْأَرْضِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الشَّفِيعِ يَوْمَ

اہل زمین خدایا درود بفرست بر شفاعت کنندہ روز

الْعَرْضِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى السَّاقِي لِلنَّاسِ

پیش آوردن خدایا درود بفرست بر خورانندہ مردمان برای آشامیدن آب

مِنَ الْحَوْضِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى صَاحِبِ لِوَاءِ

از حوض کوثر خدایا درود بفرست بر خداوند نیزہ

الْحَمْدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُشَمِّرِ عَنْ سَاعِدِ الْجِدِّ

ستایش خدایا درود بفرست بر بالاکشندہ آستین از بازو کوشش

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُسْتَعْمِلِ فِي مَرْضَاتِكَ

خدایا درود بفرست بر عمل کنندہ در طلب خوشنودی تو

غَايَةَ الْجُهْدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ الْخَاتِمِ

بصرف کردن نہایت طاقت خود خدایا درود بفرست بر پیغمبر پس آیندہ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الرَّسُولِ الْخَاتَمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

خدایا درود بفرست بر فرستادہ آخر ہمہ پیغمبران خدایا درود بفرست

عَلَى الْمُصْطَفَى الْقَائِمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى رَسُولِكَ

بر گزیدہ خود کہ ایستادہ در فرمان برداری تو خدایا درود بفرست بر پیغمبر خود کہ

أَبِي الْقَاسِمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى صَاحِبِ الْآيَاتِ

پدر قاسم ہست خدایا درود بفرست بر خداوند نشانہا

فی یوم الثلثا

قوله اهل الارض …

قوله یوم العرض …

قوله عن ساعد الجد …

قوله علی النبی …

قوله الخاتم …

قوله صاحب الآیات …

الحزب الثانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الدِّلَالَاتِ

خدایا درود بفرست بر خداوند رهنمائیها

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْاِشَارَاتِ اَللّٰهُمَّ

خدایا درود بفرست بر خداوند اشارتها خدایا

صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْكَرَامَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

درود بفرست بر خداوند بزرگیها خدایا درود بفرست بر

صَاحِبِ الْعَلَامَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ

خداوند نشانها خدایا درود بفرست بر خداوند

الْبَيِّنَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ

دلیلهای روشن خدایا درود بفرست بر خداوند

الْمُعْجِزَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْخَوَارِقِ

معجزه‌ها خدایا درود بفرست بر خداوند افعالیکه پاره کننده اند

الْعَادَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ سَلَّمَتْ عَلَيْهِ

رسمهای زمانه را خدایا درود بفرست بر کسیکه سلام گفتند بروی

الْاَحْجَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ سَجَدَتْ بَيْنَ

سنگها خدایا درود بفرست بر کسیکه سجده کردند

يَدَيْهِ الْاَشْجَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ تَفَتَّقَتْ

پیش او درختان خدایا درود بفرست بر کسیکه بر آمده

مِنْ نُورِهِ الْأَزْهَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ

از نور او شگوفه های درختان خدایا درود بفرست بر کسیکه

طَابَتْ بِبَرَكَتِهِ الثِّمَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

پخته شد بیمن او میوه های درختان خدایا درود بفرست بر

مَنِ اخْضَرَّتْ مِنْ بَقِيَّةِ وَضُوئِهِ الْأَشْجَارُ

کسیکه سبز شد از پس مانده آب وضوء وی درختان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ فَاضَتْ مِنْ نُورِهِ

خدایا درود بفرست بر کسیکه آشکارا شده از نور او

جَمِيعُ الْأَنْوَارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ بِالصَّلٰوةِ

همه نورها خدایا درود بفرست بر کسیکه بسبب درود گفتن

عَلَيْهِ تُحَطُّ الْأَوْزَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ

بروی انداخته میشود بارهای گنه‌گاران خدایا درود بفرست بر کسیکه

بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِ تُنَالُ مَنَازِلُ الْأَبْرَارِ اَللّٰهُمَّ

بسبب درود گفتن بروی یافته میشود مرتبه‌های نیکوکاران خدایا

صَلِّ عَلٰى مَنْ بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِ يُرْحَمُ الْكِبَارُ

درود بفرست بر کسیکه بسبب درود گفتن بروی بخشایش کرده میشود بزرگان

وَالصِّغَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ بِالصَّلٰوةِ

و خوردان خدایا درود بفرست بر کسیکه بسبب درود گفتن

فی یوم الثلثاء

فایده در بعضی احادیث آمده چون آن حضرت صلعم از معراج باز آمد قطره از عرق مبارک بر زمین چکید از آن گل گلاب روئید و از آنجا فرمود که هر که خواهد که بوکند مرا بوکند گل سرخ را در شرح سفر السعادت گفته اند که این حدیث نزد محدثین بصحت نرسیده ۱۲

قوله نتنعم فی هذه الدار یعنی بهره‌مند شویم بنعمتهای در دنیا
قوله الیمن اسباب خوشی وخرمی انبهت دینی ودنیوی ١٢
قوله المؤید بتشدید یاء مفتوحه قوت داده شده یاری وقوت کرده شده بر دشمنان ومددگاری فرشتگان برای شکستن لشکر دشمنان ١٢
قوله الاقفر بتقدیم فاء بعد از قاف ١٢ قوله الوحوش بضم واو ١٢ قوله باذیاله یعنی چنانچه می‌آویزد واو خواه بدامن فریادرسی وداد از زمین نالیدن وفریاد کردن دولت ووقت سختی پیش فریادرسنده وداددهنده وبالا ازین قصه فریاد کردن آهو وکنجشک پیش آن حضرت صلعم معلوم شده ١٢
قوله رب العلمین که آفریننده وپرورنده همه عالمیانست

عَلَيْهِ نَتَنَعَّمُ فِيْ هٰذِهِ الدَّارِ وَفِيْ تِلْكَ
بروی بهره‌ور میشویم بنعمتهای در این دنیا وبهره‌ور خواهیم شد بنعمتهای

الدَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِ
آخرت خدایا درود بفرست بر کسیکه بسبب درود گفتن بروی

تُنَالُ رَحْمَةُ الْعَزِيْزِ الْغَفَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
رسیده میشود بخشش خدای را که غالبست وآمرزگار خدایا درود بفرست بر

الْمَنْصُوْرِ الْمُؤَيَّدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُخْتَارِ
یاری داده شده وقوت داده شده خدایا درود بفرست بر برگزیده

الْمُمَجَّدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا
بزرگی داده شده خدایا درود بفرست بر بهتر ومهتر مایان ومالک وصاحب مایان

مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ كَانَ اِذَا مَشٰى فِي
محمد خدایا درود بفرست بر کسیکه بود وقتی که میرفت در

الْبَرِّ الْاَقْفَرِ تَعَلَّقَتِ الْوُحُوْشُ بِاَذْيَالِهٖ
بیابان خالی از آب وگیاه می‌آویختند جانوران رمنده صحرائی بدامنهای مبارک او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ
خدایا درود بفرست بروی وبر آل وی ویاران وی

وَسَلِّمْ تَسْلِيْمًا وَّالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ
وسلام بفرست سلام فرستادنی وسپاس وستایش مر خدای راست که آفریننده همه عالمیان است

الحزب الثانی

ونعمتهای خدای تعالی را که بر بندگان ... بنهایت نیست اینچنین وعطا وبوده نهایت ... اورا احد وغایت ستایش وشکر اورا ... وی واستادن ... وبزرگترین نعمت وی برای ارشاد ... رسول کریمست صلعم ... وتعلیم احکام دین قویم ... وپیروی ... وتعلیم سوی گلشن جنات النعیم ورضای خداوند رحیم وپس از ان دادن توفیق بندگان را ببعثت وی ... تصدیق وکاشتن ... وپیروی او ودلبهای ... بیمن محبت او

بیت
الحمد زاول وآخرما مرجع آمید
کوره شکر خدا غرا سمه گوئید
صد هزاران زبان اگر گیرند ...
بیست ...
... شکر کیفیت نیتی خدا گوئید
... صلوة تا اینجا ربع اول
تم ... ١٢

اکمل

اكمل الربع الاول وابتداء الربع الثاني

الحمد لله على حلمه بعد علمه وعلى عفوه

ستايش وستودگی مر خدا راست بر بردباری وی با وجود دانستن او وبر در گذشتن او

بعد قدرته اللهم اني اعوذ بك من

با وجود توانا بودن او خدايا بدرستيكه من پناه ميگيرم بتو از

الفقر الا اليك ومن الذل الا لك و

احتياج مگر بسوی تو و از خوار بودن مگر برای تو و

من الخوف الا منك واعوذ بك ان

از ترسيدن مگر از تو و پناه ميگيرم بتو از

اقول زورا او اغشى فجورا او اكون بك

گفتن دروغ يا آنكه آيم من بدكار را يا آنكه باشم من بكرم تو

مغرورا واعوذ بك من شماتة الاعداء

فريب داده شده و پناه ميگيرم بتو از خوشی دشمنان

وعضال الداء وخيبة الرجاء وزوال

و درد سخت و نايافت آرزو و نيست شدن

في يوم الثلثاء

قوله على حلمه بعد علمه ...

قوله عضال الداء ...

النِّعْمَةِ وَفُجَاءَةِ النِّقْمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

خیر و خوبی وناگاه رسیدن عقوبت خدایا درود بفرست بر سردار مایان

مُحَمَّدٍ وَّسَلِّمْ عَلَيْهِ وَاجْزِهٖ عَنَّا مَا هُوَ اَهْلُهٗ

محمد وسلام بفرست بروی وپاداش ده اورا از مایان چیزیکه آن سزاوار آنست

حَبِيْبُكَ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

که دوست تست سه بار خدایا درود بفرست بر سردار مایان

اِبْرٰهِيْمَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَاجْزِهٖ عَنَّا مَا هُوَ

ابراهیم وسلام بفرست بروی وپاداش ده اورا از مایان چیزیکه او سزاوار

اَهْلُهٗ خَلِيْلُكَ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

آنست دوست تست سه بار خدایا درود بفرست بر سید مایان

مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ

محمد و بر آل سید مایان محمد چنانچه درود فرستاده تو

وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ فِى الْعٰلَمِيْنَ

و رحم کرده تو و برکت داده تو بر ابراهیم در عالمیان

اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ عَدَدَ خَلْقِكَ وَرِضَاءَ

بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری بشمار آفرینش خود ومقدار خوشنودی

نَفْسِكَ وَزِنَةَ عَرْشِكَ وَمِدَادَ كَلِمَاتِكَ

ذات خود و بوزن عرش خود و مقدار سخنان خود

الحزب الثانی

قوله النعمة ... سبب زوال نعمت غافل بودن از شکر و سپاس پروردگار و خرج کردن آن نعمت را در غیر رضای آفریدگار ۱۲

قوله فجاءة بضم فا و فتح جیم و همزه بعد الف ۱۲

فائده النقمة ...

قوله حبیبک ...

قوله ثلث یعنی بگو این درود را از اللهم صل تا حبیبک سه بار ...

قوله ما هو اهله ...

قوله خلیلك ...

اللهم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ

خدایا درود بفرست بر رئیس ما یان محمد بشمار کسانیکه

صَلّٰى عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

درود فرستادند بروی خدایا درود بفرست بر بزرگ مایان محمد

عَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

بشمار کسانیکه درود نفرستادند بروی خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا صُلِّيَ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ

سید مایان محمد بشمار درودهائیکه فرستاده شده است بروی خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اَضْعَافَ مَا

درود بفرست بر سید مایان محمد تو بر تو درودهائیکه

صُلِّيَ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

فرستاده شده است بروی خدایا درود بفرست بر سید مایان

مُحَمَّدٍ كَمَا هُوَ اَهْلُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

محمد چنانچه او سزاوار آنست خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى لَهُ

سید مایان محمد چنانچه دوست داری تو و خوشنود شوی تو برای او

اَلْحِزْبُ الثَّالِثُ يُقْرَءُ فِي يَوْمِ الْاَرْبِعَاءِ

قوله ١

مَا صَلّٰى عَلَيْهِ

بضم صاد و کسر لام مشدده و فتح یا درودهائیکه فرستاده شده است بر آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم از تو و از فرشتگان تو و از دیگر بندگان تو

١٢

قوله ٢

اضعاف ما صُلّي عليه

بضم ضاد مثل ما قبل

١٢

فی یوم الثلثاء

قوله ٣

ترضی له

مانند این در حزب اول نیز گذشته باندک تفاوت واینجا حزب دوم تمام شد

١٢

جائی ختم حزب روز سه‌شنبه

قوله اللهم صل على روح سيدنا محمد في الارواح
یعنی خدایا درود بفرست بر جان پاک سردار مایان محمد درمیان جانهای
برگزیدگان خود از انبیاء و اولیاء
یعنی خاص کن او را و در تحفهٔ درودی کرامت ساخته او را درمیان
انبیاء و بر همین قیاس است
یعنی هر که بعد ازین می آید ۱۲

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى رُوْحِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ فِي
خدایا درود بفرست بر جان پاک سید مایان محمد در
الْأَرْوَاحِ وَعَلٰى جَسَدِهٖ فِي الْأَجْسَادِ وَ
جانها و بر تن پاک او در تنها و
عَلٰى قَبْرِهٖ فِي الْقُبُوْرِ وَعَلٰى آلِهٖ وَصَحْبِهٖ
بر گور مبارک او در گورها و بر آل و یاران او
وَسَلِّمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كُلَّمَا
وسلام بفرست خدایا درود بفرست بر سردار مایان محمد هرگاه که
ذَكَرَهُ الذَّاكِرُوْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا
یاد کنند او را همه یاد کننده گان خدایا درود بفرست بر سردار مایان
مُحَمَّدٍ كُلَّمَا غَفَلَ عَنْ ذِكْرِهِ الْغَافِلُوْنَ
محمد هرگاه که غفلت ورزند از یاد او همه غافلان
اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدِ
خدایا درود بفرست و سلام بفرست بر رئیس مایان محمد
النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَأَزْوَاجِهٖ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِيْنَ
که پیغمبر است ناخوانده و نانویسنده و زنان او که مادران مؤمنان اند
وَذُرِّيَّتِهٖ وَأَهْلِ بَيْتِهٖ صَلٰوةً وَ
و اولاد او و اهل بیت او درودی و

قوله وليحقه اداء
یعنی باشد آن درود سبب ادای حق آن پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که واجب است بر ما یان کرده نماینده است ورسانیده است وی منّت بر ما یان را از زندان کفر و ضلالت بایمان و هدایت و ما یان را بگلشن ایمان در آخرت از آتش دوزخ بشفاعت وی پس ادای حق وی بجنت سبب درودی که صادر شود با اخلاص وشوق و محبت ۱۲

قوله
وعلى جميع اخوانه
یعنی بر همه برادران دینی وی که پیغمبرانند ودر ساکن راه انبیا در راه حق و با حق ۱۲

سلاماً لا يحصى عددهما ولا يقطع مددهما

سلامی که ضبط کرده نشود شمار آن هردو را وبریده نشود زیادتی آن هردو را

اللهم صل على سيدنا محمد عدد ما احاط

خدایا درود بفرست بر سرور ما یان محمد بشمار چیزیکه فرا رسیده است

به علمك واحصاه كتابك صلوة تكون

اورا علم تو وضبط کرده است آنرا کتاب تو درودیکه باشد

لك رضى ولحقه اداء واعطه الوسيلة

برای تو سبب خوشنودی وبرای حق او سبب ادای وبده اورا منزلی بلند

والفضيلة والدرجة الرفيعة وابعثه

وبزرگی وپایهٔ بلند وبرانگیز اورا

اللهم المقام المحمود الذي وعدته واجزه

خدایا در مقامیکه ستوده شده است آن مقامی که وعده کردهٔ تو اورا وپاداش ده

عنا ما هو اهله وعلى جميع اخوانه

اورا از ما یان چیزیکه او سزاوار اوست وبر همهٔ برادران وی

من النبيين والصديقين والشهداء

از پیغمبران وراست گویان وکشتگان در راه خدا

والصلحين اللهم صل على سيدنا محمد

ونیکوکاران خدایا درود بفرست بر سیدمایان محمد

قوله
والصلحين
یعنی نیکوکاران که همه قول وفعل ایشان موافق فرموده خدا ورسول است صلی الله علیه وآله وسلم ۱۲

في يوم الابتهاج

قوله على سيدنا
ودر بعضی نسخ لفظ سیدنا ساقط شده وبعض وعلى آل سيدنا افزوده نموده ۱۲

وَأَنْزِلْهُ الْمُنْزَلَ الْمُقَرَّبَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ

و فرود آر او را در جای فرود آمدن که نزدیک کرده شده است روز قیامت خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ تَوِّجْهُ

درود بفرست بر سید ما یان محمد خدایا زینت بخش او را

بِتَاجِ الْعِزِّ وَالرِّضٰى وَالْكَرَامَةِ اَللّٰهُمَّ

بپوشانیدن تاج ارجمندی و خوشنودی و بزرگی خدایا

اَعْطِ لِسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا سَاَلَكَ

بده مر سرور ما یان را محمد بزرگترین چیز ها ئیکه سؤال کرده است ترا

لِنَفْسِهٖ وَاَعْطِ لِسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ

برای ذات خود و بده مر سردار ما یان را محمد بزرگترین

مَا سَئَلَكَ لَهٗ اَحَدٌ مِّنْ خَلْقِكَ وَاَعْطِ

چیزیکه سؤال کرده است ترا برای او یکی از آفریدگان تو و بده

لِسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا اَنْتَ مَسْئُوْلٌ

مر سید ما یان را محمد بزرگترین چیزیکه ترا سؤال کرده شده است

لَهٗ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

برای او تا روز قیامت خدایا درود بفرست بر سید ما یان

مُحَمَّدٍ وَّاٰدَمَ وَنُوْحٍ وَّاِبْرٰهِيْمَ وَمُوْسٰى

محمد و آدم و نوح و ابراهیم و موسی

قوله المنزل بضم میم و فتح تاء و کسر زاء نیز آمده ۱۲

قوله المقرب بفتح راء مشدده ۱۲

قوله یوم القیمة فائده در تفسیر حسینی از لباب نقل کرده که فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم که نزدیک کرد اند مرا خدای تعالی و بنشاند با خود بر عرش و حق تعالی از نشستن پاک است و اینجا مقصود از نشانیدن آنحضرت با خود تعظیم و تکریم آنحضرت است صلی الله علیه و آله وسلم

الثالث الحزب

تنبیه

در حدیث آمده کسی که بگوید این کلمات از اللّٰهم تا یوم القیمة واجب شود برای او شفاعت من ۱۲

قوله توجه بفتح تا و کسر واو مشدده و سکون جیم ۱۲ قوله بتاج العز والرضا والکرامة یعنی باشد این همه برای او همچو تاج پادشاهان که بر سر میگذارند برای حسن و خوبی ۱۲

قوله الی یوم القیمة ابن عطا در شفا از وهب ابن الورد که میخواند او این را و گفته اند که او از ابدال بود ۱۲

وَعِيسٰى وَمَا بَيْنَهُمْ مِنَ النَّبِيِّيْنَ وَالْمُرْسَلِيْنَ

و عیسی و کسانیکه درمیان ایشان بودند از پیغمبران و مرسلان

صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ

درودهای خدا و سلام او باد برایشان همه

ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَبِيْنَا اٰدَمَ وَاُمِّنَا

بخوان سه بار خدایا درود بفرست بر پدر مایان آدم و مادر مایان

حَوَّاءَ صَلٰوةَ مَلٰٓئِكَتِكَ وَاَعْطِهِمَا مِنَ

حواء مانند درودیکه میفرستی تو بر فرشتگان خود و بده آن هردو را از

الرِّضْوَانِ حَتّٰى تُرْضِيَهُمَا وَاجْزِهِمَا اَللّٰهُمَّ

خوشنودی تا آنکه خوشنود گردانی آن هردو را و پاداش آن هردو را خدایا

اَفْضَلَ مَا جَازَيْتَ بِهٖ اَبًا وَاُمًّا عَنْ وَلَدِهِمَا

بزرگترین چیزیکه پاداش داده تو باو پدری را و مادری را از دو پسران هردو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا جِبْرِيْلَ وَمِيْكَآئِيْلَ

خدایا درود بفرست بر سید مایان جبرئیل و میکائیل

وَاِسْرَافِيْلَ وَعَزْرَآئِيْلَ وَحَمَلَةِ الْعَرْشِ

و اسرافیل و عزرائیل و بردارندگان عرش

وَعَلَى الْمَلٰٓئِكَةِ وَالْمُقَرَّبِيْنَ وَعَلٰى جَمِيْعِ

و بر فرشتگان و نزدیکان درگاه تو و بر همه

قوله ثلثا نقل کرده که هر که بخواند این درود را سه بار گویا تمام کتاب را ختم کرده باشد ۱۲

قوله حواء بهمزه و بعد از الف پیدا کرده شده است از استخوان پهلوی چپ آدم علیه السلام

قوله ترضیهما بضم تاء و کسر ضاد ۱۲

قوله عزرائیل این چهار فرشته نزدیک درگاه تو اند از روی بزرگی

نظم

از ملایک چهار مشهوراند

وحی تنزیل کار جبریل است

نفخ در صور کار اسرافیل

کافل رزق جهانست میکائیل

قابض روح جهانست عزرائیل

قوله حملة العرش بفتح حاء و میم

فایده

در حدیث آمده است که امروز بردارندگان عرش چهار اند و بروز قیامت هشت

صفوف یا هشت اصناف باشند ۱۲

الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ
پیغمبران و مرسلان درودهای خدا

وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ
وسلام او باد برآنها همه ها سه بار خدایا درود بفرست

عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا عَلِمْتَ وَمِلْأَ
بر سرور مایان محمد بشمار چیزیکه دانسته تو وپری

مَا عَلِمْتَ وَزِنَةَ مَا عَلِمْتَ وَمِدَادَ
چیزیکه دانسته تو ووزن چیزیکه دانسته تو وباندازه

كَلِمَاتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
سخنان تو خدایا درود بفرست بر سید مایان محمد

صَلٰوةً مَّوْصُولَةً بِالْمَزِيدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
درودیکه پیوسته باشد به فزونی خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلٰوةً لَّا تَنْقَطِعُ اَبَدَ الْاٰبَدِ وَلَا
سید مایان محمد درودیکه بریده نشود تا آخر زمان وفانی

تَبِيدُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَاتِكَ
نشود خدایا درود بفرست بر سید مایان محمد مانند درود تو

الَّتِيْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَسَلِّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا
که فرستاده تو آن درود را بروی وسلام بفرست بر سید مایان

قوله ثلثا در بعضی نسخه ثلثا نیامده ۱۲

قوله ملأ بکسر میم ۱۲

قوله ابد الابد در بعضی نسخه آمده ابد الاباد بالف بعد از با ۱۲

الحزب الثالث

قوله التی صلیت علیه ظاهر است که درودی که وی سبحانه جل شانه بر محبوب خود فرستاده باشد خوب تر ونیکوتر خواهد بود بنابر آن مثل آن طلب کرده ۱۲

فی یوم الاربعاء

مُحَمَّدٍ سَلَامَكَ الَّذِي سَلَّمْتَ عَلَيْهِ

محمد مانند سلام تو که فرستادهٔ تو آن سلام را بروی

وَاجْزِهِ عَنَّا مَا هُوَ اَهْلُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

و پاداش ده اورا از مایان چیزیکه او لایق اوست خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلٰوةً تُرْضِيكَ وَتُرْضِيهِ

رئیس مایان محمد درودیکه خوش گرداند ترا وخوشنود گرداند اورا

وَتَرْضٰى بِهَا عَنَّا وَاجْزِهِ عَنَّا مَا هُوَ اَهْلُهُ

و راضی شوی تو بسبب او از مایان و پاداش ده اورا از مایان چیزیکه او سزاوار آنست

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ بَحْرِ اَنْوَارِكَ

خدایا درود بفرست بر سید مایان محمد که دریای نورهای تست

وَمَعْدِنِ اَسْرَارِكَ وَلِسَانِ حُجَّتِكَ وَ

و کان رازهای تست و زبان دلیل روشن تست و

عَرُوسِ مَمْلَكَتِكَ وَاِمَامِ حَضْرَتِكَ وَطِرَازِ

نو کد خدای ملک تست و پیشوای درگاه تست و آرایش

مُلْكِكَ وَخَزَائِنِ رَحْمَتِكَ وَطَرِيقِ شَرِيعَتِكَ

ملک تست و گنجینهای بخشایش تست و راه دین تست

اَلْمُتَلَذِّذِ بِتَوْحِيدِكَ اِنْسَانِ عَيْنِ الْوُجُودِ

که لذت یابنده است بتوحید تو آدمی مانند مردمک چشم وجود عالم

وَالسَّبَبِ فِي كُلِّ مَوْجُودٍ عَيْنِ أَعْيَانِ
و واسطه در بودن هر آفریده شده چشم بزرگان
خَلْقِكَ الْمُتَقَدِّمِ مِنْ نُورِ ضِيَائِكَ صَلٰوةً
آفرینش تو اول ظاهر شده از نور روشنی تجلی ذات تو درود فرستادنی
تَدُومُ بِدَوَامِكَ وَتَبْقٰى بِبَقَائِكَ لَا مُنْتَهٰى
که همیشه باشد بر همیشگی تو و پاینده بود به پایندگی تو نیست آخر
لَهَا دُونَ عِلْمِكَ صَلٰوةً تُرْضِيكَ وَتُرْضِيهِ
مر آن را بجز علم تو درودیکه خوشنود شوی تو و خوشنود شود او
وَتَرْضٰى بِهَا عَنَّا يَا رَبَّ الْعٰلَمِينَ اَللّٰهُمَّ
و خوشنود شوی بسبب آن از ما یان ای پروردگار عالمیان خدایا
صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا فِي عِلْمِ اللّٰهِ
درود بفرست بر سید مایان محمد بشمار چیزیکه در علم خداست
صَلٰوةً دَائِمَةً بِدَوَامِ مُلْكِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ
درودیکه همیشه باشد به همیشگی ملک خدای خدایا
صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى
درود بفرست بر سردار مایان محمد چنانچه درود فرستادهٔ تو بر
سَيِّدِنَا اِبْرٰهِيمَ وَبَارِكْ عَلٰى سَيِّدِنَا
سردار مایان ابراهیم و برکت ده بر سید مایان

قوله ١
والسبب فی کل موجود
یعنی اگر ذات
پاک آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم نبودی حق تعالی هیچ آفریده را پیدا نمودی نظم
هفت و نه و چهار نه پرداختند
خاص پی موکب آن ساختند
او ست شه و آدمیان جمله خیل
اصل وی و جملهٔ عالم طفیل ١٢

قوله ٢
المتقدم
در بعضی نسخه المتقدح آمده

الثالث الحزب

بحاء مهمله
بجای میم یعنی اول از همه برآمده از نور تو که نوری است قوی ١٢

قوله ٣
عدد ما فی علم الله
فائده
درین کلام از خطاب بسوی هم ظاهر عدول نموده این را در علم بلاغت التفات گویند ١٢

قوله ٤
اللهم صل علی سیدنا
در بعضی نسخه بعد ازین زیاده
وعلی آل سیدنا محمد

قوله علی ابرهیم
و در بعضی نسخ علی ابراهیم ای بلفظ آل ۱۲

قوله فیما بقی
چیزیکه باقی مانده است از زمانه یعنی
حال و استقبال
فایده
بقی در اصل بکسر قاف و فتح یا است
و جایز است بفتح قاف و بدل یا
بالف بلغت طی و این مناسبت
اینجا برای رعایت فقره ۱۲

قوله جمعه
بضم جیم و میم و سکون میم نیز در
به هفته از روز آدینه تا آدینه دیگر ۱۲

مُحَمَّدٍ وَعَلیٰ اٰلِ سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ

محمد و بر آل سید مایان محمد چنانچه برکت دادهٔ تو

عَلیٰ اٰلِ اِبْرٰهِیْمَ فِی الْعَالَمِیْنَ اِنَّكَ حَمِیْدٌ

بر آل ابراهیم در عالمیان بدرستیکه تو ستوده شدهٔ

مَجِیْدٌ عَدَدَ خَلْقِكَ وَرِضَاءَ نَفْسِكَ

بزرگواری بشمار آفرینش تو و خوشنودی ذات تو

وَزِنَةَ عَرْشِكَ وَمِدَادَ کَلِمَاتِكَ وَعَدَدَ

و بوزن عرش تو و باندازهٔ سخنان تو و بشمار

مَا ذَکَرَكَ بِهٖ خَلْقُكَ فِیْمَا مَضیٰ وَعَدَدَ

چیزیکه یاد کرده اند ترا باو آفریدگان تو در زمانیکه گذشته است و بشمار

مَا هُمْ ذَاکِرُوْنَكَ بِهٖ فِیْمَا بَقِیَ فِیْ کُلِّ سَنَةٍ

زمانیکه آن یاد میکنند ترا بدان در زمانیکه باقی مانده است در هر سالی

وَشَهْرٍ وَجُمُعَةٍ وَیَوْمٍ وَلَیْلَةٍ وَسَاعَةٍ

و ماهی و هفته و روزی و شبی و ساعتی

مِنَ السَّاعَاتِ وَشَمٍّ وَنَفَسٍ وَطَرْفَةٍ

از ساعات وبقدار شنیدن بوی دماغ و دم زدنی و چشم زدنی

وَلَمْحَةٍ مِنَ الْاَبَدِ اِلَی الْاَبَدِ وَاٰبَادِ

و اندک نظر کردنی از ابتدای زمانه تا آخر زمانه و زمانه های

قوله من الساعات
شب و روز بیست و چهار ساعت است
و چون آفتاب در حمل می آید دوازده
ساعت روز میشود و دوازده ساعت
شب و همچنین بعد از شش ماه چون
آفتاب در برج میزان می آید و از ماه
تیر روز ما ی زمستان نه ساعت
روز میشود و شب پانزده ساعت
و در تابستان عکس این ۱۲

فی یوم الاربعاء

قوله
ونفس
بفتح نون و فا گفته اندکه
تمام شب و روز
بیست و چهار
هزار دم
از
آدمی میشود
۱۲

قوله طرفه
بفتح طا گویند که آدمی
در هر شب و روز و چون
هشت هزار بار
چشم میزند ۱۲

قوله لمحه
بفتح لام و مقدار
اندک نظر
کردن ۱۲

الدُّنيَا وَاٰبَادِ الْاٰخِرَةِ وَاَكْثَرَ مِنْ

دنیا و زمانهای دراز آخرتست و زیاده از

ذٰلِكَ لَا يَنْقَطِعُ اَوَّلُهُ وَلَا يَنْفَدُ اٰخِرُهُ

آنچه ذکر کردیم بریده نشود اول آن و فانی نشود آخر آن

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَلٰى قَدْرِ

خدایا درود بفرست بر سید مایان محمد بر اندازهٔ

حُبِّكَ فِيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

دوستی تو درحق وی خدایا درود بفرست بر سردار مایان محمد

عَلٰى قَدْرِ عِنَايَتِكَ بِهٖ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

بر اندازهٔ توجه تو بسوی او خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ حَقَّ قَدْرِهٖ وَمِقْدَارِهٖ

رئیس مایان محمد لایق مرتبهٔ او و بزرگی شان او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلٰوةً

خدایا درود بفرست بر بزرگ مایان محمد درودیکه

تُنَجِّيْنَا بِهَا مِنْ جَمِيْعِ الْاَهْوَالِ وَالْاٰفَاتِ

خلاص گردانی مایان را بسبب آن از همه ترسها و آفتها

وَتَقْضِيْ لَنَا بِهَا جَمِيْعَ الْحَاجَاتِ وَتُطَهِّرُنَا

و ادا گردانی برای مایان بسبب آن همه حاجتها و پاک گردانی مایان را

قوله ١ وآباد در دال باء کسره و فتحه هر دو رواست ١٢

قوله ٢ لاينفد بفتح فاء و آخر آن دال مهمله ١٢

الحزب الثالث

قوله ٣ قدر بفتح دال و سکون آن

قوله ٤ الأهوال یعنی مصیبتی که بسبب آن نقصان در دین یا در دنیا پیدا آید و رسیدن آن مضطرب و شکیبا نماید ١٢

قوله عندك اعلى الدرجات یعنی از تو و بعضی … قوله بعد الممات … اللّهمّ صلّ على سيّدنا محمّد …

بها من جميع السّيّئات وترفعنا بها أعلى (عندك)

بسبب آن از همه گناهان و بلند گردانی ما یانرا بسبب آن برتر

الدّرجات وتبلّغنا بها أقصى الغايات

پایه‌ها و برسانی ما یانرا بسبب آن پایان ترین نهایت

من جميع الخيرات في الحيوة وبعد الممات

از همه نیکوئیها در زندگانی و پس از مردن

اللّهمّ صلّ على سيّدنا محمّد صلوة الرّضى

خدایا درود بفرست بر سید ما یان محمد درودیکه سبب خوشنودی تو بود

وارض عن أصحابه رضاء الرّضى اللّهمّ

و خوشنود باش از یاران او خوشنودیکه پیدا شود از خوشنودی خدایا

صلّ على سيّدنا محمّد السّابق للخلق

درود بفرست بر سید ما یان محمد صلعم که پیش بوده است مرآفریدگان را

نوره ورحمة للعالمين ظهوره عدد من

نور او و بخشش است برای عالمیان پیدا شدن او بشمار چیزیکه

مضى من خلقك ومن بقي ومن سعد

گذشته است از آفریدگان تو و کسیکه پس مانده است و کسیکه نیکبخت شده است

منهم ومن شقي صلوة تستغرق العدّ

از آنها و کسیکه بدبخت شده است درودیکه گرد آرد و شامل باشد همه مراتب شمار را

بها تا قول وبعد الممات … ازو واقعه خویش جز داد … مشغول شدند بنور … بود که باو تسکین یافت و خلاص شد … کسی این درود را … از حق تعالی آن اندوه را دفع گرداند و … عدد کثیر در خواندن این درود … مقصود وصد بار است و باکثر یکهزار ۱۲

قوله السابق للخلق نوره یعنی در آفرینش و اگر نور او نبودی هیچ موجودی از تاریکی عدم بظهور نیامدی

فایده این درودی است که سید عبد القادر جیلانی حزب خود را بران ختم کرده و در مطالع المسرات آورده از بعضی اکابر اولیا که هر که بخواند این درود را ده بار دایم صبح وشام لازم میگرداند برای خود حضوری خداتعالی را و فرود می آید بر او رحمت پیوسته و … نگاه می دارد او را حق تعالی از هر بدی و آسان میکند بروی هر مشکل ۱۲

قوله ومن شقي مراد شمار همه آفریدگان است زیرا که آفریده از این دو قسم بیرون نیست

فایده چار … در بقی و شقی کسر قاف و بدل یا … بفتح یا و سکون یا ونیز فتح قاف … بالفتح … بالا مذکور شده ۱۲

قوله تستغرق العدّ یعنی درودی شامل باشد همه مراتب شمار را تا آنکه هیچ فردی از شمار از شمول او بیرون نرود ۱۲

قوله وتحیط بالحد وفرا رسد آن درود پایان حسن وخوبی را زیاده ازان درود هم وخیال نیاید ۱۲

قوله دائمة بدوامك ودر بعضی نسخ بعد ازین آمده وباقیة ببقائك الی یوم الدین ۱۴

قوله وسلم [illegible] بکسر لام شده ۱۲

قوله وعینه [illegible] در مقام قاب قوسین پس دید آنچه دید وفی کبیر ولا شئی بپرده ونه حجاب را از بابین بیت کلام سرمدی بی نقل بشنید خداوند بیچون [illegible] جهت دید

وَتُحِيطُ بِالْحَدِّ صَلوٰةً لَا غَايَةَ لَهَا وَلَا مُنْتَهٰى

وفرا رسد پایان حسن وخوبی را درودیکه نیست آخر مراورا ونه پایان

وَلَا انْقِضَاءَ صَلوٰةً دَائِمَةً بِدَوَامِكَ وَ

ونه تمام بودن درودیکه همیشه باشد همیشگی تو و

عَلٰى اٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا مِّثْلَ ذٰلِكَ

بر آل او و یاران او وسلام بفرست سلام فرستادنی مانند آنچه مذکور شد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدِنِ الَّذِي مَلَأْتَ

خدایا درود بفرست بر سید مایان محمد که پر کردهٔ تو

قَلْبَهُ مِنْ جَلَالِكَ وَعَيْنَهُ مِنْ جَمَالِكَ

دل اورا از بزرگی خود ودیدهٔ اورا از حسن وخوبی خود

فَاَصْبَحَ فَرِحًا مُّؤَيَّدًا مَّنْصُورًا وَّعَلٰى اٰلِهٖ وَ

پس گشت شادان قوت داده شده یاری داده شده و بر آل او و

صَحْبِهٖ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا وَّالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى ذٰلِكَ

یاران او وسلام بفرست سلام فرستادنی وستایشی که شاید مر خدایراست بر آن

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ

خدایا درود بفرست بر سید مایان و مالک مایان محمد بشمار

اَوْرَاقِ الزَّيْتُوْنِ وَجَمِيْعِ الثِّمَارِ اَللّٰهُمَّ

برگهای درخت زیتون و همه میوه‌ها خدایا

بدانکه صفات حق تعالی که آثار لطف و رحمت است از جمال خوانند وآنچه که در و معنی قهر وجبر باشد از جلال نامند وبعضی پیغمبران علیهم السلام مظهر جلال بوده اند چنانچه نوح وموسی علیهما السلام که خشم ایشان مشهور است وبعضی مظهر جمال بوده اند چنانچه ابراهیم وعیسی علیهما السلام

الحزب الثالث

وپیغمبر ما صلی الله علیه وآله وسلم جامع بود هردو جهت را که حلم ایشان معروف است [illegible] چنانچه ازین بیت [illegible]

نظم

سرور انبیا رسول کریم

مهر عزت بنا و [illegible]

ذات او مظهر صفات کمال

متجلی در وی جمال وجلال ۱۲

قوله فرحا بفتح فاء وکسر راء ۱۲

قوله اوراق الزیتون خاص کرده این درخت را بذکر از میان درختان ازین که درخت مبارک است ومذکور است در قرآن وحدیث [illegible] اعظم نیست ۱۲

قوله ما کان یعنی در زمان گذشته ۱۲

قوله وما یکون در حال و استقبال ۱۲

قوله انفاس امته یعنی دمهای گروه دین او از پیروان و زنان و خورد و کلان ۱۲

صَلِّ عَلىٰ سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا

درود بفرست بر سید مایان و صاحب مایان محمد بشمار چیزیکه

كَانَ وَمَا يَكُوْنُ وَعَدَدَ مَا اَظْلَمَ عَلَيْهِ

بود و می باشد و بشمار چیزیکه تاریک شده است بر آن

اللَّيْلُ وَاَضَاءَ عَلَيْهِ النَّهَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ

شب و روشن شده است بر آن روز خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ اٰلِهٖ وَاَزْوَاجِهٖ

رئیس مایان و مالک مایان محمد و بر آل او و زنان او

وَذُرِّيَّتِهٖ عَدَدَ اَنْفَاسِ اُمَّتِهٖ اَللّٰهُمَّ بِبَرَكَةِ

و ذریت او بشمار دمهای امت او خدایا بیمن

الصَّلٰوةِ عَلَيْهِ اجْعَلْنَا بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِ مِنَ

درود گفتن بروی گردان مایان را بدرود فرستادن بروی از

الْفَائِزِيْنَ وَعَلىٰ حَوْضِهٖ مِنَ الْوَارِدِيْنَ

رستگاران و بر حوض او از فرود آیندگان

الشَّارِبِيْنَ وَبِسُنَّتِهٖ وَطَاعَتِهٖ مِنَ الْعَامِلِيْنَ

نوشندگان و بطریقت او و فرمان برداری او از کار کنندگان

وَلَا تَحُلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ

و مکن پرده درمیان مایان و میان او روز قیامت را ای پروردگار همه آفریدگان

قوله من الفائزین یعنی از رسندگان بمطلوب دینی و دنیوی و یابندگان ثواب عظیم ۱۲

قوله یا رب العالمین

تنبیه بدانکه مخالفت

فی یوم الاربعاء

سنت وی صلی الله علیه و آله وسلم ونافرمانی او مانع بزرگ است از بهره وربودن بدیدار فرحت آثار او و عمل بطریقه وی صلی الله علیه وآله وسلم مجرد واخلاص وسیله قوی است برای حصول سعادت لقای راحت افزای او ۱۲

رباعی

اگر بصدق نیابی چگونه نجات بود

چو معتقد بهشت و شفیع محشر اوست

ولیکن مگر از دور رخت نجات بود

یمان بحضرت قربش بجان و دل برخیز

قوله رب العالمین
از فصل کیفیت صلوة تا اینجا ثلث اول تمام شد ۱۲

قوله اکرم خلقک
یعنی بزرگترین آفریدگان تست
از پیغمبران و فرشتگان و
سایر مقربان درگاه تو ۱۲

قوله سراج افقک
شرح و تشبیه آنحضرت بچراغ در
اسما بتفصیل گذشت ۱۲

وَاغْفِرْ لَنَا وَلِوَالِدِينَا وَلِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ

و بیامرز مایان را و مر پدر و مادر مایان را و مر همه مسلمانان را

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ

وستایشی که شایه مر خدایراست که پروردگار عالمیان هست

ابتداء الثلث الثاني

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

خدایا درود بفرست وسلام بفرست و برکت ده بر بزرگ مایان محمد

وَعَلٰى اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اَكْرَمِ خَلْقِكَ وَسِرَاجِ

و بر آل سید مایان محمد که بزرگوارترین آفریدگان تست و چراغ

اُفُقِكَ وَاَفْضَلِ قَائِمٍ بِحَقِّكَ الْمَبْعُوثِ

همه اطراف آسمان تست و بزرگترین برستاده باداى حق تو که برانگیخته شده

بِتَيْسِيْرِكَ وَرِفْقِكَ صَلٰوةً يَتَوَالٰى تَكْرَارُهَا

بسبب آسان ساختن تو و لطف تو درودیکه پیوسته باشد پی در پی آمدن آن

وَتَلُوحُ عَلَى الْاَكْوَانِ اَنْوَارُهَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و تابان شود بر همه آفرینش روشنی های آن خدایا درود بفرست

قوله قائم بحقک
یعنی آنچه واجب است بر بندگان
برای تو و آنها برای ادای بندگی
تو برپا ایستاده اند آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم
بزرگترین آن
همه است ۱۲

افقک

الحزب الثالث

قوله بتیسیرک
بسبب آسان ساختن تو یعنی بسبب
آسان ساختن تو رسالت را بر
وی صلی الله علیه وآله وسلم
مخصوص گردانیدن او باین کار و مخصوص
واجب بودن
استان دیگر ۱۲

قوله یتوالی تکرارها
یعنی آمدن یکی پس از دیگری
می در پی و تا خیر و درمیان
آن نباشد ۱۲

قوله انوارها
یعنی تابان شود روشنی های
آن درود تا آنکه تاریکیهای جهل و ضلال
و ظلمت و کفر و ضلال از عرصه
عالم برکت آن زایل شود ۱۲

في يوم الاربعاء

وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلٰى آ

وسلام بفرست و برکت ده بر سید ما یان محمد و بر

لِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اَفْضَلِ مَمْدُوحٍ بِقَوْلِكَ

آل سید ما یان محمد که بزرگترین ستوده شده است بکلام تو

وَاَشْرَفِ دَاعٍ لِلْاِعْتِصَامِ بِحَبْلِكَ وَخَاتَمِ

و اشرف ترین بر خواننده مردمان برای چنگ زدن بدین تو و آخر

اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلٰوةً تُبَلِّغُنَا فِي

همه پیغمبران تو و مرسلان تست درودیکه برساند ما یانرا در

الدَّارَيْنِ عَمِيمَ فَضْلِكَ وَكَرَامَةَ رِضْوَانِكَ

هر دو جهان افزونی بخشش تو و بزرگی خوشنودی تو

وَوَصْلِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ

و وصل تو خدایا درود فرست و سلام بفرست و برکت ده

عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلٰى آلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

بر سید مایان محمد و بر آل سید مایان محمد

اَكْرَمِ الْكُرَمَاءِ مِنْ عِبَادِكَ وَاَشْرَفِ الْمُنَادِينَ

که بزرگترین همه بزرگانست از بندگان تو و بزرگترین خوانندگان مردم

لِطُرُقِ رَشَادِكَ وَسِرَاجِ اَقْطَارِكَ وَبِلَادِكَ

برای راه نمائی هدایت تو و چراغ کناره های زمین تست و شهرهای تست

قوله لا تفنى
بفتح تا و نون ١٢

قوله ولا تبيد
یعنی نیست مانده ١٢

قوله كرامة المزيد
یعنی بزرگی زیادتی عطا خود و ذکر آن

صَلٰوةً لَا تَفْنٰى وَلَا تَبِيْدُ تُبَلِّغُنَا بِهَا
درودیکه فانی نه نشود و نابود نشود برسان ما را بسبب آن

كَرَامَةَ الْمَزِيْدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلٰى
بزرگی زیادتی عطاء خود خدایا درود بفرست و سلام بفرست و برکت ده بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدِ الرَّفِيْعِ
سید ما ن محمد و بر آل سید ما ن محمد که بلند تر است

مَقَامُهُ الْوَاجِبِ تَعْظِيْمُهٗ وَاحْتِرَامُهٗ صَلٰوةً
جای او واجبست بزرگ داشتن او و نگاهداشتن بزرگی او درودیکه

لَا تَنْقَطِعُ اَبَدًا وَّلَا تَفْنٰى سَرْمَدًا وَّلَا تَنْحَصِرُ
بریده نشود هرگز و فانی نشود همیشه و در قید شمار نیاید

عَدَدًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ
ازروی شمار خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ
چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم

فِى الْعٰلَمِيْنَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ وَّصَلِّ
در عالمیان بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری و درود بفرست

اَللّٰهُمَّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كُلَّمَا ذَكَرَهٗ
خدایا بر محمد و بر آل محمد هرگاه یاد کنند او را

الحزب الثالث

قوله واحترامه
و لله تعالى ... ای تعظیم آنحضرت صلی الله علیه و سلم ...

الدعاء

قوله الطاهر المطهر
معنی این بهر دو در اسمای شریف باید دید ١٢

قوله ختمت به الرسالة
یعنی گردانیدی اورا خاتم الانبیاء چنانکه فرموده است ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولکن رسول الله وخاتم النبیین الآیة
[illegible] ١٢

بیت
جانان تو یگانهٔ ولی ذات تو بست
مجموعهٔ آثار کمالات همه ١٢

الذَّاكِرُونَ وَغَفَلَ عَنْ ذِكْرِهِ الْغَافِلُونَ
یاد کننده گان وغفلت ورزند از یاد او غافلان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّارْحَمْ
خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد و رحمت کن

مُحَمَّدًا وَّاٰلَ مُحَمَّدٍ وَّبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ
محمد را وآل محمد را وبرکت ده بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلٰى
محمد چنانچه درود فرستادهٔ تو ورحمت کردهٔ تو وبرکت دادهٔ تو بر

اِبْرٰهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ
ابراهیم و بر آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده

مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدِنِ النَّبِيِّ
بزرگواری خدایا درود بفرست بر سید ایان محمد که پیغمبر

الْاُمِّيِّ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَسَلِّمْ
ناخوانده وناونویسنده است پاک پاک کرده شده و بر آل او وسلام بفرست

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ خَتَمْتَ بِهِ الرِّسَالَةَ
خدایا درود بفرست بر کسیکه ختم کردی تو بوی پیغمبری را

وَاَيَّدْتَّهٗ بِالنَّصْرِ وَالْكَوْثَرِ وَالشَّفَاعَةِ
وقوت دادهٔ تو اورا بیاری دادن وبه دادن حوض کوثر وبقبول کردن شفاعت او

قوله ایدته
قوت دادهٔ تو او را بر دشمنان ١٢

قوله الكوثر
بیان آن در حزب اول گذشته ١٢

قوله والشفاعة
معنی از بیان اقسام در فضائل صلواة مذکور شده ١٢

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ نَّبِيِّ

خدایا درود بفرست بر سرور ما یان و مالک ما یان محمد که پیغمبر

الْحُكْمِ وَالْحِكْمَةِ السِّرَاجِ الْوَهَّاجِ الْمَخْصُوْصِ

صاحب حکومتست و صاحب حکمت است چراغیست افروخته و تابان خاص کرده شده

بِالْخُلُقِ الْعَظِيْمِ وَخَتْمِ الرُّسُلِ ذِي الْمِعْرَاجِ

بخوهای بزرگ و ختم پیغمبران صاحب معراجست

وَعَلٰى اٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ وَاَتْبَاعِهِ السَّالِكِيْنَ

و بر آل او و یاران او و پیروان او که روندگان

عَلٰى مَنْهَجِهِ الْقَوِيْمِ فَاَعْظِمِ اللّٰهُمَّ بِهٖ

بر راه روشن او که کجی نیست پس چه بزرگست خدایا بآن راه

مِنْهَاجٍ نُجُوْمِ الْاِسْلَامِ وَمَصَابِيْحِ الظَّلَامِ

روشن ستارگان دین مسلمانی و چراغهای تاریکی شبها

الْمُهْتَدٰى بِهِمْ فِيْ ظُلْمَةِ لَيْلِ الشَّكِّ الدَّاجِ

یافته شده است بسبب آنها در تاریکی شب گمان که سخت تاریکست

صَلٰوةً دَآئِمَةً مُّسْتَمِرَّةً مَّا تَلَاطَمَتْ فِي

درودیکه همیشه باشد روان باشد پی در پی تا زمانیکه برهم زنند بایکدیگر در

الْاَبْحُرِ الْاَمْوَاجُ وَطَافَ بِالْبَيْتِ الْعَتِيْقِ

دریاها موجها و طواف کند بخانهٔ قدیم

قوله الحجاج
بضم حاء و ابجاد و ام درود ست و برایکه
طواف حاجیان تا قیامت موجود ست ۱۲
بیت
رو بجز کعبه کن که در آن نوشتن ...
...

قوله افضل الصلوة والتسليم
یعنی افزون ترین درود و در غیر جوبی
و افزون ترین سلام از ردی اکرام ۱۲

مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ اَلْحُجَّاجُ وَاَفْضَلُ الصَّلٰوةِ

از هر آینده ازراه دور دور از حج کنندگان و افزون ترین درود

وَالتَّسْلِيمُ عَلٰى مُحَمَّدٍ رَّسُولِهِ الْكَرِيمِ وَصَفْوَتِهٖ

و سلام نازل باد بر محمد که فرستادهٔ اوست صاحب بزرگی او برگزیدهٔ آن

مِنَ الْعِبَادِ وَشَفِيعِ الْخَلَائِقِ فِي الْمِيعَادِ

از بندگان و شفاعت کننده آفریدگان در وقت وعده

صَاحِبِ الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَالْحَوْضِ الْمَوْرُودِ

صاحب مقام ستوده شده و حوضی که ورود کرده شود بر آن

النَّاهِضِ بِاَعْبَاءِ الرِّسَالَةِ وَالتَّبْلِيغِ الْاَعَمِّ

استاده بزور و قوت ببارهای گران پیغمبری و برسانیدن احکام الهی شامل ترست

وَالْمَخْصُوصِ بِشَرَفِ السِّعَايَةِ فِي الصَّلَاحِ

و خاص کرده شده ست بعمل کردن بکوشش در آراستگی کار خلق

الْاَعْظَمِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ صَلٰوةً

که بزرگترست درود بفرستد خدای بروی و بر آل وی درودی که

دَائِمَةً مُّسْتَمِرَّةَ الدَّوَامِ عَلٰى مَرِّ اللَّيَالِي

همیشه باشد جاری باشد همیشگی بر جاری بودن شبها

وَالْاَيَّامِ فَهُوَ سَيِّدُ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ

و روزها پس وی سرور پیشینیان و پسینیان

قوله الكريم
صاحب بزرگی نزد حق صاحب بخشایش نزد خلق ۱۲

قوله وصفوته
بفتح و کسره صاد و فتح و ضمه و کسره گزیده ست ۱۲

يوم الاربعاء

قوله في الميعاد
بکسر میم و سکون یا یعنی در وقت وعده و آن روز قیامت ست که وعده کرده ست خدای تعالی بآمدن آن روز و در بعضی نسخ آمده ست والمعاد بفتح میم بغیر یا یعنی رجوع و از آن نیز مراد روز قیامت باشد که رجوع میکنند خلق آن روز بسوی جناب ۱۲

قوله باعباء الرسالة
یعنی بارهای گران تکالیف پیغمبری

قوله والتبليغ الاعم
یعنی شامل ترست اهل زمین را از بشر و جن و انس و آن خاص پیغمبر ماست صلى الله عليه وآله وسلم ۱۲

قوله السعاية
بکسر سین ۱۲

قوله الاعظم
که بزرگترست از ... بابت بودن آن در امر دین ۱۲

وَأَفْضَلُ الْأَوَّلِيْنَ وَالْآخِرِيْنَ عَلَيْهِ

و بزرگترین پیشینیان و پسینیان بروی باد

أَفْضَلُ صَلٰوةِ الْمُصَلِّيْنَ وَأَزْكٰى سَلَامِ

بزرگترین درود گوینده‌گان و پاکترین سلام

الْمُسَلِّمِيْنَ وَأَطْيَبُ ذِكْرِ الذَّاكِرِيْنَ وَأَفْضَلُ

سلام گوینده‌گان و پاکترین و خوبترین یاد یاد کننده‌گان و افزون ترین

صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَأَحْسَنُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَأَجَلُّ

درودهای خدای و نیکوترین درودهای خدای و بزرگترین

صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَأَجْمَلُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَأَكْمَلُ

درودهای خدای و خوبترین درودهای خدای و کاملترین

صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَأَسْبَغُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَأَتَمُّ

درودهای خدای و تمام ترین درودهای خدای و کاملترین

صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَأَظْهَرُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَأَعْظَمُ

درودهای خدای و روشن ترین درودهای خدای و بزرگترین

صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَأَزْكٰى صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَ

درودهای خدای و روشن ترین درودهای خدای و

أَطْيَبُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَأَبْرَكُ صَلَوَاتِ

پاکیزه ترین درودهای خدای و افزون ترین درودهای

قوله المسلمین بکسر لام مشدده ۱۲

قوله واظهر بظاء منقوطه روشن ترین و در بعضی نسخه بطاء غیر منقوطه آمده یعنی پاکترین ۱۲

الحزب الثالث

قوله واذکی بذال منقوطه ۱۲

قوله واطیب پاکیزه ترین یا بسیار ترین ۱۲

قوله وابرک صلوات افزون ترین درودها در خیر و خوبی ۱۲

اللّٰهِ وَاَزْكٰى صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَاَنْمٰى صَلَوَاتِ

خدای و روشن‌ترین درودهای خدای وافزاینده‌ترین درودهای

اللّٰهِ وَاَوْفٰى صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَاَسْنٰى صَلَوَاتِ

خدای و تمام‌ترین درودهای خدای و بلندترین درودهای

اللّٰهِ وَاَعْلٰى صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَاَكْثَرُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ

خدای و بلندترین درودهای خدای و بسیارترین درودهای خدای

وَاَجْمَعُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَاَعَمُّ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَ

و فراهم آینده‌ترین درودهای خدای و شامل‌ترین درودهای خدای و

اَدْوَمُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَاَبْقٰى صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَ

همیشه باشنده‌ترین درودهای خدای و پاینده‌ترین درودهای خدای و

اَعَزُّ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَاَرْفَعُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَ

عزیزترین درودهای خدای و بلندترین درودهای خدای و

اَعْظَمُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ عَلٰى اَفْضَلِ خَلْقِ اللّٰهِ وَ

بزرگترین درودهای خدای بر بزرگترین آفرینش خدای و

اَحْسَنِ خَلْقِ اللّٰهِ وَاَجَلِّ خَلْقِ اللّٰهِ وَاَكْرَمِ خَلْقِ اللّٰهِ

بهترین آفرینش خدای و بزرگترین آفرینش خدای و بزرگترین آفرینش خدای

وَاَجْمَلِ خَلْقِ اللّٰهِ وَاَكْمَلِ خَلْقِ اللّٰهِ وَاَتَمِّ خَلْقِ اللّٰهِ

و جمیل‌ترین آفرینش خدای و کاملترین آفرینش خدای و تمام‌ترین آفرینش خدای

قوله وازکی پاکیزه‌ترین درودهای خدا ۱۲

قوله واسنی بلندترین یا روشن‌ترین صلوات الله ۱۲

قوله واجمع صلوات الله فراهم آینده‌ترین درودهای خدا ۱۲

قوله واعز صلوات الله ... ۱۲

قوله وارفع صلوات الله بلندترین درودهای خدا ۱۲

قوله واعظم صلوات الله ... ۱۲

قوله واحسن خلق الله این همه درودها نازل باد بر افزون‌ترین آفرینش خدا از روی بزرگی و کمال و ظاهر است که آن محمد است صلی الله علیه وآله وسلم ۱۲

قوله واکرم خلق الله در بعضی نسخه بجای آن آمده واکبر خلق الله یعنی بزرگترین ۱۲

قوله اجمل خلق الله بزرگترین و خوبترین آفرینش خدای ۱۲

قوله واتم خلق الله تمام‌ترین آفرینش خدای در حسن و جمال و در جمیع صفات و کمال صلی الله علیه وآله وسلم مظهر اتم است برای ظهور انوار صفات الهی

نظم

حسن یوسف دم عیسی ید بیضا داری
آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

قوله نبی الله الی قوله وامین الله آخر این همه اسما بکسره و فتحه و ضمه

قوله او واظهرهم سلطانا ۱۲

قوله خیرة الله بکسر خاء و فتح یاء و سکون یاء نیز آمده است ۱۲

قوله نخبة بضم نون ۱۲

قوله بریته بتشدید یاء و نیز بسکون یاء

قوله عروة الله بعد آن همزه ۱۲ دست آویز خدای تعالی برای بندگان و بیان آن در اسما شریف گذشت ۱۲

وَأَعْظَمِ خَلْقِ اللّٰهِ عِنْدَ اللّٰهِ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَ

و بزرگترین آفرینش خدای نزد خدای فرستاده شده خدای و

نَبِيِّ اللّٰهِ وَحَبِيْبِ اللّٰهِ وَصَفِيِّ اللّٰهِ وَنَجِيِّ اللّٰهِ

پیغمبر خدای و دوست خدای و برگزیدهٔ خدای وچیدهٔ خدای

وَخَلِيْلِ اللّٰهِ وَوَلِيِّ اللّٰهِ وَاَمِيْنِ اللّٰهِ وَخِيَرَةِ

و دوست خدای و ولی خدای و امین خدای و برگزیدهٔ

اللّٰهِ مِنْ خَلْقِ اللّٰهِ وَنُخْبَةِ اللّٰهِ مِنْ بَرِيَّتِهٖ

خدای از آفرینش خدای و پسندیدهٔ خدای از آفریدگان

اللّٰهِ وَصَفْوَةِ اللّٰهِ مِنْ اَنْبِيَاءِ اللّٰهِ وَعُرْوَةِ

خدای و برگزیدهٔ خدای از پیغمبران خدای و دست آویز

اللّٰهِ وَعِصْمَةِ اللّٰهِ وَنِعْمَةِ اللّٰهِ وَمِفْتَاحِ

خدای و محل حفظ خدای و نعمت خدای و کلید

رَحْمَةِ اللّٰهِ الْمُخْتَارِ مِنْ رُّسُلِ اللّٰهِ

رحمت خدای برگزیده از پیغمبران خدای

الْمُنْتَخَبِ مِنْ خَلْقِ اللّٰهِ الْفَائِزِ بِالْمَطْلَبِ

چیده شده از آفریدگان خدای رسنده بمقصود

فِي الْمَرْهَبِ وَالْمَرْغَبِ الْمُخْلَصِ فِيْمَا وُهِبَ

در حال خوف و امید پاک کرده شده در آنچه داده شده

قوله وعصمة الله محل حفظ و پناه خدای تعالی برای بندگان یعنی نگاه میدارد حقتعالی کسی را که پیروی کند آنحضرت را صلی الله علیه وآله وسلم از شر شیطان و از دوزخ سوزان و از جمیع حوادثات زمان ۱۲

قوله نعمة الله ومفتاح رحمة الله معنی آن در اسما شریف گذشت ۱۲

الحزب الثالث

قوله المنتخب من خلق الله چیده شده

قوله المرهب حال خوف ۱۲

[illegible]

اکرم

قوله مبعوث برانگیخته شده بسوی امت ۱۲

قوله انجح شافع ظفر یابنده ترین هر شفاعت کننده نزد خدای تعالی ۱۲

قوله افضل مشفع بفتح فا و شین قبول کرده شده و افزون ترین آن شفاعت و پذیرفته شدن شفاعت ۱۲

قوله فیما استودع بضم همزه و سکون سین و ضم تا و کسر دال در چیزیکه سپرده شده بوی از رازهای الهی و احکام شرع و او را بروی رسانیده بخلق چیزیکه امر کرده شد بوی پس رسانید آنرا و پوشیده داشت آنچه فرمان شد باظهار آن ۱۲

قوله فیما بلغ در چیزیکه رسانید به بندگان بوحی تنزیل الهی ۱۲

أَكْرَمِ مَبْعُوثٍ أَصْدَقِ قَائِلٍ أَنْجَحِ شَافِعٍ

بزرگترین هر برانگیخته شده راست گوترین هر گوینده ظفر یابنده ترین هر شفاعت کننده

أَفْضَلِ مُشَفَّعٍ الْأَمِينِ فِيمَا اسْتُودِعَ

بزرگترین هر شفاعت قبول کرده شده اهل اعتماد و بار امانت در چیزیکه سپرده شده بوی

الصَّادِقِ فِيمَا بَلَّغَ الصَّادِعِ بِأَمْرِ رَبِّهِ

راست گو در چیزیکه رسانید آشکار کننده فرموده پروردگار خودرا

الْمُضْطَلِعِ بِمَا حُمِّلَ أَقْرَبِ رُسُلِ اللّٰهِ إِلَى

استاده بقوت بچیزیکه بار کرده شد نزدیکترین پیغمبران خدا بسوی

اللّٰهِ وَسِيلَةً وَأَعْظَمِهِمْ غَدًا عِنْدَ اللّٰهِ

خدای ازروی وسیله و بزرگترین آنها ازروی فردا نزد خدای

مَنْزِلَةً وَفَضِيلَةً وَأَكْرَمِ أَنْبِيَاءِ اللّٰهِ

ازروی مرتبه و بزرگی و بزرگترین پیغمبران خدای

الْكِرَامِ الصَّفْوَةِ عَلَى اللّٰهِ وَأَحَبِّهِمْ إِلَى

که بزرگان و برگزیدگانند نزد خدای و دوست ترین ایشان نزد

اللّٰهِ وَأَقْرَبِهِمْ زُلْفَى لَدَى اللّٰهِ وَأَكْرَمِ

خدای و نزدیک ترین ایشان ازروی شرف و منزلت نزد خدای و بزرگترین

الْخَلْقِ عَلَى اللّٰهِ وَأَحْظَاهُمْ وَأَرْضَاهُمْ

همه آفرینش نزد خدای و نزدیکترین ایشان ازروی مرتبه وجاه و برگزیده ترین ایشان

فی یوم الاربعاء

قوله الصادع بصاد و عین غیر منقوط ۱۲

قوله المضطلع بکسر لام استاده بقوت و بیعت ۱۲

قوله بما حمل بضم حا و تشدید میم مکسوره بچیزیکه بار کرده شده بآن از تکالیف دین ۱۲

قوله اقرب رسل الله الی الله وسیلة یعنی دست آویزی که بآن توسل جویند در طلب قرب بحضرت ۱۲

قوله غدا یعنی روز قیامت ۱۲

قوله زلفی بضم زا و سکون لام و فتح فا ۱۲

قوله واحظاهم بضم زا منقوطه و حای غیر منقوطه و ظای منقوط یعنی ارجمند ترین ایشان ازروی بلندی مرتبه و جاه و جایگاه و نیز بنسبت بارگاه پادشاه ۱۲

لَدَى اللهِ وَأَعْلَى النَّاسِ قَدْرًا وَّ

نزد خدای و بلند ترین همهٔ آدمیان از روی قدر مرتبه و

أَعْظَمِهِمْ مَحَلًّا وَّأَكْمَلِهِمْ مَحَاسِنًا وَّفَضْلًا

بزرگترین ایشان از روی منزلت و کامل ترین ایشان از روی کردارهای نیک و افزونی

وَّأَفْضَلِ الْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةً وَّأَكْمَلِهِمْ

و بزرگترین پیغمبران از روی مرتبه و کامل ترین ایشان

شَرِيعَةً وَّأَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ نِصَابًا وَّ

از روی دین و بزرگترین پیغمبران از روی مرتبه و اصل و

أَبْيَنِهِمْ بَيَانًا وَّخِطَابًا وَّأَفْضَلِهِمْ مَوْلِدًا

روشن ترین ایشان از روی کلام و سخن و بزرگترین ایشان از روی مکان تولد

وَّمُهَاجَرًا وَّعِتْرَةً وَّأَصْحَابًا وَّأَكْرَمِ

و مکان هجرت و آل و اصحاب و بزرگترین

النَّاسِ أَرُومَةً وَّأَشْرَفِهِمْ جُرْثُومَةً وَّ

مردمان از روی اصل و بزرگترین ایشان از روی جماعت و

خَيْرِهِمْ نَفْسًا وَّأَطْهَرِهِمْ قَلْبًا وَّأَصْدَقِهِمْ

بهترین ایشان از روی نفس و پاک ترین ایشان از روی دل و راست ترین ایشان

قَوْلًا وَّأَزْكَاهُمْ فِعْلًا وَّأَثْبَتِهِمْ أَصْلًا

از روی سخن و پاکیزه ترین ایشان از روی کار کردن و استوارترین ایشان از روی نسب

وَأَوْفَاهُمْ عَهْدًا وَأَمْكَنِهِمْ مَجْدًا وَأَكْرَمِهِمْ

و وفاکننده‌ترین ایشان از روی پیمان و استوارترین ایشان از روی بزرگی و بزرگترین ایشان

طَبْعًا وَأَحْسَنِهِمْ صُنْعًا وَأَطْيَبِهِمْ فَرْعًا

از روی خوی و نیکوترین ایشان از روی نیکوئی کردن و خوبترین ایشان از روی اولاد

وَأَكْثَرِهِمْ طَاعَةً وَسَمْعًا وَأَعْلَاهُمْ مَقَامًا

و افزون‌ترین ایشان از روی فرمانبرداری و شنیدن کلام حق و بلندترین ایشان از روی مرتبه

وَأَحْلَاهُمْ كَلَامًا وَأَزْكَاهُمْ سَلَامًا وَأَجَلِّهِمْ

و شیرین‌ترین ایشان از روی سخن گفتن و پاکیزه‌ترین ایشان از روی سلام گفتن و بزرگترین ایشان

قَدْرًا وَأَعْظَمِهِمْ فَخْرًا وَأَسْنَاهُمْ فَخْرًا

از روی مرتبه و بزرگترین ایشان از روی اسباب بزرگی و روشن‌ترین ایشان از روی اسباب بزرگی

وَأَرْفَعِهِمْ فِي الْمَلَإِ الْأَعْلَى ذِكْرًا وَأَوْفَاهُمْ

و بلندترین ایشان در گروه بلندترین از روی یاد کردن و وفاکننده‌ترین ایشان

عَهْدًا وَأَصْدَقِهِمْ وَعْدًا وَأَكْثَرِهِمْ شُكْرًا

از روی پیمان و راست‌ترین ایشان از روی وعده و بیشترین ایشان از روی سپاس‌گذاری

وَأَعْلَاهُمْ أَمْرًا وَأَجْمَلِهِمْ صَبْرًا وَأَحْسَنِهِمْ

و بلندترین ایشان از روی فرمان و نیکوترین ایشان از روی شکیبائی و نیکوترین ایشان

خَيْرًا وَأَقْرَبِهِمْ يُسْرًا وَأَبْعَدِهِمْ

از روی هر خوبی و نزدیکترین ایشان از روی آسانی و بلندترین ایشان

فی یوم الاربعا

مَّكَانًا وَّاَعْظَمِهِمْ شَانًا وَّاَثْبَتِهِمْ بُرْهَانًا

ازروی منزلت و بزرگترین ایشان ازروی جاه و مرتبه واستوارترین ایشان ازروی دلیل

وَّاَرْجَحِهِمْ مِيزَانًا وَّاَوَّلِهِمْ اِيمَانًا وَّ

و گران بارترین ایشان ازروی ترازو و پیش ترین ایشان ازروی ایمان و

اَوْضَحِهِمْ بَيَانًا وَّاَفْصَحِهِمْ لِسَانًا وَّ

روشن ترین ایشان ازروی بیان و خوشگوترین ایشان ازروی زبان و

اَظْهَرِهِمْ سُلْطَانًا — جای ختم چارشنبه

ظاهرترین ایشان ازروی دلیل

اَلْحِزْبُ الرَّابِعُ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

خدایا درود بفرست بر محمد که بندهٔ تست و فرستاده شدهٔ تست

النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ

که پیغمبر ناخوانده و نانویسنده است و بر آل محمد خدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد درود دیگر

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
بسم الله الرحمن الرحیم

شروع حزب چهارم بروز پنجشنبه

الحزب الرابع

قوله یکون لك رضی
بمعنی باشد
مذکور ست این درود در قوت القلوب
واحیاء العلوم با اختلاف در بعضی الفاظ
واخران یا ارحم الراحمین ست و در
مطالع المسرات آورده که مراد از شیخ ابو طالب
مکی نقل کرده که مراد از ابو طالب ادای حق او بن درود
اینست جمعه و در جمعه منفعت باره واجب
مشبود برای او شفاعت پیغمبر صلی الله
علیه وآله وسلم ۱۲

تَكُونُ لَكَ رِضًى وَلَهُ جَزَآءً وَلِحَقِّهِ اَدَآءً
باشد برای تو خشنودی وبرای او پاداش وبرای حق او ادائی

وَاَعْطِهِ الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَالْمَقَامَ
و بده اورا منزل عالی در بهشت و بزرگی ومقامیکه

الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ وَاجْزِهِ عَنَّا مَا
ستوده شده است که وعده کرده تو اورا وپاداش ده اورا از مایان چیزیکه

هُوَ اَهْلُهُ وَاجْزِهِ اَفْضَلَ مَا جَازَيْتَ بِهِ نَبِيًّا
او سزاوار اوست وپاداش ده اورا بهترین آنچه که پاداش داده تو پیغمبریرا

عَنْ قَوْمِهِ وَرَسُولًا عَنْ اُمَّتِهِ وَصَلِّ عَلٰى
از قوم او ورسولی را از امت او ودرود بفرست بر

جَمِيعِ اِخْوَانِهِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّالِحِينَ
همه برادران او از پیغمبران ونیکوکاران

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فَضَائِلَ صَلَوَاتِكَ
ای بخشاینده ترین بخشایندگان خدایا گردان درودهای خودرا که بزرگ اند

وَشَرَائِفَ زَكَوَاتِكَ وَنَوَامِيَ بَرَكَاتِكَ وَعَوَاطِفَ
وبزرگترین خیر وخوبی خودرا وافزاینده برکتهای خودرا ومهربانیهای

رَاْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَتَحِيَّتِكَ وَفَضَائِلَ
بخشایش خودرا ونیکوئی خودرا وسلام خودرا وبزرگترین

قوله[۲] افضل ما جازیت نبیا در بعضی نسخه آمده جزیت بی الف بعد از جیم ووجه جزای پیغمبر از امت در آخر حزب دوم مذکور شد ۱۲

فی یوم الخمیس

قوله[۳] اللهم اجعل فضائل این درود در احیاء العلوم وقوت القلوب مذکور ست با چیزی تفاوت وآخر او یا رب العالمین ست ۱۲

الآئك على محمد سيد المرسلين ورسول

نعمتهای خود را بر محمد سردار پیغمبران و فرستاده شده

رب العلمين قائد الخير وفاتح البر ونبي

پروردگار عالمیان کشنده هر خوبی و نیکویی و کشاینده دروازه احسان و پیغمبر

الرحمة وسيد الأمة اللهم ابعثه مقاما

صاحب بخشایش و بهتر و مهتر امت خدایا برانگیز اورا در مقامیکه

محمودا تزلف به قربه وتقر به عينه

ستوده شده است که نزدیک گردانی تو بسبب آن منزلت اورا و شاد گردانی بسبب آن چشم اورا

يغبطه به الأولون والآخرون اللهم

که رشک برند اورا بسبب آن مقام پیشینیان و پسینیان خدایا

أعطه الفضل والفضيلة والشرف و

بده اورا افزونی مرتبه و بزرگی و شرف و

الوسيلة والدرجة الرفيعة والمنزلة

منزل عالی در بهشت و پایه بلند و جای

الشامخة اللهم أعط محمدا الوسيلة

سرافراز خدایا بده محمد را منزل عالی در بهشت

وبلغه مأموله واجعله أول شافع

و برسان اورا مراد اورا و گردان اورا پیش از همه شفاعت کننده

قوله فاتح البر ای کشاینده دروازه احسان بر مسکینان

لطیفه خدایتعالی باران رحمت ...

الحزب الرابع

قوله تزلف بضم تا و کسر لام

وَأَوَّلَ مُشَفَّعٍ اَللّٰهُمَّ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَثَقِّلْ

و پیش همه شفاعت قبول کرده شده خدایا بزرگ گردان دلیل اورا و گران کن

مِيزَانَهُ وَأَبْلِجْ حُجَّتَهُ وَارْفَعْ فِي أَهْلِ

ترازوی اورا و ظاهر گردان دلیل اورا و بلند گردان در ساکنان

عِلِّيِّينَ دَرَجَتَهُ وَفِي أَعْلَى الْمُقَرَّبِينَ

بلند تر مرتبه اورا و در برترین نزدیکان خود

مَنْزِلَتَهُ اَللّٰهُمَّ أَحْيِنَا عَلَى سُنَّتِهِ وَتَوَفَّنَا

مرتبه اورا خدایا زنده دار ما یانرا بر طریقهٔ او و بمیران ما یانرا

عَلَى مِلَّتِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ شَفَاعَتِهِ

بر دین او و گردان ما یانرا از آنانکه سزاوار شفاعت او بند

وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَأَوْرِدْنَا حَوْضَهُ

و محشور گردان ما یانرا در گروه وی و فرود آر ما یانرا بر حوض وی

وَاسْقِنَا مِنْ كَأْسِهِ غَيْرَ خَزَايَا وَلَا نَادِمِينَ

و بنوشان ما یانرا از آب آن حوض از جام او در حالتیکه رسوا کرده نشویم و پشیمان شده نباشیم

وَلَا شَاكِّينَ وَلَا مُبَدِّلِينَ وَلَا مُغَيِّرِينَ

و شک کننده نباشیم و تبدیل کننده نباشیم و تغیر دهنده نباشیم

وَلَا فَاتِنِينَ وَلَا مَفْتُونِينَ آمِينَ يَا رَبِّ

و گمراه کننده نباشیم و گمراه شده نباشیم چنین باد ای پروردگار

في يوم الخميس

الْعَالَمِيْنَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ
عالمیان خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ وَّاَعْطِهِ الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ
محمد و بده اورا منزل عالی در بهشت و بزرگی

وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُوْدَ
و پایه بلند و برانگیز اورا بمقام ستوده شده

الَّذِيْ وَعَدْتَّهٗ مَعَ اِخْوَانِهِ النَّبِيِّيْنَ صَلَّى
که وعده کرده تو اورا با برادران او که پیغمبرانند درود فرستد

اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ نَّبِيِّ الرَّحْمَةِ وَسَيِّدِ الْاُمَّةِ
خدا بر محمد پیغمبر صاحب بخشایش و سردار امت

وَعَلٰى اَبِيْنَا اٰدَمَ وَاُمِّنَا حَوَّآءَ وَمَنْ وَّلَدَا
و بر پدر ما آدم و مادر ما حوا و دیگر زائید از این دو

مِنَ النَّبِيِّيْنَ وَالصِّدِّيْقِيْنَ وَالشُّهَدَآءِ
از پیغمبران و راستگاران و کشتگان در راه خدا

وَالصّٰلِحِيْنَ وَصَلِّ عَلٰى مَلٰٓئِكَتِكَ اَجْمَعِيْنَ
و نیکوکاران و درود بفرست بر فرشتگان خود همه

مِنْ اَهْلِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرَضِيْنَ وَعَلَيْنَا
از باشندگان آسمانها و زمینها و بر مایان

الحزب الرابع

قوله والارضين قال الشيخ بفتح الراء منه ۱۲

مَعَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي

با آنها ای بخشاینده ترین بخشایندگان خدایا بیامرز مرا گناهان مرا

وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

و مر پدر و مادر مرا و بخشای ایشان را همچنانکه تربیت کردند آن هر دو مرا در حالتیکه خورد بودم

وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ

و بر همه مردان ایمان داران و زنان فرمان برنده و مردان اهل اسلام

وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَتَابِعْ

و زنان مسلمانان زندگان از ایشان و مردگان و پیرو گردان

بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ

در میان مایان و در میان ایشان در کارهای نیک ای پروردگار من بیامرز و به بخشش

وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ

تو بهترین بخشایندگانی و نیست باز ماندن از گناهان و نه توانائی بر کار نیک مگر بتوفیق خدائیکه

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

برتر و بزرگ ست

انتهى النصف

الأول من خطبة الكتب

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نُورِ الْأَنْوَارِ

خدایا درود بفرست بر سردار مایان محمد که روشنی همه روشنیهاست

قوله تابع بکسر با و سکون عین

فی یوم الخمیس

نظم

قوله وسرّ الاسرار ... راز همه رازهای الهی ... ۱۲

قوله الرسلین الاخیار ... نیکوکاران ... برگزیدگان ...

بیت

گرچه حسن خوبان ... بسیار ما نرسد
... نگار ما نرسد

وَسِرِّ الْأَسْرَارِ وَسَيِّدِ الْأَبْرَارِ وَزَيْنِ
و راز همه رازهای الهی ست و سرور نیکوکاران ست و زیبایش

الْمُرْسَلِينَ الْأَخْيَارِ وَأَكْرَمِ مَنْ أَظْلَمَ عَلَيْهِ
پیغمبران نیکوکاران و برگزیدگان ست و بزرگترین کسیکه تاریک شده ست بروی

اللَّيْلُ وَأَشْرَقَ عَلَيْهِ النَّهَارُ عَدَدَ مَا نَزَلَ
شب و روشن شده ست بروی روز بشمار چیزیکه فرود آمده ست

مِنْ أَوَّلِ الدُّنْيَا إِلَى آخِرِهَا مِنْ قَطْرِ الْأَمْطَارِ
از ابتدای دنیا تا آخر آن از قطرهای باران

وَعَدَدَ مَا نَبَتَ مِنْ أَوَّلِ الدُّنْيَا إِلَى آخِرِهَا
و بشمار چیزیکه رسته ست از اول دنیا تا آخر آن

مِنَ النَّبَاتِ وَالْأَشْجَارِ صَلَوٰةً دَائِمَةً بِدَوَامِ
از سبزها و درختان درودیکه همیشه باشد بر همیشگی

مُلْكِ اللّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
ملک خداوند یگانه غالب بر همه ست خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَوٰةً تُكْرِمُ بِهَا مَثْوَاهُ
بهتر و مهتر مایان محمد ص درودیکه بزرگ گردانی تو بسبب آن جای بودن اورا

وَتُشَرِّفُ بِهَا عُقْبَاهُ وَتُبَلِّغُ بِهَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
و بلند گردانی بسبب آن آخرت اورا و برسانی تو اورا بسبب آن روز قیامت

اگرچه حسن فروشان بجلوه آمده اند
کسی بحسن ملاحت بیار ما نرسد

... صنع ولی
... نقش نگار ما نرسد

... بازار کائنات آرند
... عیار ما نرسد

الحزب الرابع

قوله
اظلم علیه اللیل
یعنی همه اهل زمین ۱۲

قوله
تکرم بها
در مطالع المسرات آورده
که خواندن این درود
یکبار برابر بیزار
بار ست
۱۲

حاشیه متعلق صفحه ۱۳۳ ... قال الشیخ ... الرحمة ... الثلث ... الصلوة ... حالة ... مرکبة انتهی ۱۲

فی یوم الخمیس

مُنَاهُ وَرِضَاهُ هٰذِهِ الصَّلٰوةُ تَعْظِيمًا لِحَقِّكَ

مراد اورا و خوشنودی اورا این درود از بهر بزرگ داشتن مرحق تراست

يَا سَيِّدَنَا مُحَمَّدُ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

من اول الصلوة

ای سرور مایان محمد بگواین سه بار خدایا درود بفرست بر رئیس مایان محمد

حَاءِ الرَّحْمَةِ وَمِيمَيِ الْمُلْكِ وَدَالِ الدَّوَامِ

که لفظ حا که در اسم اوست اشاره بجا رحمت ست و دو میم آن اشاره بسوی میم ملک دنیا و ملک آخرت ست و دال آن اشاره بسوی

السَّيِّدِ الْكَامِلِ الْفَاتِحِ الْخَاتِمِ عَدَدَ مَا فِي

سردار کامل کشاینده ابواب خیر ختم پیغمبران بشمار چیزیکه در

عِلْمِكَ كَائِنٌ اَوْ قَدْ كَانَ كُلَّمَا ذَكَرَكَ

علم تست که پیدا خواهد شد یا آنکه پیدا شده ست هرگاه یاد کنند ترا

وَذَكَرَهُ الذَّاكِرُوْنَ وَكُلَّمَا غَفَلَ عَنْ ذِكْرِكَ

و یاد کنند اورا یاد کنندگان و هرگاه غفلت ورزند از یاد تو

وَذِكْرِهِ الْغٰفِلُوْنَ صَلٰوةً دَائِمَةً بِدَوَامِكَ

و یاد او غافلان درودیکه همیشه باشد بر همیشگی تو

بَاقِيَةً بِبَقَائِكَ لَا مُنْتَهٰى لَهَا دُوْنَ عِلْمِكَ

پاینده بود بپایندگی تو نیست پایان مرآن درود را بجز دانستن تو

اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ

بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی بگواین سه بار خدایا درود بفرست

عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدِنِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلٰى اٰلِ

بر بهتر و بهتر ما یان محمد که پیغمبر ناخوانده و نانویسنده است و بر آل

مُحَمَّدِنِ الَّذِيْ هُوَ اَبْهٰى شُمُوْسِ الْهُدٰى

محمد که او زیباترین آفتابهای رهنمائی ست

نُوْرًا وَّاَبْهَرُهَا وَاَسْيَرُ الْاَنْبِيَاۤءِ فَخْرًا وَّ

از روی روشنی و غالب ترین آنهاست و سیر کننده ترین پیغمبران ست از روی بزرگی و

اَشْهَرُهَا وَنُوْرُهُ اَزْهَرُ اَنْوَارِ الْاَنْبِيَاۤءِ وَ

مشهورترین آنهاست و نور او روشن ترین نورهای پیغمبران ست و

اَشْرَقُهَا وَاَوْضَحُهَا وَاَزْكَى الْخَلِيْقَةِ اَخْلَاقًا

برترین نورهاست و روشنترین آنهاست و پاکترین آفریدگان ست از روی خوبیهای نیک

وَّاَطْهَرُهَا وَاَكْرَمُهَا خَلْقًا وَّاَعْدَلُهَا اَللّٰهُمَّ

و پاکترین آنها و بزرگترین آنها از روی صورت ظاهر و درست ترین آنها خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدِنِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَعَلٰى

درود بفرست بر سردار مایان محمد که پیغمبر ناخوانده و نانویسنده ست و بر

اٰلِ مُحَمَّدِنِ الَّذِيْ هُوَ اَبْهٰى مِنَ الْقَمَرِ التَّاۤمِ

آل محمد که او زیباترست از ماه کامل

وَاَكْرَمُ مِنَ السَّحَابِ الْمُرْسَلَةِ وَالْبَحْرِ

و بخشنده تر از ابریکه فرستاده شده ست و دریائی

الحزب الرابع

الخطم اللهم صل على سيدنا محمد النبي
بزرگ دکلان خدایا درود بفرست بر سردار مایان محمد که پیغمبری که

الامي وعلى آل محمد الذي قرنت البركة
ناخواننده ونانویسنده و بر آل محمد که نزدیک کرده شده است افزونی خیر وخوبی

بذاته ومحياه وتعطرت العوالم بطيب
بذات پاک او و بروی مبارک او و خوشبوئی گرفت همه جهانیان بخوشبوئی او

ذكره وريّاه اللهم صل على محمد وعلى آله
یاد او و خوشبوئی او خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل او

وسلم اللهم صل على محمد وعلى آل محمد و
وسلام بفرست خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد و

بارك على محمد وعلى آل محمد وارحم محمدا وآل
برکت ده بر محمد و بر آل محمد و رحمت کن محمد را و آل

محمد كما صليت وباركت وترحمت على ابرهيم
محمد را چنانچه درود فرستادهٔ تو و برکت دادهٔ تو و رحم کردهٔ تو بر ابراهیم

وعلى آل ابرهيم انك حميد مجيد اللهم
و بر آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری خدایا

صل على محمد عبدك ونبيك ورسولك
درود بفرست بر محمد که بندهٔ تست و پیغمبر تست و فرستاده شدهٔ تست

قوله الخطم
خا منقوطه وطا غیر منقوطه و در بعضی نسخ ... آمده الخطم ...

قوله ومحیاه ... تفصیل مذکور شده است

قوله وریاه ...

فی یوم الخمیس

بیت
ماه شب چهارده بدر رخ روی تو
گرد معطر جهان سنبل گیسوی تو

قوله اللهم صل علی محمد وعلی آله وسلم
فایده در مطالع المسرات آورده که ...

النّبيّ الأمّيّ وعلى آل محمّدٍ اللّهمّ صلّ على

پیغمبر ناخواننده و نانویسنده ست و بر آل محمد خدایا درود بفرست بر

محمّدٍ وعلى آل محمّدٍ ملءَ الدّنيا وملءَ

محمد و بر آل محمد باندازهٔ پری دنیا و پری

الآخرة وبارك على محمّدٍ وعلى آل محمّدٍ ملءَ

آخرت و برکت ده بر محمد و بر آل محمد باندازهٔ پری

الدّنيا وملءَ الآخرة وارحم محمّدًا وآل

دنیا و پری آخرت و رحمت کن محمد را و آل

محمّدٍ ملءَ الدّنيا وملءَ الآخرة واجز محمّدًا

محمد را باندازهٔ پری دنیا و پری آخرت و مزد و پاداش ده محمد را

وآل محمّدٍ ملءَ الدّنيا وملءَ الآخرة وسلّم

و آل محمد را باندازهٔ پری دنیا و پری آخرت و سلام بفرست

على محمّدٍ وعلى آل محمّدٍ ملءَ الدّنيا وملءَ

بر محمد و بر آل محمد باندازهٔ پری دنیا و پری

الآخرة اللّهمّ صلّ على محمّدٍ كما أمرتنا

آخرت خدایا درود بفرست بر محمد چنانچه حکم کردهٔ تو ما را

أن نصلّي عليه وصلّ على محمّدٍ كما ينبغي

آنکه درود فرستیم ما بر او و درود بفرست بر محمد چنانکه سزاوارست

قوله ملاء بکسر میم ۱۲

الحزب الرابع

قوله ملاء الدّنیا وملاء الآخرة این مبالغه ست در بزرگی درود یعنی اگر اعتبار کرده شود درود را مقدار تن وار که هر دو جهان پر تان شوند زیرا که پر ساختن خاصهٔ چیزهای تن وارست ۱۲

أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى نَبِيِّكَ

که درود فرستاده شود براو خدایا درود بفرست بر پیغمبر خود

الْمُصْطَفٰى وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضٰى وَوَلِيِّكَ

که برگزیده شده است و فرستاده شده تو که پسندیده و دوست خود

الْمُجْتَبٰى وَأَمِينِكَ عَلٰى وَحْيِ السَّمَاءِ اَللّٰهُمَّ

که چیده شده است و اهل امانت خود بر وحی که فرود آمده است از آسمان خدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ أَكْرَمِ الْأَسْلَافِ الْقَائِمِ

درود بفرست بر محمد که بزرگترین گذشتگان است استاده

بِالْعَدْلِ وَالْإِنْصَافِ الْمَنْعُوتِ فِي

براستی و درستی وجدا کردن حق از باطل ستوده شده در

سُورَةِ الْأَعْرَافِ الْمُنْتَخَبِ مِنْ أَصْلَابِ

سورهٔ اعراف بچیده شده از صلبهای

الْأَشْرَافِ وَالْبُطُونِ الطِّرَافِ الْمُصَفّٰى

بزرگان و شکمهای پاکیزه و نیکو صاف کرده شده

مِنْ مُصَاصِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ عَبْدِ

از خلاصهٔ عبد المطلب که پسر عبد

مَنَافٍ الَّذِي هُدِيتَ بِهِ مِنَ الْخِلَافِ

مناف است آن محمدی که راه نمودی تو بسبب وی مارا از خلاف

قوله ان یصلی ... قوله بالعدل والانصاف ... قوله المنعوت فی سورة الاعراف ... قوله من اصلاب ... قوله مصاص ... قوله عبد مناف ... نظم ... فائده

فی یوم الخمیس

قوله اللهم انی اسئلك این درود تا قول او وانك رءوف رحیم منسوب است علی بن عبد الله ابن عباس رضی الله تعالی عنهم که میخواندش این درود را العمار نیز شب ۱۲

قوله وباحب اسمائك الیك یعنی بنامهای که نزد تو دوست ترست وآن اسم اعظم است ۱۲

قوله من الضلالة یعنی از گمراهی کفر وجهل ۱۲

وَبَيَّنْتَ بِهٖ سَبِيْلَ الْعَفَافِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ
و ظاهر وروشن ساختی بسبب وی راه پاکی خدایا بدرستیکه
اَسْئَلُكَ بِاَفْضَلِ مَسْئَلَتِكَ وَبِاَحَبِّ
من سوال میکنم ترا بوسیلهٔ بزرگترین چیزیکه سوال کرده میشوی تو بدان و بوسیلهٔ دوست ترین
اَسْمَآئِكَ اِلَيْكَ وَاَكْرَمِهَا عَلَيْكَ وَبِمَا
نامهای خود بسوی تو وبزرگترین آن نامها نزد تو وبوسیلهٔ
مَنَنْتَ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَّبِيِّنَا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
احسان کردن تو برمایان بفرستادن محمد که پیغمبر مایانست درود بفرستد خدای بروی
وَسَلَّمَ فَاسْتَنْقَذْتَنَا بِهٖ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ
وسلام فرستد پس خلاص کردی تو مایانرا بسبب وی از گمراهی و
اَمَرْتَنَا بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِ وَجَعَلْتَ صَلٰوتَنَا
فرمودی تو مایانرا بفرستادن درود بروی و گردانیدی درود فرستادن مایانرا
عَلَيْهِ دَرَجَةً وَّكَفَّارَةً وَّلُطْفًا وَّمَنًّا مِّنْ
بروی مرتبه بزرگی وسبب نابود کردن گناهان وسبب مهربانی واحسان از
اِعْطَآئِكَ فَاَدْعُوْكَ تَعْظِيْمًا لِّاَمْرِكَ وَ
نوازش واحسان خود پس دعا میکنم ترا از برای بزرگ داشتن فرمودهٔ تو و
اِتِّبَاعًا لِّوَصِيَّتِكَ وَمُنْتَجِزًا لِّمَوْعُوْدِكَ
برای پیروی کردن عهد وپیمان تو ودرحالتیکه طالب وخواهم از تو مر وعدهٔ ترا

قوله درجة یعنی گردانیدی فرستادن درود مایانرا بروی مرتبهٔ بزرگی برای مایان ۱۲

قوله لطفا یعنی سبب مهربانی تو برمایان ۱۲

الحزب الرابع

قوله منا بفتح میم وتشدید نون یعنی سبب احسان وانعام تو برمایان ۱۲

قوله من اعطائك بکسر همزه یعنی گردانیدی درود را باین وصف بنوازش واحسان خود ۱۲

قوله اعطائك [illegible]

قوله تعظيما لامرك یعنی [illegible]

قوله منتجزا لموعودك یعنی [illegible] ۱۲

لِمَا

قوله اذا امنا به یعنی لازم است حق او بر مایان از بهر آنکه گرویده ایم مایان باو و راست نمای او
قوله وصدقناه یعنی گرویده ایم مایان باو و راستگو دانسته ایم او را و هر چه که خبر داده است او
براست گو دانستیم و بعثت محمد عربی صلی الله علیه وسلم ثابت شده بقول
ایمان خلق را رسول و نبی کرده محمد علیه الصلوة والسلام و واجب است بر مایان زبان
خبر بعوجب ایمان قوله واتبعنا النور الذی یعنی قرآن که بیرون
انزل معه یعنی قرآن نازل شده است

لِمَا يَجِبُ لِنَبِيِّنَا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي

از برای چیزیکه لازم است بر مایان پیغمبر مایان را درود فرستند خدا بروی وسلام فرستند در

اَدَاءِ حَقِّهٖ قِبَلَنَا اِذْ اٰمَنَّا بِهٖ وَصَدَّقْنَاهُ

ادا ساختن حق او که نزد مایانست انجهر انکه گرویده ایم مایان باو و راستگو دانسته ایم اورا

وَاتَّبَعْنَا النُّوْرَ الَّذِيْٓ اُنْزِلَ مَعَهٗ وَقُلْتَ

و پیروی کردیم نوری را که فرو فرستاده شده است باو و گفتی تو

اِنَّ اللهَ وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى النَّبِيِّ

بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغمبر

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوْا

ای آن کسانیکه گرویده آید درود بفرستید بروی وسلام فرستید

تَسْلِيْمًا وَاَمَرْتَ الْعِبَادَ بِالصَّلٰوةِ عَلٰى نَبِيِّهِمْ

سلام فرستادنی و فرمودی تو بندگانرا بفرستادن درود بر پیغمبر ایشان

فَرِيْضَةً اِفْتَرَضْتَهَا وَاَمَرْتَهُمْ بِهَا فَنَسْئَلُكَ

در حالتیکه فرض ساخته شده است چنان فریضه که لازم کرده تو اورا و فرموده تو ایشانرا بآن فریضه پس سوال میکنیم ترا

بِجَلَالِ وَجْهِكَ وَنُوْرِ عَظَمَتِكَ وَبِمَا اَوْجَبْتَ

بوسیله بزرگی ذات تو و روشنی بزرگی تو بوسیله چیزیکه لازم کرده تو

عَلٰى نَفْسِكَ لِلْمُحْسِنِيْنَ اَنْ تُصَلِّيَ اَنْتَ

بر ذات خود مر محسنین را آنکه درود فرستی تو

لنبینا محمد
مغ

قوله افترضتها یعنی فرض نمودی و لازم کردی بر ایشان ...

وقلت وقولك الحق
مغ

علیهم
اللهم
مغ

في يوم الخميس

قوله فلنسئلك
در بعضی نسخه زیاده نموده اللهم از برای تبرک

اللهم
علیهم

قوله ونور عظمتك یعنی بوسیله روشنی تو ظهور بزرگی تو بر دلهای عارفان

قوله للمحسنين یعنی آنچه وعده نموده تو ایشانرا از درجات بهشت و نعمت لقای خود

قوله عبدك ورسولك ونبيك وصفيك معنی این همه در اسماء شریف گذشته ۱۲

قوله وخيرتك بکسر خاء و فتح یاء ۱۲

قوله واكرم مقامه مراد از مقام مقام محمود است و بیان آن در بالا گذشته ۱۲

قوله وابلج حجته شرح این در اول این حزب گذشته ۱۲

قوله واظهر ملته دیگر اظهور دین اورا و غالب گردان دین اورا بر همه دینها ۱۲

وملٰئكتك على محمد عبدك ورسولك و
و فرشتگان تو بر محمد که بندهٔ تست و فرستادهٔ تست و

نبيك وصفيك وخيرتك من خلقك افضل
پیغمبر تست و خلاصهٔ تست و برگزیدهٔ تست از آفریدگان تو بزرگترین هر درودیکه

ما صليت على احد من خلقك انك حميد
که فرستاده باشی بر هیچ یکی از آفریدگان خود بدرستیکه تو ستوده شدهٔ

مجيد اللهم ارفع درجته واكرم مقامه
بزرگواری خدایا بلند گردان مرتبهٔ اورا و بزرگ گردان جای ایستادن اورا

وثقل ميزانه وابلج حجته واظهر ملته
و گران گردان ترازوی اورا و روشن گردان دلیل اورا و ظاهر گردان دین اورا

واجزل ثوابه واضئ نوره وادم كرامته
و بزرگ گردان مزده و پاداش اورا و درخشان گردان نور اورا و همیشه دار بزرگی اورا

والحق به من ذريته واهل بيته ما تقر
و در رسان باو از ذریت او و اهل بیت او چیزیکه سرد کنی و شاد گردان

به عينه وعظمه في النبيين الذين
بسبب آن چشم اورا و بزرگ گردان اورا در پیغمبرانی که

خلوا قبله اللهم اجعل محمدا اكثر
گذشته اند پیش از وی خدایا گردان محمدرا بسیارترین

قوله واضئ نوره درخشان و فروزان گردان نور ذات مبارک اورا در عرصهٔ قیامت یا مطلقاً یا نور شریعت اورا پس مراد ازو درخشندگی او فرا رسیدن وی بهمه روی زمین ۱۲

الحزب الرابع

قوله وادم بفتح همزه و کسر دال ۱۲

قوله ما تقر به عينه وتحقيق این در اول همین حزب گذشته واین کلام اشارت بحدیثی که ذکر کرده است طبرانی که فرمود آنحضرت صلى الله عليه وآله وسلم که بیشک خدا تعالی [illegible] برای من زمین [illegible] [illegible] ۱۲۵

النبيين

النَّبِيِّينَ تَبَعًا وَأَكْثَرَهُمْ أُزَرَاءَ وَأَفْضَلَهُمْ

پیغمبران ازروی پیروان وبیشترین آنها ازروی وزیران وبزرگترین آنها

كَرَامَةً وَنُورًا وَأَعْلَاهُمْ دَرَجَةً وَأَفْسَحَهُمْ فِي

ازروی بزرگی وروشنی وبلندترین آنها ازروی درجه وفراخ ترین آنها در

الْجَنَّةِ مَنْزِلًا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِي السَّابِقِينَ

بهشت ازروی مکان خدایا گردان در پیشی گرفتگان

غَايَتَهُ وَفِي الْمُنْتَخَبِينَ مَنْزِلَهُ وَفِي الْمُقَرَّبِينَ

نهایت اورا ودر برگزیدگان جای اورا ودر نزدیکان

دَارَهُ وَفِي الْمُصْطَفَيْنَ مَنْزِلَهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ

محل اورا ودر برگزیدگان جای اورا خدایا گردان اورا

أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ عِنْدَكَ مَنْزِلًا وَأَفْضَلَهُمْ ثَوَابًا

بزرگترین بزرگتران نزدخود ازروی مرتبه وبزرگترین ایشان ازروی پاداش

وَأَقْرَبَهُمْ مَجْلِسًا وَأَثْبَتَهُمْ مَقَامًا وَأَصْوَبَهُمْ

ونزدیکترین ایشان ازروی جانشستن واستوارترین ایشان ازروی جای ایستادن ودرست ترین ایشان

كَلَامًا وَأَنْجَحَهُمْ مَسْأَلَةً وَأَفْضَلَهُمْ لَدَيْكَ

ازروی سخن کردن وظفریابنده ترین ایشان درهرحاجتی ازروی سؤال وافزون ترین ایشان نزدتو

نَصِيبًا وَأَعْظَمَهُمْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَةً وَأَنْزِلْهُ

ازروی بهره یافتن وبزرگترین ایشان درچیزیکه نزدتست ازروی خواهش وفرودآر

قوله منزله ودر بعضی نسخ آمده منزلة بتاء یعنی مرتبه ۱۲

في يوم الخميس

قوله وفي المصطفين منزله بفتح فاء ونون یعنی در برگزیدگان جای اورا وازینجا لازم نمی آید که مرتبه آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم برابر باشد بآنهاییکه جایز است برتر باشد

قوله مجلسا ازروی جای نشستن یعنی در مرتبه تو در مکان ۱۲

قوله في السابقين یعنی در پیشی گیرندگان

قوله نصيبا یعنی ازروی بهره یافتن

قوله كلاما یعنی ازروی سخن کردن

قوله واثبتهم مقاما

قوله فی غرفات الفردوس یعنی در بالاخانها و دریچهای بلند فردوس کر بلندترین درجات بهشت است

قوله العلی بضم عین و فتح لام ۱۲ جای بیان اوست

قوله التی لا درجة فوقها یعنی آن درجهای که نیست درجه بالای آنها و در بعض نسخ اول و کسر ... پایه بلند را

قوله اصدق قائل یعنی راستگوترین هر سخن گوینده گواهی دهد پیش تو برایمان مومنان و کفر کافران ۱۲

فِي غُرُفَاتِ الْفِرْدَوْسِ مِنَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى

در بالاخانهای فردوس که از بلندترین دریچها اند

الَّتِي لَا دَرَجَةَ فَوْقَهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا اَصْدَقَ

که نیست درجهٔ بالای آنها خدایا گردان محمد را راستگوترین

قَائِلٍ وَاَنْجَحَ سَائِلٍ وَاَوَّلَ شَافِعٍ وَاَفْضَلَ مُشَفَّعٍ

بر سخن گوینده و ظفریاب‌ترین مطلوب از هر سوال کننده و پیش همه شفاعت کننده و بزرگترین هر شفاعت

وَشَفِّعْهُ فِي اُمَّتِهٖ بِشَفَاعَةٍ يَغْبِطُهُ بِهَا

و قبول کن شفاعت او را در حق امت شفاعتی که رشک برند او را بسبب آن شفاعت

الْاَوَّلُونَ وَالْاٰخِرُونَ وَاِذَا مَيَّزْتَ عِبَادَكَ بِفَصْلِ

پیشینیان و پسینیان و وقتی که جدا کنی تو از یکدیگر بندگان خود را بسبب حکم کردن

قَضَائِكَ فَاجْعَلْ مُحَمَّدًا فِي الْاَصْدَقِينَ قِيلًا

جدا کننده است پس گردان محمد را در راستگوتران از روی سخن گفتن

وَالْاَحْسَنِينَ عَمَلًا وَفِي الْمَهْدِيِّينَ سَبِيلًا اَللّٰهُمَّ

و نیکوتران از روی عمل و در راه نموده شدگان از روی طریق دین خدایا

اجْعَلْ نَبِيَّنَا لَنَا فَرَطًا وَاجْعَلْ حَوْضَهُ لَنَا

گردان پیغمبر ما را برای ما پیش رونده و گردان حوض او را برای ما

مَوْعِدًا لِاَوَّلِنَا وَاٰخِرِنَا اَللّٰهُمَّ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهٖ

جای وعده برای کسیکه پیش رفته است از ما و کسیکه پس مانده است از ما خدایا جمع گردان ما را در گروه او

قوله وشفعه بتشدید و کسر فا ۱۲

قوله بفصل قضائك یعنی بسبب حکم کردن خود که جدا کننده است آن حکم حق را از باطل ۱۲

الحزب الرابع

قوله فی الاصدقین قیلا در راستگوتران از روی سخن گفتن وقت گواهی دادن پیش تو برایمان گرویدگان و کفر منکران ۱۲

قوله وفی المهدیین بفتح میم و بدو یا و بعد از دال و یاء اول مشدد و دوم ساکن و در بعضی نسخه آمده المهتدین بضم میم و تا فوقانیه از اهتداء و بیک یا ساکن بعد از دال یعنی راه یافتگان ۱۲

قوله فرطا بفتح فا و را یعنی پیش رونده ... برای سرانجام

قوله موعدا بفتح میم و کسر عین و در بعضی نسخ ... یعنی جای وعده ... بیان حوض

قوله اللهم احشرنا یعنی خدایا جمع گردان ما را ... باست ۱۲

وَاسْتَعْمِلْنَا فِي سُنَّتِهٖ وَتَوَفَّنَا عَلٰى مِلَّتِهٖ وَعَرِّفْنَا

و گردان مایان را کار کننده گان در طریق وی و بمیران مایانرا بر دین وی و بشناسان مایانرا

وَجْهَهٗ وَاجْعَلْنَا فِي زُمْرَتِهٖ وَحِزْبِهٖ اَللّٰهُمَّ اجْمَعْ

روی مبارک وی و گردان مایانرا در گروه وی و لشکر پیروان وی خدایا فراهم آر

بَيْنَنَا وَبَيْنَهٗ كَمَا اٰمَنَّا بِهٖ وَلَمْ نَرَهُ وَلَا تُفَرِّقْ

در میان مایان و در میان او چنانچه گرویدیم مایان بوی و حالانکه ندیده ایم مایان اورا و جدائی میندار

بَيْنَنَا وَبَيْنَهٗ حَتّٰى تُدْخِلَنَا مُدْخَلَهٗ وَتُورِدَنَا

در میان مایان و در میان او تا آنکه در آری مایان را در جای در آمدن وی و فرود آری مایانرا

حَوْضَهٗ وَتَجْعَلَنَا مِنْ رُفَقَائِهٖ مَعَ الْمُنْعَمِ

حوض ویرا و گردانی مایانرا از جمله همراهیان وی در حالیکه باشیم مایان با آنکسانکه انعام کرده شده

عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّيْنَ وَالصِّدِّيْقِيْنَ وَالشُّهَدَآءِ

بر آنها که از پیغمبران اند و راستگاران اند و کشتگان در راه خدا

وَالصّٰلِحِيْنَ وَحَسُنَ اُولٰٓئِكَ رَفِيْقًا اَلْحَمْدُ

و نیکوکارانند و چه نیکو اند این گروه همنشینان ستایش سزاوار است

لِلّٰهِ رَبِّ — خدایرا که پروردگار

اِبْتِدَاءُ الرُّبْعِ

اَلْعَالَمِيْنَ — عالمیان ست

اَلثَّالِثِ مِنَ النِّصْفِ الْاٰخِرِ

قوله ومن سنته الخ یعنی بطریق وی ارشد شده و بعضی گفته اند یعنی بر سنت مشهوره و قوله وجهه و عرفنا وجهه یعنی بشناسان مایانرا روی مبارک وی در قیامت و در دنیا در خواب و بیداری قوله وجهه یعنی جمیع حسن در ذات محمد صلی الله علیه و آله و سلم منحصر است و در رویای وی بیان حسن وی را قوله فقد اهتدی الخ ... قوله ولا تفرق بفتح تا و فتح فا و سکون قاف و کسر را مشدده ... نفرق نضم تا و فتح فا ... قوله مدخله بضم میم و فتح خا ...

[illegible]

بدانکه جمع درود و نیا بر وی در ظاهر و باطن است ... حاصل است ... درود بروی و دوام توجه بسوی وی صلی الله علیه و آله و سلم ... در جذب القلوب شیخ عبد الحق دهلوی ... کرده که درود بر رسول صلعم بسیار ... در خواب و بیداری ... فی یوم الخمیس

[illegible]

قوله مع المنعم علیهم ... قوله رفیقا ... انعام کرده شده ... در تفسیر ... آخر حزب ...

قوله نور الهدی یعنی روشنی رهنمائی است که در تاریکی شب کفر وجهالت نور چراغ دینش سبب رهائی است ۱۲

قوله القائد کشنده ست پیش پیروان خود را ۱۲

قوله الداعی خواننده مردم را ۱۲

قوله لا نبی بعده نیست

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ نُوْرِ الْهُدٰى وَالْقَائِدِ

خدایا درود بفرست بر محمد که روشنی رهنمایست وکشنده ست از پیش

اِلَى الْخَيْرِ وَالدَّاعِىْ اِلَى الرُّشْدِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ

بسوی هر خیر وخوبی و خواننده ست بسوی راه راست پیغمبر صاحب بخشایش ع

وَاِمَامِ الْمُتَّقِيْنَ وَرَسُوْلِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ لَا

وپیشوای پرهیزگاران و فرستاده پروردگار عالمیان درحالتیکه نیست

نَبِيَّ بَعْدَهٗ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَتَكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ

پیغمبری بعد وی چنانچه رسانید وی پیغام احکام ترا و پند داد به بندگان ترا

وَتَلَا اٰيَاتِكَ وَاَقَامَ حُدُوْدَكَ وَوَفٰى بِعَهْدِكَ

وخواند آیتهای ترا وبرپا گردانید احکام ترا و تمام کرد پیمان ترا

وَاَنْفَذَ حُكْمَكَ وَاَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَنَهٰى عَنْ

و روان کرد فرموده ترا و حکم کرد بفرمان ترا و منع کرد از

مَعْصِيَتِكَ وَوَالٰى وَلِيَّكَ الَّذِىْ تُحِبُّ

نافرمانی تو و دوست داشت دوست ترا که دوست میداری تو

اَنْ تُوَالِيَهٗ وَعَادٰى عَدُوَّكَ الَّذِىْ تُحِبُّ

آنکه دوست داری تو اورا و دشمن داشت دشمن ترا که دوست میداری تو

اَنْ تُعَادِيَهٗ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ

آنکه دشمن داری تو اورا و درود فرستد خدای بر محمد خدایا

الحزب الرابع

قوله بلغ رسالتك یعنی رسانید وی پیغام احکام ترا

قوله ونصح لعبادك وپند داد به بندگان ترا ۱۲

قوله وتلا آیاتك وخواند آیتهای ترا به بندگان تو ۱۲

قوله واقام حدودك وبرپا گردانید احکام ترا ۱۲

قوله ووفی بعهدك پیمان ترا که گرفتی از وی برسانید احکام تو ۱۲

قوله وانفذ حکمك وروان کرد فرموده ترا به بندگان ۱۲

قوله وامر بطاعتك وفرمود خلق را بفرمانبرداری تو ۱۲

قوله ونهی عن معصیتك ومنع کرد خلق را از نافرمانی تو ۱۲

صَلِّ عَلٰى جَسَدِهٖ فِي الْاَجْسَادِ وَعَلٰى رُوحِهٖ

درود بفرست بر تن پاک او در تنها و بر جان پاک او

فِي الْاَرْوَاحِ وَعَلٰى مَوْقِفِهٖ فِي الْمَوَاقِفِ وَ

در جانها و بر جای ایستادن او در جایها و

عَلٰى مَشْهَدِهٖ فِي الْمَشَاهِدِ وَعَلٰى ذِكْرِهٖ اِذَا

بر جای حاضر بودن او در مکانهای حضور و بر یاد کردن او وقتی که

ذُكِرَ صَلٰوةً مِّنَّا عَلٰى نَبِيِّنَا اَللّٰهُمَّ اَبْلِغْهُ

یاد کرده شود درود فرستادنی از مایان بر پیغمبر مایان خدایا برسان اورا

مِنَّا السَّلَامَ كَمَا ذُكِرَ السَّلَامُ وَالسَّلَامُ عَلَى

از مایان سلام چنانچه ذکر کرده شده است سلام و سلام باد بر

النَّبِيِّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ تَعَالٰى وَبَرَكَاتُهٗ اَللّٰهُمَّ

پیغمبر و رحمت خدای که برتر است و افزونی های خوبی خدایا

صَلِّ عَلٰى مَلٰٓئِكَتِكَ الْمُقَرَّبِيْنَ وَعَلٰى

درود بفرست بر فرشتگان خود که نزدیکان درگاه تو اند و بر

اَنْبِيَآئِكَ الْمُطَهَّرِيْنَ وَعَلٰى رُسُلِكَ الْمُرْسَلِيْنَ

پیغمبران خود که پاک اند و بر پیغمبران خود که فرستاده شده اند

وَعَلٰى حَمَلَةِ عَرْشِكَ وَعَلٰى جِبْرِيْلَ وَمِيْكَآئِيْلَ

و بر بردارندگان عرش خود و بر جبرئیل و میکائیل

قوله فی الاجساد وبرگزیدگان آن تنها

یعنی در تنها فاخره یعنی خاص گروان ... و از انه میان آن تنها ... قوله فی المواقف

... وبیان جای های خاص گروان ... ایستادن و دوستان ...

قوله فی المشاهد ... حضور مقربان خود ... لطیفه ...

فی یوم الخمیس

قوله اذا ذکر ... یاد کردن آن حضرت ... صلی الله علیه وآله وسلم ...

قوله کما ذکر السلام یعنی چنانچه ذکر کرده شده است سلام در قول تو یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما ...

قوله حملة عرشك ...

محمد صلی الله علیه وآله وسلم

وعلی قبره فی القبور

خازنِ جهنم

وَاِسْرَافِيْلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَرِضْوَانَ خَازِنِ
واسرافیل و فرشتهٔ موت و رضوان نگهبان

جَنَّتِكَ وَمَالِكٍ وَصَلِّ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِيْنَ
بهشت تست و مالک و درود بفرست بر کرام الکاتبین

وَصَلِّ عَلٰۤى اَهْلِ طَاعَتِكَ اَجْمَعِيْنَ مِنْ اَهْلِ
و درود بفرست بر فرمان برداران خود همه آنها از باشندگان

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرَضِيْنَ اَللّٰهُمَّ اٰتِ اَهْلَ بَيْتِ
آسمانها و زمین ها خدایا بده اهل بیت

نَبِيِّكَ اَفْضَلَ مَاۤ اٰتَيْتَ اَحَدًا مِّنْ اَهْلِ
پیغمبر خود را بزرگترین چیزیکه دادهٔ تو یکی را از اهل

بُيُوْتِ الْمُرْسَلِيْنَ وَاجْزِ اَصْحَابَ نَبِيِّكَ اَفْضَلَ
خانهای پیغمبران و پاداش ده یاران پیغمبر خود را بزرگترین

مَا جَازَيْتَ اَحَدًا مِّنْ اَصْحَابِ الْمُرْسَلِيْنَ
چیزیکه پاداش دادهٔ تو یکی را از یاران پیغمبران

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ
خدایا بیامرز مؤمنین و مومنات را و مسلمین

وَالْمُسْلِمٰتِ الْاَحْيَاۤءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ
و مسلمات را زندگانرا از ایشان و مردگان را

قوله ملك الموت زیراکه این چهار فرشته نزدیکان بارگاه جلال تو اند

قوله مالك که دربان دوزخ ست

قوله الکرام الکاتبین یعنی درود بفرست بر فرشتگان که بزرگانند نزد تو نویسندگان ور نامهٔ اعمال بندگان را ۱۲

قوله الارضین بفتح را، وسکون یا،

قوله من اهل بیوت المرسلین یعنی از اہل بیت پیغمبران صاحب کتاب وتحقیق اہل بیت درحزب اول گذشته ۱۲

وَاغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ

و بیامرز مایانرا و بر برادر مایانرا که پیشی گرفته اند بر مایان بایمان

وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا

و مگردان در دلهای مایان کینه برای آنانکه گرویده اند

رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُفٌ رَّحِيمٌ ط اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ

ای پروردگار مایان بدرستیکه تو مهربانی بخشنده خدایا درود بفرست بر پیغمبری که

الْهَاشِمِيِّ د مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ وَسَلِّمْ

منسوب ست بسوی هاشم محمد و بر آل او و یاران او وسلام بفرست

تَسْلِيمًا ط اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى د مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ صَلٰوةً

سلام فرستادنی خدایا درود بفرست بر محمد که بهترین همه آفریدگان ست درودیکه

تُرْضِيكَ وَتُرْضِيهِ وَتَرْضٰى بِهَا عَنَّا يَا اَرْحَمَ

خوشنود گرداند ترا و خوشنود گرداند اورا و خوشنود شوی تو بسبب آن از مایان یا بخشاینده ترین

الرّٰحِمِيْنَ ط اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى د مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِهٖ وَ

بخشایندگان خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل او و

صَحْبِهٖ وَسَلِّمْ كَثِيْرًا تَسْلِيْمًا طَيِّبًا مُّبَارَكًا

یاران او وسلام بفرست درحالتیکه بسیارست سلام فرستادنی پاکیزه و برکت داده شده

فِيْهِ جَزِيْلًا جَمِيْلًا دَآئِمًا بِدَوَامِ مُلْكِ اللّٰهِ ط

در آن بزرگ همیشه باشد بهمیشگی ملک خدای

---

١١ قوله رحیم یعنی بخشنده ویس بنگر بنظر رحمت بر ما برحمت خود این دعا قبول فرما وانیجا درود علی بن عبد الله بن عباس رضی الله عنهم تمام شد ١٢

فی یوم الخمیس

١٢ قوله الهاشمی یعنی منسوب ست بهاشم که پدر جد وی ست صلی الله علیه وآله وسلم چنانچه بالا ازین دربیان نسب شریف مذکور شده و در حدیث شرف اولاد هاشم بر همه قریش مذکور است

١٣ قوله تسلیما یعنی سلام فرستادن بلطف ١٢

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِهٖ مِلْاَ الْفَضَاۤءِ

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل او باندازهٔ پری زمین فراخ

وَعَدَدَ النُّجُوْمِ فِي السَّمَاۤءِ صَلٰوةً تُوَازِنُ

و بشمار ستارگان در آسمان اند درودیکه برابر باشند

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَعَدَدَ مَا خَلَقْتَ وَمَاۤ

آسمانها را و زمین را و بشمار چیزیکه آفریدهٔ تو و چیزیکه

اَنْتَ خَالِقُهٗ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

تو پیدا کنندهٔ اورا تا روز قیامت خدایا درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰۤى

بر محمد و بر آل محمد چنانچه درود فرستادهٔ تو بر

اِبْرٰهِيْمَ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰۤى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

ابراهیم و برکت ده بر محمد و بر آل محمد چنانچه

بَارَكْتَ عَلٰۤى اِبْرٰهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ فِي

برکت دادهٔ تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم در

الْعَالَمِيْنَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْۤ

عالمیان بدرستیکه تو ستوده شدهٔ بزرگواری خدایا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدِّيْنِ

سوال میکنم ترا بخشش از گناهان و سلامتی در امر دین

قوله الفضاء بفتح فاء زمین فراخ و گشاده و خالی ١٢

قوله توازن السمٰوٰت والارض یعنی درودیکه برابر باشد در گرانی وزن آسمانها و زمینها ١٢

قوله خلقت یعنی آفریدهٔ تو در زمان گذشته ١٢

الحزب الرابع

قوله خالقه یعنی پیدا کنندهٔ تو آنرا بزمان حال و آینده ١٢

قوله العافیة یعنی سلامتی از هر آفات و بلیات ظاهری و باطنی ١٢

قوله فی الدین در امر دین بسلامت داشتن از نفس و شیطان و به نگاهداشتن از افتادن در عصیان ١٢

وَالدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ اسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ

و دنیا و آخرت سه مرتبه بگوید خدایا بپوشان مارا به پردهٔ خود

الْجَمِيلِ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ

که نیکوست سه مرتبه بگوید خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا بوسیلهٔ حق تو

الْعَظِيمِ وَبِحَقِّ نُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِحَقِّ

که بزرگ است و بوسیله نور ذات تو که بزرگ است و بوسیله

عَرْشِكَ الْعَظِيمِ وَبِمَا حَمَلَ كُرْسِيُّكَ مِنْ

عرش تو که بزرگ است و بوسیله چیزیکه برداشته است آنرا کرسی تو از

عَظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ وَجَمَالِكَ وَبَهَائِكَ وَ

آثار بزرگی تو واز صفات قهریهٔ تو واز صفات لطیفهٔ تو واز حسن خوبی تو و

قُدْرَتِكَ وَسُلْطَانِكَ وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ الْمَخْزُونَةِ

از آثار وصف توانائی تو واز غلبه تو و بوسیلهٔ نامهای تو که مخزون اند

الْمَكْنُونَةِ الَّتِي لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهَا اَحَدٌ مِنْ

و نگاه داشته شده اند که آگاهی نیافته است بر آن هیچ یکی از

خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ بِالْاِسْمِ الَّذِي

آفریدگان تو خدایا و سوال میکنم ترا بوسیلهٔ نام تو که

وَضَعْتَهُ عَلَى اللَّيْلِ فَاَظْلَمَ وَعَلَى النَّهَارِ

نهادی تو اورا بر شب پس تاریک شد و بر روز

هذا ابتداء حزب يوم الجمعة اللهم اني

في يوم الخميس

ع ۱۵ النبي حزب جمعه شروع میشود ۱۲

فَاسْتَنَارَ وَعَلَى السَّمٰوٰتِ فَاسْتَقَلَّتْ

پس روشن شد و بر آسمانها پس برپا شدند

وَعَلَى الْاَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَى الْجِبَالِ

و بر زمین پس قرار گرفت و بر کوهها

فَارْسَتْ وَعَلَى الْبِحَارِ وَالْاَوْدِيَةِ فَجَرَتْ وَ

پس استوار شدند و بر دریاها و رودخانها پس روان شدند و

عَلَى الْعُيُونِ فَنَبَعَتْ وَعَلَى السَّحَابِ فَاَمْطَرَتْ

بر چشمهای آب پس جوشیدند آب و بر ابر پس بارید

وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِالْاَسْمَاۤءِ الْمَكْتُوبَةِ فِي

و سوال میکنم ترا خدایا بوسیلهٔ نامهای توکه نوشته شده اند در

جَبْهَةِ اِسْرَافِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْاَسْمَاۤءِ

پیشانی اسرافیل بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای تو

الْمَكْتُوبَةِ فِي جَبْهَةِ جِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

که نوشته شده اند در پیشانی جبرئیل بروی باد سلام

وَعَلَى الْمَلٰۤئِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ

و بر فرشتگان که نزدیکان درگاه تواند و سوال میکنم ترا خدا

بِالْاَسْمَاۤءِ الْمَكْتُوبَةِ حَوْلَ الْعَرْشِ وَاَسْئَلُكَ

بوسیلهٔ نامهای تو که نوشته شده اند گرداگرد عرش و سوال میکنم ترا

قوله فاستقلت یعنی پس برپا شدند بی ستون ۱۲

قوله فارست بفتح همزه و سکون را یعنی پس استوار شدند یا آنکه محکم ساخته شد و پاینده نمود آن کوهها زمین را و در بعضی نسخه آمده ...

قوله فامطرت ...

الحزب الرابع

قوله ورق الزيتون در مطالع المسرات آورده که آنکه برگ زیتون از درختهای بهشت است و شاید که از آن خاصیت باشد ۱۲
قوله الحرف الخامس شروع شد حرف پنجم ۱۲
قوله واسئلك اللهم بالاسماء التي دعاك بها آدم علیه السلام
فائده در روضة الاحباب آورده که عمر آدم علیه السلام نهصد و سی سال بود و قول بعد از آدم و در روایتی هزار سال و گویند که از زمان وفات آدم تا بعثت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شش هزار و ... و در روایتی پنج هزار و نهصد و پنجاه سال بود و غیر این نیز گفته اند ۱۲

بِالْأَسْمَاءِ الْمَكْتُوبَةِ حَوْلَ الْكُرْسِيِّ وَأَسْئَلُكَ

بوسیلهٔ نامهائیکه نوشته شده اند گرداگرد کرسی وسوال میکنم ترا

اللّٰهُمَّ بِالْاِسْمِ الْمَكْتُوبِ عَلٰى وَرَقِ الزَّيْتُونِ

خدایا بوسیلهٔ نامی که نوشته شده است بر برگ درخت زیتون

اَلْحَرْفُ الْخَامِسُ يُقْرَءُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ

وَأَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِالْأَسْمَاءِ الْعِظَامِ الَّتِي

و سوال میکنم ترا خدایا بوسیلهٔ نامهای تو که بزرگند که

سَمَّيْتَ بِهَا نَفْسَكَ مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ

نامیدهٔ بآن نامها ذات خود را آنچه که دانستم من از آن نامها و آنچه که نه

أَعْلَمْ وَأَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا

دانستم و سوال میکنم ترا خدایا بوسیلهٔ نامهائیکه که خوانده است ترا بآنها

آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ

آدم بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهائیکه که خوانده است ترا

بِهَا نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي

بآنها نوح بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای که

دَعَاكَ بِهَا هُودٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

خوانده است ترا بآنها هود بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای

قوله دعاك بها نوح در روضة الاحباب آورده که تولد نوح علیه السلام بعد از وفات آدم بصد و بیست و شش سال بود و در تفسیر حسینی آورده که مشهور آنست که نوح علیه السلام چهل ساله مبعوث شد و نهصد و پنجاه سال خلق را بخدای دعوت کرد بعد از طوفان بیست و هشت سال بزیست و غیر این نیز گفته اند ۱۲

الحرف الخامس یقرء فی یوم الجمعة

قوله هود علیه السلام بتنوین اول فائده نامهای شش پیغمبر بتنوین آمده محمد و شعیب و صالح و هود و نوح و لوط و باقی غیر منصرف بی تنوین ۱۲

قوله دعاك بها ابراهیم ع در بیضاوی آورده که عمر ابراهیم ع دویست سال بود ۱۲

قوله دعاك بها صالح ع در مدارك آورده که صالح ع میان نوح ع و ابراهیم ع بوده ... و صالح ع ۱۲

قوله دعاك بها یونس ع در نون فتحه و ضمه و کسره هر سه جائز است و نسب وی به بن یامین بن یعقوب علیه السلام میرسد و وی بعد از سلیمان بن داود علیه السلام بود و یامین بن سلیمان و یونس ع ایوب علیهم السلام بود ۱۲

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا اِبْرٰهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْاَسْمَاۤءِ

که خوانده است ترا بآنها ابراهیم ع بروی باد سلام وبوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا صَالِحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

که خوانده است ترا بآنها صالح ع بروی باد سلام و

بِالْاَسْمَاۤءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يُونُسُ عَلَيْهِ

بوسیله نامهای که خوانده است ترا بآنها یونس بروی باد

السَّلَامُ وَبِالْاَسْمَاۤءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا اَيُّوبُ

سلام و بوسیله نامهای که خوانده است ترا بآنها ایوب ع

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْاَسْمَاۤءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا

بروی باد سلام و بوسیله نامهای که خوانده است ترا بآنها

يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْاَسْمَاۤءِ الَّتِي

یعقوب ع بروی باد سلام و بوسیله نامهای که

دَعَاكَ بِهَا يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْاَسْمَاۤءِ

خوانده است ترا بآنها یوسف ع بروی باد سلام وبوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا مُوسٰى عَلَيْهِ السَّلَامُ

که خوانده است ترا بآنها موسی ع بروی باد سلام

وَبِالْاَسْمَاۤءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا هٰرُونُ عَلَيْهِ

و بوسیله نامهای که خوانده است ترا بآنها هارون ع بروی باد

قوله دعاك بها ایوب گویند که نسب وی باسحاق میرسد از غیر جهت یعقوب و گویند به یعقوب علیه السلام میرسد ۱۲

الحزب الخامس

قوله یعقوب ع نام وی اسرائیل است و بسیاری پیغمبران از اولاد اویند ۱۲

قوله یوسف ع ... وی حسن وی ... ۱۲

قوله موسی ع نسب وی بیعقوب علیه السلام میرسد ۱۲

قوله هارون ع وی برادر کلان موسی علیهما السلام است از ... سال ۱۲

السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا شُعَيْبُ
سلام وبوسیلهٔ نامهای که خوانده است ترا بآنها شعیب

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا
بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای که خوانده است ترا بآنها

إِسْمٰعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي
اسمعیل بروی باد سلام وبوسیلهٔ نامهای که

دَعَاكَ بِهَا دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ
خوانده است ترا بآنها داود بروی باد سلام وبوسیلهٔ نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا سُلَيْمٰنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ
که خوانده است ترا بآنها سلیمان بروی باد سلام و

بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا زَكَرِيَّاءُ عَلَيْهِ
بوسیلهٔ نامهای که خوانده است ترا بآنها زکریا بروی باد

السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يَحْيٰى
سلام و بوسیلهٔ نامهای که خوانده است ترا بآنها یحیی

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا
بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای که خوانده است ترا بآنها

أَرْمِيَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي
ارمیا بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای که

في يوم الجمعة

قوله ۱ شعیب نسب وی بزمان ابراهیم علیه السلام میرسد ۱۲

قوله ۲ اسمعیل وی از اجداد پیغمبر ماست صلی الله علیه وآله وسلم و در روضة الاحباب آورده که گویند عمر وی صد وسی وهفت سال بود و میان وفات او و تولد پیغمبر ما صلی الله علیه وآله وسلم دوهزار وششصد سال بود وبعضی کمتر گویند ۱۲

قوله ۳ داود نسب او به یعقوب علیه السلام میرسد ۱۲

قوله ۴ سلیمان وی پسر داود مذکورست علیهما السلام ۱۲

قوله ۵ زکریا بهمزه بعد از الف وبی همزه نیز نسب وی به یعقوب علیه السلام میرسد ۱۲

قوله ۶ یحیی وی پسر زکریا مذکور علیهما السلام

قوله ۷ ارمیا بفتح همزه و سکون را و کسر میم نیز گفته اند و وی از پیغمبران بنی اسرائیل بوده است ۱۲

قوله شعیاء بفتح شین وعین وسکون یا و عین نیز در بعضی نسخه آمده بزیادتی الف قبل از شین و کسر عین ۱۲

قوله الیاس نسب وی به هارون برادر موسی علیه السلام میرسد ۱۲

قوله الیسع بسکون لام و فتح یا و سین ۱۲

دَعَاكَ بِهَا شَعْيَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

خوانده است ترا بآنها شعیاء بروی باد سلام و بوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا الْيَاسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

که خوانده است ترا بآنها الیاس بروی باد سلام و

بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا الْيَسَعُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بوسیله نامهای که خوانده است ترا بآنها یسع بروی باد سلام

وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا ذُو الْكِفْلِ عَلَيْهِ

و بوسیله نامهای که خوانده است ترا بآنها ذوالکفل بروی باد

السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يُوشَعُ

سلام و بوسیله نامهای که خوانده است ترا بآنها یوشع

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا

بروی باد سلام و بوسیله نامهای که خوانده است ترا بآنها

عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

عیسی پسر مریم رض بروی باد سلام و بوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

که خوانده است ترا بآنها محمد ص درود فرستد خدای بروی

وَسَلَّمَ وَعَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ

وسلام فرستد و بر همه پیغمبران و مرسلین

قوله ذو الکفل بکسر کاف وسکون فا ۱۲

قوله یوشع نسب وی به یوسف علیه السلام میرسد ۱۲

الحزب الخامس

قوله عیسی ابن مریم رض در مدارک آورده که میان محمد و عیسی علیهما الصلاة والسلام ششصد و پنجاه و شش سال بود ۱۲

قوله وعلی جمیع النبیین درود و سلام فرستد خدا بر همه پیغمبران ۱۲

قوله والمرسلین و بر همه پیغمبران صاحب کتاب ۱۲

أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ عَدَدَ مَا خَلَقْتَهُ

آنکه درود فرستی تو بر محمد که پیغمبر تست بشمار آنچه که پیدا کردهٔ تو آنرا

مِنْ قَبْلِ اَنْ تَكُوْنَ السَّمَاۤءُ مَبْنِيَّةً وَّالْاَرْضُ

پیش از آنکه باشد آسمان بنا کرده شده و زمین

مَدْحِيَّةً وَّالْجِبَالُ مُرْسَاةً وَّالْبِحَارُ مُجْرَاةً

گسترده شده و کوهها استوار کرده شده و دریاها جاری کرده شده

وَّالْعُيُوْنُ مُنْفَجِرَةً وَّالْاَنْهَارُ مُنْهَمِرَةً وَّالشَّمْسُ

وچشمهای آب روان کرده شده وجویهای آب ریزان و آفتاب

مُضْحِيَةً وَّالْقَمَرُ مُضِيْئًا وَّالْكَوَاكِبُ

تابان و ماهتاب درخشان و ستارگان

مُسْتَنِيْرَةً كُنْتَ حَيْثُ كُنْتَ لَا يَعْلَمُ اَحَدٌ

فروزان بودی تو جائیکه بودی تو نمیدانند هیچ یکی

حَيْثُ كُنْتَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ

جائیکه بودی تو مگر تو درحالتیکه یگانه تو نیست شریکی مر ترا

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ حِلْمِكَ وَصَلِّ عَلٰى

خدایا درود لطف ست بر محمد بشمار بردباری خود و درود لطف ست بر

مُحَمَّدٍ عَدَدَ عِلْمِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

محمد بشمار علم خود و درود لطف ست بر محمد بشمار

قوله كنت در بعضی نسخه قبل این واو آمده یعنی بودی تو پیش از آفرینش این چیزها ۱۲

في يوم الجمعة

كَلِمَاتِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ نِعْمَتِكَ وَ

سخنان خود و درود بفرست بر محمد ص بشمار نعمت خود و

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ مِلْاَءَ سَمٰوٰتِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

درود بفرست بر محمد ص باندازهٔ پری آسمانهای خود و درود بفرست بر محمد ص

مِلْاَءَ اَرْضِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ مِلْاَءَ عَرْشِكَ

باندازهٔ پری زمین خود و درود بفرست بر محمد ص باندازه پری عرش خود

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ زِنَةَ عَرْشِكَ وَصَلِّ عَلٰى

و درود بفرست بر محمد ص بوزن عرش خود و درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا جَرٰى بِهِ الْقَلَمُ فِيْ اُمِّ الْكِتَابِ

محمد ص بشمار چیزیکه روان شده است بآن قلم در لوح محفوظ

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ فِيْ سَبْعِ

و درود بفرست بر محمد ص بشمار چیزیکه پیدا کردهٔ تو در هفت

سَمٰوٰتِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا اَنْتَ

آسمانهای خود و درود بفرست بر محمد ص بشمار چیزیکه تو

خَالِقٌ فِيْهِنَّ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کنندهٔ در آنها تا روز قیامت در هر روز

اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

هزار بار خدا درود بفرست بر محمد ص بشمار

قوله ۱ نعمتك يعنى بشمار نعمت خود كه بآفريدگان خود انعام ميفرمائى در دنيا و آخرت ۱۲

قوله ۲ سبع سمٰوٰتك تنبيه در بعضى نسخه بدل سموتك بجارك آمده است و در بعضى نسخه اول سبع بجارك بعده سبع سموٰتك آمده است بعده خلقت فى ارضين السبع هرسه آمده است ۱۲

قوله ۳ فى كل يوم الف مرة يعنى درود بفرست بر عدد وجوه مذكور در هر روز هزار بار ۱۲

كل

كُلِّ قَطْرَةٍ قَطَرَتْ مِنْ سَمٰوٰتِكَ اِلٰى اَرْضِكَ

هر قطرهٔ باران که چکیده است از آسمانهای تو بسوی زمین تو

مِنْ يَوْمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

از ابتدای روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت

فِيْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

در هر روز هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد

عَدَدَ مَنْ يُسَبِّحُكَ وَيُهَلِّلُكَ وَيُكَبِّرُكَ وَ

بشمار کسیکه بپاکی یاد میکنند ترا و تهلیل میگویند ترا و تکبیر میگویند ترا و

يُعَظِّمُكَ مِنْ يَوْمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ

ببزرگی یاد میکنند ترا از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز

الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

قیامت در هر روزی هزار بار خدایا درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ اَنْفَاسِهِمْ وَاَلْفَاظِهِمْ وَصَلِّ

بر محمد بشمار دمهای آنها و لفظهای ایشان و درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ كُلِّ نَسَمَةٍ خَلَقْتَهَا فِيْهِمْ

بر محمد بشمار هر جانی که پیدا کردهٔ تو آنها در ایشان

مِنْ يَوْمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت

في يوم الجمعة

قوله يكبرك يعني ميگويند الله اكبر كه خدا بزرگ است از همه چيزها ١٢

قوله يعظمك يعني ياد ميكنند ترا به بزرگي بزبان و دل ١٢

قوله انفاسهم دمهای تسبیح کنندگان و دیگران که با آنها مذکور شدند ١٢

فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

در هر روزی هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد

عَدَدَ السَّحَابِ الْجَارِيَةِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

بشمار ابرهای دونده و درود بفرست بر محمد بشمار

الرِّيَاحِ الذَّارِيَةِ مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا

بادهائیکه پراگنده کننده گانند از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را

اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ

تا روز قیامت در هر روزی هزار بار خدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا هَبَّتْ عَلَيْهِ الرِّيَاحُ

درود بفرست بر محمد بشمار چیزیکه وزیده است بر آن بادها

وَحَرَّكَتْهُ مِنَ الْأَغْصَانِ وَالْأَشْجَارِ وَ

و جنبانیده است آنرا بادها از شاخهای و درختان و

الْأَوْرَاقِ وَالثِّمَارِ وَجَمِيعِ مَا خَلَقْتَ عَلٰى

برگ و بارهای درختان و همه آنچه پیدا کردهٔ تو بر

أَرْضِكَ وَمَا بَيْنَ سَمٰوٰتِكَ مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ

زمین خود و درمیان آسمانهای خود از روزیکه پیدا کردهٔ تو

الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ

دنیا را تا روز قیامت در هر روز هزار

قوله ١ السّحاب الجارية ابرهای دونده از جای بجای ١٢

قوله ٢ الرّياح الذّارية بادهای پراگنده کنندگان خاک را وغیر آن ١٢

قوله ٣ حرکته بلشدید راءه ١٢

قوله ملاء ارضك
یعنی باندازهٔ پری زمین خود و
بعد از این بیان کرده چیزیرا که زمین آن را برداشته ست ۱۲

قوله اقلت
یعنی برداشت و لام
لفظ یعنی من
عبارت ۱۲

قوله من قدرتك
یعنی از آثار قدرت تو و هر ذره که موجود
ست بر زمین از آثار قدرت اوست ۱۲

بیت
برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقی دفتریست معرفت کردگار

مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ نُجُوْمِ السَّمَآءِ

بار خدایا درود بفرست بر محمد بشمار ستارگان آسمان

مِنْ يَّوْمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ

از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیارا تا روز قیامت در

كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ مِلْاَ

هر روزی هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد باندازهٔ پری

اَرْضِكَ مِمَّا حَمَلَتْ وَاَقَلَّتْ مِنْ قُدْرَتِكَ

زمین خود از چیزیکه برداشته ست آن را زمین از آثار قدرت تو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ فِيْ سَبْعِ

خدایا درود بفرست بر محمد بشمار چیزیکه پیدا کردهٔ تو در هفت

بِحَارِكَ مِمَّا لَا يَعْلَمُ عِلْمَهٗ اِلَّا اَنْتَ وَمَا اَنْتَ

دریاهای خود از چیزیکه فرا رسیده ست بآن دانستن هیچکسی مگر آنکه میدانی تو و چیزیکه تو

خَالِقُهٗ فِيْهَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کنندهٔ اورا در آنها تا روز قیامت در هر روزی

اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مِلْءِ سَبْعِ

هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد بشمار چیزیکه پر شده ست بآن هفت

بِحَارِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ زِنَةَ سَبْعِ بِحَارِكَ

دریاهای تو و درود بفرست بر محمد برابر وزن هفت دریاهای خود

قوله
ماخلقت
یعنی چیزیکه پیدا کردهٔ تو
در زمان گذشته
۱۲

فی یوم الجمعة ۸۵

قوله
الا انت
فایده در
روایت آمده که پیدا کرد
خدای تعالی هزار
امت را
پس
ساکن کرد از آن
ششصد را در دریا و
چهارصد را
در بر
۱۲

قوله عدد ملاء سبع بحارك
در بعضی نسخ لفظ عدد نیامده یعنی
درود بفرست بپری دریاهای ۱۲

قوله عدد ملاء سبع بحارك ذکر کرده اند
هفت دریا را
بحر عمان . بحر هند . بحر مغرب . بحر قلزم . بحر طبرستان . بحر روم . بحر ارمان ۱۲

مِمَّا حَمَلَتْ وَاَقَلَّتْ مِنْ قُدْرَتِكَ اَللّٰهُمَّ

از جنس چیزیکه برداشته اند آن دریاها از آثار قدرت تو خدایا

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ اَمْوَاجِ بِحَارِكَ مِنْ يَوْمِ

و درود بفرست بر محمد بشمار موجهای دریاهای خود از روزیکه

خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت در هر روز

اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

هزار بار خدایا و درود بفرست بر محمد بشمار

الرَّمْلِ وَالْحَصٰى فِيْ مُسْتَقَرِّ الْاَرَضِيْنَ

ریگ و سنگریزها در حالیتکه هست آن در جای قرار زمینها

وَسَهْلِهَا وَجِبَالِهَا مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا

و نرم آن و کوهسهای آن از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را

اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ وَ

تا روز قیامت در هر روزی هزار بار خدایا و

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ اضْطِرَابِ الْمِيَاهِ الْعَذْبَةِ

درود بفرست بر محمد بشمار برهم زدن آبهای شیرین

وَالْمِلْحَةِ مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ

و شور از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز

قوله ١ اقلّت — حملت واقلّت هر دو بیک معنی آمده چنانچه بالا قریب مذکور شده ١٢

قوله ٢ من قدرتك — در بعضی نسخه بعد این آمده من یوم خلقت الدنیا الی یوم القیمة فی کل یوم الف مرة ١٢

قوله ٣ امواج بحارك — یعنی برهم زدن آبهای آن ١٢

قوله ٤ الموصل — یعنی اجزای آن ١٢

قوله ٥ مستقر — بفتح قاف ١٢

قوله ٦ العذبة — یعنی شیرین ١٢

قوله ٧ الملحة — [illegible] ١٢

الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَصَلِّ عَلٰى

قیامت در هر روزی هزار بار خدایا و درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَهُ عَلٰى جَدِيدِ أَرْضِكَ

محمد بشمار چیزیکه پیدا کرده تو اورا بر روی زمین خود

فِي مُسْتَقَرِّ الْأَرَضِينَ شَرْقِهَا وَغَرْبِهَا

در جای قرار زمین ها در جانب برآمدن آفتاب از آن و جانب فرو رفتن آفتاب از آن

سَهْلِهَا وَجِبَالِهَا وَأَوْدِيَتِهَا وَطُرُقِهَا

جانب نرم آن و کوههای آن و رودخانهای آن و راه های آن

وَعَامِرِهَا وَغَامِرِهَا إِلٰى سَائِرِ مَا خَلَقْتَهُ

و جای آباد آن و ویرانهٔ آن تا همه آنچه پیدا کردهٔ تو

عَلَيْهَا وَمَا فِيهَا مِنْ حَصَاةٍ وَمَدَرٍ وَحَجَرٍ

بر آن و چیزیکه در آن زمین است از سنگریزه ها و کلوخ و سنگ

مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

از روزی که پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت

فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

در هر روزی هزار بار خدایا و درود بفرست بر محمد

النَّبِيِّ عَدَدَ نَبَاتِ الْأَرْضِ مِنْ قِبْلَتِهَا

که پیغمبر است بشمار رستنیهای زمین از قبلهٔ آن

قوله غامرها بغین منقوطه ۱۲

قوله مدر بفتح میم و دال ۱۲

قوله حجر بفتح حا و جیم

و در بعضی نسخ اللهم نیامده ۱۲

قوله واشجارها ... اگرچه شامل بودن ... ولیکن ... آنچه بعد از این می آید ... تا هر یک بتفصیل معلوم شود ۱۲

قوله وثمارها ... یعنی ... ۱۲

قوله وزروعها
و در بعضی نسخه بدل این آمده ۱۲

وَشَرْقِهَا وَغَرْبِهَا وَسَهْلِهَا وَجِبَالِهَا

و جانب مشرق آن و مغرب آن و نرم آن و کوههای آن

وَأَوْدِيَتِهَا وَأَشْجَارِهَا وَثِمَارِهَا وَأَوْرَاقِهَا

و رودخانهای آن و درختان آن و میوه‌های آن و برگهای آن

وَزُرُوعِهَا وَجَمِيعِ مَا يَخْرُجُ مِنْ نَبَاتِهَا وَبَرَكَاتِهَا

و کشت زارهای آن و همه آنچه برآید از زمین از رستنیهای آن و افزونیهای خیر و خوبی آن

مِنْ يَوْمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي

از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت در

كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

هر روزی هزار بار خدایا و درود بفرست بر محمد بشمار

مَا خَلَقْتَ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ وَمَا

چیزیکه پیدا کردهٔ تو از پریان و آدمیان و شیاطین و آنچه که

أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ

تو پیدا کنندهٔ آنرا از آنها تا روز قیامت در هر روزی

أَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ كُلِّ شَعْرَةٍ

هزار بار خدایا و درود بفرست بر محمد بشمار هر موئیکه

فِي أَبْدَانِهِمْ وَفِي وُجُوهِهِمْ وَعَلٰى رُؤُسِهِمْ مُنْذُ

در تنهای آنهاست و در رویهای آنهاست و بر سرهای آنهاست از ابتدای زمان

نسخه وعروقها یعنی بیخهای درختان ۱۲

قوله یخرج بفتح یا و ضم را یعنی آنچه برمی آید از زمین و در روایت بضم یا و کسر را ... یعنی آنچه برمی آید از زمین ... ۱۲

قوله وبرکاتها افزونیهای خیر و خوبی آن زمین چنانچه آبها و میوه‌ها و جواهرها ۱۲

قوله والشیاطین ... ۱۲

خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت در هر روزی

اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ خَفَقَانِ

هزار بار خدایا و درود بفرست بر محمد بشمار جنبانیدن بازوهای

الطَّيْرِ وَطَيَرَانِ الْجِنِّ وَالشَّيَاطِيْنِ مِنْ يَوْمِ

پرندگان و پریدن پریان و شیاطین از روزی که

خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت در هر روزی

اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ كُلِّ

هزار بار خدایا و درود بفرست بر محمد بشمار هر

بَهِيْمَةٍ خَلَقْتَهَا عَلٰى جَدِيْدِ اَرْضِكَ مِنْ صَغِيْرٍ

چارپایان که پیدا کردهٔ تو اورا بر روی زمین خود از خرد

اَوْ كَبِيْرٍ فِيْ مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَمَغَارِبِهَا مِنْ

یا بزرگ در جایهای برآمدن آفتاب و جایهای فرورفتن آن از

اِنْسِهَا وَجِنِّهَا وَمِمَّا لَا يَعْلَمُ عِلْمَهُ اِلَّا اَنْتَ مِنْ

آدمیان آن و پریان آن و از جنس چیزیکه فرا رسیده است بآن دانش هیچ مگر آنکه بدانی تو از

يَوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ

روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت در هر روزی

---

١ قوله خفقان الطیر بفتح خاء منقوطه و فاء بعده قاف و الف و نون است بمعنی بر هم زدن بازوهای پرندگان برای پریدن و ١٢

٢ قوله وطیران الجن بفتح طاء و یاء و بشمار پریدن پریان درهوا ١٢

في يوم الجمعة

٣ قوله مشارق الارض و مغاربها یعنی بوده اند آن چهارپایان در زمین جانب جایهای برآمدن آفتاب و جانب جایهای فرورفتن آفتاب از آن زمین ١٢

الف مرة اللهم وصل على محمد عدد خطاهم
هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد بشمار قدمهای ایشان

على وجه الارض من يوم خلقت الدنيا
بر روی زمین از روزی که پیدا کردهٔ تو دنیا را

الى يوم القيمة في كل يوم الف مرة اللهم
تا روز قیامت در هر روزی هزار بار خدایا

وصل على محمد عدد من يصلي عليه و
و درود بفرست بر محمد بشمار کسانیکه درود میفرستند بروی و

صل على محمد عدد من لم يصل عليه وصل
درود بفرست بر محمد بشمار کسانیکه درود نمیفرستند بروی و درود بفرست

على محمد عدد القطر والمطر والنبات وصل
بر محمد بشمار قطرهای و باران و رستنیها و درود بفرست

على محمد عدد كل شيء اللهم وصل على محمد
بر محمد بشمار هر چیزی خدایا و درود بفرست بر محمد

في الليل اذا يغشى وصل على محمد في النهار
در شب چون بپوشد عالم را بتاریکی خویش و درود بفرست بر محمد در روز

اذا تجلى وصل على محمد في الاخرة والاولى
چون روشن شود و درود بفرست بر محمد در سرای آخرت و دنیا

قوله خطاهم بضم خاء منقوطه ۱۲

قوله المطر بفتح میم وطاء ۱۲

قوله اذا تجلى یعنی چون آشکارا گردد و روشن شود ۱۲

قوله شابا بتشدید با یعنی درحالتیکه جوان بوده یعنی درودی که اکنون فرستی مراد است زمانه جوانی اورا از آنکه زمانه گذشته و آینده و ... حق سبحانه و تعالی ... برابر است و ساعات ماضی حیث او حاضر است قوله زکیا یعنی جوانی پاکیزه بوده و ستوده و در خیر و خوبی افزوده

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ شَابًّا زَكِيًّا وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

و درود بفرست بر محمد درحالتیکه جوان بود ستوده و درود بفرست بر محمد

كَهْلًا مَرْضِيًّا وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ مُنْذُ كَانَ فِي الْمَهْدِ

درحالتیکه میانه سال بود شایسته و درود بفرست بر محمد از ابتدای زمانیکه بوده وی در گهواره

صَبِيًّا وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ حَتّٰى لَا يَبْقٰى مِنَ الصَّلٰوةِ

کودک و درود بفرست بر محمد تا آنکه باقی نماند از درود

شَيْءٌ اَللّٰهُمَّ وَاَعْطِ مُحَمَّدًا الْمَقَامَ الْمَحْمُوْدَ الَّذِيْ

چیزی خدایا و بده محمد را مقامیکه ستوده شده است که

وَعَدْتَهُ الَّذِيْ اِذَا قَالَ صَدَّقْتَهُ وَاِذَا

وعده کرده تو اورا آن محمدی که وقتیکه گفت سخنی راست ساختی تو اورا و چون

سَاَلَ اَعْطَيْتَهُ اَللّٰهُمَّ وَاَعْظِمْ بُرْهَانَهُ وَ

درخواست از تو چیزی دادی تو اورا خدایا و بزرگ گردان دلیل اورا و

شَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَاَبْلِجْ حُجَّتَهُ وَبَيِّنْ فَضِيْلَتَهُ

و بلند گردان بنای مرتبه اورا و روشن گردان دلیل نبوت اورا و ظاهر گردان بزرگی اورا

اَللّٰهُمَّ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِيْ اُمَّتِهِ وَاسْتَعْمِلْنَا

خدایا و قبول فرما شفاعت اورا در حق امت او و کارکنندگان گردان مارا

بِسُنَّتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلٰى مِلَّتِهِ وَاحْشُرْنَا فِيْ

بطریقه وی و بمیران مارا بر دین وی و گردان مارا بروز قیامت در

قوله كهلا درحالتیکه میانه سال و دو سویه بوده

قوله مرضیا شایسته و پسندیده در اقوال و افعال

فی یوم الجمعة

قوله المقام المحمود مقامیکه ستوده شده ست بزبان همه کس

قوله صدقته راست و محقق ساختی تو برای او سخن اورا از انجمله قصه خواب آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم در سوره فتح مذکور ست

ت يا رب العلمين ع اللهم

زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لِوَآئِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ رُفَقَآئِهِ

گروه وی و در زیر نیزهٔ وی و گردان مایان را از همراهان وی

وَاَوْرِدْنَا حَوْضَهُ وَاَسْقِنَا بِكَاسِهِ وَانْفَعْنَا

و فرود آر مایان را بر حوض وی و بنوشان مایان را بجام وی و بهره مند گردان مایان را

بِمَحَبَّتِهِ اَللّٰهُمَّ اٰمِينَ وَاَسْئَلُكَ بِاَسْمَآئِكَ

بدوستی وی خدایا چنین باد و سوال میکنم ترا بوسیلهٔ نامهای تو

الَّتِي دَعَوْتُكَ بِهَا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

که خواندم ترا بآنها آنکه درود فرستی تو بر محمد م بشمار

مَا وَصَفْتُ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُ عِلْمَهُ اِلَّا اَنْتَ وَاَنْ

چیزیکه وصف کردم آنرا و چیزیکه وصف نکردم از جنس چیزیکه نمیداند هیچ یکی مگر تو و آنکه

تَرْحَمَنِي وَتَتُوبَ عَلَيَّ وَتُعَافِيَنِي مِنْ جَمِيعِ

ببخشای بر من و بپذیری توبه مرا و عافیت دهی مرا از همه

الْبَلَآءِ وَالْبَلْوَآءِ وَاَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِوَالِدَيَّ

آفتها و رنجها و آنکه بیامرزی مرا و پدر و مادر مرا

وَتَرْحَمَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ

و رحمت کنی تو مردان گرویده گان را و زنان گرویده گان را و مردان فرمان برنده شریعت را

وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَآءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ وَاَنْ تَغْفِرَ

و زنان فرمان برنده را زندگان از ایشان و مردگان و آنکه بیامرزی تو

قوله من رفقائه یعنی از همراهان و مصاحبان وی ۱۲

قوله دعوتك بها یعنی خواندم ترا بآن نامها در اول این درود ۱۲

قوله ما وصفت یعنی ذکر کرده ام آن وصف آنرا بالای این درود ۱۲

قوله البلوآء الف بعد الف یعنی رنج و ضرر بار ... همزه بعد الف سبب ... ازیاب ... بود و ... بالف مقصوره ... ۱۲

قوله ان تغفر لی و لوالدی و ... یعنی ... نسخه ... و ترحم المؤمنین ... ۱۲

الحزب الخامس

لعبدك

قوله قال الشيخ علي القاري في شرح الحزب المدني في الدلائل ينبغي للقاري ان يسمي نفسه واباه بدلا عن فلان بن فلان ويدعو لاشياخه ولجميع المسلمين والمسلمات فان الدعاء هنا مستجاب ان شاء الله تعالى انتهى ١٢

قوله فلان بن فلان باید که بجای فلان بن فلان خواننده نام خود ونام پدر خود بگیرد ١٢

قوله الخاطئ خطاکار وگنه‌کار ١٢

لِعَبْدِكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ الْمُذْنِبِ الْخَاطِئِ

بندهٔ خودرا که فلان بن فلانست گنه گارست خطا کار

الضَّعِيفِ وَأَنْ تَتُوبَ عَلَيْهِ إِنَّكَ غَفُورٌ

ناتوان وآن که بپذیری توبه آنرا بدرستیکه تو آمرزگاری

رَحِيمٌ اَللّٰهُمَّ اٰمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ قَالَ

بخشنده خدایا چنین باد ای پروردگار عالمیان گفت

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَءَ

پیغمبر خدا درود فرستد خدا بر او وسلام فرستد کسیکه خواند

هٰذِهِ الصَّلٰوةَ مَرَّةً وَاحِدَةً كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ ثَوَابَ

این درود را یک بار مینویسد خدای برای او پاداش

حَجَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَثَوَابَ مَنْ اَعْتَقَ رَقَبَةً مِنْ

حج پذیرفته شده و ثواب کسیکه آزاد کرده باشد گردنی را از

وَلَدِ اِسْمٰعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُ اللّٰهُ تَبَارَكَ

فرزندان اسمعیل براو باد سلام پس میگوید خدای که بزرگ

وَتَعَالٰى يَا مَلٰٓئِكَتِي هٰذَا عَبْدٌ مِّنْ عِبَادِي

و برترست ای فرشتگان من این بنده ایست از بندگان من

اَكْثَرَ الصَّلٰوةَ عَلٰى حَبِيبِي مُحَمَّدٍ فَوَعِزَّتِي

که بسیار گفته ست درود را بر دوست من که محمد ست ص پس سوگند بعزت من

قوله من قرء هذه الصلوة اراد اوله اللهم اني اسئلك بحقك العظيم ١٢

قوله مرة واحدة یعنی در عمر خود ١٢

قف على الحديث وابدأ من قوله وفي رواية

في يوم الجمعة

اللهم اني اسئلك ١٢

قوله كتب الله له یعنی مینویسند فرشتگان بحکم خدای برای او ١٢

قوله اعتق رقبة یعنی آزاد کرده گردنی را یعنی بنده ١٢

قوله من ولد اسمعیل [illegible] بهتر از آزاد کردن [illegible] و [illegible]

وَجَلَالِي وَوُجُودِي وَمَجْدِي وَارْتِفَاعِي

و به بزرگی من | و بهستی ذات من | و به بزرگی من | و برتری من

لَأُعْطِيَنَّهُ بِكُلِّ حَرْفٍ صَلَّى بِهِ عَلَى حَبِيبِي

هر آئینه میدهم اورا | بمقابل هر حرفی که درود فرستاده است بدان | بر | دوست من

مُحَمَّدٍ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ وَلَيَأْتِيَنِّي يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

که محمد است | خانهٔ بلند | در بهشت | و هر آئینه می آید او نزد من | روز | قیامت

تَحْتَ لِوَاءِ الْحَمْدِ وَنُورُ وَجْهِهِ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ

در زیر | نیزه | حمد | و حالانکه باشد روشنی روی او | مانند | ماه | شب

الْبَدْرِ وَكَفُّهُ فِي كَفِّ حَبِيبِي مُحَمَّدٍ هٰذَا

چهارده | و باشد کف او | در | کف | دوست من که محمد است | این ثواب درود

لِمَنْ قَالَهَا فِي كُلِّ يَوْمِ جُمُعَةٍ لَهُ هٰذَا

مر کسی راست که میگوید آنرا | در | هر | روز | جمعه | مر آن گوینده را | این

الْفَضْلُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَفِي

افزونی ثواب است | و | خدای | صاحب | فضل | و بزرگی است | و | در

رِوَايَةٍ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ مَا حَمَلَ

روایتی آمده | الٰهی خدایا | بدرستیکه من سؤال میکنم ترا | بوسیلهٔ | چیزیکه برداشته است آنرا

كُرْسِيُّكَ مِنْ عَظَمَتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَجَلَالِكَ

کرسی تو | از | بزرگی تو | و آثار قدرت تو | و بزرگی تو

قوله وجودی یعنی بهستی ذات من که همیشه پاینده است و در بعضی نسخه آمده وجودی بکسر ۱۲

قوله و مجدی یعنی بزرگی و بخشش من ۱۲

قوله وارتفاعی یعنی برتری ذات من و بلندی شان من ۱۲

قوله لیأتینی بتشدید نون مکسوره ۱۲

قوله لواء الحمد نیزه حمد که باشد برای آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم و بیان آن در اسماء شریف گذشته ۱۲

قوله لیلة البدر که ماه در آن شب پر نور و کامل باشد ۱۲

قوله کفه فی کف حبیبی یعنی باشد دست او در دست دوست من و این بشارت است بنهایت نزدیکی آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم ...

الحزب الخامس

قوله هذا لمن قالها شاید که این از کلام مصنف است و آنکه در حدیث گذشته مرة واحدة فهمیده از آن یک بار بروز جمعه بخواند از برای شرف آنروز و دیگر آن لفظ مطلق آمده است ...

وَجَمَالِكَ ۱۲

وَبَهَائِكَ وَسُلْطَانِكَ وَبِحَقِّ اِسْمِكَ الْمَخْزُوْنِ
و روشنی تو و پادشاهی تو وبوسیلهٔ نام تو که پوشیده

الْمَكْنُوْنِ الَّذِيْ سَمَّيْتَ بِهٖ نَفْسَكَ وَاَنْزَلْتَهٗ
و نگاهداشته شده است که نامیدهٔ تو بدان ذات خود را و فرو فرستادهٔ تو آنرا

فِيْ كِتَابِكَ وَاسْتَاْثَرْتَ بِهٖ فِيْ عِلْمِ الْغَيْبِ
در کتاب خود و اختیار کردهٔ تو آنرا در علم پنهان

عِنْدَكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ
نزد خود اینکه درود بفرستی تو بر محمد که بندهٔ تست و فرستادهٔ تست

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ اِذَا دُعِيْتَ بِهٖ اَجَبْتَ
و سوال میکنم ترا بنام تو آن نامی که چون دعا کرده شوی تو بآن نام قبول میکنی

وَاِذَا سُئِلْتَ بِهٖ اَعْطَيْتَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
و چون خواسته شود از تو بآن میدهی تو و سوال میکنم ترا بنام تو

الَّذِيْ وَضَعْتَهٗ عَلَى اللَّيْلِ فَاَظْلَمَ وَعَلَى النَّهَارِ
که گذاشتی اورا بر شب پس تاریک شد و بر روز

فَاسْتَنَارَ وَعَلَى السَّمٰوٰتِ فَاسْتَقَلَّتْ وَعَلَى
پس روشن شد و بر آسمانها پس برپا شدند و بر

الْاَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَى الْجِبَالِ فَرَسَتْ
زمین پس قرار گرفت و بر کوهها پس استوار شدند

قوله المخزون المکنون ظاهر آنست که مراد از آن اسم اعظم است که پوشیده است در میان همه اسماء الهی و نمیدانند آنرا مگر بندگان خاص که خدا تعالی آنرا بایشان اعلام داده است و دعا کننده بیک مجلس بعوض بآن اسم ... در تعیین آن اختلاف است که نزد بعضی ... شود و ... مذکور گردیده و بعضی چنانچه در احادیث ... از آن در شرح عربی و دین ... تمام نوشته شده

فی یوم الجمعة

قوله واستاثرت به یعنی اختیار کرده توآنرا وخاص ویکتا شده توبآن نام ۱۲

قوله اذا سئلت به یعنی چون خواسته شوی تو بآن نام چیزی را عطا میدهی تو آن چیز را ۱۲

وعلى الصعبة فذلت وعلى ماء السماء

و بر چیزی سخت پس نرم شد و بر آب آسمان

فسكبت وعلى السحاب فامطرت واسئلك

پس بریزید و بر ابر پس بارید و سؤال میکنم ترا

بما سئلك به محمد نبيك واسئلك بما سئلك

بآنچه که سوال کرد ترا بآن محمد ﷺ که پیغمبر تست و سؤال میکنم ترا بآنچه که سؤال کرد ترا

به آدم نبيك واسئلك بما سئلك به

بآن آدم ؑ که پیغمبر تست و سوال میکنم ترا بآنچه که سوال کردند ترا بآن

انبياؤك ورسلك وملئكتك المقربون

پیغمبران تو و فرستادگان تو و فرشتگان تو که نزدیکان درگاه تو اند

صلى الله عليهم اجمعين واسئلك بما سئلك

درود بفرستد خدای برایشان همه ها و سوال میکنم ترا بچیزیکه سوال کردند ترا

به اهل طاعتك اجمعين ان تصلي على

بآن فرمان برندگان تو همه ها اینکه درود بفرستی تو بر

محمد وعلى آل محمد عدد ما خلقت من قبل

محمد ﷺ و بر آل محمد ﷺ بشمار چیزیکه پیدا کردهٔ تو پیش از

ان تكون السماء مبنية والارض مطحية

آنکه باشد آسمان برپا کرده شده و زمین گسترده شده

الحزب الخامس

قوله على السحاب فامطرت

بیت

نبارد سما تا نگوئی ببار
نیارد زمین تا نگوئی بیار

قوله صلى الله

در بعضی نسخه صلوة الله آمده یعنی درودهای خدای باد ۱۲

قوله مبنية

یعنی پیش از آن که باشد آسمانها برپا کرده شده تا این زمان

۱۲

وَالْجِبَالِ مُرْسِيَةً وَالْعُيُونِ مُنْفَجِرَةً وَالْأَنْهَارِ

وکوہہای استوار وچشمہای آب کشادہ وجویہای

مُنْهَمِرَةً وَالشَّمْسِ مُضْحِيَةً وَالْقَمَرِ مُضِيئًا

آب ریزان و آفتاب تابان او ماہتاب درخشان

وَالْكَوَاكِبِ مُنِيرَةً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ

وستارگان فروزان خدایا درود بفرست بر محمد و

عَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ عِلْمِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ

بر آل محمد بشمار علم خود ودرود بفرست بر محمد و

عَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ حِلْمِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ

بر آل محمد بشمار بردباری خود ودرود بفرست بر محمد و

عَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا اَحْصَاهُ اللَّوْحُ الْمَحْفُوظُ

بر آل محمد بشمار چیزیکہ شمردہ است آنرا لوح محفوظ

مِنْ عِلْمِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ

از علم تو خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عَدَدَ مَا جَرٰى بِهِ الْقَلَمُ فِيْ اُمِّ الْكِتَابِ

بشمار چیزیکہ روان شد بآن قلم در لوح محفوظ

عِنْدَكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ مِلْأَ

نزد تو ودرود بفرست بر محمد و بر آل محمد باندازہ پری

قولہ ۱
مرسیة
بضم میم وسکون را وکسرہ سین استوار یا استوار کنندہ زمین را
۱۲

قولہ ۲
اللوح المحفوظ
تختہ کہ نگاہداشتہ شدہ است از تغیر من علمک از آن چیزیکہ تعلق گرفتہ است بآن علم تو وحقیقت ہیچ چیز از لوح محفوظ واز علم الٰہی بیرون نیست فائدہ
در معالم آوردہ کہ لوح از یکدانہ مروارید سفید است درازی آن از آسمان تا زمین است و پہنائی او از مشرق تا مغرب و کنارہای او از یاقوت است واو درکنار فرشتہ ایست بجانب راست عرش
۱۲

فی یوم الجمعة

قولہ ۳
ما جری بہ القلم
شرح این قریب گذشتہ
۱۲

عه از ین جا تا آخر حزب چونکه یوم القیمة آید
فی کل یوم الف مرة ضم کند که در ین جانه نوشته اند ۱۲

سَمٰوٰتِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ مِّلْاَ
آسمانهای خود و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد باندازهٔ پری

اَرْضِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ مِّلْاَ
زمین خود و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد باندازهٔ پری

مَا اَنْتَ خَالِقُهٗ مِنْ يَّوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى
چیزیکه تو پیدا کنندهٔ آنرا از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ
روز قیامت خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ عَدَدَ صُفُوْفِ الْمَلٰٓئِكَةِ وَتَسْبِيْحِهِمْ وَ
محمد بشمار صفهای فرشتگان و تسبیح ایشان و

تَقْدِيْسِهِمْ وَتَحْمِيْدِهِمْ وَتَمْجِيْدِهِمْ وَتَكْبِيْرِهِمْ
تقدیس ایشان و تحمید ایشان و ثنا گفتن ایشان و تکبیر ایشان

وَتَهْلِيْلِهِمْ مِّنْ يَّوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى
و تهلیل ایشان از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى
روز قیامت خدایا درود بفرست بر محمد و بر

اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ السَّحَابِ الْجَارِيَةِ وَالرِّيَاحِ
آل محمد بشمار ابرهای دونده و بادهای

قوله ۱
صفوف الملئکة
یعنی صفهای فرشتگان یا اهل آن صفها
وتسبیحهم
و بشمار تسبیح ایشان یعنی سبحان الله گفتن
وتقدیسهم
بشمار گفتن ایشان
سبحان الملك القدوس
یعنی بپاکی یاد میکنیم ما پادشاهی را که پاک است از هر نقصان و
تحمیدهم

الحزب الخامس

و بشمار
الحمد لله گفتن ایشان
وتمجیدهم و بشمار ثنا گفتن ایشان ببزرگی خدا
وتکبیرهم و بشمار
الله اکبر
گفتن ایشان وتهلیلهم و بشمار
لا اله الا الله
گفتن ایشان
قوله ۲
من یوم
در میم فتحه و کسره بی تنوین و با تنوین هر سه رواست
۱۲

الذَّارِيَةِ مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى

پراگنده کننده از روزیکه پیدا کردۀ تو دنیا را تا

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ

روز قیامت خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ عَدَدَ كُلِّ قَطْرَةٍ تَقْطُرُ مِنْ سَمٰوٰتِكَ

محمد بشمار هر قطره که میریزد از آسمانهای تو

اِلٰى اَرْضِكَ وَمَا تَقْطُرُ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

بسوی زمین تو وآنچه خواهد ریزد تا روز قیامت

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار چیزیکه

هَبَّتِ الرِّيَاحُ وَعَدَدَ مَا تَحَرَّكَتِ الْاَشْجَارُ وَ

وزیدن بادها وبشمار جنبیدن درختان و

الْاَوْرَاقُ وَالزَّرْعُ وَجَمِيْعِ مَا خَلَقْتَ فِيْ قَرَارِ

برگها و کشتزارها و همه آنچه پیدا کردۀ تو در قرارگاه

الْحِفْظِ مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

نگاهداشت از روزیکه پیدا کردۀ تو دنیا را تا روز قیامت

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

قوله تقطر بضم طا یعنی میریزد و در زمان حال و در بعضی نسخه آمده قطرت یعنی ریزیده است بزمان گذشته ۱۲

قوله ما هبت یعنی وزیده است و بعضی نسخه آمده ما هبت علیه الریاح یعنی بشمار چیزیکه وزیده است بران بادها ۱۲

قوله الزرع بضم عین ۱۲

فی یوم الجمعة

قوله جمیع بکسر عین ۱۲

قوله قرار الحفظ قرارگاه مکان نگاهداشت هر چیز یعنی زمین ۱۲

الْقَطْرِ وَالْمَطَرِ وَالنَّبَاتِ مِنْ يَوْمَ خَلَقْتَ

قطرها و باران‌ها و رستنیها از روزیکه پیدا کرده تو

الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

دنیا را تا روز قیامت خدایا درود بفرست بر محمد

وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ النُّجُوْمِ فِي السَّمَاۤءِ مِنْ يَوْمَ

و بر آل محمد بشمار ستارگان در آسمان از روزیکه

خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت خدایا درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ فِيْ

بر محمد و بر آل محمد بشمار چیزیکه پیدا کرده تو در

بِحَارِكَ السَّبْعَةِ مِمَّا لَا يَعْلَمُ عِلْمَهٗ اِلَّا اَنْتَ

هفت دریاهای خود از جنس چیزیکه نمیداند و فرا رسیده است بآن دانش هیچکس مگر تو

وَمَا اَنْتَ خَالِقُهٗ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ

و آنچه که تو پیدا کننده تو اورا تا روز قیامت خدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ الرَّمْلِ

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار ریگ

وَالْحَصٰى فِيْ مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَمَغَارِبِهَا

و سنگریزها که بوده است آن در جانب جایهای برآمدن آفتاب از زمین و فرو رفتن آن

قوله المطر بفتح میم وطاء ۱۲

قوله انت خالقه در بعضی نسخه آمده فیها بعد خالقه ۱۲

الحزب الخامس

قوله مغاربها جانب جایهای فرو رفتن آفتاب از آن زمین ۱۲

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰىٓ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار چیزیکه

خَلَقْتَ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَمَآ اَنْتَ خَالِقُهٗٓ اِلٰى

پیدا کردهٔ تو از جن و انسان و چیزیکه تو پیدا کنندهٔ آنرا تا

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰىٓ اٰلِ مُحَمَّدٍ

روز قیامت خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عَدَدَ اَنْفَاسِهِمْ وَاَلْفَاظِهِمْ وَاَلْحَاظِهِمْ مِّنْ

بشمار دمهای ایشان و الفاظ ایشان و نگریستنهای ایشان از

يَّوْمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ

روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت خدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰىٓ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ طَيَرَانِ

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار پریدن

الْجِنِّ وَالْمَلٰٓئِكَةِ مِنْ يَّوْمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى

جن و فرشتگان از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰىٓ اٰلِ

روز قیامت خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ عَدَدَ الطُّيُوْرِ وَالْهَوَآمِّ وَعَدَدَ الْوُحُوْشِ

محمد بشمار پرندگان و چرندگان و بشمار جانوران رمنده صحرای

قوله ۱
الفاظهم
یعنی بشمار سخنان ایشان خواه مفرد باشند و خواه مرکب با معنی باشند یا بیمعنی ١٢

قوله ۲
طیران الجن
یعنی بشمار پریدن پریان درهوا ١٢

فی یوم الجمعة

قوله ۳
والهوام
یعنی بشمار چرندگان زمین چنانچه مار و مور و کژدم و مانند آن ١٢

قوله ۴
الوحوش
بضم اول و دوم ١٢

وَالْاٰكَامِ فِيْ مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَمَغَارِبِهَا
وپستیها وبلندیهای زمین در زمین جانب جایهای برآمدن آفتاب وجانب جایهای فرورفتن آن

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْاَحْيَآءِ
خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار زندگان

وَالْاَمْوَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ
و مردگان خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

مَآ اَظْلَمَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَمَآ اَشْرَقَ عَلَيْهِ النَّهَارُ مِنْ يَّوْمِ
چیزیکه تاریک شد براو شب وچیزیکه روشن شده است براو روزها از روزیکه

خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت ط خدایا درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ يَّمْشِيْ عَلٰى رِجْلَيْنِ
محمد و بر آل محمد بشمار کسیکه میرود بر دو پای

وَمَنْ يَّمْشِيْ عَلٰى اَرْبَعٍ مِّنْ يَّوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى
وکسیکه میرود بر چهارپای از روزیکه پیدا کرده تو دنیا را تا

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ
روز قیامت ط خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عَدَدَ مَنْ صَلّٰى عَلَيْهِ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ
بشمار کسیکه درود فرستاده اند براو از جن و انسان و فرشتگان

قوله ۱ والاٰکام
بفتح مده وهمزه ونیز بکسر همزه ۱۲

قوله ۲ فی مشارق
یعنی درحالتیکه بوده اند این همه مذکور در زمین آه ۱۲

الحزب الخامس

قوله ۳ عدد الاحیاء
یعنی بشمار زندگان از هر جانداری ۱۲

قوله ۴ یمشی علی رجلین
چنانچه آدمیان وپرندگان چون برزمین روند ۱۲

في يوم الجمعة

مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ

از روزیکه پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت خدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار کسیکه درود نفرستاده است

عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

براو خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد چنانچه

يَجِبُ اَنْ يُصَلّٰى عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى

واجبست اینکه درود فرستاده شود براو خدایا درود بفرست بر محمد و بر

آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا يَنْبَغِي اَنْ يُصَلّٰى عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

آل محمد چنانچه سزاوار است اینکه درود فرستاده شود براو خدایا درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ حَتّٰى لَا يَبْقٰى شَيْءٌ مِنَ

بر محمد و بر آل محمد تا اینکه باقی نماند چیزی از

الصَّلٰوةِ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ فِي

درود براو خدایا درود بفرست بر محمد در

الْاَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ اَللّٰهُمَّ

پیشینیان و درود بفرست بر محمد در پسینیان خدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَاِ الْاَعْلٰى اِلٰى يَوْمِ الدِّينِ

درود بفرست بر محمد در گروه بلند تا روز قیامت

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ يُصَلِّي عَلَيْهِ
مغ

قوله يجب بكسر جيم ١٢

مَا شَآءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ

آنچه خواهد خدا میشود نیست توانائی هیچکس را مگر بتوفیق خدای که برتر و بزرگ ست

اَلْحِزْبُ السَّادِسُ يُقْرَءُ فِيْ يَوْمِ السَّبْتِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاَعْطِهِ

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد و بده اورا

اَلْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ

وسیله و بزرگی و پایه بلند

وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَّحْمُوْدًا الَّذِيْ وَعَدْتَّهٗ اِنَّكَ

و برانگیز اورا در مقام محمود که وعده کرده تو اورا بدرستیکه تو

لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ اَللّٰهُمَّ عَظِّمْ شَانَهٗ وَبَيِّنْ

خلاف نمیکنی وعده را خدایا بزرگ گردان مرتبه اورا و ظاهر گردان

بُرْهَانَهٗ وَاَبْلِجْ حُجَّتَهٗ وَبَيِّنْ فَضِيْلَتَهٗ وَتَقَبَّلْ

دلیل اورا و روشن گردان دلیل اورا و ظاهر گردان بزرگی اورا و قبول کن

شَفَاعَتَهٗ فِيْ اُمَّتِهٖ وَاسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهٖ

سفارش اورا درحق امت او و گردان مایان را از کارکنندگان بطریقه وی

يَا رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ وَيَا رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ اَللّٰهُمَّ

ای پروردگار عالمیان و ای پروردگار عرش که بزرگ ست خدایا

قوله ١ ماشاء الله لاقوة الا بالله العلی العظیم در حدیث آمده کسی که داده شود اورا خیر و خوبی در اهل و مال او پس بگوید نزد آن ماشاء الله لاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم نه بیند در آن چیزی که ناخوش کند اورا ١٢

قوله ٢ الحزب شروع حزب ششم

الحزب السادس

قوله ٣ عظم شانه واینجا همزه را که بعد از شین ست بالف بدل کنند برای موافقت لفظ آینده ١٢

قوله ٤ برهانه یعنی ظاهر گردان دلیل نبوت اورا در همه خلایق تا معلوم گردد بلندی مرتبه اورا ١٢

[illegible]

يَارَبِّ اُحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهٖ وَتَحْتَ لِوَآئِهٖ
ای پروردگار من حشر کن مایانرا در گروه او و در زیر نیزه او

وَاَسْقِنَا بِكَاْسِهٖ وَانْفَعْنَا بِمَحَبَّتِهٖ اٰمِيْنَ
و بچشان مایانرا بجام او و نفع ده مایانرا بدوستی او چنین باد

يَارَبَّ الْعٰلَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ يَارَبِّ بَلِّغْهُ عَنَّا
ای پروردگار عالمیان خدایا ای پروردگار من برسان اورا از مایان

اَفْضَلَ السَّلَامِ وَاجْزِهٖ عَنَّا اَفْضَلَ مَا جَازَيْتَ
بهترین سلام و پاداش ده اورا از مایان بزرگترین چیزیکه پاداش دادهٔ تو

بِهٖ النَّبِيَّ عَنْ اُمَّتِهٖ يَارَبَّ الْعٰلَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ يَارَبِّ
بدان پیغمبری را از امت او ای پروردگار عالمیان خدایا ای پروردگار من

اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تَغْفِرَ لِيْ وَتَرْحَمَنِيْ وَتَتُوْبَ
بدرستیکه من سوال میکنم ترا اینکه بیامرزی تو مرا و رحم کنی تو مرا و بپذیری تو توبه

عَلَيَّ وَتُعَافِيَنِيْ مِنْ جَمِيْعِ الْبَلَآءِ وَالْبَلْوَآءِ
من و نگهداری مرا از همه آفتها و ضررها

اَلْخَارِجِ مِنَ الْاَرْضِ وَالنَّازِلِ مِنَ السَّمَآءِ اِنَّكَ
که برآینده اند از زمین و فرود آینده اند از آسمان بدرستیکه تو

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ بِرَحْمَتِكَ وَاَنْ تَغْفِرَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ
بر هر چیزی توانائی بسبب بخشایش خود و آنکه بیامرزی مر مؤمنان را

قوله واجزه بیان جزای پیغمبران از امت در حزب دوم مذکور شد ١٢

قوله الخارج من الارض یعنی چنین بلائی که برآینده است از زمین وظاهر شونده است بر آن ١٢

قوله والنازل من السماء چنانکه باران سخت وافتادن ژالها وآتش برق و جز آن ١٢

قوله برحمتك یعنی عافیت دهی مرا بسبب بخشایش خود ١٢

قوله للمؤمنين مردان گروندگان

وَالْمُؤْمِنٰتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمٰتِ الْأَحْيَاۤءِ

و مومنات را و مسلمانان و مسلمات را زندگان

مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَرَضِيَ اللّٰهُ عَنْ أَزْوَاجِهٖ

از ایشان و مردگانرا وخوشنود باد خدای از زنان او

الطَّاهِرَاتِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَرَضِيَ اللّٰهُ

که پاکند مادران مومنان اند وخوشنود باد خدای

عَنْ أَصْحَابِهِ الْأَعْلَامِ أَئِمَّةِ الْهُدٰى وَمَصَابِيْحِ الدُّنْيَا

از یاران او که بزرگ اند پیشوایان رهنمائی و ستارگان دنیا

وَعَنِ التَّابِعِيْنَ وَتَابِعِ التَّابِعِيْنَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ

و از پیروی کنندگان وپیروی کنندگانِ پیروی کنندگان مرایشانرا به نیکوئی

إِلٰى يَوْمِ الدِّيْنِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ

تا روز قیامت و ستایش مرخدا راست که پروردگار عالمیانست

هٰذَا ابْتِدَاءُ الثُّلُثِ الثَّالِثِ

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْأَرْوَاحِ وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ

خدایا پروردگار جانها و تنهای کهنه شده

أَسْئَلُكَ بِطَاعَةِ الْأَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ إِلٰى

سوال میکنم ترا بوسیلهٔ فرمان بردن جانهای بازگرونده بسوی

قوله امهات المومنین یعنی مادران مومنان اند در حق حرمت و تعظیم ۱۲

قوله الاعلام یعنی بزرگانند در مرتبه مانند کوه ۱۲

قوله مصابیح الدنیا یعنی سبب زینت و خوبی آن و سبب رهنمائی بنور خود ۱۲

قوله وعن التابعین یعنی وخوشنود باد خدای از کسانیکه دیده اند آن یاران را و پیروی کرده اند بایشان در طریقه دین ۱۲

قوله باحسان یعنی بایمان و طاعت ۱۲ قوله یوم الدین یعنی روز قیامت ۱۲ قوله والحمد لله رب العالمین یعنی ستایش مر خدا راست که پروردگار عالمیانست بر اینکه توفیق داد و یاری نمود بفرستادن درود بر پیغمبر خود

تمام شد حصهٔ سیوم و دوم بتوفیق پروردگار برتر ۱۲

الباقیة العالیة

أَجْسَادِهَا وَبِطَاعَةِ الْأَجْسَادِ الْمُلْتَئِمَةِ

تنهائی خود و بفرمان بردن تنهای بهم آمده وجمع شونده

بِعُرُوقِهَا وَبِكَلِمَاتِكَ النَّافِذَةِ فِيهِمْ وَأَخْذِكَ

بارگهای خود وبسخنان تو که جاری شونده اند درایشان و بگرفتن تو

الْحَقَّ مِنْهُمْ وَالْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ يَنْتَظِرُونَ

حق را ازایشان و حالانکه باشند همه آفریدگان پیش تو درحالیکه انتظار می برند

فَصْلَ قَضَائِكَ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَكَ وَيَخَافُونَ

جداکننده حکم ترا وامیدوارانند بخشش ترا ومیترسند

عِقَابَكَ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَذِكْرَكَ

عقوبت ترا آنکه گردانی تو روشنائی در دیدهٔ من و یادکردن تو

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي وَعَمَلاً صَالِحًا فَارْزُقْنِي

شب و روز بر زبان من وکردار شایسته پس روزی کن مرا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ

خدایا درود بفرست بر محمد ص چنانچه درود فرستادهٔ تو بر ابراهیم ع

وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ اللَّهُمَّ

و برکت ده بر محمد ص چنانچه برکت دادهٔ تو بر ابراهیم ع خدایا

اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ

گردان درودهای خودرا و برکت های خودرا بر محمد ص و بر آل

فی یوم السبت

مُحَمَّدٍ كَمَا جَعَلْتَهَا عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ

محمد چنانچه گردانیدی تو او را بر ابراهیم و بر آل ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ

بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری و برکت ده بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ

محمد چنانچه برکت داده تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری خدایا درود بفرست بر محمد

عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ وَصَلِّ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ

که بنده تست و پیغمبر تست و درود بفرست بر مؤمنان

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمٰتِ اَللّٰهُمَّ

و مؤمنات و مسلمانان و مسلمات خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِهٖ عَدَدَ مَا اَحَاطَ

درود بفرست بر سردارمایان محمد و بر آل او بشمار چیزیکه فرا رسیده ست

بِهٖ عِلْمُكَ وَاَحْصَاهُ كِتٰبُكَ وَشَهِدَتْ بِهٖ مَلٰٓئِكَتُكَ

باو علم تو و احصا کرده آنرا کتاب تو و گواهی داد باو فرشتگان تو

صَلٰوةً دَآئِمَةً تَدُوْمُ بِدَوَامِ مُلْكِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ

درودیکه همیشه باشد همیشگی ملک خدا خدایا

کسی که مطالعه این کتاب از اول تا آخر بکند معلوم می نماید این الفاظ بالا مکرر مذکور شده عمیق معنی ناگذشته ۱۲

قوله
مشرقة
بضم میم وکسر
راء
١٢

قوله
مجرية
بضم میم وکسر راء و
فتح یاء بی تشدید یعنی تیز
کننده یا روان کننده
چیزیرا که
درآنهاست
ودر بعضی نسخه
آمده
١٢

في يوم السبت

قوله
مجراة
بضم میم وفتح راء
بعد آن الف یعنی روان
گردانده واین
ظاهرست
چنانچه
درحزب پنجم
گذشته
١٢

إِنِّي أَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْعِظَامِ مَا عَلِمْتُ مِنْهَا

بدرستیکه من سوال میکنم ترا بوسیلهٔ نامهای تو که بزرگند آنچه دانسته ام من از آنها

وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي سَمَّيْتَ بِهَا

وآنچه نه دانسته ام من و به نامهایی که نامیدهٔ تو بآن

نَفْسَكَ مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَعْلَمْ أَنْ تُصَلِّيَ

ذات خودرا آنچه دانسته ام من از آنها وآنچه نه دانسته ام اینکه درود فرستی تو

عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَنَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ

بر سرور مایان محمد که بندهٔ تست وپیغمبر تست و فرستاده شدهٔ تست

عَدَدَ مَا خَلَقْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَكُونَ السَّمَاءُ مَبْنِيَّةً

بشمار آنچه پیدا کردهٔ تو پیش از آنکه باشد آسمان بر پا کرده شده

وَالْأَرْضُ مَدْحِيَّةً وَالْجِبَالُ مُرْسِيَةً وَالْعُيُونُ

و زمین گسترده شده و کوهها استوار کرده شده وچشمهای آب

مُنْفَجِرَةً وَالْأَنْهَارُ مُنْهَمِرَةً وَالشَّمْسُ مُشْرِقَةً

روان وجویهای آب ریزان وآفتاب روشن وتابان

وَالْقَمَرُ مُضِيئًا وَالْكَوَاكِبُ مُسْتَنِيرَةً وَالْبِحَارُ

و ماهتاب فروزان وستارگان فروزان ودریاها

مُجْرِيَةً وَالْأَشْجَارُ مُثْمِرَةً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

تیزرونده و درختها باردار خدایا درود بفرست بر محمد

عَدَدَ عِلْمِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ حِلْمِكَ وَ

بشمار علم خود و درود بفرست بر محمد بشمار بردباری خود و

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ كَلِمٰتِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

درود بفرست بر محمد بشمار سخنان خود و درود بفرست بر محمد

عَدَدَ نِعْمَتِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ فَضْلِكَ

بشمار نعمت خود و درود بفرست بر محمد بشمار افزونی کرم خود

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ جُوْدِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

و درود بفرست بر محمد بشمار بخشش خود و درود بفرست بر محمد

عَدَدَ سَمٰوٰتِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ اَرْضِكَ

بشمار آسمانهای خود و درود بفرست بر محمد بشمار زمین خود

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ فِىْ سَبْعِ سَمٰوٰتِكَ

و درود بفرست بر محمد بشمار آنچه که پیدا کردهٔ تو در هفت آسمانهای خود

مِنْ مَلٰٓئِكَتِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا

از فرشتگان خود و درود بفرست بر محمد بشمار آنچه که

خَلَقْتَ فِىْ اَرْضِكَ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَغَيْرِهِمَا

پیدا کردهٔ تو در زمین خود از جن و انسان و جز آنها

مِنَ الْوَحْشِ وَالطَّيْرِ وَغَيْرِهِمَا وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

از جانوران رمندگان و پرندگان و جز آنها و درود بفرست بر محمد

قوله عدد جودك يعنی بشمار آنها كه رسيده است بانها بخشش تو ١٢

قوله ارضك كه ظاهرست كه آسمان هفت اند و زمين نيز هفت واين عدد اگرچه قليل است و در طلب درود می بايد بسيار باشد ليكن ذكر كرد اين را تا كه معلوم گردد كه هرچه از جنس معدودست اندك باشد يا بسيار در طلب درود فرو نگذاشته و يا آنكه مراد اجزاء آسمانها و زمينها باشد ١٢

عَدَدَ مَا جَرٰى بِهِ الْقَلَمُ فِي عِلْمِ غَيْبِكَ وَمَا يَجْرِي

بشمار چیزیکه روان شد بآن قلم در علم نهان تو وچیزیکه روان خواهد شد

بِهِ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْقَطْرِ

بآن تا روز قیامت ودرود بفرست بر محمد بشمار قطرها

وَالْمَطَرِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ يَحْمَدُكَ وَيَشْكُرُكَ

و بارانها ودرود بفرست بر محمد بشمار کسانیکه می ستایند ترا وسپاس گذاری میکنند ترا

وَيُهَلِّلُكَ وَيُمَجِّدُكَ وَيَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ وَ

و اثبات وحدانیت تو میکنند وبزرگی یاد میکنند ترا وگواهی میدهند آنکه بتحقیق تو تو خدای و

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ اَنْتَ وَ

درود بفرست بر محمد بشمار آنچه که درود فرستاده تو براو تو و

مَلٰٓئِكَتُكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ صَلّٰى عَلَيْهِ

فرشتگان تو ودرود بفرست بر محمد بشمار کسیکه درود فرستاده است بروی

مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ

از آفریدگان تو ودرود بفرست بر محمد بشمار کسیکه درود نفرستاده است

عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْجِبَالِ

بروی از آفریدگان تو ودرود بفرست بر محمد بشمار کوهها

وَالرِّمَالِ وَالْحَصٰى وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ الشَّجَرِ

و ریگها و سنگریزها و درود بفرست بر محمد بشمار هر درختی

قوله یحمدك یعنی میستایند ترا به بزرگی ١٢

قوله ویشکرك وسپاس گذاری میکنند ترا بنعمتها ١٢

فی یوم السبت

قوله ویهللك واثبات وحدانیت میکنند ترا بگفتن لا اله الا الله ١٢

قوله والرمال بکسر راء ١٢

وَأَوْرَاقِهَا وَالْمَدَرِ وَأَثْقَالِهَا وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

و برگهای آن و کلوخ و بارهای گران آن و درود بفرست بر محمد

عَدَدَ كُلِّ سَنَةٍ وَمَا تَخْلُقُ فِيهَا وَمَا يَمُوتُ فِيهَا

بشمار هر سالی وآنچه که پیدا میکنی درآن و آنچه بمیرد درآن

وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا تَخْلُقُ كُلَّ يَوْمٍ وَمَا يَمُوتُ

و درود بفرست بر محمد بشمار آنچه که پیدا میکنی هر روز و آنچه که بمیرد

فِيهِ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

درآن تا روز قیامت خدایا و درود بفرست بر محمد

عَدَدَ السَّحَابِ الْجَارِيَةِ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ

بشمار ابرهای رونده درمیان آسمان و

الْأَرْضِ وَمَا تُمْطِرُ مِنَ الْمِيَاهِ وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

زمین و آنچه که می بارد از آبها و درود بفرست بر محمد

عَدَدَ الرِّيَاحِ الْمُسَخَّرَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ

بشمار بادهای رام شدگان در زمین جانب برآمدن آفتاب و

مَغَارِبِهَا وَجَوْفِهَا وَقِبْلَتِهَا وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

جانب فرو رفتن آن و درمیان آن و جانب قبله آن و درود بفرست بر محمد

عَدَدَ نُجُومِ السَّمَاءِ وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ

بشمار ستارگان آسمان و درود بفرست بر محمد بشمار آنچه پیدا کرده تو

قوله تمطر بضم تاء و کسر طاء و نیز بفتح تاء و ضم طاء ۱۲

قوله المسخرات رام شدگان و بحکم خدای تعالی ۱۲

قوله وجوفها یعنی و آن بادها که رام شده اند درمیان آن زمین و شاید که مراد ازین کعبه شریف باشد و آنچه نزدیک است بوی از زمین حرم بزرگ اول حق تعالی که زمین را پیدا کرد مقدار موضع کعبه شریف [illegible] بود و بعد از آن آن را بچهار جانب [illegible] فراخ نمود و [illegible] درمیان آن حرم گشته

الثالث

قوله قبلتها و آن جانب کعبه شریف است از هر مکانی که اعتبار کرده شود ۱۲

قوله عدد ... يعني از مرواريد و مرجان و مانند آن ١٢

قوله نعمتك يعني نعمتهای خود که بر همگان ... يعني حصر نعمتهای خدای از شمار بيرون است ...

قوله ثم لتسألن يومئذ عن النعيم يعني پس هر آينه پرسيده خواهيد شد ...

بيت

اين نعمت ... ١٢

فِي بِحَارِكَ مِنَ الْحِيتَانِ وَالدَّوَآبِّ وَالْمِيَاهِ

در درياهای خود از ماهيان و چهارپايان و آبها

وَالرِّمَالِ وَغَيْرِ ذٰلِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

و ريگها و جز آن و درود بفرست بر محمد بشمار

النَّبَاتِ وَالْحَصٰى وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ النَّمْلِ وَ

رستنيها و سنگريزها و درود بفرست بر محمد بشمار مورچها و

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْمِيَاهِ الْعَذْبَةِ وَصَلِّ عَلٰى

درود بفرست بر محمد بشمار آبهای شيرين و درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْمِيَاهِ الْمِلْحَةِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

محمد بشمار آبهای شور و درود بفرست بر محمد بشمار

نِعْمَتِكَ عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

نعمتهای تو بر همه آفريدگان تو و درود بفرست بر محمد

عَدَدَ نِقْمَتِكَ وَعَذَابِكَ عَلٰى مَنْ كَفَرَ بِمُحَمَّدٍ

بشمار عقوبت تو و عذاب تو بر کسيکه انکار کرد بمحمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

درود فرستد خدا بروی و سلام و درود بفرست بر محمد بشمار

مَا دَامَتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

اجزای هميشگی مدت دنيا و آخرت و درود بفرست بر محمد بشمار

في يوم السبت

قوله نقمتك بكسر نون و فتح آن و سكون قاف ١٢

قوله كفر بمحمد يعني انكار كرد ونگرويد بوی صلی الله عليه وآله وسلم و شک نيست که نعمتهای جاودانی وعنايات ربانی بر دوستان آنحضرت صلی الله عليه وآله وسلم بسيار اند و

يعني عقوبات در دو جهان بر دشمنان وی بيشمار اند ١٢

بيت

دوستانش همه در دو عالم شاد و خرم می زيند

دشمنان در محنت و غم اين سرای و آن سرای ها ١٢

مَا دَامَتِ الْخَلَآئِقُ فِي الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

وقتیکه باشد آفریدگان تو در بهشت ودرود بفرست بر محمد بشمار

مَا دَامَتِ الْخَلَآئِقُ فِي النَّارِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَلٰى قَدْرِ

همیشگی بودن آفریدگان در دوزخ ودرود بفرست بر محمد باندازهٔ

مَا تُحِبُّهُ وَتَرْضَاهُ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَلٰى قَدْرِ مَا

دوست داشتن تو ویرا وخوشنود بودن تو بوی ودرود بفرست بر محمد باندازهٔ

يُحِبُّكَ وَيَرْضَاكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ اَبَدَ الْاٰبِدِيْنَ وَ

دوست داشتن وی ترا وخوشنود بودن وی بتو ودرود بفرست بر محمد همیشه همیشگیها و

اَنْزِلْهُ الْمُنْزَلَ الْمُقَرَّبَ عِنْدَكَ وَاَعْطِهِ الْوَسِيْلَةَ

فرود آر اورا در جای فرود آمدن که نزدیک کرده شده است نزد تو و بده اورا وسیله

وَالْفَضِيْلَةَ وَالشَّفَاعَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ وَالْمَقَامَ

و بزرگی و مرتبهٔ شفاعت و پایهٔ بلند ومقام

الْمَحْمُوْدَ الَّذِيْ وَعَدْتَهُ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ اَللّٰهُمَّ

ستوده شده که وعده کردهٔ تو اورا بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را خدایا

اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ مَالِكِيْ وَسَيِّدِيْ وَمَوْلَايَ

بدرستیکه من سوال میکنم ترا بوسیلهٔ آنکه تحقیق تو خداوند من هستی ومالک من و یاری دهنده

وَثِقَتِيْ وَرَجَآئِيْ اَسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ

وتکیه گاه من وامیدگاه من هستی سوال میکنم ترا بوسیلهٔ بزرگی ماههای حرام

قوله ١ الآبدین بمد همزه ١٢

قوله ٢ المقرب عندك یعنی ازروی مرتبه ومثل این در حزب سوم گذشته ١٢

قوله ٣ مولای بفتح یاء ١٢

قوله ٤ ثقتی بکسر اول یعنی تکیه گاه من هستی در همه مصائب ١٢

قوله ٥ رجائی یعنی امیدگاه من هستی در همه مطالب ١٢

قوله ٦ الشهر الحرام یعنی ماههای که حرام بود درو جنگ در ابتدای اسلام وآن چهار ماه اند ذوالقعده ذوالحجة محرم رجب ١٢

السادس الحزب

وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَقَبْرِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ

و شهر حرام و مشعر حرام و قبر شریف پیغمبر تو بروی باد

السَّلَامُ أَنْ تَهَبَ لِي مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يَعْلَمُ

سلام اینکه بدهی تو مرا از خیر چیزیکه نمیداند آنرا

عِلْمَهُ إِلَّا أَنْتَ وَتَصْرِفَ عَنِّي مِنَ السُّوءِ

هیچ کس مگر تو و بازگردانی از من از بدی

مَا لَا يَعْلَمُ عِلْمَهُ إِلَّا أَنْتَ اللّٰهُمَّ يَا مَنْ وَهَبَ

چیزیکه نمیداند آنرا هیچ کس مگر تو خدایا ای آنکه عطا نموده

لِآدَمَ شِيثَ وَلِإِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحٰقَ وَ

مر آدم را شیث ع و مر ابراهیم را ع اسمعیل ع و اسحق ع و

رَدَّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ وَيَا مَنْ كَشَفَ

بازگردانید یوسف را بر یعقوب ع و ای آنکه دور ساخت

الْبَلَاءَ عَنْ أَيُّوبَ وَيَا مَنْ رَدَّ مُوسٰى إِلَى أُمِّهِ

رنج را از ایوب ع و ای آنکه بازگردانید موسی ع را بسوی مادر وی

وَيَا زَائِدَ الْخَضِرِ فِي عِلْمِهِ وَيَا مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ

و ای افزاینده خضر را در علم وی و ای آنکه داده مر داود را

سُلَيْمٰنَ وَلِزَكَرِيَّا يَحْيٰى وَلِمَرْيَمَ عِيسٰى وَيَا حَافِظَ

سلیمان ع و مر زکریا را یحیی ع و مر مریم را عیسی ع و ای نگاهبان

ابنة شعيب أسئلك أن تصلي على محمد وعلى

دختر شعيب سؤال ميكنم ترا اينكه درود بفرستی بر محمد و بر

جميع النبيين والمرسلين ويا من وهب

همه پيغمبران و فرستاده شدگان و ای آنكه عطا فرمود

لمحمد صلى الله عليه وسلم الشفاعة و

مر محمد را درود فرستد خدا بر وی و سلام مرتبه شفاعت

الدرجة الرفيعة أن تغفر لي ذنوبي وتستر

پايه بلند اينكه بيامرزی تو مرا گناهان مرا و بپوشی

لي عيوبي كلها وتجيرني من النار وتوجب

مرا عيبهای مرا همه آنها و نگاهداری مرا از دوزخ و واجب گردانی

لي رضوانك وأمانك وغفرانك وإحسانك

برای من خوشنودی خودرا و امان خودرا و آمرزش خودرا و احسان خودرا

وتمتعني في جنتك مع الذين أنعمت عليهم

و برخوردار گردانی مرا در بهشت درحالیکه باشم باآنانکه انعام کردی تو برایشان

من النبيين والصديقين والشهداء و

از پیغمبران و راستگاران و شهیدان و

الصالحين إنك على كل شيء قدير وصلى الله

پرهیزگاران بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و درود فرستد خدا

علی محمد وعلی آله ما ازعجت الریاح سحابا

بر محمد و بر آل او تا زمانیکه برانگیزانند بادها ابرها را

رکاما وذاق کل ذی روح حماما واوصل

که درهم رسته بود و بچشد هر جانداری مرگ را و برسان

السلام لاهل السلام فی دار السلام تحیة

سلام مر سزاوار سلام را در بهشت در حالتیکه باشد آن دعا به بقا

وسلاما اللهم افردنی لما خلقتنی له ولا

و سلامتی خدایا یکتا کن مرا از برای چیزیکه پیدا کردهٔ تو مرا برای او و میندار

تشغلنی بما تکفلت لی به ولا تحرمنی وانا

در شغل مرا بچیزیکه ضامن شدهٔ تو برای من بآن و بی نصیب نگردان مرا وحالانکه من

اسئلك ولا تعذبنی وانا استغفرك ثلثا

سؤال میکنم ترا و عذاب مکن مرا وحالانکه من آمرزش میخواهم ترا این بخوان سه بار

اللهم صل علی سیدنا محمد وعلی آله وسلم

خدایا درود بفرست بر رئیس مایان محمد و بر آل او و سلام

اللهم انی اسئلك واتوجه الیك بحبیبك

خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا و روی آرم بسوی تو بوسیلهٔ دوست تو

المصطفی عندك یا حبیبنا یا سیدنا محمد انا

که برگزیده شده است نزد تو ای محبوب مایان ای رئیس مایان محمد تحقیق که مایان

فی یوم السبت

قوله لاتحرمنی
یعنی از بخشش خود

قوله استغفرك
یعنی آمرزش میخواهم از تو
که کریم هرگز سایل را
محروم نگذارد

قوله فاشفع لنا یعنی دررواکردن حاجات ۱۲

قوله المولى العظیم یعنی خداوند باری و بنده بزرگوار که

برای بیکسان کسی نزد وی شفاعت نماید

قوله بجاهه توان مرتبه داری ۱۲

قوله ثلثا یعنی بخوان این همه دعا را سه بار یا اللّهم

شفعه مراد از خود عاست یعنی از اللّهم

و مثل این دعا بتفاوت بعضی الفاظ در حصن حصین و در دیگر کتب

احادیث مذکورست اول دو رکعت

نماز بخواند و برحق تعالی ثنا گوید و درود

بخواند و بعده این دعا بخواند پس حاجت

خواهد البته برآید ۱۲

نَتَوَسَّلُ بِكَ اِلٰى رَبِّكَ فَاشْفَعْ لَنَا عِنْدَ الْمَوْلٰى

وسیله می آریم ترا بسوی پروردگار تو پس شفاعت کن برای مایان نزد خداوند

الْعَظِیْمِ یَا نِعْمَ الرَّسُوْلُ الطَّاهِرُ اَللّٰهُمَّ شَفِّعْهُ فِیْنَا

بزرگوار ای نیکو پیغمبر پاک خدایا قبول شفاعت او کن درحق مایان

بِجَاهِهٖ عِنْدَكَ ثَلٰثًا وَاجْعَلْنَا مِنْ خَیْرِ الْمُصَلِّیْنَ

بوسیله مرتبه او که نزد تست این بخوان سه بار و گردان مایان را از بهترین درود گویان

وَالْمُسَلِّمِیْنَ عَلَیْهِ وَمِنْ خَیْرِ الْمُقَرَّبِیْنَ مِنْهُ وَالْوَارِدِیْنَ

و سلام گویان بروی و از بهترین نزدیکان بوی و فرود آیندگان

عَلَیْهِ وَمِنْ اَخْیَارِ الْمُحِبِّیْنَ فِیْهِ وَالْمَحْبُوْبِیْنَ

بروی و از نیکوان دوستداران وی و دوست داشته شدگان

لَدَیْهِ وَفَرِّحْنَا بِهٖ فِیْ عَرَصَاتِ الْقِیٰمَةِ وَاجْعَلْهُ

نزدیک او و شاد گردان مایان را بوی در میدان قیامت و گردان اورا

لَنَا دَلِیْلًا اِلٰى جَنَّةِ النَّعِیْمِ بِلَا مُؤْنَةٍ وَّلَا مَشَقَّةٍ

برای مایان رهنمای بسوی بهشتهای بانعمت بی رنج و بی محنت

وَلَا مُنَاقَشَةِ الْحِسَابِ وَاجْعَلْهُ مُقْبِلًا عَلَیْنَا

و بی کش کش شمردن کارها و گردان اورا متوجه بحال مایان

وَلَا تَجْعَلْهُ غَاضِبًا عَلَیْنَا وَاغْفِرْ لَنَا

و مگردان اورا خشمناک بر مایان و بیامرز مایان را

ثلثا مع

قوله اللّهم

قوله الواردین علیه یعنی گردان مایان از بهترین فرود آیندگان بروی بر حوض وی در بهشت ۱۲

الحزب السادس

قوله المحبوبین دوست داشته شدگان بسبب پیروی او درهمه احوال ۱۲

قوله فرحنا به بتشدید راء و کسر آن شاد و خوش گردان مایان را بدیدار وی صلی الله علیه و آله وسلم ۱۲

قوله مؤنة بفتح میم ۱۲

قوله لا مناقشة یعنی بی کش کش شمردن کارهای ما در دنیا کرده ایم ۱۲

قوله واجعله مقبلا یعنی گردان او را متوجه بحال مایان یعنی خوشنودی وقت ورود وی ۱۲

وَلِوَالِدِينَا وَلِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ

و مر مادر و پدر مایانرا و مرهمه مسلمانان را زندگانرا ازایشان

وَالْمَيِّتِينَ وَاٰخِرُ دَعْوَانَا اَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

و مردگان را و آخر دعاء مایان آنست که ستایش مرخدایراست که پروردگار

الْعٰلَمِينَ

عالمیان ست

اِبْتِدَاءُ الرُّبْعِ الرَّابِعِ

في يوم السبت

فَاَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ

پس سوال میکنم ترا ای خدای ای خدای ای خدای ای زنده ای پاینده

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ

ای خداوند بزرگی و اکرام نیست هیچ کس سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو

اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِينَ اَسْئَلُكَ بِمَا حَمَلَ كُرْسِيُّكَ

بدرستیکه من هستم از ستمگاران سوال میکنم ترا بچیزیکه برداشته ست آنرا کرسی تو

مِنْ عَظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ وَبَهَائِكَ وَقُدْرَتِكَ

از بزرگی تو و جلال تو و روشنی تو و آنکه قدرت تو

وَسُلْطَانِكَ وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ الْمَخْزُونَةِ الْمَكْنُونَةِ

و پادشاهی تو و بوسیله نامهای تو که پوشیده نگاهداشته شده ست

قوله یا ذا الجلال والاكرام ای خداوند صفات قهریه ولطفیه پس این نام جامع ست همه صفات الهیه را

قوله سبحانك یعنی پاکی تو از آنکه در چیزی عاجز شوی تو

قوله من الظالمین یعنی از ستمگاران بر نفس خود

قوله المکنونة

الْمُطَهَّرَةِ الَّتِي لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِّنْ خَلْقِكَ

پاک کرده شده که مطلع نیست برآنها هیچ یکی از آفریدگان تو

وَبِحَقِّ الْاِسْمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى اللَّيْلِ فَاَظْلَمَ

وبوسیلهٔ نامیکه گذاشتهٔ تو اورا بر شب پس تاریک شد

وَعَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ وَعَلَى السَّمٰوٰتِ

و بر روز پس روشن شد و بر آسمانها

فَاسْتَقَلَّتْ وَعَلَى الْاَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَ

پس برپا شد و بر زمین پس قرار گرفت و

عَلَى الْبِحَارِ فَانْفَجَرَتْ وَعَلَى الْعُيُوْنِ فَنَبَعَتْ

بر دریاها پس شگافته شدند و بر چشمها پس بجوشیدند

وَعَلَى السَّحَابِ فَاَمْطَرَتْ وَاَسْئَلُكَ بِالْاَسْمَآءِ

و بر ابر پس بارید وسوال میکنم ترا بوسیلهٔ نامهای

الْمَكْتُوْبَةِ فِيْ جَبْهَةِ جِبْرِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

که نوشته شده اند در پیشانی جبریل بروی باد سلام

وَبِالْاَسْمَآءِ الْمَكْتُوْبَةِ فِيْ جَبْهَةِ اِسْرَافِيْلَ

وبوسیلهٔ نامهاییکه که نوشته شده اند در پیشانی اسرافیل

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلٰى جَمِيْعِ الْمَلٰٓئِكَةِ وَاَسْئَلُكَ

بروی باد سلام و بر همه فرشتگان و سوال میکنم ترا

قوله[١] المطهرة یعنی چنین نامهائیکه که پاک انداز همه نقصان ۱۲

قوله[٢] فانفجرت یعنی پس شگافته شدند تا آب روان شد ۱۲

فی یوم السبت

بِالْأَسْمَاءِ الْمَكْتُوبَةِ حَوْلَ الْعَرْشِ وَبِالْأَسْمَاءِ الْمَكْتُوبَةِ
بوسیلهٔ نامهای که نوشته شده اند گرداگرد عرش و بوسیلهٔ نامهای که نوشته شده اند

حَوْلَ الْكُرْسِيِّ وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ
گرداگرد کرسی و سوال میکنم ترا بوسیلهٔ نام تو که بزرگ بزرگترین است

الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَأَسْئَلُكَ بِحَقِّ أَسْمَائِكَ
که نامیده تو بآن ذات خودرا و سوال میکنم ترا بوسیلهٔ نامهای تو

كُلِّهَا مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَأَسْئَلُكَ بِالْأَسْمَاءِ
همه ها آنچه دانسته ام من از آنها و آنچه ندانسته ام و سوال میکنم ترا بوسیلهٔ نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ
که خوانده است ترا بآنها آدم ع بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ
که خوانده است ترا بآنها نوح ع بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا صَالِحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي
که خوانده است ترا بآنها صالح ع بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای که

دَعَاكَ بِهَا يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي
خوانده است ترا بآنها یعقوب ع بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای که

دَعَاكَ بِهَا يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ
خوانده است ترا بآنها یوسف ع بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای که

قوله العظیم یعنی بزرگ است به بزرگی که در فهم نیاید ۱۲

قوله الاعظم یعنی بزرگترین است از آنکه بزرگی آن کسی بعقل دریافت نماید ۱۲ و در بعضی نسخه معتمد یعقوب ع و یوسف ع مذکور اند و در بعضی نسخه نیامده ۱۲

اَلَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا يُوْنُسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

كه خوانده است ترا بآنها يونس بروى باد سلام و بوسيله نامهاى

اَلَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا مُوْسٰى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

كه خوانده است ترا بآنها موسى بروى باد سلام و بوسيله نامهاى

اَلَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا هٰرُوْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

كه خوانده است ترا بآنها هارون بروى باد سلام و بوسيله نامهاى

اَلَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا شُعَيْبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

كه خوانده است ترا بآنها شعيب بروى باد سلام و بوسيله نامهاى

اَلَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا اِبْرَاهِيْمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

كه خوانده است ترا بآنها ابراهيم بروى باد سلام و بوسيله نامهاى

اَلَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا اِسْمٰعِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

كه خوانده است ترا بآنها اسمعيل بروى باد سلام و بوسيله نامهاى

اَلَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا دَاوٗدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

كه خوانده است ترا بآنها داود بروى باد سلام و بوسيله نامهاى

اَلَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا سُلَيْمٰنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

كه خوانده است ترا بآنها سليمان بروى باد سلام و بوسيله نامهاى

اَلَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا زَكَرِيَّاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

كه خوانده است ترا بآنها زكرياء بروى باد سلام و بوسيله نامهاى

+ وبالاسماء التي دعاك بها سيدنا آدم عليه السلام ١٢

وبالاسماء التي دعاك بها سيدنا شيث عليه السلام ١٢

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يَحْيَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده ست ترا بآنها یحیی بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يُوشَعُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده ست ترا بآنها یوشع بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده ست ترا بآنها خضر بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا إِلْيَاسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي

که خوانده ست ترا بآنها الیاس بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای که

دَعَاكَ بِهَا الْيَسَعُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي

خوانده ست ترا بآنها یسع بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای که

دَعَاكَ بِهَا ذُو الْكِفْلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

خوانده ست ترا بآنها ذوالکفل بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا عِيسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده ست ترا بآنها عیسی بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

که خوانده ست ترا بآنها محمد درود فرستد خدای بروی باد و سلام

نَبِيُّكَ وَرَسُولُكَ وَحَبِيبُكَ وَصَفِيُّكَ يَا مَنْ

که پیغمبر تست و فرستاده شده تست و دوست تست و برگزیدهٔ تست ای آنکسی که

في يوم السبت

۱ و در بعضی نسخه نیز آمده و بالاسماء التی دعاک بها یحیی علیه السلام ۱۲

۲ قوله دعاک بها محمد نامهای که این پیغمبران علیهم السلام بالا درحزب پنجم مذکور شدند با تفاوت پیش و پس در بعضی نامها پس شرح این همه در آنجا باید دید ۱۲

۳ قوله یامن قال یعنی در قرآن ۱۲

قَالَ وَقَوْلُهُ الْحَقُّ وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُوْنَ

گفت وحالانکه گفتۂ او راست ست و خدای آفریده ست شمارا وآنچه شما میکنید

وَلَا يَصْدُرُ عَنْ أَحَدٍ مِّنْ عَبِيْدِهٖ قَوْلٌ وَّلَا

و واقع نمیشود از هیچ یکی از بندگان او سخنی و نه

فِعْلٌ وَّلَا حَرَكَةٌ وَّلَا سُكُوْنٌ إِلَّا وَقَدْ سَبَقَ

کاری و نه جنبشی و نه آرامیدنی مگر آنکه وتحقیق پیش گذشته است

فِيْ عِلْمِهٖ وَقَضَائِهٖ وَقَدَرِهٖ كَيْفَ يَكُوْنُ

در علم وی و در حکم وی و در اندازۂ خواهش وی چگونه خواهد بود

كَمَا أَلْهَمْتَنِيْ وَقَضَيْتَ لِيْ بِجَمْعِ هٰذَا الْكِتَابِ

از بہا انداختن تو در دل و حکم کردن تو برای من برای ترتیب دادن این کتاب

وَيَسَّرْتَ عَلَيَّ فِيْهِ الطَّرِيْقَ وَالْأَسْبَابَ وَنَفَيْتَ

وآسان کردن تو برمن در او راه و اسباب و دور کردن تو

عَنْ قَلْبِيْ فِيْ هٰذَا النَّبِيِّ الْكَرِيْمِ الشَّكَّ وَالْاِرْتِيَابَ

از دل من در این پیغمبر بزرگ تردد و بدگمانی را

وَغَلَّبْتَ حُبَّهٗ عِنْدِيْ عَلٰى حُبِّ جَمِيْعِ الْأَقْرِبَاءِ

و غالب ساختن تو دوست داشتن آنرا نزد من بر دوست داشتن همه خویشان

وَالْأَحِبَّاءِ أَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ أَنْ تَرْزُقَنِيْ

و دوستان سوال میکنم ترا ای خدای ای خدای ای خدای اینکه روزی کن مرا

قوله تعملون یعنی آنچه میکنید بسببهای خود وان یعنی افعال بندگان مخلوق پروردگار است قوله لطیفه

قوله کیف یکون خواهد بود و بچه حالت پیدا خواهد شد دراز یا کوتاه سفید یا سیاه و زشت و یا خوب بچه صورت و بچه اسلوب ١٢

قوله جمع هذا الکتاب این کلام متعلق است بسوالی که بعد ازین می آید

قوله غلبت یعنی ... قوله فی هذا النبی یعنی از پیغمبر

قوله الاحباء جمع حبیب ... قوله اسئلک یعنی سوال میکنم ...

وَكُلِّ مَنْ اَحَبَّهُ وَاتَّبَعَهُ شَفَاعَتَهُ وَمُرَافَقَتَهُ

و هر کسیکه دوست داشت آنرا و پیروی کرد اورا شفاعت او و مصاحبت او

يَوْمَ الْحِسَابِ مِنْ غَيْرِ مُنَاقَشَةٍ وَّلَا عَذَابٍ

روز شمردن اعمال بغیر از کند کش و بی رنجش

وَّلَا تَوْبِيْخٍ وَّلَا عِتَابٍ وَّاَنْ تَغْفِرَ لِيْ ذُنُوْبِيْ

و بی سرزنش و بی ملامت و آنکه بیامرزی مرا گناهان مرا

وَتَسْتُرَ عُيُوْبِيْ يَا وَهَّابُ يَا غَفَّارُ وَاَنْ

و بپوشی عیب های مرا ای دهنده بی عوض ای آمرزگار و آنکه

تُنَعِّمَنِيْ بِالنَّظَرِ اِلٰى وَجْهِكَ الْكَرِيْمِ فِيْ جُمْلَةِ

نعمت دهی و شاد گردانی مرا بدیدن بسوی دیدار تو که بزرگست در گروه

الْاَحْبَابِ يَوْمَ الْمَزِيْدِ وَالثَّوَابِ وَاَنْ

دوستان روز افزونی بخشایش و پاداش و آنکه

تَتَقَبَّلَ مِنِّيْ عَمَلِيْ وَاَنْ تَعْفُوَ عَمَّا اَحَاطَ عِلْمُكَ

بپذیری از من عمل من و آنکه درگذری از چیزیکه فرا رسیده ست علم تو

بِهٖ مِنْ خَطِيْئَتِيْ وَنِسْيَانِيْ وَزَلَلِيْ وَاَنْ

بآن از گناه من و فراموشی من و لغزش من و آنکه

تُبَلِّغَنِيْ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِهٖ وَالتَّسْلِيْمِ عَلَيْهِ وَعَلٰى

برسانی تو مرا از زیارت قبر آن سلام گفتن بروی و بر

قوله شفاعته یعنی شفاعت آن پیغمبر ۱۲

قوله یوم الحساب یعنی روز قیامت

قوله غیر مناقشة یعنی بی کند کش و سوال از افعال ۱۲

فی یوم السبت

رباعی

روزیکه مرا وصل تو در چنگ آید
از حال بهشتیان مرا ننگ آید
بی تو بصحرای بهشتم خوانند
صحرای بهشت بر دلم تنگ آید

قوله یوم المزید
یعنی روز افزونی بخشایش
تو بر مومنان
۱۲

قوله والثواب یعنی روز پاداش نیکوکاران ۱۲

قوله ونسیانی یعنی از فراموشی من در کار دین ۱۲

قوله وزللی یعنی از لغزش من و افتادن من در گناهان ۱۲

صَاحِبَيْهِ غَايَةَ أَمَلِي بِمَنِّكَ وَفَضْلِكَ وَ

هر دو یار او نهایت مقصود مرا باحسان خود و افزونی لطف خود و

جُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا رَؤُوفُ يَا رَحِيمُ

بجود خود و بخشش خود ای مهربان ای بخشاینده

يَا وَلِيُّ وَأَنْ تُجَازِيَهُ عَنِّي وَعَنْ كُلِّ مَنْ

ای یاری دهنده و آنکه پاداش دهی آنرا از من و از هر کسیکه

آمَنَ بِهِ وَاتَّبَعَهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

گرویده است باو و پیروی کرده است اورا از مسلمانان مردان و زنان

الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ أَفْضَلَ وَأَتَمَّ

زندگان از ایشان و مردگان بزرگتر و تمام تر

وَأَعَمَّ مَا جَازَيْتَ بِهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ

و شاملتر چیزیکه پاداش داده تو بآن یکی را از آفریدگان خود

يَا قَوِيُّ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيُّ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ

ای توانا ای غالب ای برتر و سؤال میکنم ترا خدایا بوسیله

مَا أَقْسَمْتُ بِهِ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

چیزیکه دست گرفتم من بآن بسوی تو اینکه درود فرستی تو بر محمد

وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ مِنْ قَبْلُ

و بر آل محمد بشمار چیزیکه پیدا کرده تو از پیش

وقته جودک و کرمک
و تتی الفضل خواندن دعا از مصنف
قبول فرموده و نیج بیت خود و زیارت قبر
تعریف حبیب خود شمرده نمود فایده
بدانکه زیارت قبر شریف پیغمبر صلعم از
اعظم طاعات و اکد سنن و مستحبات
ست و در روضة الاحباب آورده که جمهور
علما برآنند که سنتی ست مندوب و
فضیلتی ست مرغوب و بعضی از علما
بوجوب آن قایل شده و الذمه دلیل آنکه
آنحضرت فرموده کسی که طواف کعبه بکند
و زیارت نکرد مرا پس جفا کرده مرا و
بالجمله زیارت قبر شریف فضیلت و
ثواب بسیار دارد و در حدیث آمده هر
کسی که زیارت کند قبر مرا واجب گردد مر
او را شفاعت من و نیز فرموده هرکه زیارت
کند قبر مرا بعد از وفات من چنانست
که زیارت کرده مرا در حیات من و هر حال
هرکه زیارت میکند قبر شریف را سبب
خوشنودی آنحضرت میگردد و آورده اند
که چون بلال رضی الله عنه بعد از وفات آن
حضرت صلی الله علیه و سلم در شام توقف کرد پیغمبر را
صلعم در خواب دید که با وی فرمود ای بلال
ما را جفا کردی و از زیارت ما محروم ماندی بلال
از خواب بیدار شد

أَنْ تَكُونَ السَّمَاءُ مَبْنِيَّةً وَالْأَرْضُ مَدْحِيَّةً

ازانکه باشد آسمان بنا کرده شده و زمین گسترده شده

وَالْجِبَالُ عُلْوِيَّةً وَالْعُيُونُ مُنْفَجِرَةً وَالْبِحَارُ

و کوهها بلند و چشمه‌ها شگافته آب و دریاها

مُسَخَّرَةً وَالْأَنْهَارُ مُنْهَمِرَةً وَالشَّمْسُ مُضْحِيَةً

رام شدگان و جویهای آب ریزان و آفتاب تابان

وَالْقَمَرُ مُضِيئًا وَالنَّجْمُ مُنِيرًا وَلَا يَعْلَمُ أَحَدٌ

و ماهتاب درخشان و هر ستاره فروزان و نمیداند هیچ یکی

حَيْثُ تَكُونُ إِلَّا أَنْتَ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَ

جائی که بودی تو مگر تو و آنکه درود فرستی تو بروی و

عَلَى آلِهِ عَدَدَ كَلَامِكَ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ

بر آل وی بشمار کلام خود و آنکه درود فرستی تو بروی

وَعَلَى آلِهِ عَدَدَ آيَاتِ الْقُرْآنِ وَحُرُوفِهِ وَأَنْ

و بر آل وی بشمار آیتهای قرآن و حرفهای او و آنکه

تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ عَدَدَ مَنْ يُصَلِّي

درود فرستی تو بروی و بروی آل وی بشمار کسیکه درود فرستاده است

عَلَيْهِ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ عَدَدَ مَنْ

بروی و آنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار کسیکه

قوله والنجم
در بعضی نسخه والنجوم بلفظ جمع آمده ۱۲

قوله کلامک
یعنی سخنانیکه به پیغمبران خود وحی کردی و آنچه با فرشتگان مقرب گفتی

فی یوم السبت

قوله عدد آیات القرآن
نظم
آیت قرآن که خوب و دلکش است
شش هزار و شش صد و شصت و شش است

لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ

درود نفرستاده است بروی وآنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی

مِلْاَءَ اَرْضِكَ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ

باندازهٔ پری زمین خود وآنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی

عَدَدَ مَا جَرٰى بِهِ الْقَلَمُ فِيْ اُمِّ الْكِتَابِ وَاَنْ

بشمار آنچه که روان شد بوی قلم در لوح محفوظ و آنکه

تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ

درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار چیزیکه پیدا کردهٔ تو

فِيْ سَبْعِ سَمٰوٰتِكَ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ

در هفت آسمانهای خود وآنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی

عَدَدَ مَا اَنْتَ خَالِقُهٗ فِيْهِنَّ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

بشمار چیزیکه تو پیدا کنندهٔ آنرا در آنها تا روز قیامت

فِيْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَ

در هر روز هزار بار و آنکه درود فرستی تو بروی و

عَلٰى اٰلِهٖ عَدَدَ قَطْرِ الْمَطَرِ وَكُلِّ قَطْرَةٍ قَطَرَتْ

بر آل وی بشمار قطرهای باران و بر قطرهٔ که ریزیده است

مِنْ سَمَآئِكَ اِلٰى اَرْضِكَ مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ

از آسمان تو تا بسوی زمین تو از روزیکه پیدا کردهٔ تو

معنی
این الفاظ در همین
حزب و در حزب پنجم مذکور
گشته طالب را باید که در آنجا
نظر نماید
۱۲

الحزب السادس

الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ

دنیا را تا روز قیامت در هر روز هزار بار

الحزب السابع يقرأ في يوم الاحد

وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهِ عَدَدَ مَنْ سَبَّحَكَ

و آنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار کسیکه بپاکی یاد کرده است ترا

وَقَدَّسَكَ وَسَجَدَ لَكَ وَعَظَّمَكَ مِنْ يَوْمِ

و اثبات پاکی نموده است ترا و سرفرو افگنده است پیش تو و به بزرگی یاد کرده است ترا از روزیکه

خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت در هر روزی

اَلْفَ مَرَّةٍ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهِ عَدَدَ

هزار بار و آنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار

كُلِّ سَنَةٍ خَلَقْتَهُمْ فِيْهَا مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ

هر سالی که پیدا کردهٔ تو ایشان را در آن از روزیکه پیدا کردهٔ تو

الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ

دنیا را تا روز قیامت در هر روز هزار بار

وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهِ عَدَدَ السَّحَابِ

و آنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار ابرهای

قوله سبحك یعنی تسبیح گفته است بزبان حال یا بزبان قال خلایق چنانچه بیان آن در حزب اول گذشت

قوله قدسك یعنی اثبات پاکی نموده است ترا از نقصان و صفات کمال ثابت نموده است ترا

قوله سجد لك یعنی سر فرو افگنده پیش تو بعجز و زاری

قوله وعظمك یعنی بعبارت است از فروتنی و تواضع و تعظیم و بزرگداشت خداوند کریم

في يوم الاحد

بیت

در نگاهی تا بمعنی از زمین شهود جلوه ذرات جهان را در سجود

قوله خلقتهم فيها یعنی پیدا کردهٔ تو آن تسبیح گویان و سجده کنندگان را در آن سال ۱۲

قوله وعلى آله در بعضی نسخه بعد این زیاده نموده وصحبه ۱۲

الجارية وان تصلي عليه وعلى آله عدد
دونده و آنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار
الرياح الذارية من يوم خلقت الدنيا الى
بادهای پراگنده کنندگان از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا
يوم القيمة في كل يوم الف مرة وان تصلي
روز قیامت در هر روزی هزار بار و آنکه درود فرستی تو
عليه وعلى آله عدد ما هبت الرياح عليه
بروی و بر آل وی بشمار چیزیکه وزیده است بادها بر آن
وحركته من الاغصان والاشجار والاوراق
وجنبانیده است آنرا بادها از شاخها و درختان و برگهای
الثمار والازهار وعدد ما خلقت على
میوه‌ها و شگوفها و بشمار چیزیکه پیدا کردهٔ تو بر
قرار ارضك وما بين سمواتك من يوم
روی زمین خود و درمیان آسمانهای خود از روزیکه
خلقت الدنيا الى يوم القيمة في كل يوم
پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت در هر روزی
الف مرة وان تصلي عليه وعلى آله عدد
هزار بار و آنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار

قوله والاوراق الثمار یعنی بشمار برگهای بارهای که باهم پیوسته و آمیخته اند ۱۲

الحزب السابع

قوله والازهار یعنی شگوفهای درختان ۱۲

الامواج

أَمْوَاجِ بِحَارِكَ مِنْ يَوْمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى
موجهای دریاهای خود از روزیکه پیداکردهٔ تو دنیارا تا

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَأَنْ تُصَلِّيَ
روز قیامت در هر روزی هزار بار و آنکه درود فرستی تو

عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ عَدَدَ الرَّمْلِ وَالْحَصَى وَكُلِّ
بروی و بر آل وی بشمار ریگها و سنگریزها و هر

حَجَرٍ وَمَدَرٍ خَلَقْتَهُ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ
سنگی و کلوخی که پیداکردهٔ تو اورا در زمین جانب برآمدن آفتاب و

مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَجِبَالِهَا وَأَوْدِيَتِهَا
جانب فرو رفتن آن نرم آن و کوههای آن و رودخانهای آن

مِنْ يَوْمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي
از روزیکه پیداکردهٔ تو دنیارا تا روز قیامت در

كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَى
هر روز هزار بار و آنکه درود فرستی تو بروی و بر

آلِهِ عَدَدَ نَبَاتِ الْأَرْضِ فِي قِبْلَتِهَا وَجَوْفِهَا
آل وی بشمار رستنیهای زمین در قبلهٔ آن و وسط آن

وَشَرْقِهَا وَغَرْبِهَا وَسَهْلِهَا وَجِبَالِهَا مِنْ
و شرق آن و غرب آن و نرم آن و کوههای آن از

قوله امواج یعنی برهم زدن آب ۱۲

قوله حجر بفتح حاء و جیم ۱۲

قوله مدر بفتح میم و دال ۱۲

فی یوم الاحد

قوله اودیتها رودخانها و زمینهای نشیب ۱۲

قوله قبلتها وآن کعبه شریفه ست از هر جانب که اعتبار کرده شود ۱۲

شَجَرٍ وَّثَمَرٍ وَّاَوْرَاقٍ وَّزُرُوْعٍ وَّجَمِيْعِ مَآ اَخْرَجْتَ

هر درختی و میوه و برگها وکشت زارها وهمهٔ آنچه که برآورده ست آن از زمین

وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا مِنْ نَّبَاتِهَا وَبَرَكَاتِهَا مِنْ يَّوْمِ

وآنچه که برمی آید از آن از رستنیها و برکتها از روزیکه

خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کردهٔ تو دنیارا تا روز قیامت در هر روزی

اَلْفَ مَرَّةٍ وَّاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰٓى اٰلِهٖ عَدَدَ

هزار بار و آنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار

مَا خَلَقْتَ مِنَ الْاِنْسِ وَالْجِنِّ وَالشَّيَاطِيْنِ

چیزیکه پیدا کردهٔ تو از آدمیان و پریان و شیاطین

وَمَآ اَنْتَ خَالِقُهٗ مِنْهُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ

وچیزیکه تو پیدا کنندهٔ آنرا از ایشان تا روز قیامت در

كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ وَّاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰٓى

هر روزی هزار بار و آنکه درود فرستی تو بروی و بر

اٰلِهٖ عَدَدَ كُلِّ شَعْرَةٍ فِيْٓ اَبْدَانِهِمْ وَوُجُوْهِهِمْ

آل وی بشمار هر موئی در بدنهای ایشان و رویهای ایشان

وَعَلٰى رُؤُوْسِهِمْ مُنْذُ خَلَقْتَ الدُّنْيَآ اِلٰى

و بر سرهای ایشان از ابتدای زمانیکه پیدا کردهٔ تو دنیارا تا

قوله ¹ اخرجت بسکون تاء ۱۲

قوله ² یخرج بفتح یاء و ضم راء ۱۲

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ وَّاَنْ
روز قيامت در هر روزى هزار بار و آنكه
تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ عَدَدَ اَنْفَاسِهِمْ وَ
درود فرستى تو بر وى و بر آل وى بشمار دمهاى ايشان و
اَلْفَاظِهِمْ وَاَلْحَاظِهِمْ مِنْ يَّوْمَ خَلَقْتَ
ولفظهاى ايشان و نگرستنهاى ايشان از روزيكه پيدا كردهٔ تو
الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ
دنيا را تا روز قيامت در هر روز هزار
مَرَّةٍ وَّاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ عَدَدَ
بار و آنكه درود فرستى تو بر وى و بر آل وى بشمار
طَيَرَانِ الْجِنِّ وَخَفَقَانِ الْاِنْسِ مِنْ يَّوْمَ
پريدن پريان و جنبيدن آدميان از روزيكه
خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ
پيدا كردهٔ تو دنيا را تا روز قيامت در هر روزى
اَلْفَ مَرَّةٍ وَّاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ عَدَدَ
هزار بار و آنكه درود فرستى تو بر وى و بر آل وى بشمار
كُلِّ بَهِيْمَةٍ خَلَقْتَهَا عَلٰى اَرْضِكَ صَغِيْرَةً
هر چهارپائى كه پيدا كردهٔ تو اورا بر زمين خود خورد باشد

قوله ١ الفاظهم
يعنى مفرد باشد يا مركب
با معنى باشد
يا بى معنى ١٢

قوله ٢ خفقان
بفتح فاء وقاف يعنى
جنبيدن آدميان
در سير و شكار
و براى هر
كارى ١٢

فى يوم الاحد

قوله ٣ صغيرة وكبيرة
منصب بر ودود بعضى
نسخه آمده بجاى واو
و حرف هر دو ١٢

فوائد و نمل

لطیفه

در کشف الاسرار آورده که چون مورچه سخن با سلیمان علیه السلام گفت سلیمان علیه السلام از وی پرسید که لشکر تو چند است گفت لشکر من چهار هزار سرهنگ دارم که زیر دست هر یکی چهل هزار نقیب است و زیر دست هر نقیبی چهل هزار مورچه گفت چرا زیر زمین نیائید و بیرون نیاری گفت مارا اختیار کردیم در زیر زمین جای پیدا و نداد حال ملکی ما

مثنوی

فهم چه گر بیدی هر که عاقل است

وگفتم تا بگه خدا حال

گفت تا گود و خلوت مغاهای دل است

قوله نحل

یعنی و بشمار آنچه که پیدا کرده تو از زنبوران شهد

وَكَبِيرَةٍ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا

و بزرگ در جانب زمین برآمدن آفتاب وجانب فرورفتن آن

مِمَّا عَلِمَ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُ عِلْمَهُ إِلَّا أَنْتَ مِنْ يَوْمٍ

از جنس چیزیکه دانسته شده است وازجنس چیزیکه فرا رسیده است بآن دانش مگر تو از روزیکه

خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت در هر روزی

أَلْفَ مَرَّةٍ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ عَدَدَ

هزار بار و آنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار

مَنْ صَلَّىٰ عَلَيْهِ وَعَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ

کسیکه درود فرستاده است بروی و بشمار کسیکه درود نفرستاده است بروی

وَعَدَدَ مَنْ يُصَلِّي عَلَيْهِ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

و بشمار کسیکه درود فرستد بروی تا روز قیامت

فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ

در هر روزی هزار بار و آنکه درود فرستی تو بروی

وَعَلَىٰ آلِهِ عَدَدَ الْأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ وَعَدَدَ

و بر آل وی بشمار زندگان و مردگان و بشمار

مَا خَلَقْتَ مِنْ حِيتَانٍ وَطَيْرٍ وَنَمْلٍ وَنَحْلٍ

آنچه که پیدا کرده تو از ماهیان و پرندگان و مورچها و زنبور

دقیقه

هرکه در صنایع زنبور دیدهٔ عقل و شعور بگشاید حکمت الهی و قدرت بادشاهی معلوم نماید که میوهٔ تلخ خورند و شهد شیرین بار دهند و بمسافت فرسنگها سیر نمایند و باز بمکان خود باز آیند و جز پاک و پاکیزه نخورند گرد پلید و نجس هرگز نپرند و خانهای خود آنچنان بترتیب عجیب مرتب سازند که صانعان عاقل

وصنعت آن حیران مانند ... انسان ... شفای ... فکر دل ...

وَحَشَرَاتٍ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ فِي
و چرندگان و آنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی در

اللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى وَالنَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰى وَاَنْ
شب وقتیکه تاریک شود و روز وقتیکه روشن شود و آنکه

تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ فِي الْاٰخِرَةِ وَالْاُوْلٰى
درود فرستی تو بروی و بر آل وی در آخرت و دنیا

وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ مُنْذُ كَانَ
و آنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی از ابتدای زمانیکه بودی

فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا اِلٰى اَنْ صَارَ كَهْلًا مَهْدِيًّا
در گهواره کودک تا آنکه گشت میانه سال راه نموده شده

فَقَبَضْتَهُ اِلَيْكَ عَدْلًا مَرْضِيًّا لِتَبْعَثَهُ
پس قبض کردی روح پاک ویرا بسوی خود درحالیکه صاحب عدل بود خوشنود کرده شده ازبهر آنکه برانگیزی تو اورا

شَفِيعًا حَفِيًّا وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ
شفاعت کننده مهربان و آنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی

عَدَدَ خَلْقِكَ وَرِضٰى نَفْسِكَ وَزِنَةَ
بشمار آفرینش خود و خوشنودی ذات خود و بوزن

عَرْشِكَ وَمِدَادَ كَلِمَاتِكَ وَاَنْ تُعْطِيَهُ
عرش خود و باندازه سخنان خود و آنکه دهی تو اورا

قوله وحشرات چرندگان زمین چنانچه سوسمار و موش و جز آن ۱۲

قوله مهدیا ره نموده شده برهنمائی تو بسوی اسلام و خوبی ۱۲

قوله مرضیا درحالتیکه خوشنود کرده شده بود از تو ۱۲

قوله لتبعثه یعنی قبض کردی بدین صفت از بهر آنکه برانگیزی تو اورا روز قیامت ۱۲

فی یوم الاحد

قوله شفیعا شفاعت کننده خلائق را پیش تو ۱۲

ورضاء مغ ۱۲

قوله حفیا در بعضی نسخه ها ندا ۱۲

الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ

وسیله و بزرگی و پایه بلند

وَالْحَوْضَ الْمَوْرُودَ وَالْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَالْعِزَّ

و حوض مورود و مقام که ستوده شده است و عزت

الْمَمْدُودَ وَأَنْ تُعَظِّمَ بُرْهَانَهُ وَأَنْ تُشَرِّفَ

دراز پاینده و آنکه بزرگ گردانی تو دلیل ورا و آنکه مشرف گردانی

بُنْيَانَهُ وَأَنْ تَرْفَعَ مَكَانَهُ وَأَنْ تَسْتَعْمِلَنَا

بنیان اورا و آنکه بلند گردانی مکان اورا و آنکه گردانی تو ما یانرا کار کنندگان

يَا مَوْلَانَا بِسُنَّتِهِ وَأَنْ تُمِيتَنَا عَلَى مِلَّتِهِ

ای مالک مایان بطریقهٔ وی و آنکه بمیرانی تو مایانرا بر دین وی

وَأَنْ تَحْشُرَنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لِوَائِهِ وَأَنْ

و آنکه محشور گردانی مایانرا در گروه وی و زیر نیزه وی و آنکه

تَجْعَلَنَا مِنْ رُّفَقَائِهِ وَأَنْ تُورِدَنَا حَوْضَهُ

گردانی مایانرا از رفقای وی و آنکه فرود آری مایانرا بر حوض وی

وَأَنْ تَسْقِيَنَا بِكَأْسِهِ وَأَنْ تَنْفَعَنَا بِمَحَبَّتِهِ

و آنکه بیاشامی مایانرا بجام وی و آنکه نفع دهی مایانرا در محبت وی

وَأَنْ تَتُوبَ عَلَيْنَا وَأَنْ تُعَافِيَنَا مِنْ جَمِيعِ

و آنکه بپذیری توبهٔ مایانرا و آنکه نجات دهی مایانرا از همهٔ

قوله والمقام المحمود کسیکه ورد این کتاب دارد معلوم مینماید که معنی این الفاظ بالا مکرر گذشته ١٢

السابع الحزب

قوله العزّ الممدود عزت دراز جمندی دراز و پاینده همیشه ١٢

الْبَلَاۤءِ وَالْبَلْوَآءِ وَالْفِتَنِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا

رنجها و آفتها و فتنه ها چیزیکه آشکار است از آنها و چیزیکه

بَطَنَ وَاَنْ تَرْحَمَنَا وَاَنْ تَعْفُوَ عَنَّا وَتَغْفِرَ لَنَا

پوشیده است و آنکه رحم کنی ما یانرا و آنکه درگذری از گناهان ما یان و ببخشی ما یانرا

وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَ

و مر همه مؤمنین مردان و زنان را و مسلمانان مردان و

الْمُسْلِمٰتِ الْاَحْيَاۤءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ وَالْحَمْدُ

زنانرا زندگان از ایشان و مردگان و همه ستایش ثابت است

لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ وَهُوَ حَسْبِيْ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ

مر خدایرا که پروردگار عالمیانست و آنخدای کفایت کننده و نیکو کارگذار است

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ

و نیست باز ماندن از معصیت و نه توانائی بر عبادت مگر بتوفیق خدائیکه برتر بزرگتر است

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ مَّا سَجَعَتِ

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد مدت همیشگی آواز کردن

الْحَمَآئِمُ وَحَمَتِ الْحَوَآئِمُ وَسَرَحَتِ الْبَهَآئِمُ

کبوتران و گرد بگردیدن پرندگان و رفتن بچراگاه چهارپایان

وَنَفَعَتِ التَّمَآئِمُ وَشُدَّتِ الْعَمَآئِمُ وَنُمَتِ

و نفع دادن تعویذها و بسته شدن دستارها و رستن

فی یوم الاحد

قوله النوائب رستنیها از درختان و کشت زارها ۱۲

تنبیه نوائم در اصل نوائی بود یا را بجای ... در کلام عرب ... می آید ۱۲

قوله تقلّدت بضم تا و قاف و کسر لام مشدده ۱۲

قوله الصّفاح بکسر صاد یعنی بدوش آویزان شوند شمشیرها مانند حمایل ۱۲ قوله اعتقلت بضم تا و کسر قاف ۱۲

النَّوَائِبِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ

رستنیها خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

مَّا اَبْلَجَ الْاِصْبَاحُ وَهَبَّتِ الرِّيَاحُ وَدَبَّتِ

تا زمانیکه روشن میکردند صبحها و می وزند بادها و می جنبند

الْاَشْبَاحُ وَتَعَاقَبَ الْغُدُوُّ وَالرَّوَاحُ وَ

جسمها و درپی می آیند بایکدیگر بامداد و شبانگاه و

تُقُلِّدَتِ الصِّفَاحُ وَاعْتُقِلَتِ الرِّمَاحُ

بدوش آویزان شوند شمشیرها و گذاشته شوند میان رکاب و ساق نیزه‌ها

وَصَحَّتِ الْاَجْسَادُ وَالْاَرْوَاحُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و درست و به میشوند تنها و جانها خدایا درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ مَّا دَارَتِ الْاَفْلَاكُ

بر محمد و بر آل محمد تا مدتی که میگردند آسمانها

وَدَجَتِ الْاَحْلَاكُ وَسَبَّحَتِ الْاَمْلَاكُ اَللّٰهُمَّ

و تاریک میشوند شبهای سخت سیاه و تسبیح میگویند فرشتگان خدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد چنانچه درود فرستاده تو بر

اِبْرٰهِيْمَ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

ابراهیم و برکت ده بر محمد و بر آل محمد چنانچه

قوله الرّماح بکسر را یعنی تا زمانیکه گذاشته شوند میان رکاب و ساق نیزه‌ها چنانچه سواران جنگی میکنند ۱۲

التابع من الحزب

قوله وصحّت الاجساد والارواح و درست و به میشوند تنها و ...

قوله سبّحت ... ۱۲

بارکت

قوله وما صليت
بضم صاد و تاء
الامر المخاطب ١٢

قوله الخمس
يعني نمازهای
پنجگانه که فرض است
ادای آن بر بندگان
شبانه روز ١٢

بَارَكْتَ عَلَىٰ اِبْرٰهِيْمَ فِي الْعٰلَمِيْنَ اِنَّكَ
برکت داده‌ئی تو بر ابراهیم ع در عالمیان بدرستیکه تو

حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ
ستوده شده بزرگواری خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ مَّا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَمَا صُلِّيَتِ الْخَمْسُ
محمد تا مدتی که بر می آید آفتاب و تا مدتیکه نماز گذارده میشود پنجگانه

وَمَا تَاَلَّقَ بَرْقٌ وَّتَدَفَّقَ وَدْقٌ وَّمَا سَبَّحَ رَعْدٌ
و تا مدتیکه درخشد برق و میریزد باران و تا مدتیکه تسبیح میگوید رعد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ مِّلْاَ
خدایا درود بفرست بر محمد ع و بر آل محمد ع باندازهٔ پری

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمِلْاَ مَا بَيْنَهُمَا وَمِلْاَ مَا
آسمانها و زمین و باندازهٔ پری آنچه درمیان آنهاست و باندازهٔ پری آنچه

شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ اَللّٰهُمَّ كَمَا قَامَ بِاَعْبَاءِ
میخواهی تو از چیزی پس از آنها خدایا چنانچه برخاست وی ببارهای

الرِّسَالَةِ وَاسْتَنْقَذَ الْخَلْقَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ
پیغمبری و خلاص کردن وی آفریدگان را از نادانی و

جَاهَدَ اَهْلَ الْكُفْرِ وَالضَّلَالَةِ وَدَعَا اِلٰى
کارزار کرد او باهل کفر و گمراهی و خواند او خلق را بسوی

قوله ماتالّق
به تشدید لام
برق روشنی که از ابر
بیرون جهد تدفّق بتشدید
فا دوق بفتح واو و
سکون دال ١٢

قوله رعد
آواز سخت که از ابر شنوده
شود و در روایت آمده که رعد
فرشته ایست که میراند ابر را بهر
سوی که امر الهی شود و
برق تازیانه
اوست ١٢

في يوم الاحد

قوله بعد
بضم اول یعنی
پس از آسمانها
زمین
١٢

قوله باعباء الرّسالة
یعنی برسانیدن احکام
تو به بندگان
تو
١٢

قوله الجهالة
یعنی نادانی در
امر دین

قوله توحیدک بیان اقسام توحید در حزب سیوم
منفصل طول کرده شده و نهایت مرتبه
وی این است که موحد ذات همه ذرات را در
ذات حق محو نابود بیند و صفات و افعال
همه را ظل صفات و افعال او شناسد

نظم
چیست توحید خدا آموختن
خویشتن را پیش واحد سوختن
گر همی خواهی که بفروزی چو روز
هستی همچون شب خود را بسوز
هستیت در هست آن هستی نواز
همچو مس در کیمیا انداز گداز

تَوْحِيدِكَ وَقَاسَى الشَّدَائِدَ فِي إِرْشَادِ

اقرار توحید تو و رنج کشیدن بسختیها در رهنمائی

عَبِيدِكَ فَأَعْطِهِ اللّٰهُمَّ سُؤْلَهُ وَبَلِّغْهُ

بندگان تو پس بده اورا خدایا چیزیکه سوال کرده است آن و برسان اورا

مَأْمُولَهُ وَآتِهِ الْفَضِيلَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالدَّرَجَةَ

مقصود اورا و بده اورا بزرگی و وسیله و پایه

الرَّفِيعَةَ وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي

بلند و برانگیز اورا در مقام ستوده شده که

وَعَدْتَهُ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اللّٰهُمَّ وَاجْعَلْنَا مِنَ

وعده کرده تو اورا بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را خدایا و گردان مایانرا از

الْمُتَّبِعِينَ لِشَرِيعَتِهِ الْمُتَّصِفِينَ بِمَحَبَّتِهِ الْمُهْتَدِينَ

پیروان مر راه اورا که گشته است صفت ایشان دوستی او که راه یافتگان

بِهَدْيِهِ وَسِيرَتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى سُنَّتِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا

بطریقه وی و خصلت وی اند و بمیران مایان را بر طریقه وی و بی نصیب مگردان مایانرا

فَضْلَ شَفَاعَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي أَتْبَاعِهِ الْغُرِّ

از بخشش شفاعت وی و فراهم آر مایانرا در پیروان وی که روشن بود

الْمُحَجَّلِينَ وَأَشْيَاعِهِ السَّابِقِينَ وَأَصْحَابِ

پیشانیها و دستها و پایهای ایشان و در گروه وی که پیش گرفتگان بوده اند و در اصحاب

قوله عبیدک بندگان تو
قوله فاعطه یعنی پس بده
قوله بلغه مامولة برسان اورا مقصود او
نظم
ای همه چشم خود را بهر و ماه داغ
نظر جوهر گرفت از نقش کونین

قوله المتبعین لشریعته یعنی
پیروی کنندگان شریعت نبوی
قطعه
مقصود ز تحقیق سیدان
شریعت است

قوله بهدیه یعنی بطریقه وی
قوله السابقین

قوله اصحاب الیمین آن نیکوکارانند که اعمال و روز قیامت بدست راست ایشان دهند ۱۲

قوله اجمعین یعنی همه اهل زمین و آسمانها از فرشتگان و پیغمبران ۱۲

قوله المرحومین بخشیده شدگان و رونق یافتگان ۱۲

الْيَمِينِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَلٰٓئِكَتِكَ

دست راست ای بخشاینده ترین بخشایندگان خدایا درود بفرست بر فرشتگان خود

وَالْمُقَرَّبِينَ وَعَلٰى أَنْبِيَآئِكَ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلٰى

و نزدیکان درگاه تو و بر پیغمبران خود و مرسلان و بر

أَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ وَاجْعَلْنَا بِالصَّلٰوةِ

اهل فرمانبرداران خود همه آنها و گردان مایانرا ببرکت درود فرستادن

عَلَيْهِمْ مِنَ الْمَرْحُومِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

برایشان از بخشیده شدگان خدایا درود بفرست بر محمد

الْمَبْعُوثِ مِنْ تِهَامَةَ وَالْآمِرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ

که برانگیخته شده است از تهامه و فرماینده به نیکوئی و

الْاِسْتِقَامَةِ وَالشَّفِيعِ لِأَهْلِ الذُّنُوبِ فِي

ثبات دین و شفاعت کننده مر اهل گناهان در

عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ اَللّٰهُمَّ أَبْلِغْ عَنَّا نَبِيَّنَا وَ

میدانهای قیامت خدایا برسان از مایان پیغمبر مایانرا و

شَفِيعَنَا وَحَبِيبَنَا أَفْضَلَ الصَّلٰوةِ وَالتَّسْلِيمِ

شفاعت کننده مایانرا و محبوب مایانرا بزرگترین درود و سلام

وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الْكَرِيمَ وَآتِهِ الْفَضِيلَةَ

و برانگیز اورا در مقام ستوده شده بزرگ و بده اورا بزرگی

قوله تهامة بکسر تاء و آن نام زمین نشیب است از بلاد حجاز که مکه معظمه از آن است ۱۲

فی یوم الاحد

قوله بالمعروف به نیکوئی که ایمان است و طاعت الٰهی و متابعت سنت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله وسلم ۱۲

قوله والاستقامة و فرماینده ثابت بودن بر راه دین و بر طاعت مولا بالصدق و یقین ۱۲

نظم

تو بهر کاری که باشی مستقیم

ور نمائی کجی بخواری از و

ور نداری استقامت در گذر

گر نخواهی یافت آگاهی ازو

فائده

وینکه استقامت آنست که خود را

از ناسوی الله محفوظ داری و غیر

حق را معدوم مطلق شماری ۱۲

نظم

لی راه دائم اهل استقامت

که باشد بر سر کوی سلامت

زاوصاف طبیعت پاک مرده

باخلاص هویت جان سپرده ۱۲

قوله والوسيلة یعنی تقرب در درگاه خود که سبب شفاعت [illegible] خلایق را ۱۲

قوله الموقف العظیم یعنی [illegible] در جای ایستادن کلان [illegible] ۱۲

وَالْوَسِيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ الَّتِي وَعَدْتَهُ

و تقرب درگاه خود و مرتبه بلند که وعده کرده تو او را

فِي الْمَوْقِفِ الْعَظِيمِ وَصَلِّ اللّٰهُمَّ عَلَيْهِ صَلٰوةً

در جای بزرگ و درود بفرست خدایا بروی درودی که

دَآئِمَةً مُتَّصِلَةً تَتَوَالٰى وَتَدُومُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ

همیشه باشد پی در پی آینده یکی پس دیگری آینده و پاینده بود خدایا درود بفرست بروی

وَعَلٰى اٰلِهٖ مَا لَاحَ بَارِقٌ وَذَرَّ شَارِقٌ وَوَقَبَ

و بر آل وی تا مدتیکه روشن میگردد درخشنده و برمی آید طلوع کننده و تاریک میگردد

غَاسِقٌ وَانْهَمَرَ وَادِقٌ وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ

شب و می وزد ابر و درود بفرست بروی و بر آل وی

مِلْأَ اللَّوْحِ وَالْفَضَاءِ وَمِثْلَ نُجُومِ السَّمَاءِ وَعَدَدَ

باندازه پری لوح محفوظ و زمین گشاده و مانند ستارگان آسمان و بشمار

الْقَطْرِ وَالْحَصٰى وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ صَلٰوةً لَا

قطرهای باران و سنگریزها و درود بفرست بروی و بر آل وی درودیکه

تُعَدُّ وَلَا تُحْصٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ زِنَةَ عَرْشِكَ

شمرده نشود و شمار کرده نشود خدایا درود بفرست بروی بوزن عرش خود

وَمَبْلَغَ رِضَاكَ وَمِدَادَ كَلِمَاتِكَ وَمُنْتَهٰى رَحْمَتِكَ

و باندازه نهایت رسیدگی خوشنودی خود و بمقدار سخنان خود و باندازه نهایت رسیدگی بخشش خود

قوله لاح یعنی درخشنده بارق درخشنده یعنی روشنی که از ابر بیرون جهد ۱۲

قوله وذر بذال منقوطه یعنی برمی آید شارق یعنی آفتاب ۱۲

الحزب السابع

قوله لا تعد یعنی شمرده نشود بسبب بسیاری آن ۱۲

وعلى آله

قوله ولا تحصى ذکر دو لفظ بیک معنی برای تاکید است ۱۲

قوله صل علیه [illegible] ۱۲

قوله منتهی رحمتک یعنی باندازه نهایت [illegible] ۱۲

اللهم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَاَزْوَاجِهٖ وَذُرِّيَّتِهٖ

خدایا درود بفرست بروی و بر آل وی و زنان وی و ذریت وی

وَبَارِكْ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَاَزْوَاجِهٖ وَذُرِّيَّتِهٖ كَمَا

و برکت ده بروی و بر آل وی و زنان وی و ذریت وی چنانچه

صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ

درود فرستاده تو و برکت داده تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ وَجَازِهٖ عَنَّا اَفْضَلَ مَا جَازَيْتَ

بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری و پاداش ده او را از ما پایان بزرگترین آنچه پاداش داده تو

نَبِيًّا عَنْ اُمَّتِهٖ وَاجْعَلْنَا مِنَ الْمُهْتَدِيْنَ بِمِنْهَاجِ

پیغمبر را از امت او و گردان ما پایان را از راه یافتگان براه روشن

شَرِيْعَتِهٖ وَاهْدِنَا بِهَدْيِهٖ وَتَوَفَّنَا عَلٰى مِلَّتِهٖ

شریعت وی و خو پذیر گردان ما پایان را بخصلت وی و بمیران ما پایان را بر دین وی

وَاحْشُرْنَا يَوْمَ الْفَزَعِ الْاَكْبَرِ مِنَ الْاٰمِنِيْنَ فِيْ

و جمع گردان ما پایان را روز اندوه بزرگتر از ایمن شدگان در

زُمْرَتِهٖ وَاَمِتْنَا عَلٰى حُبِّهٖ وَحُبِّ اٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ

گروه وی و بمیران ما پایان بر دوستی وی و دوستی آل وی و یاران وی

وَذُرِّيَّتِهٖ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ اَفْضَلِ اَنْبِيَائِكَ

و ذریت وی خدایا درود بفرست بر محمد که بزرگترین پیغمبران تست

قوله بهدیه بفتح هاء وسکون دال ۱۲

قوله الفزع الاکبر بفتح فاء و زای منقوطه یعنی روز ترس و اندوه بزرگتر و آن روز قیامت است که همه از هیبت آن در ترس و اندوه باشند ۱۲

فی یوم الاحد

وَاَكْرَمِ اَصْفِيَائِكَ وَاِمَامِ اَوْلِيَائِكَ وَخَاتِمِ
و بزرگترین برگزیدگان تست و پیشوای دوستان تست و آخر همه
اَنْبِيَائِكَ وَحَبِيْبِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَشَهِيْدِ
پیغمبران تست و محبوب پروردگار عالمیان ست وگواهی دهنده
الْمُرْسَلِيْنَ وَشَفِيْعِ الْمُذْنِبِيْنَ وَسَيِّدِ وُلْدِ
برای پیغمبران وشفاعت کننده گنهگاران را و بهتر اولاد
اٰدَمَ اَجْمَعِيْنَ الْمَرْفُوْعِ الذِّكْرِ فِي الْمَلٰٓئِكَةِ
آدم همه برداشته شده ذکراو در فرشتگان
الْمُقَرَّبِيْنَ الْبَشِيْرِ النَّذِيْرِ السِّرَاجِ الْمُنِيْرِ الصَّادِقِ
که نزدیکان درگاه تواند بشارت دهنده ترساننده چراغ روشن راستگو
الْاَمِيْنِ الْحَقِّ الْمُبِيْنِ الرَّؤُفِ الرَّحِيْمِ الْهَادِيْ
امین حق ظاهر مهربان بخشاینده راه نماینده
اِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيْمِ الَّذِيْ اٰتَيْتَهٗ سَبْعًا مِّنَ
بسوی راه راست که داده تو او را هفت آیه از
الْمَثَانِيْ وَالْقُرْاٰنَ الْعَظِيْمَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَهَادِي الْاُمَّةِ
قرآن و قرآن که بزرگ ست پیغمبر صاحب بخشایش و رهنمای امت
اَوَّلِ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْاَرْضُ وَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ
نخستین که شگافته میگردد از وی زمین و داخل شود به بهشت

قوله ١
شهید المرسلین
یعنی گواهی دهنده برای پیغمبران
در روز قیامت بر رسانیدن
ایشان احکام الهی را
باستان خود
١٢

قوله ٢
الی الصراط المستقیم
بیت
راه دان و راه بین و راه بر
فی الحقیقت نیست جز خیر البشر

قوله ٣
سبعا من المثانی
قرآن را مثانی گفته اند بجهت
آنکه احکام و قصص
در وی ثنی شده اند
یعنی
تکرار یافته اند
١٢

قوله ٤
العظیم
یعنی بزرگ ست مرتبهٔ
آن تر دو تو
١٢

قوله ٥
نبی الرحمة
یعنی ان تا نعبت برای
عالمیان
١٢

قوله ٦
اول
من تنشق عنه
یعنی برانگیخته شود
از قبر
١٢

فی یوم الاحد

وَالْمُؤَيَّدِ بِجِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ الْمُبَشَّرِ بِهِ فِي

وقوت داده شده بجبرئیل و میکائیل مژده داده شده بآمدن وی در

التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيلِ الْمُصْطَفَى الْمُجْتَبَى الْمُنْتَخَبِ

توریت و انجیل برگزیده شده چیده شده منتخب

اَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ

پدر قاسم محمد پسر عبد الله پسر عبد المطلب

بْنِ هَاشِمٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَلٰٓئِكَتِكَ وَالْمُقَرَّبِينَ

پسر هاشم خدایا درود بفرست بر فرشتگان خود و نزدیکان درگاه خود

الَّذِينَ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ وَلَا

که تسبیح میگویند شب و روز سست نمی شوند و

يَعْصُونَ اللّٰهَ مَا اَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

نافرمانی نمیکنند خدایرا در آنچه فرمایدایشانرا و میکنند آنچه فرموده میشوند در آن

اَللّٰهُمَّ وَكَمَا اصْطَفَيْتَهُمْ سُفَرَاۤءَ اِلٰى رُسُلِكَ

خدایا و از برگزیدن تو ایشانرا پیغام گذاران خود بسوی پیغمبران خود

وَاُمَنَاۤءَ عَلٰى وَحْيِكَ وَشُهَدَاۤءَ عَلٰى خَلْقِكَ وَ

و امانت داران بر وحی خود و گواهان بر آفرینش خود و

خَرَقْتَ لَهُمْ كَنَفَ حُجُبِكَ وَاَطْلَعْتَهُمْ عَلٰى مَكْنُونِ

پاره کردن تو برای ایشان پرده های پوشیدگیهای خود و دانا ساختن تو ایشانرا بر پوشیده شده

غَيبِكَ وَاخْتَرْتَ مِنْهُمْ خَزَنَةً لِجَنَّتِكَ وَحَمَلَةً

غیب خود و اختیار کردن تو از آن نگاهبان برای بهشت خود و بردارندگان

لِعَرْشِكَ وَجَعَلْتَهُمْ مِنْ اَكْثَرِ جُنُودِكَ وَفَضَّلْتَهُمْ

برای عرش خود و گردانیدن تو آنرا از بیشترین لشکرهای خود و بزرگی دادن تو ایشانرا

عَلَى الْوَرٰى وَاَسْكَنْتَهُمُ السَّمٰوٰتِ الْعُلٰى وَنَزَّهْتَهُمْ

بر خلق و ساکن ساختن تو ایشانرا در آسمانهای بلندتر و پاک ساختن تو آنهارا

عَنِ الْمَعَاصِيْ وَالدَّنَاءَاتِ وَقَدَّسْتَهُمْ عَنِ النَّقَائِصِ

از نافرمانیها و خصلتهای کمینه و پاکیزه گردانیدن تو آنهارا از نقصانها

وَالْاٰفَاتِ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلٰوةً دَائِمَةً تَزِيْدُهُمْ

و رنجها پس درود بفرست بر ایشان درودیکه همیشه باشد که بیفزائی تو آنهارا

بِهَا فَضْلًا وَتَجْعَلُنَا لِاِسْتِغْفَارِهِمْ بِهَا اَهْلًا

بسبب آن بزرگی و گردان تو ما یانرا برای آمرزش خواستن آنها بسبب آن سزاوار

اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى جَمِيْعِ اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ الَّذِيْنَ

خدایا و درود بفرست بر همه پیغمبران خود و مرسلان خود که

شَرَحْتَ صُدُوْرَهُمْ وَاَوْدَعْتَهُمْ حِكْمَتَكَ وَ

گشاده کردهٔ تو سینهای ایشان و امانت گذاشتی نزد ایشان حکمت خودرا و

طَوَّقْتَهُمْ نُبُوَّتَكَ وَاَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ كُتُبَكَ وَهَدَيْتَ

مانند طوق برای آنها نبوت خودرا و فرو فرستادی تو بر ایشان کتابهای خودرا و راه نمودی تو

قوله غیبک ای غایب از نظر آفریدگان ۱۲ قوله اکثر جنودک ... فرشتگان ... قوله فضلتهم علی الوری ... قطعه ... آدمی می تواند از فرشته افضل در گذرد ... العلی ... اصلی ... والدناءات ... السابع الحزب ... النقائص ...

بِهِمْ خَلْقَكَ وَدَعَوْا اِلٰى تَوْحِيدِكَ وَشَوَّقُوا اِلٰى

بسبب ایشان آفریدگان خود و خواندند بسوی توحید تو و شوق آوردند بسوی

وَعْدِكَ وَخَوَّفُوا مِنْ وَعِيدِكَ وَاَرْشَدُوا اِلٰى

وعدهٔ تو و ترسانیدند از عذاب تو و راه نمودند بسوی

سَبِيلِكَ وَقَامُوا بِحُجَّتِكَ وَدَلِيلِكَ وَسَلِّمِ اللّٰهُمَّ

راه تو و ایستادند بدلیل تو و برهان تو و سلام بفرست خدایا

عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَهَبْ لَنَا بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِمْ اَجْرًا

برایشان سلام فرستادنی و بده مایانرا بسبب درود فرستادن برایشان پاداش

عَظِيمًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً

بزرگ خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد درودیکه

دَائِمَةً مَقْبُولَةً تُؤَدِّي بِهَا عَنَّا حَقَّهُ الْعَظِيمَ

همیشه باشد قبول کرده شده کرادا کنی تو بسبب آن از مایان حق او که بزرگ است

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَاحِبِ الْحُسْنِ وَالْجَمَالِ وَ

خدایا درود بفرست بر محمد که خداوند نیکوئی و خوبروئی

الْبَهْجَةِ وَالْكَمَالِ وَالْبَهَاءِ وَالنُّورِ وَالْوِلْدَانِ

و تازگی و کمال و زیبائی و روشنی و ولدان

وَالْحُورِ وَالْغُرَفِ وَالْقُصُورِ وَاللِّسَانِ الشَّكُورِ

و حور و دریچه‌ها و کوشکهای بلند و زبان سپاس گذاری

تیره‌گی شب بنور از دیده‌وی دور نه قوله الولدان بکر واو کودکان آراستگان بگوی زرین قوله والحور زنان سفیدروی کشاده‌چشم

وَالْقَلْبِ الْمَشْكُورِ وَالْعِلْمِ الْمَشْهُورِ وَالْجَيْشِ

و دل ستوده شده و دانش مشهور و لشکر

الْمَنْصُورِ وَالْبَنِينَ وَالْبَنَاتِ وَالْأَزْوَاجِ

یاری داده شده و فرزندان و دختران و زنان

الطَّاهِرَاتِ وَالْعُلُوِّ عَلَى الدَّرَجَاتِ وَالزَّمْزَمِ

پاک و بلندی بر درجات و زمزم

وَالْمَقَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاجْتِنَابِ الْآثَامِ وَتَرْبِيَةِ

و مقام و مشعر حرام و دوری از گناهان و پرورش

الْأَيْتَامِ وَالْحَجِّ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَتَسْبِيحِ الرَّحْمٰنِ

یتیمان و حج و خواندن قرآن و پاکی یاد کردن خدای بخشنده را

وَصِيَامِ رَمَضَانَ وَاللِّوَاءِ الْمَعْقُودِ وَالْكَرَمِ

و روزه داشتن ماه رمضان و نیزه گره داده شده و بخشایش

وَالْجُودِ وَالْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ صَاحِبِ الرَّغْبَةِ وَ

و سخا و تمام کردن پیمانها خداوند خواهش و

التَّرْغِيبِ وَالْبَغْلَةِ وَالنَّجِيبِ وَالْحَوْضِ وَالْقَضِيبِ

خواهش دهنده و استر و نجیب و حوض کوثر و عصا

النَّبِيِّ الْأَوَّابِ النَّاطِقِ بِالصَّوَابِ الْمَنْعُوتِ

پیغمبری که بازگرونده گویا براستی ستوده شده

قوله كنز الله يعني حقتعالى گنجهای رحمت وهدایت خود ...

قوله حجة الله ...

فقد اطاع الله ...

فِي الْكُتُبِ النَّبِيِّ عَبْدِ اللهِ النَّبِيِّ كَنْزِ اللهِ النَّبِيِّ

در هر کتابی پیغمبری که بندهٔ خداست پیغمبری که گنجینه خداست پیغمبری که

حُجَّةِ اللهِ النَّبِيِّ مَنْ اَطَاعَهُ فَقَدْ اَطَاعَ اللهَ وَمَنْ

حجت خداست پیغمبری که هرکه اطاعت کرد اورا پس تحقیق اطاعت کرد خدایرا و هرکه

عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللهَ النَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ الْقُرَشِيِّ

نافرمانی کند اورا پس تحقیق نافرمانی کرد خدایرا پیغمبری عربی قرشی

الزَّمْزَمِيِّ الْمَكِّيِّ التِّهَامِيِّ صَاحِبِ الْوَجْهِ الْجَمِيلِ

زمزمی مکی تهامی خداوند روی زیبا

وَالطَّرْفِ الْكَحِيلِ وَالْخَدِّ الْاَسِيلِ وَالْكَوْثَرِ وَ

وچشمان سرمه گین و رخسارهٔ هموار وحوض کوثر و

السَّلْسَبِيلِ قَاهِرِ الْمُضَادِّينَ مُبِيدِ الْكَافِرِينَ

سلسبیل غالب بر مخالفان دین هلاک کننده کافرین

وَقَاتِلِ الْمُشْرِكِينَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ اِلَى جَنَّاتِ

و کشنده مشرکان ازجیش کشنده آنانراکه پیشانی ودو دست پای ایشان روشن بود بسوی بهشتها

النَّعِيمِ وَجَارِ الْكَرِيمِ صَاحِبِ جِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

پر نعمت و پناه خدای بخشنده یار جبرئیل بر وی باد سلام

وَرَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَشَفِيعِ الْمُذْنِبِينَ وَغَايَةِ

و پیغمبر فرستادهٔ پروردگار عالمیان و شفاعت کننده گناهگاران و غایت

قوله العربي منسوب بسوی عرب که قبیله ایست از اسماعیل علیه السلام ۱۲ قوله القرشي منسوب است بسوی قریش ... روایت ... در حزب چهارم در بیان نسب آنحضرت صلی الله علیه وسلم گذشته ...

قوله الزمزمي منسوب بسوی چاه زمزم زیراکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم صاحب آن چاه است ۱۲

قوله المكي منسوب بسوی مکه معظمه که جای تولد آنحضرت معلوم شده ... بحجاز ...

قوله والطرف الكحيل بفتح طا وسکون را یعنی چشم ... سرمه گین بود ... ۱۲

الْغَمَامِ وَمِصْبَاحِ الظَّلَامِ وَقَمَرِ التَّمَامِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

غمام ست و چراغ شب تاریک و ماهتاب کامل درود فرستد خدا بروی

وَعَلٰى اٰلِهِ الْمُصْطَفَيْنَ مِنْ أَطْهَرِ جِبِلَّةٍ صَلٰوةً

و بر آل وی که برگزیده شده اند از پاکیزه ترین گروه درودیکه

دَائِمَةً عَلَى الْأَبَدِ غَيْرَ مُضْمَحِلَّةٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

همیشه باشند پیوسته بود بر همیشگی غیر مضمحل درود فرستد خدا بروی

وَعَلٰى اٰلِهِ صَلٰوةً يَتَجَدَّدُ بِهَا حُبُوْرُهُ وَيُشَرَّفُ

و بر آل وی درودیکه تازه شود بدان خاطر او و بزرگ شود

بِهَا فِي الْمَعَادِ بَعْثُهُ وَنُشُوْرُهُ فَصَلَّى اللّٰهُ

بآن در قیامت برخاستن او و حاضر شدن او پس درود بفرستد خدا

عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهِ الْأَنْجُمِ الطَّوَالِعِ صَلٰوةً تَجُوْدُ

بر وی و بر آل وی که ستارگان برآینده اند درودیکه بیارد

عَلَيْهِمْ أَجْوَدَ الْغُيُوْثِ الْهَوَامِعِ أَرْسَلَهُ مِنْ أَرْجَحِ

برایشان بارنده ترین باران ها که بسیار ریزنده ست فرستاد او را افزون ترین

الْعَرَبِ مِيْزَانًا وَأَوْضَحِهَا بَيَانًا وَأَفْصَحِهَا لِسَانًا

عرب از روی عقل و روشن ترین آن از روی بیان و خوشترین آن از روی زبان

وَأَشْمَخِهَا إِيْمَانًا وَأَعْلَاهَا مَقَامًا وَأَحْلَاهَا

و بلند ترین آن از روی ایمان و رفیع ترین آن از روی مقام و شیرین ترین آن

قوله ومصباح الظلام یعنی چنانچه از چراغ تاریکی شب نابود شود و از آن حضرت صلی الله علیه وسلم ...

قوله وقمر التمام ...

قوله المصطفین ...

قوله جبلة بکسر جیم و با و فتح لام با تشدید ۱۲

قوله مضمحلة بضم میم اول و کسر حاء و تشدید لام ۱۲

قوله حبوره بضم حاء و فتح آن نیز آمده ۱۲

قوله یشرف بضم یا و فتح را با تشدید ۱۲

قوله بعثه یعنی برخاستن او از قبر ۱۲

قوله ونشوره یعنی حاضر شدن او بعرصه قیامت ۱۲

قوله تجود ...

قوله العرب میزانا ...

في يوم الأحد

كَلَامًا وَأَوْفَاهَا ذِمَامًا وَأَصْفَاهَا رَغَامًا

از روی کلام و تمام ترین آن از روی حرمت و صاف ترین آن از روی خاک

فَأَوْضَحَ الطَّرِيقَةَ وَنَصَحَ الْخَلِيقَةَ وَشَهَرَ

پس روشن ساخت اسلام را و پند داد مردم را و مشهور ساخت

الْإِسْلَامَ وَكَسَّرَ الْأَصْنَامَ وَأَظْهَرَ الْأَحْكَامَ وَ

اسلام را و شکست بتان را و آشکارا ساخت احکام دین را و

حَظَرَ الْحَرَامَ وَعَمَّ بِالْإِنْعَامِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ

منع کرد از حرام و شامل شد پیروان خود را بدادن انعام درود فرستد خدای بر وی و

عَلَى آلِهِ فِي كُلِّ مَحْفِلٍ وَمَقَامٍ أَفْضَلَ الصَّلٰوةِ

بر آل وی در هر مجلس و مقام بزرگترین درود

وَالسَّلَامِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ عَوْدًا وَبَدْأً

وسلام درود فرستد خدای بر وی و بر آل وی درحالتیکه بازگردند ونو پیدا شوند

صَلٰوةً تَكُونُ ذَخِيرَةً وَوِرْدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

درودیکه باشد ذخیره و ورد درود فرستد خدای بر وی

وَعَلَى آلِهِ صَلٰوةً تَامَّةً زَاكِيَةً وَصَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و بر آل وی درودی کامل پاکیزه و درود فرستد خدای بر وی

وَعَلَى آلِهِ صَلٰوةً يَتْبَعُهَا رَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَ

و بر آل وی درودیکه درپی آید آنرا راحت و روزی جاودانی

يَعْقُبُهَا مَغْفِرَةٌ وَّرِضْوَانٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى آ

ودرپی آید آنرا آمرزش و خوشنودی و درود فرستد خدا بر

أَفْضَلِ مَنْ طَابَ مِنْهُ النِّجَارُ وَسَمَا بِهِ الْفَخَارُ

بزرگترین کسیکه خوب و نیکو شد ازاو اصل او و بلند شد بسبب او فضائل پسندیدهٔ او

وَاسْتَنَارَتْ بِنُورِ جَبِينِهِ الْأَقْمَارُ وَتَضَاءَلَتْ

و روشن شد بنور پیشانی وی ستارگان و اندک شد

عِنْدَ جُودِ يَمِينِهِ الْغَمَائِمُ وَالْبِحَارُ سَيِّدِنَا

نزد بخشش دست راست وی ابرها و دریاها رئیس مایان

وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ الَّذِي بِبَاهِرِ آيَاتِهِ أَضَاءَتِ

و پیغمبر مایان محمد که به علامات دینی او روشن شدند

الْأَنْجَادُ وَالْأَغْوَارُ وَبِمُعْجِزَاتِهِ نَطَقَ الْكُتُبُ

زمینهای بلند و فراز و زمینهای پست نشیب و بعلامات نبوت او گویا شده است قرآن

وَتَوَاتَرَتِ الْأَخْبَارُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلٰى آلِهِ

و پی درپی رسیده احادیث درود فرستد خدا بروی و بر آل وی

وَأَصْحَابِهِ الَّذِينَ هَاجَرُوا لِنُصْرَتِهِ وَنَصَرُوهُ

و یاران وی که جدا شده اند از وطن برای یاری دادن وی و یاری داده اند اورا

فِي هِجْرَتِهِ فَنِعْمَ الْمُهَاجِرُونَ وَنِعْمَ الْأَنْصَارُ

در هجرت وی پس نیکو اند هجرت کنندگان و نیکو اند یاری دهندگان

الحزب السابع

صلوته

قوله ایکها بیشه خود درختان بسیار انبوه اند ۱۲

قوله الدیمة باران نرم که بی رعد و برق باشد ۱۲

قوله المدرار باران بسیار بارنده ۱۲

قوله ضاعف الله یعنی زیاده گرداند خدا تعالی

قوله الطیبین پاک اند از عیب و نقصان ۱۲

قوله الکرام بزرگان اند نزد خدا تعالی

قوله ذی الجلال والاکرام

صَلٰوةً نَامِيَةً دَائِمَةً مَا سَجَعَتْ فِيْ أَيْكِهَا

درود دیگر — افزاینده باشد — همیشه باشد — تا وقتیکه بخوشی آواز میکنند — در — بیشهٔ خود

الْأَطْيَارُ وَهَمَعَتْ بِوَبْلِهَا الدِّيْمَةُ الْمِدْرَارُ

پرندگان — و میریزد — باران سخت خود — بارانی زیاد — پی درپی

ضَاعَفَ اللّٰهُ عَلَيْهِ دَائِمَ صَلَوَاتِهٖ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

زیاده گرداند — خدا — بروی — درودهای خود را — خدایا — درود بفرست

عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِهِ الطَّيِّبِيْنَ الْكِرَامِ

بر — سرور ما یان — محمد — و — بر آل او — که پاک — و بزرگ‌اند

صَلٰوةً مَّوْصُوْلَةً دَائِمَةَ الْاِتِّصَالِ بِدَوَامِ

درود فرستادن که پیوسته باشد — همیشه باشد — پیوسته آمدن آن — همیشگی

ذِي الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدِ

خداوند بزرگی — و بزرگی دادن — خدایا — درود بفرست — بر — محمد

اِلَّذِيْ هُوَ قُطْبُ الْجَلَالَةِ وَشَمْسُ النُّبُوَّةِ وَ

که — او — مدار — بزرگیست — و آفتاب — نبوة — و

الرِّسَالَةِ وَالْهَادِيْ مِنَ الضَّلَالَةِ وَالْمُنْقِذِ مِنَ

رسالتست — و راه نماینده — از — گمراهی — و خلاص کننده — از

الْجَهَالَةِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلٰوةً دَائِمَةً

نادانی — درود فرستد — خدا — بروی — و — سلام — درود دیگر — همیشه باشد

قوله هو قطب الجلالة یعنی آن بزرگی که مدار بزرگان است و قطب در اصل بمعنی ستاره‌ای است در آسمان ...

قوله شمس النبوة والرسالة یعنی نبوت چون آفتاب است ... پیغام و احکام الٰهی ... صلی الله علیه وآله وسلم ... صاحب قصیده برده میگوید چنانچه

شعر

فانه شمس فضل هم کواکبها

یظهرن انوارها للناس فی الظلم

قوله والهادی یعنی راه نماینده از گمراهی کفر بسوی راست که اسلام است ۱۲

قوله المنقذ من الجهالة یعنی خلاص کننده از نادانی احکام دین بتعلیم ... ۱۲

الاتصال والتوالي متعاقبة بتعاقب الايام والليالي

پیوسته آمدن آن و پی در پی آمدن آن یکی پس دیگری آینده باشند به پی در پی آمدن روزها و شبها

الحزب الثاني يختم به ويبدأ بالاسماء والحزب الاول في يوم الاثنين

اللهم صل على محمد النبي الزاهد رسول

خدایا درود بفرست بر محمد که پیغمبر زاهد فرستاده

الملك الصمد الواحد صلى الله عليه وسلم

پادشاه بزرگوار است یگانه درود بفرست خدای بروی و سلام

صلوة دائمة الى منتهى الابد بلا انقطاع

درودیکه همیشه باشد تا پایان رسیدن زمانه بی شکستگی

ولا نفاد صلوة تنجينا بها من حر جهنم و

و بی فنا درودیکه خلاص گردانی تو ما را بآن از گرمی دوزخ و

بئس المهاد اللهم صل على سيدنا محمد النبي

بد فرشی ست خدایا درود بفرست بر سرور مایان محمد که پیغمبر

الامي وعلى اله وسلم صلوة لا يحصى لها عدد

امی ست و بر آل وی و سلام بفرست درودیکه شمار کرده نشود مراتبه او را شمار

ولا يعد لها مدد اللهم صل على محمد صلوة

و شمرده نشود مرآن را از پس آینده خدایا درود بفرست بر محمد درودیکه

تُكْرِمُ بِهَا مَثْوٰهُ وَتُبَلِّغُ بِهَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنَ

بزرگ گردانی بسبب آن منزل او را برسانی بسبب آن روز قیامت از

الشَّفَاعَةِ رِضَاهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدِ النَّبِيِّ

پذیرفتن شفاعت خوشنودی او را خدایا درود بفرست بر محمد که پیغمبر

الْاَصِيْلِ السَّيِّدِ النَّبِيْلِ الَّذِيْ جَآءَ بِالْوَحْيِ

استوار سردار بزرگ ست که آورد وحی را

وَالتَّنْزِيْلِ وَاَوْضَحَ بَيَانَ التَّاْوِيْلِ وَجَآءَهُ

و قرآن را و روشن ساخته تفسیر قرآن را و آمد او را

الْاَمِيْنُ جِبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكَرَامَةِ

فرشته بالامانت جبرئیل ست بر وی باد سلام به بزرگی

وَالتَّفْضِيْلِ وَاَسْرٰى بِهِ الْمَلِكُ الْجَلِيْلُ فِي

و افزونی و سیر کناینده آنرا بادشاه که بزرگ ست در

اللَّيْلِ الْبَهِيْمِ الطَّوِيْلِ فَكَشَفَ لَهُ عَنْ

شب تاریک دراز پس برکشاد برای او پرده

اَعْلَى الْمَلَكُوْتِ وَاَرَاهُ سَنَاءَ الْجَبَرُوْتِ وَ

عالم غیب که برتر ست و نمود آنرا بلند مرتبه بر همه آفرینش و

نَظَرَ اِلٰى قُدْرَةِ الْحَيِّ الدَّآئِمِ الْبَاقِي الَّذِيْ

نگاه کرد بسوی آثار قدرت خدای که زنده همیشه پاینده ست که

لایموت صلی الله علیه وسلم صلوة

نمیرد درود فرستد خدا بروی وسلام درودیکه

مقرونة بالجمال والحسن والکمال و

نزدیک شده باشد بخوبی ونیکوئی ونهایت زیبائی و

الخیر والافضال اللهم صل علی محمد و

بهتری و بزرگی خدایا درود بفرست بر محمد و

علی آل محمد عدد الاقطار وصل علی

بر آل محمد بشمار کنارهای آسمان ودرود بفرست بر

محمد وعلی آل محمد عدد اوراق الاشجار

محمد و بر آل محمد بشمار برگ درختان

وصل علی محمد وعلی آل محمد عدد

ودرود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

زبد البحار وصل علی محمد وعلی آل محمد

کف دریاهای ودرود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عدد الانهار وصل علی محمد وعلی آل

بشمار جویهای ودرود بفرست بر محمد و بر آل

محمد عدد رمل الصحاری والقفار

محمد بشمار ریگ بیابانها ودشتها

قوله لایموت
وآنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم درآن شب بسیار عجائب وغرائب دید چنانچه بعضی از آن در کتب احادیث مذکور گردیده ۱۲

قوله والافضال
این عبارت دو معنی دارد یکی آنکه درود می فرستند که زیاده کننده آن درود این صفات برای ذات خلاصهٔ کائنات آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم دوم آنکه در ذات این درود این صفات باشد ۱۲

الثامن الحزب

قوله الاقطار
کنارهای آسمان و زمین ۱۲

قوله عدد الانهار
بشمار جویهای آب که می روند بر زمین فانی ودر بهشت جاودانی ۱۲

قوله الصحاری
جمع صحرا ودشتها ۱۲

قوله القفار
جمع قفر بیابان بی آب وگیاه وویران ۱۲

قوله ثقل
بکسر ثاء و سکون قاف
یعنی بشمار اجزای
بارهای
قوله یختلف به
اللیل والنهار
یعنی تا بکی ...
...

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ

ودرود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

ثِقَلِ الْجِبَالِ وَالْأَحْجَارِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بار کوهها و سنگها و درود بفرست بر محمد

وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَهْلِ

و بر آل محمد بشمار ساکنان بهشت و باشندگان

النَّارِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

دوزخ ودرود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عَدَدَ الْأَبْرَارِ وَالْفُجَّارِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بشمار نیکوکاران و بدکاران ودرود بفرست بر محمد

وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا يَخْتَلِفُ بِهِ اللَّيْلُ

و بر آل محمد بشمار از حالی بحالی دیگر میشود بآن شب

وَالنَّهَارُ وَاجْعَلِ اللّٰهُمَّ صَلَاتَنَا عَلَيْهِ

و روز و گردان خدایا درود ما یارا بر آن

حِجَابًا مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَسَبَبًا لِإِبَاحَةِ

پرده از عذاب دوزخ و سبب برای روا بودن نعمت

دَارِ الْقَرَارِ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ وَصَلَّى

سرای پاینده بدرستیکه توئی غالب آمرزگار ودرود فرستد

حکمت

پادشاهی متغیر ومختلف است واهل بصیرت را درین اختلاف پند و عبرت است

نظم

ز باد خزان صنع پاکش نگر
روان کرد بر روی برگ آب بنده

دگر باز بان عروس چمن
هم از لطف و گفتگو همچو من

قوله الغفار یعنی آمرزگار گناهان

قوله العزیز یعنی غالب هستی بر هر چیز که خواهی

قوله دار القرار یعنی بهشت

اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِهِ الطَّيِّبِيْنَ وَ
خدا بر رئیس مایان محمد و بر آل وی که پاکانند و

ذُرِّيَّتِهِ الْمُبَارَكِيْنَ وَصَحَابَتِهِ الْاَكْرَمِيْنَ
ذریت او که افزونی داده شده اند و یاران او که بزرگانند

وَاَزْوَاجِهٖ اُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِيْنَ صَلٰوةً
و زنان او که مادران مؤمنانند درود دیگر

مَّوْصُوْلَةً تَتَرَدَّدُ اِلٰى يَوْمِ الدِّيْنِ اَللّٰهُمَّ
پیوسته باشد آمدن آن پی درپی آمده باشد تا روز پاداش خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِ الْاَبْرَارِ وَزَيْنِ الْمُرْسَلِيْنَ
درود بفرست بر رئیس نیکوکاران و زیباترین پیغمبران

الْاَخْيَارِ وَاَكْرَمِ مَنْ اَظْلَمَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَ
که بهترانند و بزرگترین کسیکه تاریک شد و ست بروی شب و

اَشْرَقَ عَلَيْهِ النَّهَارُ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ يَا ذَا
روشن شده است بروی روز بگوید این سه بار خدایا ای خداوند

الْمَنِّ الَّذِيْ لَا يُكَافٰى اِمْتِنَانُهٗ وَالطَّوْلِ
احسان که پاداش داده نمیشود نعمت دادن او را و بزرگ داری

الَّذِيْ لَا يُجَازٰى اِنْعَامُهٗ وَاِحْسَانُهٗ
که پاداش داده نمیشود بخشیش او را و نیکوئی او را

قوله الطیبین یعنی پاکند از هر عیب و نقصان ۱۲ قوله اشرق در بعضی نسخه بجای اشرق اضاء آمده و معنی هر دو یکی است لطیفه بزرگی آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم بر همه آفرینش از روی عقل و نقل ثبوت رسیده و در قرآن و احادیث و سایر کتب پیشینیان مذکور گردیده و خلعت سیادت و اجتباء و هم و سر ۱ برقد رعنای او زیباست و لباس شرافت و کرامت بر قامت با شهامت وی لایق و سزاوار است

بیت
قبای سلطنت هر دو کون تشریفست
که جز بقامت اقبال او نیامد راست ۱۲

الثامن
الحزب

قوله ثلثا و بعضی نسخه این لفظ نیامده و اینجا و در بعضی کتب تمام شد و پیش از این دعای درود کسی درود خیر و صحیح نیست و بعد از وی درود امید قبولیت

قوله الطول بفتح طا ۱۲

قوله واحسانه ای بر نعمتهای خدای پایان نیست و بنده از شکر او عاجز و نهایت از احسان او ناتوان است ۱۲

بیت
گر بر سر هر موی من گردد زبانی شکر تو
یک شکر از نعمای تو نتوان بیان کردن هنوز

نَسْئَلُكَ بِكَ وَلَا نَسْئَلُكَ بِاَحَدٍ غَيْرِكَ اَنْ

سوال میکنم ترا بوسیلهٔ تو و سوال نمیکنم ترا بوسیلهٔ هیچ کس جز تو آنکه

تُطْلِقَ اَلْسِنَتَنَا عِنْدَ السُّؤَالِ وَتُوَفِّقَنَا لِصَالِحِ

روان گردانی سخن زبانهای ما یا ما را وقت پرسیدن منکر ونکیر در قبر و توفیق دهی تو ما یا ما را به نیک

الْاَعْمَالِ وَتَجْعَلَنَا مِنَ الْاٰمِنِيْنَ يَوْمَ الرَّجْفِ

کارها و گردانی ما یا ما را از ایمن شدگان روز لرزیدن زمینها

وَالزَّلَازِلِ يَا ذَا الْعِزَّةِ وَالْجَلَالِ اَسْئَلُكَ يَا

و جنبیدن آن ای خداوند غلبه و بزرگی سوال میکنم ترا ای

نُوْرَ النُّوْرِ قَبْلَ الْاَزْمِنَةِ وَالدُّهُوْرِ اَنْتَ

روشن کنندهٔ هر روشنی پیش از همه زمانها و دهرها توئی

الْبَاقِيْ بِلَا زَوَالٍ الْغَنِيُّ بِلَا مِثَالٍ الْقُدُّوْسُ

پاینده بی نابود شدن بی نیاز بی همتا بغایت پاک

الطَّاهِرُ الْعَلِيُّ الْقَاهِرُ الَّذِيْ لَا يُحِيْطُ

منزه بلند مرتبه غالب بر همه که فرا نگیرد

بِهٖ مَكَانٌ وَلَا يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَمَانٌ

اورا موضعی و در نمیگیرد اورا اجزای زمان

اَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الْحُسْنٰى كُلِّهَا وَبِاَعْظَمِ

سوال میکنم ترا بوسیلهٔ نامهای تو که نیکو اند همه آنها و بوسیلهٔ بزرگترین

أَسْمَائِكَ إِلَيْكَ وَأَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً

نامهای تو بسوی تو و بلندترین آنها نزد تو از روی مرتبه

وَأَجْزَلِهَا عِنْدَكَ ثَوَاباً وَأَسْرَعِهَا مِنْكَ

و بزرگترین آنها نزد تو از روی پاداش و زودترین آنها از تو

إِجَابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْجَلِيلِ

از روی قبول کردن و بوسیلهٔ نام تو که نگاهداشته و پوشیده شده است بزرگ

الْأَجَلِّ الْكَبِيرِ الْأَكْبَرِ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي

بزرگتر بزرگ بزرگترین بزرگ بزرگ تر که

تُحِبُّهُ وَتَرْضَى عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ

دوست داری آنرا و خوشنود شوی تو از کسیکه دعا میکند ترا بوسیلهٔ آن و قبول میکنی

لَهُ دُعَاءَهُ أَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

برای آن دعای اورا سؤال میکنم ترا خدایا بوسیلهٔ آنکه نیست هیچ معبودی سزاوار پرستش مگر تو

الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ

مهربان نعمت دهنده آفریننده آسمانها و زمین

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

خداوند بزرگی و کرم کردن داننده پوشیده و ظاهر

الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ

بزرگ بلند و سؤال میکنم ترا بوسیلهٔ نام تو که بزرگ است

حاشیه صفحه هذا

قوله
المخزون
یعنی بوسیلهٔ نام تو که
نگاهداشته شده است در
خزانهٔ غیب تو
١٢

+ العظيم الاعظم

الأعظم الذي إذا دعيت به أجبت وإذا

بزرگ که چون دعا کرده شوی باو قبول میکنی و چون

سئلت به أعطيت وأسئلك باسمك الذي

خواسته شوی بآن میدهی و سؤال میکنم ترا بوسیله نام تو که

يذل لعظمته العظماء والملوك والسباع

فروتر میشود برای بزرگی آن بزرگان و پادشاهان و درندگان

والهوام وكل شيء خلقته يا الله يا رب

و گزندگان و هر چیزیکه پیدا کرده تو اورا ای خدای ای پروردگار

استجب دعوتي يا من له العزة والجبروت

قبول فرما دعای مرا ای کسیکه ثابت است اورا بزرگی و غلبه

يا ذا الملك والملكوت يا من هو حي لا

ای خداوند عالم ظاهر و عالم غیب ای کسیکه زنده است هرگز

يموت سبحانك ربي ما أعظم شأنك و

نمیرد پاکی یاد میکنم ترا ای پروردگار من چه چیز است که بزرگ کرده است مرتبه ترا و

أرفع مكانك أنت ربي يا متقدس سافي

بلند کرده است شان ترا توئی ای پروردگار من ای پاک در

جبروته إليك أرغب وإياك أرهب يا

صفات خود بسوی تو رغبت میکنم و از تو می ترسم ای

قوله الاعظم
یعنی بزرگترست از همه نامهای دیگر
قوله یذل لعظمته العظماء
یعنی زبون میشوند برای بزرگی آن نام بزرگان
قوله السباع
قوله الهوام
قوله یا رب
قوله الملکوت
قوله شانك
قوله یا متقدس سافی جبروته
قوله الیك ارغب
قوله وایاك ارهب

عَظِيمُ يَا كَبِيرُ يَا جَبَّارُ يَا قَادِرُ يَا قَوِيُّ

ای بزرگ ای بزرگوار ای نیکوکننده ای توانا ای خداوند قوت

تَبَارَكْتَ يَا عَظِيمُ تَعَالَيْتَ يَا عَلِيمُ سُبْحَانَكَ يَا

بزرگ شده تو ای بزرگوار برتر شده تو ای داننده بپاکی یاد میکنم ترا ای

عَظِيمُ سُبْحَانَكَ يَا جَلِيلُ أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

بزرگوار بپاکی یاد میکنم ترا ای بزرگ سوال میکنم ترا بوسیله نام تو

الْعَظِيمِ التَّامِّ الْكَبِيرِ أَنْ لَا تُسَلِّطَ عَلَيْنَا

که بزرگ است کامل بزرگ بر نگماری بر ما یان

جَبَّارًا عَنِيدًا وَلَا شَيْطَانًا مَرِيدًا وَلَا

سرکشی را ستیزنده و نه شیطان برون رفته شده از اطاعت و نه

إِنْسَانًا حَسُودًا وَلَا ضَعِيفًا مِنْ خَلْقِكَ

آدمی بدخواه را و نه ناتوانی را از آفریدگان خود

وَلَا شَدِيدًا وَلَا بَارًّا وَلَا فَاجِرًا وَلَا عَنِيدًا

و نه سخت را و نه نیکوکاری را و نه بدکاری را و نه منکری را

وَلَا عَتِيدًا اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ

و نه دشمنی را خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا پس بدرستیکه من گواهی میدهم

أَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ

تحقیق تو خدا هستی که نیست معبودی بحق مگر تو یگانه بذات خود

الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

یگانه بصفات خود بی نیاز که نزاد کسی را و زاده نشد از کسی و نیست و نبود مر او را

كُفُوًا أَحَدٌ يَا هُوَ يَا مَنْ لَا هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا إِلٰهَ

همتا هیچ کس ای آنکه اشاره کرده شود باو بکلمهٔ هو ای آنکسیکه نیست آنکه اشاره کرده شود بآن کلمه مگر آنکه

إِلَّا هُوَ يَا أَزَلِيُّ يَا أَبَدِيُّ يَا دَهْرِيُّ يَا دَيْمُومِيُّ

مگر او ای آنکه قدیم است ای آنکه نهایت نیست پایندگیش را ای پاینده همیشه ای آنکه همیشه هستی او

يَا مَنْ هُوَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ يَا إِلٰهَنَا وَإِلٰهَ

ای آنکسیکه او زنده است که نمیرد هرگز ای معبود مایان و معبود

كُلِّ شَيْءٍ إِلٰهًا وَاحِدًا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ اللّٰهُمَّ

هر چیزی در حالیکه معبود یگانه نیست معبودی بر حق مگر تو خدایا

فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

ای پدید آرندهٔ آسمانها و زمین دانندهٔ پوشیده و ظاهر

الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الدَّيَّانُ الْحَنَّانُ

بخشنده مهربان زنده پاینده پاداش دهنده بسیار مهربان

الْمَنَّانُ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

نعمت دهنده برانگیزنده باقی خداوند بزرگی تام و انعام عام

قُلُوبُ الْخَلَائِقِ بِيَدِكَ نَوَاصِيهِمْ إِلَيْكَ فَأَنْتَ

دلهای آفریدگان در تحت تصرف تست موی پیشانیهای ایشان کشیده شده است بسوی تو پس تو

تَزرَعُ الخَيرَ فِي قُلُوبِهِم وَتَمحُو الشَّرَّ اِذَا شِئتَ مِنهُم

کشت میکنی نیکوئی را در دلهای ایشان و نابود میکنی بدی را وقتیکه میخواهی از ایشان

فَاَسئَلُكَ اللّٰهُمَّ اَن تَمحُوَ مِن قَلبِي كُلَّ شَيءٍ تَكرَهُهُ

پس سؤال میکنم ترا خدایا آنکه نابود گردانی مرا از دل من هر چیزیرا که ناپسند داری تواو

وَاَن تَحشُوَ قَلبِي مِن خَشيَتِكَ وَمَعرِفَتِكَ وَ

و آنکه پر گردانی مرا دل مرا از ترس خود و شناخت خود و

رَهبَتِكَ وَالرَّغبَةَ فِيمَا عِندَكَ وَالاَمنَ وَ

ترسیدن از تو و خواهش در چیزیکه نزد تست و ایمن بودن و

العَافِيَةَ وَاعطِف عَلَينَا بِالرَّحمَةِ وَالبَرَكَةِ

تندرستی و مهربانی کن برمایان به بخشش خود و افزونی خیر و خوبی

مِنكَ وَاَلهِمنَا الصَّوَابَ وَالحِكمَةَ فَنَسئَلُكَ اللّٰهُمَّ

از کرم خود و در دل انداز مایانرا نیکوئی را و دانش را پس سؤال میکنم ترا خدایا

عِلمَ الخَائِفِينَ وَاِنَابَةَ المُخبِتِينَ وَاِخلَاصَ

علم ترسندگان و بازگشتن فروتنان و پاک ساختن نیت

المُوقِنِينَ وَشُكرَ الصَّابِرِينَ وَتَوبَةَ الصِّدِّيقِينَ

مثل بیگمانان و سپاس گذاری مثل شکیبائی کنندگان و توبه راستگاران

وَنَسئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِنُورِ وَجهِكَ الَّذِي مَلَأَ

و سؤال میکنم ترا خدایا بوسیله نور ذات تو که پر کرده است

الحزب الثامن

أَرْكَانَ عَرْشِكَ أَنْ تَزْرَعَ فِي قَلْبِي مَعْرِفَتَكَ

گوشهای عرش ترا آنکه بروبانی تو در دل من تخم شناخت خودرا

حَتَّى أَعْرِفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ كَمَا يَنْبَغِي أَنْ تُعْرَفَ

تاآنکه بشناسم ترا چنانچه واجبست شناختن تو چنانکه سزاوارست اینکه شناخته شوی تو

بِهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَمَوْلٰنَا

بدان و درود فرستد خدا بر مهتر ماپان و خبردهندهٔ ماپان و رئیس ماپان

مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّيْنَ وَإِمَامِ الْمُرْسَلِيْنَ وَعَلٰى آلِهِ

محمد که آخر همه پیغمبران ست و پیشوای همه مرسلان و بر آل وی

وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيْمًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ

و یاران وی و سلام فرستد سلام فرستادنی و همه ستایش ثابت ست مر خدا را که پروردگار عالمیان ست

وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

و آن خدای بس ست ماپان را و نیکو کارگذاری ست و نه دور بودن از معصیت و نه توانائی بر عبادت

إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِمُؤَلِّفِهِ وَارْحَمْهُ

مگر بتوفیق خدای برتر که و بزرگست خدایا بیامرز مر مؤلف را و رحم فرما

وَاجْعَلْهُ مِنَ الْمَحْشُوْرِيْنَ فِي زُمْرَةِ النَّبِيِّيْنَ

و بگردان او را از محشورین در زمرهٔ انبیا

وَالصِّدِّيْقِيْنَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بِفَضْلِكَ يَا رَحْمٰنُ

و صدیقین در روز قیامت بفضل تو ای بسیار مهربان

هذا الدعاء يقرأ عقيب ختم دلائل الخيرات

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اشرح بالصلوة عليه صدورنا ويسر بها امورنا وفرج
بها همومنا واكشف بها غمومنا واغفر بها ذنوبنا واقض بها
ديوننا واصلح بها احوالنا وبلغ بها امالنا وتقبل بها توبتنا و
اغسل بها حوبتنا وانصر بها حجتنا وطهر بها السنتنا وانس بها
وحشتنا وارحم بها غربتنا واجعلها نورا بين ايدينا ومن خلفنا
وعن ايماننا وعن شمائلنا ومن فوقنا ومن تحتنا وفي حياتنا
وموتنا وفي قبورنا وحشرنا ونشرنا وظلا يوم القيمة على رؤسنا
وثقل بها موازين حسناتنا وادم بركاتها علينا حتى نلقى نبينا
وسيدنا محمدا صلى الله عليه وسلم ونحن امنون مطمئنون فرحون
مستبشرون ولا تفرق بيننا وبينه حتى تدخلنا مدخله وتؤوينا
الى جواره الكريم مع الذين انعمت عليهم من النبيين والصديقين و
الشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا اللهم انا امنا به صلى الله
عليه وسلم ولم نره فمتعنا اللهم في الدارين برؤيته وثبت
قلوبنا على محبته واستعملنا على سنته وتوفنا على ملته واحشرنا
في زمرته الناجية وحزبه المفلحين وانفعنا بما انطوت عليه قلوبنا

مِنْ مُحَبَّتِهٖ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ لَاجَدَّ وَلَامَالَ وَلَابَنِيْنَ وَاَوْرِدْنَا
حَوْضَهُ الْاَصْفٰى وَاَسْقِنَا بِكَاسِهِ الْاَوْفٰى وَيَسِّرْ عَلَيْنَا زِيَارَةَ حَرَمِكَ
وَحَرَمِهٖ مِنْ قَبْلِ اَنْ تُمِيْتَنَا وَاَدِمْ عَلَيْنَا الْاِقَامَةَ بِحَرَمِكَ وَحَرَمِهٖ صَلَّى
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِلٰى اَنْ نَتَوَفّٰى اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَشْفِعُ بِهٖ اِلَيْكَ اِذْ هُوَ
اَوْجَهُ الشُّفَعَاءِ اِلَيْكَ وَنُقْسِمُ بِهٖ عَلَيْكَ اِذْ هُوَ اَعْظَمُ مَنْ اُقْسِمَ بِحَقِّهٖ
عَلَيْكَ وَنَتَوَسَّلُ بِهٖ اِلَيْكَ اِذْ هُوَ اَقْرَبُ الْوَسَائِلِ اِلَيْكَ نَشْكُوْ اِلَيْكَ يَارَبِّ
قَسْوَةَ قُلُوْبِنَا وَكَثْرَةَ ذُنُوْبِنَا وَطُوْلَ اٰمَالِنَا وَفَسَادَ اَعْمَالِنَا وَتَكَاسُلَنَا
عَنِ الطَّاعَاتِ وَهُجُوْمَنَا عَلَى الْمُخَالِفَاتِ فَنِعْمَ الْمُشْتَكٰى اِلَيْهِ اَنْتَ يَارَبِّ
بِكَ نَسْتَنْصِرُ عَلٰى اَعْدَائِنَا وَاَنْفُسِنَا فَانْصُرْنَا وَعَلٰى فَضْلِكَ نَتَوَكَّلُ فِيْ
صَلَاحِنَا فَلَا تَكِلْنَا اِلٰى غَيْرِكَ يَارَبَّنَا وَاِلٰى جَنَابِ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ
سَلَّمَ نَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنَا وَبِبَابِكَ نَقِفُ فَلَا تَطْرُدْنَا وَاِيَّاكَ نَسْئَلُ فَلَا
تُخَيِّبْنَا اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ تَضَرُّعَنَا وَاٰمِنْ خَوْفَنَا وَتَقَبَّلْ اَعْمَالَنَا وَاَصْلِحْ اَحْوَالَنَا
وَاجْعَلْ بِطَاعَتِكَ اشْتِغَالَنَا وَاِلَى الْخَيْرِ مَاٰلَنَا وَحَقِّقْ بِالزِّيَادَةِ اٰمَالَنَا
وَاخْتِمْ بِالسَّعَادَةِ اٰجَالَنَا هٰذَا ذُلُّنَا ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَحَالُنَا لَايَخْفٰى
عَلَيْكَ اَمَرْتَنَا فَتَرَكْنَا وَنَهَيْتَنَا فَلَمْ نَتَّرِكْ وَلَايَسَعُنَا اِلَّا عَفْوُكَ فَاعْفُ عَنَّا يَا
خَيْرَ مَامُوْلٍ وَاَكْرَمَ مَسْئُوْلٍ اِنَّكَ عَفُوٌّ غَفُوْرٌ رَّؤُفٌ رَّحِيْمٌ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَ
صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ وَسَلَّمَ تَسْلِيْمًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ

این سلام بعد ختم بزار بے خواند

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام ای صاحب خلق عظیم	السلام ای معدن لطف عمیم
السلام ای سرور عالی جناب	السلام ای شافع یوم الحساب
السلام ای مقتدای مرسلین	السلام ای رحمة للعالمین
السلام ای پیشوای انبیا	السلام ای پس رو تو اولیا
السلام ای ورد بستان هدے	السلام ای عارفان را مقتدی
السلام ای آنکه ابر رحمتی	السلام ای آنکه کان نعمتی
السلام ای بحر علم من لدن	السلام ای مخزن اسرار کن
السلام ای مشرق انوار غیب	السلام ای ماحی ظلمات ریب
السلام ای مطلع نور و ضیا	السلام ای معدن علم و حیا
السلام ای نجم ثاقب السلام	السلام ای عارضت ماه تمام
السلام ای صیقل مرآت دل	السلام ای کاشف هر غش و غل
السلام ای روے تو بدر منیر	السلام ای بوے تو مشک و عبیر
السلام ای منبع جود و عطا	السلام ای نور بخش اهل صفا
السلام ای قاب و قوسینت مقام	السلام ای انبیا کرده امام
السلام ای در رکهت دار الامان	السلام ای خاتم پیغمبران
السلام ای چشمهٔ آب حیات	السلام ای نور تو هر شش جهات
السلام ای کور چشمان را دلیل	السلام ای صاحب خُلق جمیل
السلام ای بیکسان را دستگیر	السلام ای رازدان روشن ضمیر
السلام ای سرور هر دو جهان	السلام ای رهنمائی گمرهان
السلام ای خسته را مرهم تهی	السلام ای تشنه را شربت دهی
السلام ای ذکر تو غفلت ربای	السلام ای فکر تو ظلمت زدای
السلام ای چارهٔ بیچارگان	السلام ای مونس غمخوارگان
السلام ای فخر هر پیغمبری	السلام ای دلبری هر دلبری

درود که منسوب بسوی حضرت غوث الاعظم قدس الله سره است مسمی بکبریت احمر

بسم الله الرحمن الرحيم

اللّٰهم اجعل افضل صلواتك ابداً وانمى بركاتك سرمداً وازكى تحياتك فضلاً وعدداً واسنى سلامك بداً مجدداً على اشرف الخلائق الانسانية ومجمع الحقائق الايمانية وطور التجليات الاحسانية ومهبط الاسرار الرحمانية وواسطة عقد النبيين ومقدم جيش المرسلين وقائد ركب الانبياء المكرمين وافضل الخلائق اجمعين حامل لواء العز الاعلى ومالك ازمة المجد الاسنى شاهد اسرار الازل ومشاهد انوار السوابق الاول وترجمان لسان القدم ومنبع العلم والحلم والحكم مظهر سر الجود الجزئي والكلي وانسان عين الوجود العلوي والسفلي روح جسد الكونين وعين حياة الدارين المتحقق باعلى رتبة العبودية

السّلام ای معطی هر آرزو السّلام ای فیض تو هر چارسو

السّلام ای دردمندان را دوا السّلام ای مایهٔ هر بینوا

السّلام ای جلوه گرد رسینه ام السّلام ای مصقل آئینه ام

السّلام ای ذکر تو ایمان من السّلام ای فکر تو درمان من

السّلام ای نام تو ورد زبان السّلام ای حبّ تو در دل نهان

السّلام ای موصل مطلوبها السّلام ای منعم مرغوبها

السّلام ای دستگیر افتادگان السّلام ای دلبر دلدادگان

السّلام ای تاج عزّت بر سرت السّلام ای فیض و احسان بر درت

السّلام ای حلّ مشکل السّلام السّلام ای کار من از تو تمام

السّلام ای عذر خواه مذنبین لطف فرما بر گناه ما مبین

السّلام ای ابر رحمت فیض بار بر تو هم بر چار و شش هم هشت و چار

صد سلام از ما و از تو یک علیک صد سوال از ما و از تو یک لبیک

صد سلام از ما بهر دم صبح و شام بر تو هم بر آل و اصحابت تمام

بر امید آنکه ای عالی جناب از لب شیرین تو آید یک جواب

دردمندم ای طبیب غیبدان رنج ما دریاب از نبض تپان

از علاج ما تو نیکو آگهی داروی درد دلم هم تو دهی

هست داروی دل بیمار من شربت وصل تو ای دلدار من

پس چشانیکجرعه از جام وصال بیش ازین مگذار ما را در ملال

هین مران ما را ز هجر درد و رنج رحم کن بر ما بحق هفت و پنج

یا رسول الله بسی در مانده ام باد در کف خاک بر سر کرده ام

بیکسانرا کس توئی در هر نفس من ندارم درد و عالم جز تو کس

یک نظر سوئی من غمخواره کن چارهٔ کار من بیچاره کن

گرچه ضایع کرده ام عمر از گناه توبه کردم عذر من از حق بخواه

روز و شب بنشسته در صد ماتم تا شفاعت خواه باشی یکدمم

تمت بالخیر

العبودية والتخلق باسرار المقامات
الاصطفائية سيد الاشراف وجامع
الاوصاف الخليل الاعظم والحبيب الاكرم
نبيك العظيم ورسولك الكريم والهادي
الى الصراط المستقيم سيدنا ومولانا
محمد المحمود في الايجاد والوجود الفاتح
لكل شاهد ومشهود نور كل شيء و
هداه وسر كل سر وسناه سيد المرسلين
وامام المتقين وخاتم النبيين وحبيب
رب العالمين وعلى آله واصحابه واهل
بيته وذريته وسلم تسليما كثيرا
عدد خلقك وزنة عرشك ورضى
نفسك ومداد كلماتك كلما ذكرك
الذاكرون وكلما غفل عن ذكرك
الغافلون ورضي الله تعالى عن
اصحاب رسول الله اجمعين
برحمتك يا ارحم
الراحمين

تتمهٔ حاشیه صفحه دوازدهم

تتمهٔ حاشیه صفحه چهاردهم

قوله وشوارق الانوار جمع شارقه است
بمعنی طلوع کننده وآن نیز عبارت است
از صلوٰة این کتاب یعنی درودهای این کتاب
نورهاست طلوع کننده از مشارق مواهب الٰهی
وروشنیهاست برآینده از افق مناقب
رسالت پناهی صلی الله علیه وآله وسلم ۱۲
قوله من التابعین فائده بدانکه
سنت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بر سه نوع است
قول پیغمبر وفعل وی وتقریر وی ومعنی تقریر
آنست که مثلاً شخصی بحضور پیغمبر صلی الله علیه وآله
وسلم کاری کرد یا شخصی چیزی گفت وپیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم بر آن مطلع شد
واز آن منع نکرد وخاموش ماند و آنرا مقرر داشت

تتمه حاشیه صفحه ۱۵ پانزدهم

ست بانکه وی صلی
وقتیکه در ذکر وصف نبوت اشارت ست باین
الله علیه وآله وسلم در مرتبه رسالت اسم او وارث ست ازبرای
رسالت فوق مرتبه نبوت ست ۱۲ قوله ردی
لشریف زیراکه مرتبه رسالت ۱۲ قوله صحابی مشهور
شرط بودن کتاب در رسالت الانصاری که صحابی مشهور
یعنی روایت کرده شده از ابو طلحه الانصاری بصریح بلکه
ست و نام او در مشکوة و در روایت این حدیث مقدسه نزول باران
قوله جاء ذات یوم یعنی از حجرات مقدسه بیرون آمد
قوله والبشری بالضم یعنی بشارت یاد و در اخروی الف
مقصوره ۱۲ قوله وسیماء اصل جمع بشر دیده شده و سیلان
قوله جبرئیل فایده بفتح جیم و را و فتح جیم ۱۲ قوله فقال
بنا و کسر اوباکسر جیم و سکون یاد و دو بلا همزه
کسی گفت جبرئیل بلطف بیام آنرا بیرون و لکاد و بعضی
لغت بمنزله جبرئیل ۱۲ قوله اما ترضی ایا
ستنخ لفظ امام و ترضی ۱۲

تتمه حاشیه صفحه بیست و دوم

راضی نمیشوی تا ترضی یعنی بابد که البته راضی شوی ۱۲
قوله مادام یصلی علی فایده بدانکه بیان بلطف نشدکان
واجب ست بانکه اصحاب بر انبیا اند قادر بر تشکیل باشکال
مختلفه و بندگان خدا اند بی قربانی بکنند او استعراف اند
در عالم بازون وی سبحانه و متصف شیند بحروی و بزرگی
قوله فلیقلل بضم یاء و تشدید لام مکسوره بعد از
قاف مفتوحه و بهمین وزن ست فعلی که بعد
او ست ۱۲ قوله عند ذلك یعنی بعد شنیدن
این خبر

وحصول علم بدوام این فضل و نفع او ۱۲ قوله
لیکثره تنبیه در تخییر امر خیر فی الحقیقة
ترغیب ست بر اکثار آن چراکه عاقل ترک نمیکند
آنرا تا ممکن ست ۱۲ قوله بحسب المرء بسکون سین
و در بعضی نسخه بدل المرء المؤمن آمده عنده
فائده در عین عنده کسره و فتحه و ضمه هر سه
در لغت جائز آمده ۱۲ قوله ولا یصلی علی
تنبیه معنی آنکه آن بخیل ست که مال خود را
باوجود میل طبیعت از خود جدا نتواند کرد بل سخت
و تمام در بخل کسی ست که نام من برده شود و
بحکم کسل و غفلت یک کلمه درود بر زبان نیارد
و ادای حقوق شکر نعمتهای دنیوی و اخروی
که واصل ست بواسطه من نکند و ادای محبت
آن ست که جان فدائی بکنند چه جای یک کلمه که بنام
وی بر زبان آرند بلیت مرحبا ای پیک
مشتاقان بده پیغام دوست ٭ تا کنم جان
از سر رغبت فدای نام دوست ۱۲ قوله
اکثروا بفتح همزه و کسر ثا مثلثه و اقل وجه
کثرت در بالا معلوم شده

تتمه حاشیه صفحه هفدهم

صلی الله علیه وآله وسلم چنانچه در حدیث دیگر
مذکور ست ۱۲ قوله مقاما محمودا وصف
مقام به محمود بطریق مجاز ست یعنی در مقامیکه
ستوده شود صاحب آن بزبان همه کس و
آن مقام مقام قرب و شفاعت ست بلیت
در مقامیکه صدارت به بزرگان بخشند ٭
چشم دارم که بجاه از همه افزون باشی ٭
قوله الذی وعدته یعنی در قرآن مجید
بقول خود عسی ان یبعثك ربك مقاما
محمودا حلت له شفاعتی یوم القیمة
یعنی هرکه این دعا بعد از اذان و اقامت بخواند
فرود آید بر وی شفاعت من در روز قیامت
یا آنکه لازم و واجب میشود برای وی شفاعت
من تنبیه اگرچه همه امت گناهگاران
برای مغفرت گناهان و نیکوکاران برای
بلندی درجات امیدوار شفاعت اند و لیکن
صاحب این عمل را شفاعت لازم باشد و
این شفاعتی خاص و رحمتی بزرگ مخصوص بوده

گفته اند که این
بشارت کنایت ست از حسن
عاقبت و موت بر ایمان ست چه شفاعت
مخصوص بایمان ست لیکن بشارت شفاعت مستلزم بشارت
بایمان باشد فایده و بعضی شفاعت و رجوع و حسن عفو
گناه وی که گناه و ی کار و گو شفاعت آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم هرچند نوع بود و هر یکی را لایق بحال وی اول
شفاعت کبری ست که عام بود و همه خلایق را و مخصوص
باشد با آنحضرت صلی الله علیه و هیچکس را از انبیا مجال جرات بران
نبود و آن برای راحت دادن و خلاص نمودن بود از
درازی مدت ایستادن و در عرصات و تعجیل حساب و
برآوردن از آن شدت و محنت و دیگر شفاعت در حق صالح
برای داخل ساختن وی بجنت بغیر حساب و باری
تخفیف حساب و بار برای زیاده نمودن درجات و در حق
عاصی برای نجات از دوزخ و بار برای تقلیل مدت بودن وی
در آن و برای اهل مدینه و زیارت کنندگان قبر شریف
شفاعتی بود بر وجه امتیاز و اختصاص و اینجا مراد همین
شفاعت ست ۱۲ نظم فخر کونین و آنکه شفیعش تولی ٭
پایه قدر رفیعش ز ناز بیست ٭ حاصل از بن بیت
شفاعت ست شفاعت مرا ٭٭ ۱۲

تتمه حاشیه صفحه سی و سوم

قوله صلاتا فایده بدانکه ظاهر احادیث و بعضی
احادیث دیگر که در آخر مشکوة مذکور ست دلالت دارند
بر آنکه تو اند که بعد از صحابه رضی الله عنهم کسی
باشد که مساوی با ایشان باشد و در فضل یا افضل
باشد

و سیوطی کتابی علیحده دارد و اسماء شریف تالیف
کرده بالجمله کثرت اسماء دلالت میکند بر عظمت
مسمیٰ **فائده** خفاجی در شرح شفا آورده که
نامهای آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم توقیفی
ست چنانچه اسماء الٰهی یعنی موقوف بشنیدن است
از شارع پس جایز نیست که نامیده شود
او را صلی الله علیه و آله و سلم جز بنامیکه نامیده
ست او را خدا تعالی و نه او خود صلی الله علیه
و آله و سلم و نه پدر او و نه جد او **تنبیه**
فائده آوردن نامهای شریف درینجا آن است
که آنها معرفت تمام با آنحضرت صلی الله علیه
و آله و سلم بشناختن نامهای صفات
و معلوم ساختن بلندی مرتبه و منزلت
وی نزد سبحانه و اینچنین معرفت زیاده
میکند دوستی آنحضرت صلی الله علیه
و آله و سلم و نگاهداشت تعظیم و وقار آنرا و
شوق میدهد بسیار گفتن درود بر
آنحضرت صلعم و نیز بسیاری ازین نامها
درین کتاب بعد ازین در ضمن درود ها
مذکور خواهد شد پس مقدم کرده شد درینجا تا
بوقت خواندن درود ها اطلاع برین نامها
حاصل گردد و لهذا این راقم حروف در شرح
درود ها معنی اکثر اسماء شریف برهمین جا
حواله خواهد نمود ۱۲ قوله وهی هذه یعنی
آن نامها این است که مذکور میشوند ۲۶۳۹

تتمه حاشیه سی و پنجم ۳۵

قوله ماح **تنبیه** نیز در معنی این اسم شریف
آمده که محو میکند خدا تعالی بسبب وی صلی الله
علیه و آله و سلم گناهان امت را ۱۲ قوله حاشر
بر دارنده مردگان از گورها جمع کننده آنها را
در عرصهٔ قیامت یعنی اول کسیکه برانگیخته میشود
از قبر آنحضرت صلعم باشد و دیگران جمع کرده شوند
بسوی او و او سلطان آنروز بود تا که او برنخیزد
هیچکس برانگیخته نشود پس او سبب شد

ازاثبات آن با آنکه
اجماع دارند بر آنکه صحابه افضل
امت اند پس حل کرده اند این احادیث را
بر اثبات جهتی از جزئیت و لیکن فضل کلی عبارت است
از کثرت ثواب ثابت است مر صحابه را و با جلیه بقا
شرف صحبت با آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم حاصل
نمودند و مشاهده انوار جمال وی فیض یاب بودند
و رسانیدند دعوت او بخلق و نصرت و اوندوی را
صلی الله علیه و آله و سلم و تقویت دین نمودند و الاخفاف
شرف شدند بایمان بالغیب و پاک شدند از شک
و دیگر و نگاه داشتند و نقل نمودند شریعت آن را
و حکم کردند ارکان طریقت آنرا و بلند کردند منار
آن و تابع آن شدند انوار آنرا و ظاهر ساختند آثار
آن پس اشکال باقی نماند زیرا که مراد از جزئیت باعتبار
کیفیات مختلف است و بعضی از آن اقوی است
بانکه فضل جزوی سعادت ضمن فضل کلی بیشتر و بیش
فضل مستقدم است و این تکلف است برای شاهد
واشارت است بانکه جهت حق تعالی واسع است ۱۲

تتمه حاشیه صفحه سی و چهارم ۳۴

بعضی گفته اند که چون تفحص کرده شود اسماء آنحضرت
از کتب متقدمه و قرآن و حدیث به صد برسد
و چهار صد نیز آمده قاضی ابوبکر ابن العربی که از علما
است گفته که بعضی صوفیه گفته اند که حق تعالی را هزار
نام است و آنحضرت را نیز هزار نام است مراد
بانام ذات و حبیب او و از ذات و از صفت
و اوصاف و اسمی مشتق است

در برانگیختن همه
پس صحیح شد که او را حاشر گویند
بطریق مجاز ۱۲ قوله عاقب یعنی آینده بعد
همه انبیا و نیست پس از وی هیچ پیغمبری گفته اند معنی
او بار حل است بزبان سریانی گویند که یعنی یاد او انسان است مراد
از ذات اقدس آنحضرت است صلعم و در کامل است از ان
بالاتفاق است پس مراد اسم آنحضرت صلعم که طالب است و هادی یعنی
شفاعت است و هادی شریعت باطاهر از لوث
علام الغیوب باطهارت دل است از غیر حق و هدایت و تقویت
و در حقایق سلمی آورده که طا اشارت است با آنکه کرده شد
اکوان از نور محمدی صلعم و ها اشارت است بانکه هدایت یافت
قرب بکنون از سرمدی و در تبیان آورده که ها اشارت است
بانکه عالی آنحضرت صلعم و در بعضی تفاسیر آمده که
حساب حروف طه چهارده است و ماه چهارده شب کامل میشود
آن نیست که ماه در شب چهاردهم بدر میشود و مراد ازان
ضمن این خطاب تشبیه بکمال است جمیع آنحضرت صلی الله علیه
و سلم و بدر است چنانچه پوشیده نیست بر
عرفا و اهل باطن

مثنوی

ماه چون کامل بود بدر انور بود ❁ زانکه او مرآت نور حق بود
گشته ماه بدری و کامل تر بدر ❁ صدر تو تشریح کامل شرح صدر
در شب تاریکی کفر و ضلال ❁ از جهت روشن شد از نور جلال

حاشیهٔ متعلق صفحهٔ ۵۷ پنجاه و هفت

قوله و تسلیم نسائها
فایده بیان کیفیت مسجد شریف در وضع نموده
آنست که چون پیغمبر صلعم بمدینه تشریف آوردند
بوجه اجمال آنکه بی تکلف زینت دنیا از هفتاد گز
وی آمد که مسجدی بنا کن از خشت خام بنا کرده
بلندی یکمن پس آنحضرت بر مسجد چیزی نموده و ستونهای
و سقف آن از جرید خرما و طول آن از جهت مغرب
از چوبهای وی و طول و از جهت جنوب
و مشرق شصت و سه گز بود و قبلهٔ آن زمان
و شمال پنجاه و چهار گز بود تا شانزده یا هفده
جانب بیت المقدس بود پس کعبه شد که جهت جنوب
ماه بعده قبله بجانب کعبه شد بنا از نو ساخته بود
است و باز بسال هفتم از هجرت باز عمر زید در خلافت خود
و صد در صد ساخت و باز عثمان تکلف در
از جانب مغرب و شمال افزود و از جانب مغرب
عمارت پس از آن عثمان رضی از سنگهای
و شمال و جنوب افزود و عمارت ساخت و در
منقوش و سقف از چوب ساج ساخت و در
سال هشتاد و هشت هجری
ح

ؤ

ولید بن
عبد الملک بن مروان
حجرات اهل بیت نبوی رضی الله عنهم
تبعدی گرفته داخل مسجد
نمود فاطول
او
دویست گز
و عرض یکصد و شصت و
هفت گز شد و در عمارت بسیار
تکلف کرد همه را آب زر نقش نمود و علامت
محراب اول
او
حادث
نمود و بعده مهدی خلیفه
عباسی از جانب
شمال
افزوده
و بنای حجرهٔ مبارک
که دران قبر شریف است
تا زمان ولید از خشت خام بود و پس
ازان عمر بن عبد العزیز بحکم ولید آنرا هدم
نموده به سنگهای منقوشه بنا کرده
ظاهر آن حظیره دیگر بنا
نمود و در یکجانب
سقف
وی دریچه گذاشت
لیکن هیچکدام ازین هر دو در

بگذرد خشت و لعل از آن تا امروز
در آمدن در آن فتح شده و بر این حظیره
غلاف مبارک می آویزند و در سال پانصد و پنجاه
و هفت لعل از جاذبه نقب که از دو نصرانی به نجیب
شده بود خندقی در حریم حجره تا آب برسانیده
پرویزی گداخته پر کرد و در سال ششصد و پنجاه و
و هشت قبهٔ خضرا که بالای حجرهٔ شریفه است
بلندتر از سقف مسجد با شباک نحاس با اتمام رسید
سلاطین بنا شده و این شباک را از چهار جانب
چهار در است و باب جبرئیل بر روی مفتوح میشود و
درهای دیگر گاه گاه و بنای مسجد شریف که الحال که
سال یکهزار و یکصد و سی و سه است موجود
است در سال هشتصد و هشتاد و هشت شده
و آن بنای ملک قایتبای است که از ملوک مصر بود و در میان
مردم در مسجد شریف در سال نهصد و ... از سلطان
سلیمان رومی تعمیر نموده ۱۲

تتمۂ حاشیۂ صفحہ ۶۴ شصت و چهار

قوله
فصل فی
کیفیة الصّلوٰة
این
فصل ثابت است
در بیان چگونگی درود بر پیغمبر
صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم یعنے
بکدام لفظ درود باید گفت پس آورده
است مؤلف درین فصل
درودها که بعضے
از
آن
حضرت صلعم
بخواندن آن امر نموده
و در حدیث وارد شده و بعضے دیگر از آنچه
اصحاب رض
و تابعین و علمای امت
انشا نموده اند و در روایت آمده
که چون امر الٰہی بفرستادن
درود بر
حضرت
رسالت
پناهی
صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم
نازل شد بعضے از اصحاب التماس
نمودند یا رسول اللہ ما تا چگونه
بر تو درود فرستیم پس پیغمبر صلعم
درود بایشان تعلیم نمود و بخواندن آن
۱

در حدیث مستطاب از امر مودود و آن
بار چند درود ادا است باختلاف روایات چنانچه
پیشتر می آید پس کیفیت بخواندن آن را ایشان و درود
فرستاده شده است تعیین و جزاوار شده است بیک
بار درود اکتفا باید که آمده است در احادیث برای خواندن درود

دقیقه

اختلاف کرده اند در آنکه خوانده درود خوانده است
یا خوانده شود را یکبار باید خوانده یا بار بار و
راست نزد صحیح تا این است زیرا که فایده که خوانده است
در فصل اول از احادیث معلوم شده و ادا برای
آن حضرت صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم از برای آنکه
درود از ایشان طلب رحمت و درخواست بزرگی و
بلندی مرتبه است از خدا و تعالی برای آنحضرت
صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم و اگرچه حق تعالی
برای آنحضرت صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم بهترین مرتبت طلب
ایشان عطا کرده است لیکن جائز است

که
چون
یکے
از امت بروے
درود گوید اللہ تعالی بسبب
آن در مرتبہ وے بیفزاید زیرا که
فضل و انعام الٰہی
را نهایت نیست
و آن
حضرت
صلی اللہ
علیہ و آلہ
وسلم در ترقّی
است در مراتب قرب
و از جهت
عبودیت
محتاج است
برحمت
حق
تعالی
زیرا که
رحمت وی را حدے
نیست
۱۲

تتمهٔ حاشیهٔ صفحه ۹۷ نود و هفت

قوله اللهم صل علی من سبحت فی کفه الحصاة

فایده روایت کرده است بیهقی از دلایل که گفت ابوذر غفاری رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در موضع نشسته بود و ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم حاضر بودند آنحضرت هفت سنگریزه از زمین برداشت و در کف مبارک خود آورد و آن سنگریزه ها تسبیح گفتند یعنی سبحان الله چنانچه آواز آنها مانند آواز زنبور بگوش من رسید پس آنها را بر زمین گذاشت خاموش شدند بعد از آن برداشت و در کف ابوبکر نهاد در آورد و همچنان تسبیح گفتند و در کف عمر و عثمان رضی الله عنهم نیز در آورد تسبیح گفتند و بیرون دست مبارک

رباعی

علی کرم الله وجهه نیز در یا رب بحق آنکه دو نیم شد

ای نام اعظمی که در کف میمون او حصا

تسبیح گفت در کف او سنگ ریزه را

دلهای خسته را بکرم مرهمی و شفا

قوله اللهم صل علی من تشفع الیه الظبی با فصح کلام **فایده**

در شفا آورده که ام سلمه رضی الله عنها روایت میکند که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در صحرا میگذشت آهوی بزبان فصیح گفت یا رسول الله پس نزدیک او رفت و فرمود حاجتی داری گفت آری شکار کرده است مرا این اعرابی و درین کوه دو بچه دارم مرا بگشا تا بروم و آنها را شیر دهم و نزد تو باز آیم آنسرور صلعم آهو را بگشاد و اعرابی در خواب بود آهو برفت و بچگان خود را شیر داد و باز گشت آنحضرت آنرا بند کرد پس اعرابی بیدار شد و دید آنحضرت را نزد خود گفت آیا حاجتی داری فرمود این آهو را آزاد کن آن مرد آهو را بگشاد و بگذاشت آهو می دوید و می گفت اشهد ان لا اله الا الله وانك رسول الله ۴ و ملا علی قاری در شرح مناسک آورده که شاید آن موضع است که مشهور است بمسجد غزاله در وادی روحاء در دامن کوه بجانب دست چپ رونده از مدینه منوره بمکه معظمه سه کروه از مدینه منوره است ۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲

قوله اللهم صل علی من کلمه الضب فی مجلسه مع اصحابه **فایده**

نقل کرده است حدیث ضب را بیهقی و صاحب شفا که روزے اعرابی سوسماری شکار کرده بود و بجای خود میبرد تا بر جماعتی گذشت که گرد آمده بودند و در میان ایشان مردی دید پرسید که این کیست گفتند این محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله وسلم است که دعوی نبوت میکند و مردم برو گرد آمده اند آن صیاد نزدیک حضرت رسید و گفت که سوگند بلات و عزی که من بتو ایمان نیارم تا وقتیکه این سوسمار بتو ایمان آرد و آن سوسمار را از آستین خود برآورد و پیش آنحضرت انداخت آنحضرت فرمود ای ضب گفت لبیک و سعدیک یعنی ایستاده ام بفرمان بردای تو فرمود کرا می پرستی گفت خدای را که در آسمان عرش اوست و در زمین غلبه او و در بهشت رحمت او و در دوزخ سلطان اوست فرمود من کیستم سوسمار گفت تو رسول پروردگار عالمیان و خاتم پیغمبرانی و رستگاری یافت هرکه تصدیق تو کرد و زیانکار گردید هرکه ترا دروغگو داند پس اعرابی گفت حاضران ...

تتمهٔ حاشیهٔ صفحهٔ نود و هشت ۹۸

قوله اللهم صل علی من انشق له القمر و نادیده

مشرکان گفتند که محمد صلی الله علیه و آله وسلم چشم ما را بسحر بسته
کرده و ماه را دو پاره ننموده و مسافران که از راه‌ها آمده بودند
ازآنها صورت این حال پرسیدند همه جواب دادند که فلان شب
ما ماه را دو نیمه دیدیم باوجود این نگرویدند و گفتند جادوی او ولایت
گرفته و در نیم شب *

بیت مه شکافد مصطفی در نیم شب *
تا زند خانه ز کینه بولهب *

قوله اللهم صل علی الطیب
یعنی پاک و نیکو و معطر بخوشبوئی
یعنی طاهر و دور از هر چیز بد که شرک است ،،
و بیان این مدعا سوارشریف که گذشت و پاکیزه کرده شده ،،
قوله المطیب یعنی پاک شده و پاکیزه کرده شده ،،
از هرچه که نسبت او نشاید و عقل و شرع آنرا پسند نماید ،،
قوله النجم الثاقب یعنی چراغ
قوله النجم الساطع یعنی مانند صبح که تاریکی شب زایل
گردد همچنان بآمدن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم ظلمت کفر و
جهالت محو و نابود شد ،، قوله النجم الثاقب یعنی ستاره تابان
که رهروان شب به روشنی ستاره راه یابند همچنان
بمتابعت ... مقصود راه یابند

همچنان بمتابعت آنحضرت
سالکان راه دین بمنزله عرفان و یقین
صلعم سالکان راه دین بمنزلهٔ عرفان و یقین
میرسند **بیت** اختر برج شرف کائنات * گوهر درج صدف
ممکنات * قوله العروة الوثقی یعنی این دراسماء شریفه گذشته
بیت دین آمد فلک محکم اساس * ملتش اعروة الوثقی شناس
هرکه شد در دین خیر المرسلین * از روی معنی
چنگ در حبل المتین *

تتمهٔ حاشیهٔ صفحهٔ یکصد و یازده ۱۱۱

تار و پود بقا گسسته شدی
مانند آنکس ز عقل دارد بهره
کردو شهر را چو جا شود یک شهر
سلک جمعیت از نظام افتد
رخنه در کار خاص و عام افتد

و دیگر توحید حالیست و این مرتبهٔ عالیست و این ترجیح
فناست درین مرتبه موحد وجود نابود خود در بحر مشاهده
واحد چنان غرق نماید که جز از جلوهٔ ذات و صفاتش در
نظر مشهود او نیاید پس هرکه مخمور باین شراب طهوراست
بقدر مرتبهٔ خود لذت یاب است **رباعی**

خواهی که ز توحید دلت گردد شاد
باید که شوی ز بند هستی آزاد
هرچند که حباب آشنائی دریاست
تا محو نشد گره ز کارش نه کشاد

وقیقه در حالت استغراق آنحضرت صلعم
در نفحات مذکور است که حق تعالی
در حالت فنا قوی تر از همه انبیا و اولیا بوده و از اینجا ست
فعل او را بخود نسبت کرده گفت و ما رمیت اذ رمیت
ولکن الله رمی

آن مشت خاک بر روی دشمن
و زنید اخفی بلکه خدا انداخت و همم از آن جنس فعل داود
علیه السلام آمده و مود قتل داود جالوت **مثنوی**
ما رمیت اذ رمیت گفت حق * کار حق بر کارها دارد سبق
گر بپرانیم تیر آن نی ز ماست * ما کمان و تیراندازش خداست
تا نشد مطلوب کس از ما مرتب نمانت * گر ز خواهی آن الطرف ابر شمالات

قوله انسان عین الوجود
مردمک چشم وجود عالم یعنی چنانچه روشنی
مردمک چشم در مردمک است و سبب آن تن آدمی
همچنان چشم و جهان از حسن و جمال عالم
مانند دیوار است
بذات سید الابرار است

نظم
همه کیست جان را قرة العین *
کمان ابروی قاب قوسین *
دو چشم روشن ارباب بینش *
گل بستان سرای آفرینش *

تتمۂ حاشیۂ صفحہ ۱۴۱ یکصد و چهل و یک

بن
مالک بن نضر
بفتح نون ولقب او
قریش است و آن نام گاوی است
که در دریا باشد بسیار بزرگ است
و با قوت است بن کنانہ بکسر کاف بن خزیمہ
بضم خا و فتح یای منقوطہ بن مدرکہ بضم
میم و کسر رای بن الیاس
بن مضر بضم میم
و فتح ضاد
منقوطہ بن
نزار
بکسر نون
بن معد بفتح میم و عین و تشدید
دال بن عدنان بفتح عین تا اینجا ہمہ اہل تواریخ را اتفاق است
و
بعد از
وی تا آدم اختلاف بسیار
است تا آنکہ گفتہ اند کہ بعد
از عدنان سکوت بہتر
است و بعضے
میان عدنان
و اسمٰعیل
چہار
عدد شمار کردہ اند و بعضے زیادہ نمودہ اند تا بحدیکہ بچہل عدد رسیدہ
اما اتفاق است ہمہ را کہ اسمٰعیل و ابراہیم و نوح و ادریس و شیث علیہم السلام
از اجداد آنحضرت اند صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم قولہ من الخلاف
یعنے از خلافی کہ واقع بود در میان مردمان
از بہر اختیار کردن آنہا دینہاے مختلفہ را ۱۲

تتمۂ حاشیۂ صفحہ ۱۴۷ یکصد و چهل و هفت

گفت یا رسول اللہ
من زمانیکہ در جالت نمی بینم ترا
آن زمان را در حساب زندگانی نمی شمرم و حال را اندیشم
از آنکہ چون پیغام اجل در رسد و جدائی
تو در میان آید
چہ چارہ
سازم
و سخت تر
سخنے آنکہ اگر در آن جہان
از اہل دوزخ باشم تا کسے بہ بینم و اگر
در بہشت روم بجائیکہ درجہ
بلند تست چگونہ رسم
بیت
از مرگ غمی نیست از آن می ترسم
کز پرتو دیدار تو مانم دور
حق تعالی شکستہ دلان فراق را بمژدۂ وصل شادمان ساختہ آیت فرستاد
ومن یطع اللہ والرسول ہر کہ فرمان برد خدای را و رسول را فاولئک
مع الذین انعم اللہ علیہم پس آن گروہ فرمان برداران باشند در آن روز
با آن کسانیکہ
انعام کردہ است خدا تعالی بر
ایشان بعد و بیان کرد این را از قول خود بہ
من النبیین الی آخر آیہ و ظاہر آیت آنست کہ ہر کرا امروز
کسے را دوست دارد فردا با او خواہد بود چنانکہ در حدیث آمدہ است
المرء مع من احب ہمہ بلبل کسیست کہ او را دوست دارد **بیت** بیچ بلبل بیچ گل گزین
تا شنوی با خرمن گل ہمنشین * الحمد للہ رب العالمین ستائش کردنیکہ ذات او را عقل
از آن عاجز آید ثابت است خدای را کہ پروردگار عالمیان است **بیت** و زبونگار
بیان است و صفت حق تعالی بجز تو نفت
این گمراہ خردمند نہفت * ابتدا دیدہ اول تمام
شدہ و این ابتدا دیدہ دومی است از
کیفیت سورۃ ۱۲

تتمۂ حاشیۂ صفحۂ یک صد و نود و سہ ۱۹۳

آنرا
بامر فرعون
بر آوردند و بازکردند
کودکے ماہ روئے برامد فرعون
رامحبت بہ پدر شد و اورا
بفرزندی گرفت
وموسیٰ
علیہ
السلام
شیر پستان ہیچ دایہ قبول
نمیکرد تا آنکہ مادر وی را بشیر دادن
وی دایہ گرفتند وموسیٰ را
درکنار وی نہادند ۱۲
قولہ ویا زائید
الخضر
فی علمہ
ای افزایندہ خضر را
درعلم ودانش وی چنانچہ در
قرآن مجید در سورۂ کہف کمال
علم وی وصحبت داشتن
موسیٰ باوی تا چیزی
از وے
بیاموزند
مذکور است فایدہ
خضر بکسر خاء وسکون ضاد ونیز بفتح خا
وکسر ضاد و سکون آن وکنیت او
ابوالعباس وخضر لقب اوست
زیرا کہ چون او بر
زمین خشک

نشستے
سبز شدی وگفتہ اند
کہ وی پیش از
از ابراہیم علیہ
السلام بود بعضے گویند بعد
از وے باندک زمانی یا بسیار و نیز
اختلاف است علماء را کہ وے نبی بود یا ولی
و لبیاری از علماء صوفیہ برآنند کہ وے زندہ است وموجود
است درمیان مایان ولیکن پوشیدہ است از
چشم مایان و زندہ مے ماند تا روز قیامت
از برائے خوردن وے آب
حیات را وے بیند
و را بعضے
از صلحاء
و باوے ملاقات
مے کنند ۱۲ ⁂ ⁂ ۱۲ ⁂ ⁂ ۱۲

قولہ یا من وھب لداؤد سلیمان
یعنے اے آنکہ دادہ و عطا فرمودہ مر داؤد را پسر او
سلیمان ۱۲ قولہ ولزکریا یحییٰ یعنے بخشیدہ مر زکریا را
یحییٰ از زن وے ایشاع خواہر مریم در بیضاوی آوردہ کہ عمر زکریا
نود و نہ سال بود و عمر زن وے نود و ہشت سال بود ۱۲
قولہ ولمریم عیسیٰ وبخشیدہ
مر مریم را عیسیٰ بے پدر ۱۲ ⁂ ⁂ ۱۲ ⁂ ۱۲

⁂ ⁂ ⁂ ⁂ ⁂ ⁂ ⁂ ⁂ ⁂
⁂ ⁂ ⁂ ⁂ ⁂ ⁂ ⁂
⁂ ⁂ ⁂ ⁂
⁂ ⁂ ⁂
⁂

تمهٔ حاشیهٔ صفحه ۲۲۷ دو صد و بیست و هفت

قوله والغداء الاسیل فائده

چون بعضی از صفات صورت زیبای آن دلبر رعنا در آنجا
مذکور گردید ذکر تمام حلیهٔ جمیله درین مقام مناسب دیدم تا
بیان خوانندگان را لذت کامل آید و گوش هوش شنوندگان را فرحی
بموجب آنچه اهل حدیث و سیر صورت مبارک آنحضرت صلی الله
علیه و آله و سلم چنین بیان نموده اند که همه اعضای مبارکش بحد
اعتدال بود و قد مبارک نه دراز بود و نه کوتاه و نه بسیار
فربه و نه بسیار لاغر و گوشت بدن مبارک بر یکدیگر بسته بود نه
سست و نه با وجود بلند قدی که رفتی پایشتی از روی
مغز دراز و بلندتر بودی و سر مبارک بزرگ بود و ازان بسیار بود
و موی سر مبارکش سیاه بود لکن خم و پیچ داشت بود بلند میانه
مثل موی جعد نبود و نه بسیار نرم و درو زیاده بر نرمه گوش
این وصف بود و گاهی تا نصف گوش و گاهی تا زیر گوش و فراخ بود
و گاهی تا سر دوش میرسید و جبین نورانی کشاده و روشن بود و ابرو
دو ابروان باریک و دراز و کشیده بود چون کمان پیوسته نبود
و میان دو ابرو رگی بود که وقت غضب ظاهر میشد و سیاهی
چشمان مبارک فراخ و کشاده بود و سپیدی سیاهی و سفیدی
آن بسیار سیاه و سفید

دو مژگان مبارک دراز و بسیار موی بود و در میان آن رگهای سرخی می نمود
و میان آن رگهای سرخی می نمود سخت سفید
هموار بود و بینی شریف اندکی بلند بود و در رخساره زیبا
گردش بر آمده و دهن مبارک کشاده بود و بغایت بلیغ و دندان
گوهر فشان سفید و براق و تیز و باریک و میان دندانها کشاده
و دیدوقت تکلم گویا نوری از آن بر می آید و روی مبارک گرد بود
چون شب چهاردهم می درخشید و رنگ روی سخت سفید نبود
نه سخت گندم گون بلکه اندکی سرخی آمیز بود و رنگ بدن مبارک
سفید و نورانی بود و ریش مبارک انبوه و بسیار زیاد بود و
بود و در موهای آن میان دو چشم و گوش نیز چند موی سفید
ظاهر شده و مجموع موی سفید در سر و در ریش مبارک قریب
به بیست بود و گردن مبارک بلند بود و در نهایت صفا بود و
میان دو شانه از یکدیگر دور بود و سینه بی کینه پهن و شکم
و سینه با هم یکسان و هموار بود و میان دو شانه مهر نبوت
بود مانند بیضهٔ کبوتر روشن تابان و از سینه تا ناف خط
باریک بود از موی کشیده و باقی شکم و سینه بی مو و بازو و دوش
مبارک موی دار و سرهای استخوان اعضای مبارک
بزرگ و بند دست دراز و کف دست

کشاده و نرم تر از حریر بود و انگشتان دست
و ساق پای اندکی باریک و کف دست و کف پای پر
گوشت و دراز و پاشنه کم گوشت و کف پای هموار و نرم و عمیق
و پای در پشت و پیش پای برآمدگی داشت و بغایت خوش
گوشت و زیر پا برای خشنودی از زمین بلند و بیکدیگر لطیف در وصف
چون آنکه همه اعضای شریف آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در حسن
و زیبائی و اعتدال بود و صفات او برتر از حساب جمال است
و جمال شریف درجهٔ کمال است کما قال الشیخ رحمه الله بیت
خوب تر از همه درجه کمال است و محبت دارنده جبرئیل

قوله صف صحا جبرئیل یعنی یار و همدم آنحضرت فرود آمده
علیه السلام که مدت بیست و سه سال با آنحضرت و آن حضرت
و حی آورد و گویند که بیست و چهار هزار بار نزد آن حضرت
آمده با این عدد نزد دیگر پیغمبری نیامده ۲۵

قوله غایة القصام غمام بمعنی ابر است مقصود از آن باران است
یعنی نهایت انعام باران بود آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم مثل
باران است زیرا که از باران زمین مرده زنده میشود و سبزی
کشت زار و درختان میوه دار و از آن حضرت زنده و سرسبز
دلهای ابرار به بستان گلزار معارف و اسرار حضرت
پروردگار
✽ ✽ ✽ ✽

حاشیهٔ متعلقهٔ صفحهٔ دوصد و سی و سه ۲۳۳

قوله وتوبة الصدق اليقين وتوفيق
وتوبه بازگشتن است از معصیت بسوی اطاعت
گویند معنی توبه بازگشتن است و دوری طریق قرب حضوری
و از غفلت بسوی حضرت و از اسباب دوری
و از غفلت است و اول الشیاطین ابلیس بر آنچه در زمان
و گویند توبه را سه شرط است و دوم پشیمانی بر تقصیر و
گذشته گناهی صادر شده باشد و بر طاعت که خدا تعالی امر
نابت بودن و در زمان حال از بدکاریها که در زمان آینده
او بدان امر و مودت و سوم قصد دل بر آنکه توبه عودم
پیر سبکباری که ضلالت شرع بود و نیاید و نیز گویند که توبه عوام
از گناه است و توبه خواص از غفلت قلوب است و توبه
اخص خواص از هرچه غیر محبوب است **نظم**
توبه چون باشد پشیمان آمدن + بر در حق از وسیلهٔ آمدن
خدمتی از سر جزیتش بایار + با حقیقت سر رشته کردن از گناه
گفت پیر کاندرین راه پیشوا است + توبه کن از هرچه آن غیر خداست
مر طاعت عجائب مرکب است + بر فلک تا زو بکا خطر است
قوله کما ینبغی ان نعرف بالامعلوم شده که شناخت صفات
کنه ذات حق تعالی محال است مگر آنکه شناخت تا خاک نشاند
کمال **بیت** ز حد الامکان تا عرش و فرش
پیر سم در نقاب عز و ناز

٣

ذات منخشان العجز و تعذیب
است که اقرار العجز از ادراک آن است ایب
ذات مقدس از شناخت شناسندگان پاک است **نظم**
از هر تو جلوه بیت کز همگان نتر ای + هم زبان نتر ای و هم
ز نشان نتر ای + ذوق فکر و هم بدم مری هری نادو قدم +
کم مری بیش و کم از تو نیابت آگهی + این حد در ذات
مقدس او در شرح نادرست و آنچه اهل حق در معرفت او گفته اند آن
نیز است **نظم** هرکه را عقل خود وبین باشد + پیش و سلطه این
سخن یقین باشد + که آسمان و زمین و هر چه در وی + با شد در
جسم و جان هرچه گنجد در او + نیست او در او مبانیه چاره + که بود
فیض بخش هر پاره + خانه صنع فانه سازکرد + بدیه + نقش
بی صنع خانه دان که رسد + هرچه آمد سوی کارستی جای
با نتر جسته ز بقا ز بلکه + ز عوض ز ذات او و سخن جوهر +
از چه بندی خیال ز آن برتر + اول او بود و کاینات نبود
بافت ز روجمله کاینات وجود + آخر او ماند و نماند کس +
کنه او در اجزا و نهایت بگیس + از همه در صفات ذات خدا +
لیس شئ کمثله ابدا + بصفات کمال موصوف است +
بنعوت جلال معروف است +

١٣

مصنف بعد از دعا
درود آورد و تا هر دو جانب دعای درود
واقع شود و دعائیکه در میان درود باشد مستجاب گردد چنانچه
در فصل اول بیان آن گذشته پس گفت صلی الله علی سیدنا
ودر بعض نسخه بعد این ونبینا ومولانا نیز آمده ۲۷
قوله امام المرسلین یعنی پیشوای پیغمبران اهل کتاب و در مراتب و
خدا برتر از ان سر و را نیز داد
نظم بحضرت رب الارباب ایشان داد +
چو آدم دره و باست قدم زد
زخیل انبیا سالار ایشان داد + چو در شن انگشتی او مفتوح
ز هم صبح آرزو تیغ زد + خلیل از روی نسیمی یافت کامش
نوری ره بجودی کشتی نوح + مسیح از تقدیم او مژده گو ازو +
بر دو بلند چون گلستان حرم روشن + بصر جاهش از کنعان رسیده
علیم از شعل و شعله جیحی + دران وادی که صباح او گشته بود
علامی بود یوسف زر خریده + قوله وسلم تسلیما
بیا دو مجالس با او و دیش بود + و در نسخه مقبره بعد از این زیاده نموده
ان آخر کتاب است و در بعض نسخه بعد این افزوده
قوله والحمد لله رب العالمین و آن علامی است که بشنده است
وحسبنا الله ونعم الوکیل یعنی و آن علامی است برای حل
ما بیند او در کفایت و ثبات و نیکو کارگذاری است از اندیشه خدا
مشکلات **بیت** کار خود را بخدا باز گذار +
کز بتیم از بیم این همه کار
تمام شد

سبب طبع کتاب ہذا

حامداً ومصلیاً ومسلماً بندهٔ امیدوار شفاعت رسول کریم قاضی ابراهیم ابن قاضی نور محمد ساکن پلبندر بخدمات سراپا برکات مشتاقان فیضان روحانی وطالبان فهم معانی وراغبان مسلک آسانی ودوستان جاودانی وبرادران ایمانی التماس می سازد وبدعای ولی می پردازد که ؎ سرشت آدمی چون هست از خاک ❊ رجوعش باز شد در خاک نمناک ❊ امیران وملوک وخان وشاهان ❊ قباپوشان وهریک کج کلاهان ❊ همه سر در نقاب خاک کرده ❊ لباس زندگانی چاک کرده ❊ خوش کسانیکه بحکم خبر سید البشر شفیع المحشر خیر النّاس من ینفع النّاس از ایشان نفعی وفیضی بمردمان یادگار مانده ونیز منطوقهٔ مقبول بارگاه بی نیازی خیرخواه عالم سعدی شیرازی است که ؎ خیری کن ای فلان وغنیمت شمار عمر ❊ زان پیشتر که بانگ برآید فلان نماند ❊ ونیز فرموده ؎ نیک وبد چون همین بباید مرد ❊ خنک آنکس که گوی نیکی برد ❊ برگ عیشی بگور خویش فرست ❊ کس نیارد ز پس تو پیش فرست ❊ نظر براین داشته از مدتی میخواست که دراین تجارت وطبع کتب کاری از دستش برآید که باعث برگ عیش گورش وموجب نجات اخروی وسرخ روی دنیوی گردد بعد از تامل بسیار وتعمق بی شمار خاطرش برآن قرار گرفت که دُرر صلوة طیبات وغرر تحیات زاکیات نثار روح پرفتوح نبی مختار صلّی اللہ علیہ وآلہ وسلّم که افضل عبادات که دراو شائبهٔ ریا نباشد ومعیت خدای عزّ وجل حاصل آید همین است گنجینهٔ درود برآن عاقبت مسعود کتابیست مسمّی بدلائل الخیرات طبع نموده حاصل نماید لکلّ امرئٍ ما نوی بدین نیت بارها طبع نمود لیکن نسخهائیکه بدستش میرسید دراو اختلاف لفظی بسیار می بود وازین باعث خاطر فاتر منتشر می بود ومیخواست که خاطرخواه خویش نسخهٔ صحیحه مطبوع سازد لیکن بحکم کلّ امرٍ مرهونٌ باوقاتها صورت نمی بست تا وقتیکه در سنه ۱۲۸۶ از سنین هجری بطواف حرم محترم وزیارت رسول اکرم صلّی اللہ علیہ وآلہ وسلّم مشرف گشته در مدینه منوّره بخدمت آفتاب سپهر هدایت وارشاد قمر برج سعادت وسداد مصدر حسنات منبع

برکات متقی روزگار عابد و پرہیزگار عالم باعمل عامل بےبدل زاہد زمان اورع دوران سیدی وسندی
شیخ الدلائل جناب سید محمد رضوان سلمہ اللہ المنان وینزل علیہ الرحمۃ والغفران کہ در مسجد
نبوی مقابل روضۂ آنحضرت صلعم نشستہ بودند وباجازت وسند دلائل الخیرات اشتغال میداشتند
ومردمان ہر دیار از اطراف واکناف بلاد وامصار جوق جوق می آیند وبخواندن دلائل الخیرات سعادت
دارین استحصال مینمایند بشتافتم بعد از حصول سعادت ملاقات نسخۂ مطبوعۂ سابق کہ ہمراہ من
بود پیش آنجناب حرف بحرف قراءت نمودم ہر جا کہ آن معظم الیہ از دست مبارک اصلاح فرمودند
نشان کردم بعد فراغ قراءت آن آنجناب موافق عادت خویش سند واجازت بہ بندہ مرحمت فرمودہ
ارشاد نمودند کہ اگر بدین طریق طبع سازی بہتر باشد ومردمان آفاق کہ بذریعۂ زیارت رسول
ثقلین صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آمدہ از من اجازت می خواہند در صحت نسخ شان ہر گونہ وقتی حاصل
وشدتی واصل میگردد از آن تکلیف خلاص یابم الحمد للہ کہ ہر آنچہ خاطر احقر از مدتی می خواست جناب
مسبوق الذکر ہم بدان ایما فرمودند چنان فرحت تازہ ومسرت بی اندازہ روی داد کہ از حد تقریر
وسعہ تحریر فزونست چنانچہ بیماری خواہش خوردن چیزی داشتہ باشد وطبیبش ہم بر آن اجازت
فرماید از غایت فرح وشادی می خواست کہ از جای پریدہ بوطن اصلی خویش رسیدہ بطبعش اشتغال
نماید لیکن چون از قید الماء اشد من قید الحدید خلاص شدہ بوطن مالوفۂ خویش مراجعت
کرد اشتغال عوائق دنیوی تا ۳ سال فرصت نداد کہ با نطباعش مشغول شود وچونکہ بحضرت شیخ
وعدہ راسخ کردہ بود واہمال دست داد در سنہ ۱۲۸۹ از شیخ تاکیدی براین ذرۂ بےمقدار رسید کہ الکریم
اذا وعد وفا نظر براین داشتہ مشغول طبع دلائل گشت اما خواست کہ باشرحش مزرع الحسنات مصنفۂ
عالم باعمل زاہد اکمل کہ ورع وتقوی رابراو نازی وحسن عمل رابکردارش نیازی مترقی بدار علوی محمد
فاضل بن محمد عارف سیف الدین دہلوی قدس سرہ طبع سازد اگرچہ اہل عرب محتاج آن نیستند
واین کتاب عام برای اعراب واعاجم است ولیکن بی فہم معنی حضور وخشوع نیفزاید وعرب رابی ترجمہ اش

هم این حاصل و اعاجم بدان حاجت مندانند لهذا مع شرح مزرع الحسنات مطبوع ساخت
که شرح صفحه بصفحه اش بر حاشیه نوشته شد و در بعضی صفحه که گنجایش آن نبود تتمه
نموده در آخر کتاب داخل ساخت لله الحمد که این شاهد مدعا موافق مطلوب جلوه افروز
گردید که ترجمهٔ صفحه اش در زیر حروف متن و شرحش بر حاشیه ثبت شد و تتمه اش
در آخر کتاب درج گشته شرح کامل شد اگرچه دیگر طباعان سر افتخار بر آسمان سوده اند
لیکن بطرز خویش اسلوب که درین مرعی داشته شده ازاو در آنها اثری نه که گویا
محشی است و بحقیقت شرح کامل است که خواننده را بی دقت صفحه بصفحه مقاصد مطلوبه
و مفائد محروسه حاصل شود در تصحیح و تنقیح آن سعی بلیغ نموده شد الفاظی چند که صحت شان
بشیوخ دلائل موقوف است و از ایشان سینه بسینه میرسد و عقل را در او مدخلی نی
اما چنانچه لفظ سیدنا وغیره که در صدر کتاب اشارت بدان رفته و سبب تالیف احوال
مؤلف که بسند رسید و نیز ادعیه اول و آخر مزید کرده فوقیت
بر دیگر نسخهای مطبوعه داده چنانچه بر ناظرانش
مخفی و محتجب نخواهد بود بنا بر آن مشتاقان
صحت دلائل واضح باد که
دلائلهای خویش که
از مطبوعه سابقه
حقیر داشته باشند بداین مقابله ساخته صحیح نمایند و مهتممش را بدعای خیر و برکت یاد سازند
که خدای عزّ و جل به منتهای تمنایش رساناد اٰمین یا رَبَّ العٰلمین

هرکه خواند دعا طمع دارم ❁ زانکه من بندهٔ گنه گارم ❁ وَاللّٰهُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰی مَا تَصِفُوْنَ

التماس

بخدمت رمزشناس برقاریان دلائل الخیرات وتالیان این مزرع الحسنات مخفی ومحتجب نماند که نسخهٔ دلائل الخیرات که اخی المرحوم جنت ورضوان آرام گاه قاضی ابراهیم صاحب باجازت شیخ الدلائل سابق طبع نموده بود چنانچه کوایف اجازت وسند بالا مذکور گشت مطابق همون نسخه این نسخهٔ متبرکه را بندهٔ درگاه رب رحیم قاضی عبدالکریم وقاضی رحمت الله حَفَظَهُمَا اللّٰهُ

سعادت خود دانسته در سنه ۱۳۰۵ یکهزار وسه صد وپنج هجریه مقدسه معلّی در مطبع فتح الکریم واقع منبئی طبع نموده افاض الله علینا برکاته وعلی مفارق موظفین الدلائل امین ❁

تاریخ از مولوی نور محمد متخلص به فارغ مصحح کتاب هذا

حمد ایزد که طبع گردیده	بار اوّل این نسخه بابرکات
از سر هوش سال تاریخش	بهر طبعش دلائل الخیرات

کتبه خاک سا ذرهٔ بیمقدار فقیر سالک درویش حسین افندی اسلامبولی عفی عنه ❁